

حج و عمره در قرآن و روایات  
نویسنده : محمد محمدی ری شهری  
اسرار و معارف حج

## حجر الأسود

[مقدمه](#)

[بیش گفتار](#)

بخش اول : مگه مکرمه

فصل اول : حرم

[نام های مگه](#)

[فضیلت مگه](#)

ویژگی های مگه

الف : احترام

[ایمنی هر ترسانی که وارد آن شود](#)

[ایمنی حیوانات وحشی و پرنندگان در مگه](#)

[آن چه در مگه حرمت ندارد](#)

ب: آن چه انجامش در مگه، حرام است

[شکستن امنیّت](#)

[ورود غیر مسلمان](#)

[شکار و کندن درخت](#)

[ذبح شکار](#)

[تملک پیدا شده](#)

ج : آن چه در مگه مکروه است

[اقامت بیش از یک سال](#)

[افراشتن ساختمان](#)

[مطالبه بدهکار](#)

د : آن چه در مگه سزاوار است

[نماز](#)

[روزه](#)

[ختم قرآن](#)

[انفاق](#)

هـ : آن چه برای اهل مگه سزاوار است

[خالی گذاشتن مطاف برای طواف واجب](#)

[هم شکلی با مُحرمین](#)

و : هر ظلمی در آن الحاد است

[حدود حرم](#)

آداب ورود به مگه

الف : احرام

ب : غسل

ج : تواضع و خشوع

د : ورود از بالای آن

آداب خروج از مکه

الف : صدقه دادن

ب : خروج از یائین آن

**فصل دوّم : مسجد الحرام**

فضیلت مسجد الحرام

محدوده مسجد الحرام

آداب ورود به مسجد الحرام

فضیلت نماز در مسجد الحرام

**فصل سوّم : خانه خدا**

**نام های خانه خدا**

الف : کعبه

ب : بیت العتیق (خانه آزاد )

ج : بیت الحرام

**فضیلت کعبه**

الف : اولین خانه مردم

ب : گرامی ترین خانه ها

**ورود به کعبه**

الف : مستحب بودن ورود

ب : آداب ورود

ج : آداب خروج

آغاز کعبه

بازسازی کعبه

کعبه در جاهلیت

داستان اصحاب فیل

آن چه در تاریخ اسلام بر کعبه گذشت

**فصل چهارم : آیات و نشانه های کعبه**

نشانه های جامع

مقام ابراهیم و جایگاه آن

الف : حجر الأسود، دست خدا

ب : اصل حجر الأسود

ج : نهادن حجر الأسود در جاهلیت

د : در دوران عبدالملک

هـ : در عصر قرمطیان

حجر اسماعیل و آداب آن

حطیم

ملتمز

مستجار

رکن یمانی

**زمزم**

الف : نام های آن

ب : آغاز آن

ج : فضیلت آن

د : نوشیدن آب آن

هـ : اهدای آب زمزم

بهترین جای مسجد الحرام

مدفن پیامبران در مسجد الحرام

آرایش و پوشش کعبه

تبرک به پوشش کعبه

فضیلت نگاه به کعبه

بخش دوم : حج و عمره

فصل اول : حج

وجوب حج و شرط های آن

فلسفه حج

فضیلت حج

الف : پاسخ دعوت ابراهیم علیه السلام

ب : جهاد ضعیفان

ج : برترین اعمال ، پس از جهاد

د : برتری آن بر نماز و روزه

هـ : حج ، برتر از صدقه

و : فضیلت خرج کردن در راه حج

ز : شایستگی قرض کردن برای حج

ح : حضور همه ساله امام زمان علیه السلام در حج

یاداش حج

پیوسته به حج رفتن

الف : تشویق به حج همه ساله

ب : دعا برای توفیق حج همه ساله

ج : نتایج پیوسته حج گزاردن

د : معنای پیوسته حج رفتن

هـ : ناپسندی پیوسته حج نرفتن برای کسی که بتواند

و : هشدار به آن که تصمیم حج دوباره ندارد

یاداش نیت حج

یاداش کسی که در مسیر حج بمیرد

ویژگی های حج گزار

الف : باریافته باری تعالی

ب : مهمان خدای سبحان

ج : در ضمانت خدای سبحان

د : دعایش مستجاب است

آثار حج

الف : پاکی

ب : بی نیازی

ج : نور

د : خیر دنیا و آخرت

## فصل دوم : تأخیر و ترک حجّ

[هشدار نسبت به ترک حجّ](#)

**صفت تارک حجّ**

[الف : کافر است](#)

[ب : ترک کننده دستور اسلام است](#)

[ج : هنگام مرگ ، خواستار بازگشت به زندگی است](#)

[د : روز قیامت نابینا برانگیخته می شود](#)

[هشدار نسبت به تعطیل کردن خانه خدا](#)

**فصل سوم : واجبات حجّ**

[کلیات واجبات حجّ](#)

**واجبات عمره تمتّع**

**الف : احرام**

[حکمت احرام](#)

[میقات های احرام](#)

[چگونگی احرام](#)

**لَبَّيْكَ** گفتن در احرام

[معنای لَبَّيْكَ گفتن](#)

[چگونگی لَبَّيْكَ](#)

[ثواب لبیک گویی](#)

[همه چیز ، همصدا با لبیک گو](#)

**آداب لبیک گفتن**

[خشوع](#)

[زیاد لبیک گفتن](#)

[بلند گفتن لبیک \(برای مردان \)](#)

[نگفتن لبیک با دیدن خانه های مگه](#)

[محرمات احرام](#)

[مکروهات احرام](#)

**ب : طواف**

[فضیلت طواف](#)

[ادب طواف](#)

[تشویق به طواف زیاد هنگام خلوت بودن](#)

**استلام حجر و آداب آن**

[استحباب استلام](#)

[حکمت استلام](#)

[چگونگی استلام](#)

[تکبیر](#)

[دعا](#)

[استلام نکردن هنگام ازدحام](#)

[دعاهای طواف](#)

**ج : نماز طواف**

**د : سعی بین صفا و مروه**

[فضیلات مسعی](#)

[حکمت سعی](#)

[ادب سعی](#)

[یاداش سعی](#)

[هـ : تقصیر](#)

[واجبات حجّ تمتّع](#)

[الف : احرام](#)

[ب : وقوف در عرفات](#)

[آداب رفتن به عرفات](#)

[علت نامگذاری به عرفات](#)

[افتخار خداوند به اهل عرفات](#)

[اهمیت عرفات](#)

[ادب حضور](#)

[یاداش وقوف در عرفات](#)

[ج : وقوف در مشعرالحرام](#)

[کوچ از عرفات](#)

[یاداش وقوف در مزدلفه](#)

[ادب حضور](#)

[د : فرود آمدن در منی](#)

[کوچ از مشعرالحرام](#)

[نامگذاری به منی](#)

[آداب فرود آمدن در منی](#)

[یاداش وقوف در منی](#)

[هـ : سنگ زدن به جمره](#)

[حکمت سنگ زدن](#)

[جگونگی سنگ زدن](#)

[یاداش سنگ زدن](#)

[و : قربانی](#)

[ز : تراشیدن سر](#)

[ح : طواف زیارت](#)

[ط : سعی](#)

[ی : طواف نساء](#)

[فصل چهارم : آداب حج](#)

[آنچه پیش از فرارسیدن حجّ شایسته است](#)

[الف : آمادگی](#)

[ب : اخلاص](#)

[ج : شتاب](#)

[د : یادگرفتن مناسک حجّ](#)

[هـ : حلال کردن مال](#)

[و : پاکیزگی ره توشه](#)

[ز : دعا هنگام سفر حج](#)

آنچه در مراسم حجّ شایسته است

الف : خوشخویی

ب : کمک به همراهان

ج : مواظبت از ره توشه

د : اقامت مگه پیش از حج

ه : شریک ساختن دیگران در ثواب حج

و : طواف به نیابت از امامان علیهم السّلام

ز : دیدار امام

کلیات آنچه در مراسم حجّ شایسته است

آنچه پس از حجّ شایسته است

الف : وداع با خانه خدا

ب : مدینه رفتن

ج : زود برگشتن

د : صدقه دادن

ه : سوغات

آنچه پس از بازگشت شایسته است

الف : وانهادن گناهان

ب : دیدار با حج گزار

فصل پنجم : نوادر

برائت از مشرکان

تحقیق درباره مراسم برائت از مشرکان

حج گزاری پیامبران علیهم السّلام

حجّ پیامبر صلی الله علیه و آله

فضیلت حجّ نیابتی

فضیلت حجّ بردن کودک

یاری رساندن به خانواده حج گزار

حاجیان چه اندکند !

فصل ششم : حج اصغر

فضیلت عمره

هر ماه یک عمره

فضیلت عمره در ماه رجب

فضیلت عمره در ماه رمضان

عمره مفرده در ماه های حج

عمره های پیامبر صلی الله علیه و آله

بخش سوّم : مدینه منوره

فصل اوّل : فضیلت مدینه

نام های مدینه

ویژگی های مدینه

الف : حرم پیامبر

ب : هجرت گاه پیامبر

ج : محبوب پیامبر

[د : قُبّه اسلام](#)

[هـ : فتح با قرآن](#)

[و : زداينده يليدي](#)

[فضيلت اقامت در مدينه](#)

[آداب مدينه](#)

[مسجد پيامبر صلي الله عليه و آله](#)

[الف : بناي آن](#)

[ب : حدود آن](#)

[ج : فضيلت آن](#)

[د : فضيلت نماز در آن](#)

[هـ : تمام خواندن نماز در آن](#)

[و : آداب آن](#)

[فصل دوم : زيارت پيامبر صلي الله عليه و آله](#)

[تشويق به زيارت آن حضرت](#)

[سلام دادن بر او از نزديك و دور](#)

[شفاعت پيامبر صلي الله عليه و آله براي زائرانش](#)

[ياداش زيارت پيامبر صلي الله عليه و آله](#)

[ادب زيارت پيامبر صلي الله عليه و آله](#)

[فصل سوم : زيارت فاطمه، دختر پيامبر صلي الله عليه و آله](#)

[ثواب زيارت او](#)

[ادب زيارت حضرت فاطمه عليها السلام](#)

[مدفن فاطمه دختر پيامبر صلي الله عليه و آله](#)

[باغي از باغ هاي بهشت](#)

[فصل چهارم : زيارت امامان عليهم السلام](#)

[ثواب زيارتشان](#)

[ادب زيارت قبور امامان در بقيع](#)

[فصل پنجم : زيارت قبور شهدا](#)

الحمد لله ربّ العالمين والصلاة والسلام علي عبده المصطفى محمد وآله الطاهرين وخيار صحابته أجمعين حج، اهتمام مسلمانان را ويژه خود ساخته است و آنان كتاب هايي در باب آداب و اسرار آن نوشته اند. با اين همه به نظر مي رسد كه كتابخانه اسلامي از وجود كتابي كه اين فريضه الهي بزرگ و مسائل مربوط به آن را از منظر احاديثي كه شيعه و اهل سنت آنها را نقل کرده اند برسد و از منزلت والا و نقش سازنده آن سخن بگويد، تهی است. لذا اين كتاب كه سومين كتاب از موسوعه ميزان الحكمه به شمار مي رود و به صورتي مستقل منتشر مي شود، بر آن است تا اين خلأ را پر كند. اين كتاب با بهره گيري از آيات قرآن كريم و احاديثي كه محدثان شيعه و اهل سنت نقل کرده اند، بخشي از مهم ترين مسائلي را كه امت اسلامي بدان نياز مند است با نظمي نو و شيوه اي تازه بررسيده است. اميدواريم مسلمانان سراسر خطه جهان اسلام - به ويژه حجاج بيت الله الحرام و جوانان فرهيخته كه خواستار فهم حكمت اين فريضه الهي و آداب و اسرار و نتايج و بركات آن هستند، از آن بهره مند شوند و از رمز سعادت آن در جهت خودسازي و برآوردن خود به گونه اي الهي و صالح الهام گيرند. در پايان، بر خود لازم مي دانم از همه برادران عزيزي كه در مركز تحقيقات دارالحدیث در تدوين اين مجموعه ارجمند ياري ام دادند، به ويژه برادر بزرگوار حجة الاسلام و المسلمین شيخ عبدالهادي مسعودي كه عمده كار اين كتاب بر دوش ايشان بود، سپاس فراوان بگزارم. جزاهم الله عن الاسلام خير الجزاء في الدارين.

### جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس

حجّ ميثاق میان بنده و پروردگار است و از بزرگترین فریضه های الهی است که در آن هر دو جنبه فردی و اجتماعی به شکلی نمایان گنجانیده شده است. حجّ تجلی و تکرار همه صحنه های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیا است. حجّ کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی باید جستجو نمود. در جنبه فردی، هدف، تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی ارزش مادی و فراغت با خویشتن معنوی و انس با خدای متعال و ذکر و تضرع و توسل به حضرت حق است تا آدمی به عبودیت که صراط مستقیم الهی به سوی کمال است راه یابد و در آن گام بردارد. در این بخش، تنوع فرصت ها و آزمایشگاهها به حدی است که هر گاه کسی با توجه به آداب و فرائض و تدبیر در فلسفه حجّ، از آن عبور کند بی گمان، دستاوردی گرانبها خواهد داشت، فرصت احرام و تلبیه، فرصت طواف و نماز، فرصت سعی و هروله، فرصت وقوف در عرفات و مشعر و منی، فرصت رمی و قربانی و فرصت ذکر الله که همچون فضای سرشار از روح و حیات در همه ی این مراحل، گسترده شده است.

مجموعه این فرصت ها می تواند دوره کوتاهی از ریاضت شرعی و خود سازی برای هر فرد باشد و مبدأ یک تحول عمیق در اخلاق و سلوک فردی زائر خانه خدا گردد. این بخش از فلسفه حجّ، همواره مورد توجه عموم مسلمانان به ویژه اهل مراقبت بوده و هست، لیکن مسأله مهم که غالباً مورد توجه نیست این است که اهداف فردی، بخشی از فلسفه حجّ است، بهره برداری از ذخایر عظیم این فریضه الهی فراتر از جنبه فردی است، و آثار و برکاتی که این همایش عظیم می تواند برای عموم مسلمانان بلکه برای احاد مردم جهان داشته باشد بسی مهم تر و با ارزش تر از برکات فردی آن است. نکته قابل تأمل این است که قرآن کریم در تبیین حکمت و فلسفه حجّ عمدتاً بر اهداف اجتماعی حجّ و آثار و برکات آن برای همه مردم تأکید فرموده است. از نظر قرآن کریم فلسفه بنای کعبه و حکمت حجّ، قیام برای تأمین منافع مردم است جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس یعنی حجّ یک حرکت جمعی برای حل معضلات و تأمین نیازها و رشد و توسعه جامعه بشر است.

از نظر قرآن، مسلمانان در همایش عظیم حجّ باید شاهد منافع خود باشند ليشهدوا منافع لهم. از امام صادق علیه السلام پرسیدند که مقصود از منافع در آیه مذکور چیست؟ مقصود منافع دنیا است و یا آخرت؟

امام فرمود: الكل [۱].

منافع امت اسلام انواع و اقسام و مراتبی دارد: منافع فرهنگی، منافع سیاسی، منافع اقتصادی و حتی منافع نظامی که ليشهدوا منافع لهم شامل همه انواع منافع و مراتب آن است. رهبر معظم انقلاب اسلامی آیه الله خامنه ای در باره منافع اجتماعی حجّ می فرمایند: در جنبه اجتماعی، حجّ در میان همه فرائض اسلامی بی همتا است، زیرا مظهری از قدرت و عزّت و اتحاد امت اسلامی است، هیچ فریضه دیگری بدینسان به احاد مسلمان در باره مسایل امت اسلامی و جهان اسلام درس و عبرت نمی آموزد و آنان را در روحیه و واقعیت، به قدرت و عزّت و وحدت نزدیک نمی کند. تعطیل این بخش از حجّ، بستن سرچشمه بی از خیرات به روی مسلمین است که از هیچ رهگذر دیگری نمی توانند بدان دست یابند باری همانطور که احیاگر حجّ ابراهیمی (محمّدی) صلوات الله علیهما و آلهما) امام خمینی رضوان الله تعالی علیه فرموده: حجّ بسان قرآن است که همه از آن بهره مند می شوند ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای اجتماعی آن نترسند از صدف این دریا گهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت.

ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حجّ بسان قرآن مهجور گردیده است! و به همان اندازه که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خرمن ها خاک کج فکریهای ما دفن شده و این زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حجّ نیز بهمان سرنوشته گرفتار گشته است! سرنوشته که میلیونها مسلمان هر سال به مکه میروند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می گذارند ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد علیهما السلام که بودند؟ و چه کردند، هدفشان چه بود؟ از ما چه خواستند؟



خلاصه همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه های زندگی شان کوشش کنند... [ ۲ ]

تأمل در روایات اهل بیت علیهم السلام نشان می دهد که تهی ساختن حج از جنبه های سیاسی و اجتماعی توطئه خطرناکی است که سابقه ممتدی در تاریخ اسلام دارد و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله با همه توان کوشیده اند تا مردم را از این توطئه آگاه کنند تا آنجا که حج فاقد جنبه سیاسی و اجتماعی را حج جاهلیت نامیده اند روزی که حج جایگاه واقعی خود را در جهان اسلام پیدا کند و مسلمانان جهان بتوانند این فریضه بزرگ الهی را آگاهانه و آن گونه که شایسته است انجام دهند ، آن روز بی تردید اسلام همه سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد و بر جهان حکومت خواهد نمود ، به امید آن روز!

این کتاب در واقع مبانی حج ابراهیمی ، محمدی صلوات الله علیهما را از متن کتاب و سنت بیان می کند . در این کتاب تلاش شده که هر دو جنبه فردی و اجتماعی حج از متون اصلی اسلام ارائه گردد و مهم ترین نکاتی که در سفر به حرمین شریفین باید مورد عنایت زائران خانه خدا و روضه منوره نبوی باشد، تقدیم شود .

## پانوشته ها

- (1) یعنی همه منافع ، چه دنیوی و چه اخروی.
- (2) پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام 1367 / 4 / 29 هـ.ش .

/ 1

نام های مکه

قرآن

همانا نخستین خانه ای که برای مردم نهاده شد، همان است که در بگه است، فرخنده و هدایت برای جهانیان است.

و این کتابی است فرخنده که نازلش کردیم، تصدیق کننده آن چه پیش روی آن است و تا بیم دهی (مردم) امّ القری را و کسانی را که اطراف آنند . و کسانی که به آخرت ایمان دارند به این (کتاب) هم ایمان دارند و نسبت به نمازشان مراقب و نگهدارند.

و اوست آن که دست های آنان (مشرکان) را از شما بازداشت و دست های شما را از آنان در وادی مکه، پس از آن که بر آنان پیروزتان ساخت (بازداشت) و خداوند به آن چه می کنید، بیناست.

حدیث

1- امام علی علیه السلام - در پاسخ مردی از شامیان که پرسید: چرا مکه را امّ القری نامیده اند؟ - : زیرا زمین از زیر آن گسترده شده است.

2- امام علی علیه السلام - در پاسخ کسی که پرسید: جایگاه مکه نسبت به بگه چیست؟ - : مکه، اطراف حرم است و بگه جای خانه خدا (کعبه) است.

پرسید: چرا مکه نامیده شده است؟

فرمود: چون خداوند متعال، زمین را از زیر این شهر گسترده است.

پرسید: پس چرا بگه نامیده شده است؟

فرمود: چون که این شهر، چشم جباران و گنهکاران را گریانده است.

3- امام باقر علیه السلام : بگه جایگاه خانه خداست و مکه، حرم است و این همان سخن خداوند است هر کس وارد آن شود، ایمن است.

4- امام صادق علیه السلام : محلّ خانه خدا بگه است و آبادی مکه است.

5- عبدالله بن سنان : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا به کعبه، بگه گفته اند؟ فرمود: به خاطر گریه مردم در اطراف آن و در خود آن.

6- امام صادق علیه السلام : مکه را از این جهت بگه گفته اند که مردم در آن (هنگام طواف) به یکدیگر فشار می آورند (و یکدیگر را هل می دهند).

7- معاوية بن عمار: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: در مکه به نماز می ایستم، در حالی که در برابر من زن نشسته است یا عبور می کند. حضرت فرمود: اشکالی ندارد. مکه را به این جهت بگفته اند که در آن زنان و مردان به هم می خورند (و ازدحام پدید می آید).

8- امام کاظم عليه السلام - در پاسخ سؤال علي بن جعفر که پرسید: چرا مکه را بگفته می گویند؟ - چون مردم یکدیگر را با دست هایشان هل می دهند و این جز در مسجد الحرام پیرامون کعبه نیست.

9- امام رضا عليه السلام: مکه را از این رو مکه گفته اند که مردم در آن جا (در جاهلیت سوت می کشیدند. کسی را هم که آهنگ این شهر می کرد، می گفتند قَدْ مَكَا (سوت کشید) و این همان سخن خداوند است که فرمود: و نمازشان کنار خانه خدا، جز سوت کشیدن و دست زدن نبود مْکاء، سوت کشیدن است و تصدیه، کف زدن.

10- امام صادق عليه السلام: نام های مکه پنج است: امّ القري، مکه، بگه، بسّاسه یعنی نابود کننده، چون مردم وقتی در مکه ظلم می کردند، آنان را بیرون می کرد و هلاک می ساخت و امّ رُحم، چرا که هرگاه معتکف مکه می شدند، مورد رحمت قرار می گرفتند.

### توضیحی پیرامون نام های مکه

#### نام های مکه در قرآن کریم

نام مکه تنها یک بار در قرآن آمده است، ولی از این شهر با نام های دیگر در چهارده آیه یاد شده است که عبارت اند از: بگه، امّ القري، البلد، البلد الامین، البلدة، الحرم و نام هایی مانند: قریّک، من القریّین و واد غیر ذی زرع.

نام های مکه در روایات

در روایات اهل بیت عليهم السلام به پنج نام از نام های این سرزمین مقدس، اشاره و وجه نامگذاری نیز بیان شده است که عبارت اند از: بگه، امّ القري، البسّاسة و امّ رحم.

روایات، دو وجه نامگذاری به مکه را بیان نموده اند: نخست به سبب گستردن زمین از شهر مکه و دیگر به جهت کف و سوت زدن عرب جاهلی هنگام زیارت کعبه.

و در وجه نامگذاری به بگه، برخی روایات به این نکته اشاره کرده اند که این اسم، در واقع، نام محلّ کعبه است و هر گاه برای شهر مکه به کار رود، از قرینه های سخن، می توان پی برد که مقصود اصلی گوینده، گرداگرد کعبه در مسجد الحرام می باشد و این با ریشه لغوی آن نیز سازگار است، زیرا بکّ به معنی ازدحام است و آن در پیرامون کعبه می باشد.

وجه نامگذاری به دیگر نام ها در روایات باب گذشت.

نام های مکه نزد تاریخ نگاران و زبان شناسان

کمتر شهری به اندازه مکه شاهد این همه بحث و نظر در تعداد نام ها و اشتقاق آن ها نزد مورّخان و زبان شناسان بوده است، تا آن جا که برخی مورّخان بیش از سی نام برای آن بر شمرده اند و گفت و گوها و نظر های گوناگونی میان زبان شناسان در ارتباط با اصل اشتقاق بیشتر نام های آن به ویژه مکه و مدینه، پدید آمده است.

ولی با توجه به آن چه که از روایات اهل بیت عليهم السلام در این بحث آمد، نیاز به درازگویی و آوردن گفته های آنان نیست و تنها به ذکر برخی دیگر از نام های مهمّ مکه مکرّمه بسنده می کنیم، همچون المعاد، الصلاح، کوّثی، الحاطمة، الرأس و القادس.

شاید سبب فراوانی نام های مکه، اهمّیت آن نزد همه قبیله های گوناگون عرب باشد که هر یک با نام خاصی از این نام ها، آن را می شناختند.

1 / 2

### فضیلت مکه

#### قرآن

پروردگارا! من از ذریّه و فرزندانم در بیابانی خشک، کنار خانه تو ساکن ساختم، پروردگارا تا نماز بر پا دارند. پس دل های مردم را علاقه مند آنان کن و از ثمرات، به آنان روزی بخش، باشد که سپاس گویند. و گفتند: اگر همراه تو هدایت را پیروی کنیم، از سرزمین خود ربوده خواهیم شد. آیا ما حرمی ایمن را برای آنان فراهم نیاوردیم که بهره های هر چیز به سوی آنان آورده می شود، که رزقی از سوی ماست؟ ولی

بیشترشان نمی دانند.  
همانا فرمان یافته ام که پروردگار این خانه را بپرستم که آن را گرامی داشته است و هر چیزی برای اوست.  
سوگند به این شهر، در حالی که تو در آن سکونت گزیده ای.

#### حدیث

11- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مکه شهری است که خداوند، آن را و حرمتش را بزرگ داشته است.  
مکه را هزار سال پیش از آن که چیزی از زمین را بیافریند آفرید و آن را پُر از فرشتگان قرار داد و مدینه را به بیت المقدس وصل کرد. آنگاه پس از هزار سال، در یک آفرینش، همه زمین را آفرید.

12- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند از هر چه آفریده است، برگزیده ای دارد ... اما برگزیده او از سرزمینها مکه، مدینه و بیت المقدس است.

13- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به مکه - : من می دانم که تو حرم امن خدایی و نزد خدا محبوب ترین شهرهایی.

14- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در حَزْوَرَه (جایی در بازار مکه) ایستاده بود - : به خدا سوگند تو بهترین زمین خدا و محبوب ترین سرزمین نزد خدای بزرگی و اگر نبود اینکه مرا از تو بیرون کردند، بیرون نمی رفتم.

15- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به مکه - : چه شهر پاکي! و چه قدر نزد من محبوبي! اگر نبود که قوم من مرا از تو بیرون کردند، در جایی جز تو ساکن نمی شدم.

16- امام باقر علیه السلام : کسی که در مکه بخوابد، همچون کسی است که در شهرهای دیگر به تهجد و شب زنده داری پردازد.

17- میسر : حدود پنجاه نفر بودیم که در خیمه، در محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودیم. پس از سکوت طولانی ما، حضرت فرمود: ... آیا می دانید منزلت کدام سرزمین نزد خدا بیشتر است؟ هیچ کس سخنی نگفت. حضرت خود، جواب خویش را داد: آن، مکه است، مکه الحرام که خداوند آن را به عنوان حرم خویش پسندیده و خانه اش را در آن قرار داده است.

18- امام صادق علیه السلام : محبوب ترین سرزمین نزد خداوند، مکه است و هیچ خاکی نزد خداوند محبوب تر از خاک آن و هیچ سنگی محبوب تر از سنگ آن و هیچ درخت و کوه و آبی نزد خداوند محبوب تر از درخت و کوه و آب آن نیست.

19- امام صادق علیه السلام : در سنگ نوشته ای چنین یافتند: منم خدا، صاحب بگه که وقتی آسمانها و زمین و خورشید و ماه را آفریدم، مکه را آفریدم و هفت فرشته را بر گرد آن گماشتم. در آب و شیر، برای مردمش برکت دارد، روزی آن از راههایی، از بالایش و پایینش و از تپه می آید.

20- امام صادق علیه السلام : ابراهیم علیه السلام در صحرائی در شام فرود آمده بود. خداوند به او وحی کرد ... سپس فرمانش داد تا اسماعیل و مادرش را بیرون ببرد. ابراهیم علیه السلام گفت: خدایا به کجا؟ فرمود: به حرم من و جایگاه امن من و نخستین قطعه ای از زمین که آفریدم و آن مکه است.

21- امام صادق علیه السلام : کسی که مایه آزاری را از راه مکه بردارد، خداوند برای او حسنه ای می نویسد و هر کس را که خدا برایش حسنه بنویسد، عذابش نمی کند.

22- علی بن مهزیار : از امام هادی علیه السلام پرسیدم: مانند در مکه خوبتر است، یا بیرون رفتن به بعضی از شهرها؟ حضرت نوشت: ماندگار شدن کنار خانه خدا برتر است.

## الف - احترام ایمنی هر ترسانی که وارد آن شود قرآن

و آنگاه که ابراهیم علیه السلام گفت: پروردگارا! این را شهری ایمن قرار بده و مردم آن را از میوه ها روزی عطاکن، آنان را که به خدا و روز واپسین ایمان آورند. (خداوند) گفت: و هر کس کفر ورزد، اندکی او را بر خوردار می کنم، سپس او را گرفتار عذاب دوزخ می سازم و بد سرانجامی است. در آن نشانه هایی روشن و روشنگر است؛ مقام ابراهیم و هر کس وارد آن شود ایمن خواهد بود. و برای خداست بر مردم آهنگ آن خانه، هر کس که راهی به سوی آن داشته باشد و هر کس ناسپاسی کند، همانا خداوند از جهانیان بی نیاز است. آیا ندیدند که ما حریمی ایمن قرار دادیم، در حالی که مردم از اطرافشان ربوده می شوند؟ پس آیا به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا ناسپاسی می کنند؟ سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و سوگند به این شهر امن.

### حدیث

23- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس انسانی را بکشد یا گناهی کند، سپس به حرم پناه آورد، ایمن است. تا وقتی در حرم است، از او قصاص نمی شود، دستگیر و اذیت نمی شود، به او پناه داده نمی شود و به او غذا و آب داده نمی شود، با او داد و ستد نمی شود، نه مهمان می کند و نه مهمان می شود.

24- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آگاه باشید، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که در اسلام، چیزی پدید آورد (و جنایتی کند)، یعنی در محدوده حلّ، جرمی مرتکب شود و آنگاه به حرم پناهنده شود. پس کسی او را پناه ندهد و یاری نکند و مهمان نکند تا آن که از حرم به حلّ بیرون آید، آنگاه بر او حدّ جاری شود.

25- محمد بن مسلم : از امام باقر علیه السلام درباره این آیه پرسیدم و من دخله کان آمیناً و هر کس وارد مکه شود ایمن است. فرمود: هر هراسناکی در آن ایمن است، تا وقتی که حدّی از حدود الهی که باید اجرا شود بر گردن او نباشد. گفتیم: پس آیا هر که با خدا و رسولش بجنگد و در زمین فساد کند، در آن جا ایمن است؟ فرمود: او همچون کسی است که در راه کمین می کند و گوسفند یا چیزی را می رباید، امام هرگونه که بخواهد با او رفتار می کند.

26- امام صادق علیه السلام - در پاسخ حلبی که درباره سخن خداوند هر که وارد آن شود ایمن است پرسیده بود - : هرگاه کسی در غیر حرم جنایتی مرتکب شود، سپس به حرم بگریزد. هیچ کس حق ندارد او را در حرم دستگیر کند، ولی از بازار رفتن و داد و ستد و خوراک و آشامیدنی او را منع می کنند و با او حرف نمی زنند. وقتی چنین کنند، امید است که از حرم بیرون آید و دستگیر شود. و اگر در حرم جنایتی کند، در حرم بر او حدّ جاری می شود، چرا که او حرمت حرم را نگاه نداشته است.

27- معاویه بن عمّار : از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدم که فردی را در حلّ کشته، سپس وارد حرم شده است. حضرت فرمود: او را نمی کشند و غذا و آب به او نمی دهند، با او داد و ستد نمی کنند و پناهِش نمی دهند، تا از حرم بیرون آید، آنگاه حدّ بر او جاری می شود. گفتیم: درباره مردی که در حرم مرتکب قتل و دزدی شده، چه می گوئید؟ فرمود: در حرم با ذلت بر او حدّ جاری می شود چرا که او حرمتی برای حرم ندیده با آن که خداوند فرموده است: هر کس به شما تعدّی کرد، به او همانگونه تعدّی کنید که او به شما تعدّی کرده است؟ فرمود: این آن جاست که در حرم باشد، در قرآن است: هیچ تجاوزی نیست مگر بر ستمکاران.

### ایمنی حیوانات وحشی و پرندگان در مکه

28- عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که هر که وارد آن شود ایمن است، پرسید: خداوند، حرم را قصد کرده است یا کعبه را؟ فرمود: هر کس از آدمیان به صورت پناهنده وارد حرم شود، از خشم خدا ایمن

است و هر حیوان وحشی و پرندۀ ای وارد آن شود، ایمن از آن است که مورد هجوم یا آزار قرار گیرد، تا آن که از حرم بیرون رود.

29- از امام صادق علیه السلام درباره پرندۀ ای اهلی که زنده وارد حرم کرده اند، پرسیدند. حضرت فرمود:

دست به آن نزنند، چون خدای متعال می فرماید: هر که داخل حرم شود، ایمن است.

**30- محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام** درباره آهویی پرسید که وارد حرم شده است. فرمود: آن را نگیرند و دست به آن نزنند. خداوند می فرماید: هر که داخل حرم شود، ایمن است.

**آن چه در مکه حرمت ندارد**

**31- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: پنج حیوان است که در حرم کشته می شود: موش، عقرب، کلاغ، زاغ و سگ هار.

**32- امام صادق علیه السلام**: در حرم و در حال احرام چند حیوان کشته می شود: افعی، مار بد (و خطرناک)، عقرب و موش که فاسق است. کلاغ و زاغ هم با سنگ، رانده می شود. اگر دزدان متعرض تو شوند، دفاع کن.

**33- امام صادق علیه السلام**: کشتن کک، شپش و پشه در حرم، اشکالی ندارد.

**نکته**

از کارهایی حرام در حرم، کشتن و صید حیوان است، ولی حیوانات فراوانی از این حکم، استثنا شده اند که نام آن ها را می آوریم و شرح و بسط احکام آن را به محل خود در کتاب های فقهی ارجاع می دهیم. این حیوانات عبارت اند از:

همه مارهای بد، عقرب، موش، مورچه، پشه، شپش، کک، حیوانات درنده و پرندگان شکاری. برخی روایات، دزدی را که به دارایی مردم و آبروی آنان دستبرد می زند از جمله همین بی حرمتان می دانند و می توان آن را یک قاعده عمومی دانست، یعنی هر چه بر انسان دست می یازد و تجاوز می کند، حکم حرمت حرم از او برداشته می شود، پوشیده نماند که سر بریدن چهار پایان حلال گوشت جهت تأمین خوراک، جایز است.

**ب - آن چه انجامش در مکه، حرام است**

**شکستن امنیّت**

**قرآن**

و آنان (مشرکان) را هر جا یافتید، بکشید و از همان جا که بیرونتان کردند، بیرونشان کنید. و فتنه، شدیدتر از کشتن است و با آنان کنار مسجدالحرام نجنگید تا آن که آنان با شما در آن جا بجنگند. پس اگر آنان با شما جنگیدند، آنان را بکشید. کیفر کافران اینگونه است.

**حدیث**

**34- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** - در روز فتح مکه - : خداوند روزی که آسمانها و زمین را آفرید، مکه را حرام ساخت و تا برپایی قیامت نیز حرام است و برای هیچ کس پیش از من حلال نشده و برای احدی پس از من نیز حلال نخواهد شد و برای من جز ساعتی از یک روز، حلال نشده است.

**35- عمرو بن سعید**، گروههایی را به مکه اعزام می کرد. ابو شریح به او گفت: ای امیر! اجازه بده سخنی را از قول پیامبر صلی الله علیه و آله در فردای روز فتح مکه برایت بازگویم. دو گوشم شنید و با قلبم دریافتم و دو چشم دید هنگامی که پیامبر آن سخن را گفت. پس از حمد و ثنای خدا فرمود: مکه را خداوند حرام کرده، ولی مردم حرامش ندانستند! برای هیچ کس که به خدا و قیامت ایمان دارد حلال نیست که در آن، خونی بریزد و درختی را قطع کند. پس اگر کسی در پی رخصت بود و به جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه استناد کرد، بگویند: خداوند به پیامبرش اجازه داد و به شما اجازه نداده است. همانا خداوند تنها یک ساعت از یک روز را در آن به من اجازه داد. سپس احترام امروزش مثل احترام دیروز بازگشت. (این سخن را) حاضر به غایب برساند!

**36- امام علی علیه السلام**: با شمشیرها به سوی حرم بیرون نروید و هیچ یک از شما در حالی که در برابرش شمشیر است نماز نخواند، چرا که قبله، ایمن است.

**37- ابوبصیر**: از امام صادق علیه السلام درباره کسی پرسیدم که می خواهد به مکه یا مدینه، برود، آیا همراه داشتن سلاح برای او مکروه است؟ فرمود: اشکالی ندارد که سلاح از شهر خود بیرون ببرد، ولی وقتی

وارد مکه  
می شود، آن را آشکار نسازد.

**38- امام صادق علیه السلام :** سزاوار نیست که سلاح وارد حرم کند، مگر آن که آن را در کیسه ای بگذارد یا با پیچیدن آن در چیزی، پنهانش کند.

### ورود غیر مسلمان قرآن

و ما خانه (خدا) را برای مردم جایگاه تجمّع و ایمن قرار دادیم و از مقام ابراهیم ، جایگاه نماز برگزینید. و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان (برای عبادت) و راکعان و ساجدان پاک سازید.  
ای آنان که ایمان آورده اید! یقیناً مشرکان نجس اند. پس از این سال، به مسجد الحرام نزدیک نشوند و اگر از تهیدستی بیم داشتید، خداوند اگر بخواهد، از فضل خویش بی نیازتان خواهد کرد. همانا خداوند، دانای حکیم است.

### حدیث

**39- حنان :** به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا به خانه خدا بیت الله الحرام گویند؟ فرمود: چون که بر مشرکین حرام است، وارد آن شوند.

**40- امام صادق علیه السلام :** نَمَیّان (اهل کتاب در پناه حکومت اسلام) وارد حرم و سرزمین هجرت نشوند و از این دو جا بیرون می شوند.

**41- امام صادق علیه السلام :** درباره این آیه که خانه ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاک سازید فرمود: یعنی خانه خدا را از مشرکان دور نگهداریم.

### شکار و کندن درخت

**42- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -** روز فتح مکه - : این شهری است که خداوند روزی که آسمانها و زمین را آفرید، حرمتش بخشید و این شهر، با حرمت خدا تا روز قیامت حرام است، نه خارش چیده می شود، نه شکارش رمانده می شود، نه یافته شده اش برداشته می شود، مگر کسی بخواهد اعلام کند، (تا صاحبش پیدا شود) و گیاهان تازه رو بیده اش چیده نمی شود. عباس گفت: یا رسول الله، جز گیاه اذخر ، که برای تزیین و برای خانه هایشان است. پیامبر فرمود: جز اذخر.

**43- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** گیاه حرم چیده نمی شود، درخت آن و خار آن قطع نمی شود و شکارش رمانده نمی شود... پس هر که را دیدید که گیاه حرام را چیده یا درختش را قطع کرده یا شکارش را رمانده است، برای شما رواست که ناسزایش بگویید یا پشت او را - در حدّی که در حرم حلال است - به درد آورید.

**44- امام باقر علیه السلام :** خداوند حرام ساخته که گیاه حرمش چیده یا درخت آن قطع شود - مگر گیاه اذخر - یا پرندۀ آن صید گردد.

**45- امام صادق علیه السلام :** از درخت مکه جز درخت خرما و درخت میوه، کنده نمی شود.

**46- امام صادق علیه السلام :** هر چه که در حرم می روید، بر همه مردم حرام است (چیدنش) مگر آن چه را خودت رویانده و کاشته ای.

### ذبح شکار

**47- امام صادق علیه السلام :** شکار را در حرم نباید ذبح کرد، هر چند در بیرون حرم صید شده باشد.

**48- شهاب بن عبد ربّه :** به امام صادق علیه السلام گفتم: با جوجه هایی که از غیر مکه می آورند سحری می خورم. آن ها را در حرم ذبح می کنند و با آن سحری می خورم. حضرت فرمود: سحری تو سحری بدی است. آیا نمی دانی آن چه را زنده وارد حرم کنند، ذبح و نگهداشتن آن بر تو حرام است؟

49- امام صادق علیه السلام: در مکه، جز شتر، گاو، گوسفند و مرغ، نباید ذبح شود.

#### تملک پیدا شده

50- امام صادق علیه السلام: لُقْطَه (چیز پیدا شده) دو گونه است: یکی آن چه که در حرم پیدا شده است که باید تا یک سال اعلام کنی، اگر صاحبش را یافتی که هیچ، و گرنه آن را صدقه می دهی. یکی هم لُقْطَه غیر حرم که تا یک سال اعلام می کنی، اگر صاحبش آمد به او می دهی، وگرنه می توانی برای خودت برداری.

51- محمد بن رجاء ارجانی: به امام هادی علیه السلام نوشتیم: در مسجد الحرام بودم، دیناری دیدم. خم شدم که بردارم، دینار دیگری دیدم. سنگریزه ها را گشتم، دینار سوّمی یافتم، آن ها را برداشتم و اعلام هم کردم، صاحب آن ها یافت نشد. نظرتان در این باره چیست؟ حضرت نوشت: آن چه را از قضیه دینارها نوشتی، فهمیدم. اگر نیاز مندی، یک سوّم را صدقه بده و اگر توانگری، همه را صدقه بده.

ج - آن چه در مکه مکروه است

اقامت بیش از یک سال

52- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: سزاوار نیست که انسان در مکه یک سال بماند. گفتیم: پس چه کند؟ فرمود: جای دیگر برود.

53- شیخ صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت اقامت در مکه را پسندیده نمی دانست و این به خاطر آن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را از این شهر بیرون کردند. کسی که مقیم مکه شود، سنگدل می شود تا آن که در جای دیگری اقامت کند.

#### افراشتن ساختمان

54- امام باقر علیه السلام: برای هیچ کس سزاوار نیست که ساختمانی بالاتر از کعبه بسازد.

#### مطالبه بدهکار

55- سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی به من مالی بدهکار است. مدّتی از چشم پنهان بود، تا اینکه او را در حال طواف کعبه دیدم. آیا مال خود را از او طلب کنم؟ حضرت فرمود: نه، به او سلام نده و هر اسانتش مکن، تا آن که از حرم بیرون رود.

#### نکته

علی بن بابویه فرموده است: اگر بدهکار را در حرم بیاید، جایز نیست که از او مطالبه کند، مگر آن که در حرم به او قرض داده باشد. علامه حلی در مختلف الشیعه فرموده: به نظر من اگر قرض دادن در خارج حرم بوده، مطالبه آن در حرم کراهت دارد، ولی حرام نیست. شهید در دروس فرموده: اگر بدهکار به حرم پناهنده شود، مطالبه از او حرام است. روایت دلالت دارد که اگر بدهکار را در حرم یافت، مطالبه حرام است و قصد پناهندگی به حرم شرط آن نیست.

د - آن چه در مکه سزاوار است

نماز

56- امام علی علیه السلام: نماز خواندن در مکه و مدینه، برابر با هزار نماز است.

57- امام سجّاد علیه السلام: هر کس در مکه هفتاد رکعت نماز بخواند و در هر رکعت قل هو الله و انا انزلناه و آیه سخره [۱] و آیه الکرسی را بخواند، جز به مرگ شهادت، نخواهد مُرد و کسی که در مکه غذا بخورد، همچون روزه دار در شهرهای دیگر است و یک روز روزه در مکه برابر با روزه یک سال در جاهای دیگر است و کسی که در مکه راه برود، در حال عبادت خداست.

58- ابراهیم بن شیبیه: به امام باقر علیه السلام نامه نوشتیم و از تمام خواندن نماز در حرم خدا و پیامبر پرسیدم. حضرت نوشت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زیاد نماز خواندن در این دو حرم را دوست داشت پس تو نیز زیاد نماز بخوان و تمام بخوان.

## روزه

59- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که ماه رمضان در مکه باشد و همه آن ماه را روزه بگیرد و تا آن جا که می تواند نماز بخواند، خداوند برای او پاداش صد هزار رمضان در غیر مکه را می نویسد و برای او هر روز یک حسنه و هر شب یک حسنه می نویسد.

60- امام سجّاد علیه السّلام : یک روز روزه در مکه، برابر با روزه یک سال در جای دیگر است.

## ختم قرآن

61- امام سجّاد علیه السّلام : هر کس در مکه ختم قرآن کند، نمیرد تا آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله را ببیند و جایگاهش را در بهشت بنگرد.

62- امام باقر علیه السّلام : هر کس که در مکه از جمعه تا جمعه یا در کمتر یا بیشتر از آن ختم قرآن کند و پایان آن روز جمعه باشد، برای او پاداش و حسنات از اولین جمعه ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه ای که در دنیا خواهد بود، نوشته می شود. اگر در روزهای دیگر نیز ختم کند، همین طور است.

## انفاق

63- امام صادق علیه السّلام : مکه، حرم خدا و حرم پیامبر و حرم امیرالمؤمنین علیه السّلام است. نماز در آن صد هزار نماز است و یک درهم انفاق در آن برابر با صد هزار درهم است. مدینه نیز حرم خدا و رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما است، نماز در آن ده هزار برابر و یک درهم انفاق در آن ده هزار درهم است. کوفه هم حرم خدا و پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما السّلام است، نماز در آن همچون هزار نماز است و یک درهم انفاق در آن هزار درهم است.

هـ - آن چه برای اهل مکه سزاوار است

خالی گذاشتن مطاف برای طواف واجب

64- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به اهل مکه و مجاورین برسانید که طواف و حجر الأسود و مقام ابراهیم و صف اول را از روز بیستم ذی قعدة تا روز خروج، برای حجّاج و گذارانند.

65- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای فرزندان عبد مناف! از هیچ کس که بخواد بر گرد این خانه طواف کند و نماز بخواند، در هر ساعتی از شب و روز که بخواد، جلوگیری نکنید.

66- امام صادق علیه السّلام : طواف برای غیر اهل مکه، برتر از نماز است و برای اهل مکه، نماز برتر است.

67- حریر : از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: برای غیر اهل مکه، یعنی مجاوران آن، آیا طواف برتر است یا نماز؟ فرمود: برای مجاوران، طواف بهتر است، ولی برای اهل مکه و ساکنان آن، نماز برتر از طواف است.

68- احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی : از امام رضا علیه السّلام پرسیدم: برای ساکن مکه، طواف افضل است یا نماز؟ فرمود: نماز.

69- امام صادق علیه السّلام : کسی که یک سال در مکه اقامت کند، طواف برای او برتر از نماز است. کسی که دو سال ساکن مکه باشد، مخلوطی از نماز و طواف انجام دهد. و هر که سه سال مقیم مکه باشد، نماز برای او افضل از طواف است.

## هم شکلی با مُحرمین

70- امام صادق علیه السّلام : سزاوار نیست که اهل مکه پیراهن بپوشند. سزاوار است آنان هم مثل مُحرمین غبار آلود و ژولیده باشند. سزاوار است که حکومت، آنان را به خاطر این مواخذه کند.

71- امام صادق علیه السّلام : کسی که تمتع انجام می دهد، وقتی از احرام درآمد، سزاوار است پیراهن بپوشد و همسان با مُحرمین باشد. اهل مکه نیز شایسته است در ایّام حج چنین کنند.



## و - هر ظلمي در آن الحاد است

به يقين، آنان که کافر شده، از راه خدا و مسجد الحرام جلوگیری می کنند، (مسجدي که) آن را برای مردم - چه معتكف عبادت چه اهل باديه - يکسان قرار داديم. و هر کس در آن قصد الحاد به ستم داشته باشد، از عذابي دردناک به او مي چشانيم.

## 72- پیامبر خدا صلي الله عليه و آله : احتکار طعام در مگه، الحاد است.

73- معاوية بن عمّار: درباره آيه وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلِمُ از امام صادق عليه السّلام پرسيدم. فرمود: هر ستمي، الحاد است و زدن خادم بدون گناه، از همين نوع الحاد است.

74- ابو الصّبّاح کناني: از امام صادق عليه السّلام درباره آيه وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ ... پرسيدم. حضرت فرمود: هر ستمي که کسي در مگه به خود کند، چه سرقت يا ظلم به ديگري يا هر چه که ستم باشد، من آن را الحاد مي بينم. از اين رو آن حضرت از سکونت در حرم، پرهيز داشت.

75- امام صادق عليه السّلام - درباره آيه وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلِمُ - : هر کس در آن جا غير خدا را بپرستد، يا با غير اولياء خدا دوستي و همبستگي کند، او ملحد به ستم است و بر خداست، که او را از عذابي دردناک بچشانند.

بيان

الحاد به معني انحراف از راه راست و طريقه حق است. در اين آيه ظالمين، ملحد محسوب شده و به آنان وعده عذاب داده شده است. اين به معني سببیت ظلم براي الحاد است، زیرا ظلم نوعي عدول عملي و انحراف از حق است، ولي آيه علاوه بر اين به حکم خاصي اشاره دارد که در غير حرم مگه، جاري نيست. اين حکم، تطبيق ملحد بر هر ظالمي است، چه ظلم کوچک باشد و چه بزرگ و ظلم در مگه را گناه کبيره مي شمرد و به تبع آن عذاب اليم را وعده مي دهد و بر اين تعميم و شمول تأکيد شده است، زیرا مَنْ عموم بدلي دارد، و مفعول يُرَدُّ حذف شده است تا هر گونه کاري را در برگیرد.

به علاوه الحاد و ظلم هر دو نکره و بصورت اسم جنس آورده شده اند تا اين اطلاق را تفهيم کنند. پس ترکیب آيه به اين شکل است که جمله من يرد ... تا پايان بر خبر آن در صدر آيه دلالت مي کند و باء در الحاد باء ملابسه و همراهي و در ظلم باء سببیت مي باشد.

1 / 4

## حدود حرم

76- پیامبر خدا صلي الله عليه و آله : جبرئيل، آدم را از صفا و حوراً را از مروه فرود آورد و در خيمه اي آن دو را جمع کرد. ستون خيمه از ياقوت سرخ بود. روشنايي و فروغ آن، کوه هاي مکه و اطراف آن را روشن ساخت، تا هر جا که نور آن ستون گسترش يافت، خداوند آن جا را حرم قرار داد. پس امروز محدوده حرم جاهايي است که فروغ ستون به آن جا رسيد. خداوند به احترام آن خيمه و ستون، آن را حرم قرار داده، چرا که آن ها از بهشت اند.

77- امام باقر عليه السّلام : خداوند چهار فرسخ در چهار فرسخ از حرمش را، حرام کرد که گياهش را بچينند و درختش را قطع کنند. مگر درخت اذخر را.

78- احمد بن محمد بن ابي نصر بزني: از امام رضا عليه السّلام درباره حرم و محدوده آن پرسيدم و اين که چرا محدوده آن برخي نزديکتر و برخي دورتر است. حضرت فرمود: خداوند چون آدم عليه السّلام را از بهشت فرود آورد، او را بر کوه ابو قبيس فرود آورد. آدم از احساس وحشت و از اين که آن چه را در بهشت مي شنيد، نمي شنود، به پروردگارش شکايت کرد. خداوند ياقوت سرخي را فرود آورده در محلّ کعبه قرار داد. آدم بر گرد آن طواف مي کرد و نور آن تا محدوده حرم مي رسيد. حدّ و حریم آن نشانه گذاري شد، خداوند هم آن را حرم قرار داد.

توضيحي پيرامون حدود حرم

حدود حرم در روايات و اقوال علما يک بر يک در يک بر يک تعيين شده است و چون هر بر يک چهار فرسخ شرعي است، مساحت تقريبي حرم شانزده فرسخ مربع مي شود [۲] اين مساحت که اندکي از مگه بزرگتر است، به عنوان حرم امن الهي شناخته مي شود و احکام ويژه اي دارد.

در تعیین حدود حرم از هر طرف شهر مکه، گفته های گوناگونی وجود دارد که مشهورترین و مقبولترین آن ها ، حدود حرم را این گونه بیان می دارد:

از طریق مدینه به فاصله سه میلی [۳] مکه ، اندکی پیش از تنعیم ، از طریق یمن به فاصله هفت میل در طرف اضاة لبن ، از طریق جدّه در منقطع الأعشاش به فاصله ده میل ، از طریق طائف در راهی که از عرفه و داخل نمره می گذرد به فاصله یازده میل [۴] ، از طریق عراق برگردنه خلّ در کوه مقطع به فاصله هفت میل و از طریق جعرانه در درّه آل عبدالله بن خالد، به فاصله نه میل.

البته این فاصله ها تقریبی است و برخی از مدققین فاصله دقیق این حدود را تا دیوار مسجد الحرام نیز محاسبه کرده اند و به ذراع بیان نموده اند که مقداری با اندازه های فوق متفاوت می باشد ، به طور مثال فاسی در بیان محدوده حرم از جهت طائف از راه عرفه می گوید : از دیوار بنی شیبه تا علمین که نشانه حد حرم هستند، از طرف عرفه سی و هفت هزار و هفده ذراع کوچک (فاصله سر انگشت تا آرنج) است.

شناخت و تحدید حدود حرم بسیار مهم و در احکام فراوانی دخیل می باشد و به علت وجود انصابی که از هر طرف به عنوان علامت بنا شده است، تشخیص آن در عمل آسان می باشد.

این انصاب در همه سو به جز سمت جدّه و جعرانه به دست حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و به راهنمایی جبرئیل علیه السلام نصب گشته و در طول تاریخ بارها تجدید شده است و از جمله تجدید کنندگان آن ها ، حضرت اسماعیل علیه السلام و قصبی بن کلاب و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشند . بعدها نیز خلفا مکرراً آن ها را تجدید می کرده اند.

تحقیقات میدانی در عصر حاضر نشان می دهد که این علائم هنوز پا بر جا هستند و انصاب و حدود شش گانه ، تنها حدّ حرم در راه های ورودی را تحدید می کنند و انصاب و حدود همه حرم بسیار بیشتر است.

(نقشه)

1 / 5

آداب ورود به مکه

الف - احرام

79- امام باقر علیه السلام - در پاسخ محمد بن مسلم که پرسید: آیا کسی می تواند بدون احرام وارد مکه شود؟ فرمود: نه، مگر بیمار ، یا کسی که اسهال [۵] دارد.

80- امام صادق علیه السلام : خداوند مسجد الحرام را به خاطر کعبه، حرام قرار داد و حرم را به خاطر مسجد الحرام و احرام را به خاطر حرم واجب کرد.

81- امام کاظم علیه السلام : هرکس از مکه به اندازه ده میل فاصله داشته باشد، جز با احرام وارد آن نشود.

ب - غسل

82- ابن عمر : پیامبر برای ورود به مکه، در فحّ غسل کرد.

83- حلبی : امام صادق علیه السلام به ما دستور داد پیش از آن که داخل مکه شویم، در فحّ غسل کنیم.

84- امام صادق علیه السلام : هرگاه به حرم رسیدی - ان شاء الله - هنگام ورود، غسل کن و اگر جلوتر رفتی در بئر میمون یا فحّ یا در منزل خود در مکه غسل کن.

85- امام صادق علیه السلام : خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان داد، تا حج گزارد و اسماعیل را هم همراه خود حج دهد و او را ساکن حرم سازد. هر دو به آهنگ حرم بر شتری سرخ سوار شدند، در حالی که جز جبرئیل همراهشان نبود. چون به حرم رسیدند، جبرئیل به او گفت: ای ابراهیم! فرود آید و پیش از آن که وارد حرم شوید، غسل کنید. آن دو فرود آمدند و غسل کردند.

86- امام صادق علیه السلام : خداوند در کتابش می فرماید: خانه ام را برای طواف کنندگان و پرستشگران و راکعان و ساجدان، پاک کنید. پس سزاوار است که بنده جز با پاکی وارد مکه نشود، عرق خود را شسته و آلودگی را زدوده، غسل کند.

ج - تواضع و خشوع

87- معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است که فرمود: هر کس با آرامش وارد

مکه شود، آمرزیده می شود. پرسیدم: چگونه با آرامش وارد آن شود؟ فرمود: بدون حالت تکبر و غرور وارد شود.

**88- اسحاق بن عمار** روایت می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کس با آرامش وارد مکه نمی شود، مگر آن که آمرزیده شود. گفتیم: آرامش و سکینه چیست؟ فرمود: اینکه تواضع کند.

**89- ابان بن تغلب**: با امام صادق علیه السلام در بین راه مکه و مدینه همسفر بودم. چون به حرم رسیدم، فرود آمد و غسل کرد و کفشهایش را در دستان خود گرفت. سپس پابرهنه به حرم وارد شد. من نیز مانند او کردم. فرمود: ای ابان! هر که از روی تواضع در برابر خدا آنگونه عمل کند که من کردم، خداوند صد هزار گناه از او محو می کند، صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد هزار درجه برای او بنا می نهد و صد هزار حاجت از او بر می آورد.

**90- امام صادق علیه السلام**: بنگرید هرگاه یکی از شما به وادی مکه سرآید، جامه های کهنه خویش را بپوشید، چرا که هیچ کس نیست که به وادی مکه فرود آید و در دلش هیچ کبری نباشد مگر آن که آمرزیده شود.

#### د - ورود از بالای آن

**91- عایشه**: چون پیامبر به مکه آمد، از بالای آن وارد شد و از پایین و جنوب آن خارج گشت.

**92- امام صادق علیه السلام** - در وصف حج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، فرمود - : پیامبر از بالای مکه از عقبه و گردنه مدنی ها وارد شد و از پایین مکه از ذی طوی، بیرون شد.

**93- یونس بن یعقوب**: به امام صادق علیه السلام گفتیم: از کجا وارد مکه شوم، در حالی که از مدینه آمده باشم؟ فرمود: از بالای مکه وارد شو. و هرگاه که به قصد مدینه خارج شوی، از پایین مکه بیرون شو.

1 / 6

آداب خروج از مکه

الف - صدقه دادن

**94- امام صادق علیه السلام**: هرگاه خواستی از مکه بیرون شوی، یک درهم خرما بخر و آن را مشت مشت، صدقه بده، این کفاره گناهان تو در احرام و مدت اقامتت در مکه خواهد بود.

#### ب - خروج از پائین آن

**95- ابن عمر**: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از راه مسجد شجره از مدینه بیرون می رفت و از راه معرّس [۶] وارد می شد. و هرگاه وارد مکه می شد، از بلندی شمال وارد می شد و از بلندی پایین خارج می گشت.

### پانویست ها

(۱) اعراف، آیات ۵۴ - ۵۶.

(۲) شکل حرم مربع نیست و منظور این است که مساحت حرم به اندازه مربعی است که ضلعش یک بریدباشد.

(۳) هر میل در حدود ۱۸۰۰ متر است.

(۴) صاحب جواهر الکلام به نقل از سروجی فاصله حدّ طریق طائف را هفت میل ذکر می کند و نووی رأی جمهور علما را همین می داند.

(۵) در متن حدیث مَنْ بِهِ بَطْنٌ آمَدَه است که به معنای کسی است که درد دل، اسهال، ناراحتی شکم... دارد.

(۶) معرّس جایی است که آخر شب، افراد برای استراحت فرود می آیند. استراحتگاه ذی الحلیفه به این نام نامیده شده، چون پیامبر در آن جا فرود آمد، نماز صبح را آن جا خواند، سپس حرکت کرد.

1- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : محترم ترین، محبوبترین و گرامی ترین مساجد نزد خداوند، مسجد الحرام است.

2- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برتری مسجد الحرام بر مسجد من، همچون برتری مسجد من بر مساجد دیگر است.

3- ابوذر : به رسول خدا گفتیم : کدام مسجد، اول بنا نهاده شده است؟ فرمود : مسجد الحرام . گفتیم : سپس کدام؟ فرمود : مسجد الأقصی . گفتیم : فاصله میان این دو چه مقدار بود؟ فرمود : چهل سال . سپس فرمود : هر کجا که نماز تو را دریافت (و وقت آن رسید) نماز بخوان، زمین برای تو مسجد است.

4- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار نمی بندند مگر به سوی سه مسجد : مسجد الحرام، مسجد من و مسجد الأقصی.

5- امام علی علیه السلام : چهار مکان است که از قصرهای بهشتی در دنیا است : مسجد الحرام، مسجد پیامبر، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه.

6- امام صادق علیه السلام : حضرت ابراهیم علیه السلام در مکه بین حَزْوَرَه [۱] تا مسعی را خط کشید. این همان خط و حدی بود که ابراهیم علیه السلام رسم کرد، یعنی مسجد.

7- حسین بن نعیم : از امام صادق علیه السلام درباره نماز در محدوده ای که به مسجد الحرام افزوده اند، پرسیدم. حضرت فرمود : ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام محدوده مسجد را بین صفا و مروه معین کردند. مردم هم از مسجد تا صفا حج می کردند.

8- عبدالصمد بن سعد : منصور دوانقی، خلیفه عباسی، خواست که خانه های اهل مکه را بخرد و به مسجد الحرام بیفزاید، نفروختند. آنان را تشویق کرد، امتناع کردند. از این مسأله دلتنگ شد. نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت : من از اینان بخشی از خانه ها و آستانه هایشان را خواستم تا به مسجد بیفزایم، ندادند. این مرا بشدت اندوهگین ساخت. امام صادق علیه السلام فرمود : آیا این تو را غمگین می سازد، در حالی که حجت و دلیل تو بر آنان در این مسأله آشکار و ثابت است؟ گفت : چگونه بر آنان استدلال آورم؟ فرمود : به کتاب خدا. گفت : به کجای قرآن؟ فرمود : این سخن خدا : إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ خَدَاوند خبر داده است که : همانا اولین خانه ای که برای مردم نهاده شد، همانا خانه ای است که در مکه است . اگر آنان پیش از کعبه در آن جا ولایت و مالکیت داشتند، خانه ها و حیاطها از آنان است، اما اگر خانه خدا پیش از آنان بوده است، پس فنا [۲] و آستانه کعبه متعلق به آن است.

منصور آنان را فراخواند و با این آیه بر آنان احتجاج کرد. به او گفتند : آن چه دوست داری انجام بده.

9- حسن بن علی بن نعمان : مهدی عباسی چون مسجد الحرام را توسعه داد، خانه ای در گوشه مسجد مانده بود. از صاحبان آن خواست، ندادند. در این باره از فقیهان پرسید. همه گفتند : سزاوار نیست به غصب چیزی را جزء مسجد الحرام کنند. علی بن یقطین به او گفت : اگر در این مسأله برای موسی بن جعفر علیه السلام بنویسی، او در این باره راه حل درست را خواهد گفت. به والی مدینه نوشت که از موسی بن جعفر بپرسد در باره خانه ای که می خواهیم داخل در مسجد الحرام کنیم، صاحب آن نمی دهد. راه چاره چیست؟ والی مسأله را به موسی بن جعفر گفت. حضرت فرمود : آیا حتماً باید جواب داد؟ گفت : آری، چاره ای نیست. فرمود : بنویس : بسم الله الرحمن الرحیم، اگر کعبه بر مردم وارد شده است، مردم به حیاط خانه های خود سزاوارترند و اگر مردم بر آستانه کعبه فرود آمده اند، کعبه به آستانه و حیاط خود سزاوارتر است . چون نامه به دست مهدی عباسی رسید، نامه را گرفت و بوسید، سپس دستور به تخریب آن خانه داد. صاحبان آن خانه، خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدند و از او خواستند نامه ای به مهدی عباسی بنویسد که قیمت خانه هاشان را بپردازد. حضرت به او نوشت : چیزی به آنان بپرداز. او هم ایشان را راضی ساخت.

## توضیحی پیرامون حدود مسجدالحرام

حضرت ابراهیم علیه السلام حدود مسجد الحرام را تعیین کرد ، ولی این حدود توسط اعراب جاهلیت فراموش شد و مکیان به تدریج در حرم و درون مسجد به خانه سازی پرداختند . با قدرت گرفتن اسلام و افزایش جمعیت مسلمانان ، توسعه مسجد و بازگرداندن به حدود اولیه آن ضروری نمود . از این رو عمر در سال ۱۷ هجری و عثمان در سال ۲۶ هجری نخستین توسعه ها را انجام دادند . سپس عبدالله بن زبیر در سال ۶۵ هجری و هنگام تجدید بنای کعبه ، صحن مسجد را از شمال و جنوب گسترش داد . از جنوب ، آن را به ناحیه صفا و باب بنی مخزوم رساند و در شمال ، میان حجر اسماعیل و دار الندوه تا دار شیبیه بن عثمان را توسعه داد . در دوران خلافت عباسی ، ابتدا منصور در سال ۱۳۷ هجری شمال و غرب مسجد را توسعه داد و آن را تا باب بنی سهم رساند و سپس مهدی عباسی نخست در سال ۱۶۱ همه خانه های باقیمانده میان مسجد الحرام و مسعی را خراب کرد و حدّ مسجد را مسعی قرار داد و سپس در سال ۱۶۷ مسجد را از هر سو به اندازه ای توسعه داد که کعبه در وسط مسجد قرار گرفت و مسجد الحرام را از جهت شرق و غرب به حدّ اولیه خود رساند . زیرا ابراهیم علیه السلام حدّ شرقی مسجد را مسعی و حدّ غربی را حزوره قرار داده بود و حزوره همان بازار حناتین بوده است که حدّ غربی توسعه مهدی عباسی است .

بر این اساس و همان گونه که از جواب امام صادق علیه السلام در دو روایت اول همین فصل فهمیده می شود ، مسافت های اضافه شده ، حکم مسجد الحرام را دارند ، بلکه بخشی از آن هستند و زیاده محسوب نمی شوند . افزون بر این ، امام کاظم علیه السلام نیز همچون امام صادق علیه السلام این محدوده را از آغاز جزو مسجد الحرام و ساختن منازل توسط مکیان را غصب محدوده مسجد می داند و لذا کسب رضایت صاحبان خانه را لازم نمی بیند و این معنی از روایات آخر همین فصل استفاده می شود .

بعد از توسعه عباسی که آخرین آن ها در زمان المقتدر بالله است ، دو توسعه حکومت عربستان سعودی در سال ۱۳۷۵ و ۱۴۰۹ ، مساحت مسجد الحرام را چند برابر کرده و از حدّ اولیه گذرانده است . لذا برخی از فقیهان نسبت به جریان احکام ویژه مسجد الحرام در مکان های اضافه شده اخیر احتیاط می کنند و برخی دیگر احتیاط را مستحب می دانند ، زیرا همین که مردم آن ها را جزو مسجد الحرام بدانند و در عرف ، نام مسجد بر آن بنهند ، کافی است تا احکام آن جریان یابد .

## 2 / 3

### آداب ورود به مسجد الحرام

**10- امام باقر علیه السلام :** هرگاه علی علیه السلام به مکه وارد می شد ، پیش از آن که طواف کند ، ابتدا به محلّ فرود آمدن خویش می پرداخت .

**11- امام صادق علیه السلام :** هرگاه کسی که حج یا عمره به جا می آورد وارد مکه شود ، ابتدا وسایل خود را مستقر سازد ، سپس آهنگ مسجد الحرام کند .

**12- عمران حلی :** از امام صادق علیه السلام پرسیدم : آیا هرگاه زنان به خانه خدا می روند ، غسل کنند ؟ فرمود : آری ، خداوند می فرماید : خانه ام را برای طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و راکعان و ساجدان ، پاک سازی . سزاوار است که بنده ، جز با طهارت وارد خانه خدا نشود ، عرق و آلودگیها را شسته و پاک شده باشد .

**13- عطاء :** مُحرم از هر جا که خواست ، وارد شود . پیامبر از بنی شیبیه وارد شد و از در بنی مخزوم به سمت صفا خارج گشت .

**14- امام صادق علیه السلام -** در شرح مأزمین ( نام محلی میان عرفات و مشعر که درّه ای میان دو کوه است ) - : آن جا محلی است که بتها در آن پرستیده شده و سنگی که بت هُبُل را از آن تراشیدند از آن جا آورده شد ؛ بتی که علی علیه السلام وقتی بر دوش پیامبر بالا رفت ، آن را از بام کعبه بر زمین افکند و به دستور حضرت ، آن را کنار در بنی شیبیه دفن کردند . از آن رو ، ورود از در بنی شیبیه به مسجد الحرام سنت گشت .

**15- افلح ، غلام امام باقر علیه السلام :** با امام باقر علیه السلام برای حج بیرون شدیم . چون وارد مسجد الحرام شد ، صدایش به گریه بلند شد . گفتم : پدر و مادرم فدایت ! مردم نگاهت می کنند ، کمی آهسته تر ! حضرت فرمود : وای بر تو ای افلح ! چرا نگریم ؟ شاید خدا با نظر رحمت به من بنگرد و با این نگاه ، فردا نزد او رستگار شوم . سپس طواف کرد ، آنگاه آمد نزد مقام رکوع کرد و چون سر از سجده برداشت ، آن قدر اشک ریخته بود ، که سجده گاهش خیس بود .

**16- امام باقر علیه السلام :** هرگاه وارد مسجد الحرام شدي و رو به روي حجر الأسود قرار گرفتي، بگو: گواهي مي دهم که جز خداوند يکتا معبودي نيست. شريکي ندارد و شهادت مي دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. به خدا ايمان آورده و به طاغوت و لات و عزّي و پرستش شيطان و عبادت هر که جز خدا خوانده شود، کفر ورزيده ام.

سپس نزديک حجر الاسود رفته، دست راست بر آن بکش و بگو: به نام خدا، و خدا بزرگتر است. خدايا اين امانت من است که ادا کردم و اين پيمان من که وفا نمودم، تا نزد تو گواهي دهد که به پيمان وفادارم.

**17- معاوية بن عمّار** از امام صادق عليه السلام روايت کرده است: هرگاه وارد مسجد الحرام شدي، پابرهنه و با آرامش و وقار و خشوع وارد شو. و فرمود: هر کس با خشوع وارد آن شود، خداوند اگر بخواهد او را مي آمرزد. گفتم: خشوع چيست؟ فرمود: آرامش قلب. با تکبر وارد آن مشو، هرگاه به در مسجد رسيدي، بايست و بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، اي پيامبر! به نام خدا و به ياري خدا و از خدا و آن چه که خداوند بخواهد. سلام بر پيامبران و فرستادگان الهي. سلام بر رسول خدا، سلام بر ابراهيم و ستايش براي خداوند، پروردگار جهانيان.

و چون وارد مسجد شدي، دستانت را بالا بگير و رو به کعبه کن و بگو: پروردگارا! در اين جايگاه و در آغاز مناسکم از تو مي خواهم که توبه ام را بپذيري و از خطايم درگذري و بار گناهم را فرو ريزي. حمد خدايي را که مرا به خانه خويش رساند. خدايا گواهي مي دهم که اين خانه حرام توست، آن را محل تجمع مردم و ايمان و خجسته و هدايتگر جهانيان قرار داده اي. خدايا! من بنده توام، شهر شهر توست، و خانه خانه توست، آمده ام رحمت تو را مي طلبم و طاعت تو را قصد مي کنم. مطيع فرمان تو و راضي به تقدير توام. از تو خواهانم، خواسته کسي که به تو نياز مند و از کيفرت هراسان است. خدايا، درهاي رحمتت را به رويم بگشاي و مرا در طاعت و آن چه موجب رضاي توست به کارگير.

**18- امام صادق عليه السلام :** در حالي که بر در مسجد مي ايستي، مي گوي:

به نام خدا و به ياري خدا و از خدا و آن چه خدا بخواهد و بر آيين پيامبر خدا صلي الله عليه و آله و بهترين نامها از آن خدا و ستايش براي خداست. سلام بر رسول خدا، بر محمد بن عبدالله صلي الله عليه و آله، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو اي پيامبر. سلام بر پيامبران و فرستادگان خدا، سلام بر ابراهيم، دوست خداوند، سلام بر فرستادگان و ستايش براي خدا، پروردگار جهانيان، سلام بر ما و بر بندگان شايسته خدا، خدايا بر پيامبر و دودمان محمد صلوات فرست، بر محمد و دودمانش مبارک گردان و بر محمد و آل محمد رحمت آور، آن گونه که بر ابراهيم و خاندان ابراهيم، صلوات و برکت و رحمت فرستادي. همانا تو پسنديده و شکوهمندي. خدايا بر محمد (و خاندانش) بنده و فرستاده ات و بر ابراهيم، دوستت و بر پيامبران و فرستادگانت، صلوات و سلام فرست. سلام بر فرستادگان و ستايش از آن خدا، پروردگار جهانيان. خدايا درهاي رحمتت را بر من بگشاي و مرا در راه طاعت و رضاي خويش، به کارگير و تا مرا زنده مي داري، پيوسته در پناه ايمان نگهدارم باش. ستايش ذات تو شکوهمند است. خدايي را سپاس که مرا از مهمانان و زائران خود قرار داد و مرا از آنان قرارداد که مساجد او را آباد مي کنند و با او مناجات مي کنند. خدايا من بنده تو و زائر تو درخانه توام. براي هر زائري، بر عهده زيارت شده حقي است. تو بهترين و گرامي ترين کسي هستي که به زيارتت مي آيند. اي خدا، اي بخشنده، از تو مي خواهم، که خدائي يکتا و بي شريکي و يگانه و بي نيازي، نه زاده اي و نه زاده شده اي و همتايي نداري.

محمد، که درود تو بر او و خاندانش باد، بنده و فرستاده توست. اي بخشنده، اي بزرگوار، اي شکوهمند، اي قدرتمند و اي با کرامت، از تو مي خواهم که

نخستين هديه ات را براي اين زيارت من، آزادي ام از دوزخ قرار دهی. (سه بار مي گويي:) خدايا مرا از آتش برهان، از روزي حلال و پاکيزه ات بر من گشايش عطاکن و شرّ شياطين انس و جنّ و شرّ فاسقان عرب و عجم را از من دور گردان.

**19- نصر بن كثير :** من و سفيان، خدمت امام صادق عليه السلام رسيديم. گفتم: به بيت الله الحرام مي روم، مرا دعائي بياموز. حضرت فرمود: هرگاه به حرم رسيدي، دست خود را بر ديوار بگذار و بگو: اي سبقت گيرنده بر فوت، اي شنواي صوت، اي آن که پس از مرگ، استخوان را با گوشت مي پوشاني ... آنگاه هر چه خواستي دعا کن.

**20- امام صادق علیه السلام :** چون وارد مسجد الحرام شدي، راه برو تا نزدیک حجر الاسود برسي، پس رو به آن کن و بگو:

حمد خدایي را که به این نعمت، رهنمایمان شد و اگر هدایت الهي نبود، راه نمی یافتیم. خداوند منزّه است، حمد براي اوست، جز او خدایي نیست و خدا بزرگتر است. خداوند از آفریدگانش بزرگتر است و بزرگتر از هر کسي است که از او ترسان و گریزانم. جز خدا هیچ معبودي نیست، یکتا و بی شریک است، پادشاهي و ستایش از آن اوست، زنده می کند و می میراند، می میراند و حیات می بخشد و او بر هر چیز تواناست. و بر پیامبر و دودمان او، درود می فرستی و بر پیامبران سلام می دهی، همانگونه که هنگام ورود به مسجد انجام دادی، سپس می گویی: پروردگارا! به وعده ات باور دارم و به پیمانانت وفادارم.

2 / 4

#### فضیلت نماز در مسجد الحرام

**21- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** برتری مسجد الحرام بر این مسجد من، صد نماز است.

**22- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** یک نماز در مسجد من، برتر از هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام. یک نماز در مسجد الحرام، از صد نماز در این مسجد برتر است.

**23- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** یک نماز در مسجد الحرام، برابر با صد هزار نماز است و یک نماز در مسجد من هزار نماز است و در بیت المقدس پانصد نماز است.

**24- امام باقر علیه السلام :** یک نماز در مسجد الحرام، از صد هزار نماز در مساجد دیگر برتر است.

**25- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هر کس در مسجد الحرام یک نماز واجب بخواند، خداوند همه نمازهایی را که از روز و جوب نماز بر او، خوانده است و همه نمازهایی را که تا زمان مرگ می خواند، به برکت این نماز از او قبول می کند.

**26- امام صادق علیه السلام :** در این مسجد نماز و دعا زیاد بخوانید. آگاه باشید، که برای هر بنده، روزی ای است که به سوي او سوق داده می شود (یعنی در مکه خیلی دنبال کسب و کار نباشید، در پی دعا و نماز باشید، چرا که روزی شما تضمین شده است).

**27- احمد بن محمد بن ابی نصر :** از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: کسی نماز را در خانه اش در مکه به جماعت بخواند افضل است، یا در مسجد الحرام به تنهایی بخواند؟ فرمود: به تنهایی.

**28- موسی بن سلام :** حضرت رضا علیه السلام عمره انجام داد. چون با کعبه وداع کرد و به در حنّاطین رسید که از آن جا خارج شود، در محوطه مسجد پشت کعبه ایستاد. سپس دستانش را بلند کرد و دعا نمود. آنگاه به ما توجه کرد و فرمود: چه جای خوبی است برای حاجت بردن نزد او! نماز در آن، برتر از شصت سال (یا ماه [۳]) نماز در جای دیگر است.

#### پانوشت ها

- (1) نام محلی در مکه نزدیک باب الحنّاطین.
- (2) فنا: حیاط، میدان و محدوده جلوي هر خانه است.
- (3) تردید از راوي حدیث است.

3 / 1

نام های خانه خدا

الف - کعبه

قرآن

خداوند کعبه را خانه حرام و وسیله قیام و ایستایی برای مردم، قرار داد.

## حدیث

1- **شیخ صدوق:** در روایت آمده است که کعبه را از آن جهت کعبه نام نهاده اند، که چهارگوش است. علت چهارگوش بودنش نیز آن است که در مقابل بیت المعمور است که آن هم چهارگوش است. بیت المعمور چهارگوش شده، چون در برابر عرش است که چهارگوش است. عرش چهارگوش شده، چون کلماتی که اسلام بر آن ها استوار است، چهار است: سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله والله اکبر.

## ب - بیت العتیق (خانه آزاد)

### قرآن

سپس آلودگیها را از خودبزدایند، به نذر خویش وفا کنند و برگرد خانه آزاد، طواف کنند. برای شما در [ حیوانات ] قربانی، منافی است، تا سرآمدی معین، سپس جایگاه آن ها، به سوی خانه آزاد است.

## حدیث

2- **از امام باقر علیه السلام** پرسیدند: چرا کعبه را بیت العتیق نامیده اند؟ فرمود: چون که خانه ای است آزاد از مردم، هیچ کس مالک آن نیست.

3- **ابوحزمه ثمالی:** به امام باقر علیه السلام در مسجد الحرام گفتم: خداوند، چرا این خانه را عتیق نامید؟ فرمود: هیچ خانه ای نیست که خدا بر روی زمین قرار داده، مگر آن که صاحب و ساکنانی دارد، جز این خانه که جز خدای متعال، صاحبی ندارد و آزاد است.

4- **امام صادق علیه السلام:** خداوند در ماجرای نوح، همه زمین را زیر آب برد، جز خانه خدا را. آن روز این خانه عتیق نام نهاده شد، چون که آن روز از غرق شدن رها شد.

5- **از امام صادق علیه السلام** پرسیدند: چرا کعبه، بیت العتیق نامیده شد؟ فرمود: چون خداوند، آن را از طوفان آزاد کرد.

## ج - بیت الحرام

### قرآن

خداوند کعبه خانه حرام را برای قوام و استواری کار مردم، قرار داده است. پروردگارا! من از ذریه خویش در سرزمینی خشک، کنار خانه حرام تو قرار دادم، پروردگارا تا نماز بر پای دارند. پس، دل های مردم را شیفته آنان ساز و از ثمرات و میوه ها روزی شان کن، باشد که سپاسگزار شوند.

## حدیث

6- **حنان:** به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا کعبه را بیت الله الحرام نامیده اند؟ فرمود: چون بر مشرکان حرام است که وارد آن شوند. نقشه

## فایده ای درباره نام های کعبه

قرآن کریم خانه خدا را هفده بار و در چهارده آیه، یاد کرده است: دو بار با واژه الکعبه، هفت بار با واژه البیت، یک بار با واژه بیت، دویار بار با واژه البیت الحرام، دویار بار با واژه البیت العتیق، یک بار با واژه بیتک المحرم و دو بار با واژه بیته. گفتنی است که المسجد الحرام نیز پانزده بار در قرآن یاد شده است و یک بار نیز تنها با واژه المسجد آمده است.



یقیناً اولین خانه ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است فرخنده و هدایتگر جهانیان است. و به یاد آر، زمانی را که کعبه را محل گردآمدن مردم و ایمن قرار دادیم. و از جایگاه ایستادن ابراهیم (مقام ابراهیم) نماز خانه بگیرد. و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که خانه ام را برای طواف کنندگان، عبادت کنندگان، راکعان و ساجدان، پاکیزه سازید.

حدیث

**7- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** نخستین مسجدی که در زمین قرار داده شد، کعبه بود. سپس بیت المقدس و میان این دو پانصد سال فاصله بود.

**8- امام علی علیه السلام -** درباره این آیه انّ اولّ بیتٍ ... - : پیش از کعبه هم خانه ها بود، ولی کعبه اولین خانه ای بود که برای پرستش خداوند، قرار داده شد.

**9- خالد بن عرعه** از علی علیه السلام درباره آیه انّ اولّ بیتٍ ... پرسید که آیا کعبه، اولین خانه ای است که بر زمین بنا شده فرمود: نه، ولی اولین خانه ای است که برکت، هدایت و مقام ابراهیم در آن قرار داده شد و هر که وارد آن شود، ایمن است.

**10- امام باقر علیه السلام -** درباره این آیه انّ اولّ بیتٍ ... - : کعبه، اولین بقعه ای است که از زمین آفریده شد. سپس زمین از آن گسترش یافت.

**ب - گرمی ترین خانه ها**

**11- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** گرمی ترین خانه ها بر روی زمین، چهار خانه است: کعبه، بیت المقدس، خانه ای که در آن قرآن بخوانند و مساجد.

**12- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** وقتی کعبه را طواف کرد و به رکن یمانی رسید، سر را به سوی کعبه بلند کرد و گفت: سپاس خدای را که تو را شرافت و عظمت بخشید و مرا به پیامبری برانگیخت و علی را امام قرار داد. خدایا بهترین بندگانت را به سوی آن رهنمون باش و آن را از بندگان بد خویش، دور بدار.

**13- زراره** از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین محبوب تر و گرمی تر از آن [ اشاره فرمود به سوی کعبه نیافریده است. از روزی که آسمانها و زمین را آفرید، در کتاب خویش ماه های حرام را به خاطر حرمت آن، حرام ساخته است، سه ماه پیایی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجة و یک ماه جدا برای عمره که رجب است.

**14- امام صادق علیه السلام :** این خانه ای است که خداوند به سبب آن، بندگانش را به عبادت فراخوانده است، تا طاعت آنان را در آمدن به سوی آن بیازماید. پس آنان را به گرمیداشت و زیارت آن برانگیخته و آن را جایگاه پیامبرانش و قبله گاه نمازگزاران ساخته است. پس کعبه، شعبه ای از رضای او و راهی به سوی آمرزش الهی است، بر راستای کمال نهاده شده و مجمع عظمت و شکوه است. خداوند آن را دو هزار سال پیش از دحو الارض [۱] آفریده است. پس خدایی که پدیدآورنده روح ها و صورتهاست، شایسته ترین کسی است که در امر و نهی، اطاعت شود.

**15- امام صادق علیه السلام :** خداوند متعال از هر چیزی، چیزی را برگزید و از زمین، جایگاه کعبه را.

**16- امام صادق علیه السلام :** از پدران در وصف کعبه روایت کرده است - : خانه خدا در روی زمین، حجت الهی بر بندگان خداست.

3 / 3

ورود به کعبه

**الف - مستحب بودن ورود**

**17- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرکس وارد کعبه شود، در یک حسنه وارد شده است و از یک گناه، آمرزیده بیرون می آید.

18- امام باقر علیه السلام می فرمود: کسی که وارد کعبه می شود، در حالی وارد می شود که خداوند از او راضی است و پاک از گناهان بیرون می آید.

19- از امام باقر علیه السلام در باره ورود به کعبه پرسیدند. فرمود: ورود به آن، ورود به رحمت خداست و بیرون آمدن از آن، خروج از گناهان است و در باقی مانده عمرش از گناهان مصون است و گناهان گذشته اش آمرزیده است.

20- از امام صادق علیه السلام در باره ورود به کعبه پرسیدند. فرمود: آری، اگر می توانی چنان کن و اگر از ازدحام بیم داری، خود را به رنج میفکن.

21- امام صادق علیه السلام: برای سروره (کسی که حجّ اول اوست) مستحب است به مشعر الحرام گام بگذارد و وارد کعبه شود.

22- سلیمان بن مهران: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا برای سروره، مستحب است وارد کعبه شود، ولی برای کسی که قبلاً حج گزارده، خیر؟ فرمود: برای اینکه سروره، حج واجب را ادا می کند، به حج خانه خدا فراخوانده شده است. پس باید وارد خانه ای شود، که به سوی آن دعوت شده، تا در آن جا مورد اکرام قرار گیرد.

#### ب - آداب ورود

23- امام باقر علیه السلام: هر کس وارد این خانه شود، در حالی که به همه واجبات الهی آگاه باشد، در آخرت از عذاب همیشگی ایمن خواهد بود.

24- امام صادق علیه السلام: برای سروره واجب است، پیش از بازگشت از حج، وارد کعبه شود. پس هرگاه وارد شدی، با آرامش و وقار وارد شو، آنگاه به طرف هر یک از گوشه هایش برو و بگو: خدایا، تو فرموده ای: هر کس وارد آن شود ایمن است، پس مرا از عذاب روز قیامت ایمن بدار. و بین دو ستونی که کنارند، روی سنگ سرخ نماز بخوان و اگر مردم زیاد بودند، هر جا که نماز خواندی، رو به هر گوشه کن و خدا را بخوان و از او بخواه.

25- امام صادق علیه السلام: هر کس با سکینه و آرامش - بدون تکبر و تجبر - وارد کعبه شود، آمرزیده می شود.

26- امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی وارد کعبه شوی، پیش از ورود، غسل کن و با کفش وارد نشو و هنگام ورود بگو: خداوند تو فرموده ای و هر کس وارد آن شود ایمن است، پس مرا از عذاب آتش ایمن بدار. سپس بین دو ستون بر روی سنگ سرخ دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اول سوره حم سجده و در رکعت دوم به تعداد آیه های آن از قرآن، و در گوشه های آن نماز خوانده، می گویی: خدایا هر کس مهیا و آماده دیدار مخلوقی شود تا از پذیرایی و جایزه و انعام او بهره مند شود، آمادگی و توشه گیری و آمدن من به سوی تو سرور من، به امید پذیرایی و احسان و جایزه تو بوده است. پس امروز، امیدم را ناامید مکن، ای که خواننده تو محروم نمی شود و بر خوردار تو، از تو نمی گاهد، امروز نه کار شایسته ای به محضرت آورده ام و نه به امید شفاعت کسی آمده ام، ولی در حالی آمده ام که بر ستم و بدی به خویشتم معترفم، نه حجتی دارم و نه بهانه ای. ای که اینگونه ای، از تو می خواهم که خواسته ام را عطا کنی، لغزشم را ببخشایی و رنجور و تهیدست و ناکام بر نگردانی، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، برای امر بزرگی به تو امید بسته ام. ای بزرگ! از تو می خواهم که گناه بزرگ مرا ببخشایی، جز تو معبودی نیست.

با کفش وارد کعبه نمی شوی، آب دهان و بینی در آن نمی افکنی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جز روز فتح مکه، وارد آن نشد.

27- ذریح: در کعبه، در حالی که امام صادق علیه السلام در سجده بود، شنیدم که چنین می گفت: [خداوند! خشم تو را جز حلمت بر نمی گرداند و جز رحمت تو پناه دهنده از عذابت نیست. نجوابی از تو نیست جز با تضرع به درگاهت. خدایا! بر من گشایشی عطا کن، با آن قدرتی که مردگان را با آن زنده می کنی و آبادی های مرده را حیات می بخشی. خدایا! مرا از اندوه، نمیران تا دعایم را اجابت کنی و اجابت را به

من بشناسانی. خدایا تا فرصت پایانی، مرا عافیت روزی کن و مرا مایه شماتت دشمن قرار مده و او را بر من مسلط نکن. اگر تو مرا فرو نهدی، کیست که مرا رفعت بخشد؟ و اگر مرا بلند کنی، کیست که مرا پست کند؟ و اگر هلاکم کنی، کیست که درباره بنده ات چیزی با تو بگوید، یا از کارت بپرسد؟ خدایا، دانسته ام که نه در حکم تو ستم است و نه در انتقام شتاب. کسی در انتقام شتاب می کند که بیم از دست رفتن داشته باشد و آن که ناتوان است، نیازمند ظلم است و تو از این، پاک و والایی. خدایا، مرا آماج بلا و هدف انتقامت قرار مده. مرا با خود مهلت بده، از خطایم درگذر، دستم را نا امیدانه به گردنم باز مگردان، پیاپی بر من بلا نفرست، می بینی که ضعیف و به درگاهت نالانم، از مردم هراسان و به تو همدم. امروز به تو پناه می آورم، پناه ده و از تو پناه می خواهم، پناه ده. در گرفتاری از تو یاری می جویم، یاریم کن و از تو نصرت می خواهم، یاورم باش. بر تو تکیه می کنم، پس کفایت کن و از تو ایمنی می جویم، پس ایمنم ساز. از تو هدایت می جویم، پس راهنمایی ام کن. از تو رحمت می خواهم، رحمت کن. از آن چه می دانی از تو آمرزش می طلبم، پس مرا بیمارز و از فضل گسترده ات روزی می طلبم، پس روزی ام ده. هیچ نیرو و توانی جز از خدای والای بزرگ نیست.

**28- عبدالله بن عمر:** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اسامه بن زید، بلال و عثمان بن طلحه وارد کعبه شدند. آن حضرت در را بست و مدتی در کعبه ماند. وقتی بلال بیرون آمد، پرسیدم پیامبر چه کرد؟ گفت: یک ستون را سمت راست خود و ستونی را سمت چپ خود و سه ستون را پشت سر خود قرار داد [ کعبه آن روز شش ستون داشت ] سپس نماز خواند.

**29- عطاء:** از اسامه بن زید نقل می کند که همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد کعبه شد. پیامبر به بلال دستور داد که در را ببندد. خانه کعبه آن روز، بر شش ستون استوار بود. رفت تا میان دو ستونی که نزدیک در کعبه است نشست. خدا را سپاس و ثنا گفت و از او طلبید و آمرزش خواست. سپس برخاست و آمد تا به مقابل پشت کعبه رسید، چهره بر آن نهاد و حمد و ثنا و سؤال و استغفار کرد. سپس به طرف هر یک از گوشه های کعبه رفت و با تکبیر و لا اله الا الله و تسبیح و حمد و ثنای الهی و دعا و استغفار، رو به روی آن قرار گرفت. آنگاه بیرون آمد، رو به کعبه دو رکعت نماز خواند. آنگاه برگشت و فرمود: این قبله است، این قبله است.

**30- ابو حمزه:** امام سجّاد علیه السلام را شب در آستانه کعبه دیدم که نماز می خواند. نماز را آن قدر طول داد که گاهی تکیه به پای راست خود داشت، گاهی بر پای چپ. سپس شنیدم که با صدایی گویا گریان می گفت:

سرور من! آیا عذاب می کنی، در حالی که عشق تو در دل من است؟ به عزّت سوگند، اگر چنین کنی، بین من و کسانی جمع می کنی که زمانی طولانی من به خاطر تو با آنان دشمنی کرده ام!

**31- یونس بن یعقوب:** امام صادق علیه السلام را دیدم که داخل کعبه شد و خواست بین دو ستون برود نتوانست، پایین تر از آن نماز خواند و رفت تا آن که از مسجد بیرون شد.

**32- معاویه بن عمّار:** عبد صالح (امام کاظم علیه السلام) را دیدم که وارد کعبه شد و بر سنگ سرخ دو رکعت نماز گزارد. سپس ایستاد و روی به دیوار میان رکن یمانی و غربی کرد. دستش را بر آن نهاد، به آن چسبید و دعا کرد. سپس به سوی رکن یمانی رفت و به آن چسبید و دعا کرد. سپس به طرف رکن غربی آمد، سپس خارج شد.

### ج - آداب خروج

**33- عبدالله بن سنان:** امام صادق علیه السلام در حالی که از کعبه بیرون می آمد، شنیدم که می گفت:

الله اکبر، الله اکبر (سه بار) سپس گفت:

خدایا آزمایش ما را به مشقت میفکن، پروردگارا! دشمنانمان را به شماتت ما مگمار، تویی که زیان و سود می رسانی.

سپس فرود آمد و کنار نردبان نماز خواند، در حالی که نردبان را سمت چپ خود قرار داده و رو به کعبه بود و میان او و کعبه کسی حایل نبود. سپس به سوی خانه اش، بیرون شد.

**34- یونس:** به امام صادق علیه السلام عرض کردم: وقتی وارد کعبه شدم چه کنم؟ فرمود: هرگاه وارد شدی دو حلقه در را بگیر، سپس برو تا به دو ستون برسی. پس بر سنگ سرخ نماز بخوان و چون از کعبه خارج

شدی و از نردبان فرود آمدی، در سمت راست خود دو رکعت نماز بخوان.

3 / 4

آغاز کعبه

**35- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** خداوند جبرئیل را نزد آدم و حوا فرستاد و به آن دو فرمود: برای من خانه ای بسازید. جبرئیل برایشان نقشه کشید. آدم حفر می کرد و حوا (خاک را) منتقل می کرد، تا به آب رسید. از زیر آن ندا آمد: بس است ای آدم! پس چون خانه را ساختند، خداوند به او وحی فرمود که برگرد آن طواف کند و به او گفته شد: تو اولین کسی و این اولین خانه است. سپس قرنهای گذشت، تا آن که حضرت نوح آن را دیدار کرد، بعد قرنهای گذشت، تا آن که حضرت ابراهیم، پایه های آن را برافراشت.

**36- امام باقر علیه السلام :** اما آغاز این خانه، چنان بود که خداوند به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشین قرار می دهم. فرشتگان پاسخ دادند: آیا در آن کسی را قرار می دهی که در آن فساد می کند و خونها را می ریزد؟. خداوند از فرشتگان روی گرداند. آن ها دیدند که این رویگردانی از خشم خداست. پس به عرش او پناهنده شدند. خداوند به یکی از فرشتگان فرمان داد تا در آسمان ششم، در برابر عرش او خانه ای برایش بسازد به نام ضراح، که آن را برای آسمانیان قرار داد که هر روز هفتاد هزار فرشته طوافش می کنند و باز نمی گردند و استغفار می کنند. پس چون آدم به آسمان دنیا فرود آمد، خداوند فرمانش داد که این خانه را - که در مقابل آن بود - ترمیم کند. پس خداوند این را برای آدم و نسل او قرار داد، همچنان که آن خانه را برای آسمانیان قرار داده بود.

**37- امام باقر علیه السلام :** خداوند فرشتگان را فرمان داد که در زمین برای او خانه ای بسازند، تا هر که از فرزندان آدم گناه کند، بر گرد آن طواف نماید. آن گونه که فرشتگان عرش خدا را طواف می کنند - تا از آنان خشنود شود، همچنان که از فرشتگان راضی شد. پس در محل کعبه، خانه ای ساختند که زمان طوفان بالا برده شد، که اکنون در آسمان چهارم است، هر روز هفتاد هزار فرشته بر گرد آن طواف می کنند و هرگز به سوی آن بر نمی گردند. حضرت ابراهیم هم برپایه همان، کعبه را بنا نهاد.

**38- ابو خدیجه :** به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا کعبه را بیت العتیق (خانه آزاد) نام نهاده اند؟ فرمود: خدای متعال از بهشت، حجرالأسود را برای آدم فرود آورد. خانه کعبه ذری سفید بود. پس خداوند آن را به آسمان بالا برد و پایه اش باقی ماند. پس آن در مقابل این خانه است، هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند که هرگز دوباره به سوی آن باز نمی گردند. خداوند به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام فرمان داد، که کعبه را بر همان پایه ها بنا نهند.

**39- امام باقر علیه السلام :** چون خداوند، آدم را از بهشت فرود آورد، فرمود: من همراه تو خانه ای فرود می آورم که بر گرد آن طواف شود، آن چنان که عرش من طواف می شود و نزد آن نماز خوانده شود، همچنان که نزد عرش من نماز خوانده می شود. زمان طوفان، خانه به بالا برده شد. پیامبران خانه خدا را حج می کردند ولی جای آن را (دقیقاً) نمی دانستند، تا آن که خداوند جای آن را برای حضرت ابراهیم مشخص کرد. او هم خانه را از (سنگ) پنج کوه بنا کرد: کوه حرا، تبیر، لبنان، طور و حمر.

**40- امام صادق علیه السلام :** جایگاه کعبه، سرزمینی مرتفع و سفید بود که همچون خورشید و ماه می درخشید، تا آن که از دو فرزند آدم، یکی آن دیگری را کشت، پس سیاه شد. چون آدم فرود آمد، خداوند همه جای آن زمین را برای او بالا آورد، تا آن را دید. سپس فرمود: همه این از آن توست. گفت: خدایا، این زمین سفید درخشان چیست؟ فرمود: آن زمین من است.

**41- امام علی علیه السلام -** در شرح آیه انّ اولّ بیت ... - : اولین خانه ای که برای مردم قرار داده شد و خجسته بود و در آن هدایت و رحمت و برکت بود (کعبه بود) و ابراهیم نخستین کسی بود که آن را بنا کرد. سپس قومی از عرب و از طایفه جرهم آن را ساختند. سپس ویران شد، قریش دوباره آن را بنا کرد.

**فایده ای در باره بنای کعبه**

زمان بنای کعبه به درستی روشن نیست. احادیث و اقوال مورّخین به دو دسته کلی قسمت می شود:  
الف: دسته نخست می گویند: حضرت ابراهیم کعبه را ساخته و پیش از ایشان خانه ای با نام کعبه نداشته ایم.  
ب: این دسته معتقدند که کعبه پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام ساخته شده و ایشان آن را تجدید بنا کرده

اند.

بسیاری از این دسته، بانی بیت را حضرت آدم علیه السلام می دانند. برای جمع میان دو قول می توان گفت که کعبه توسط حضرت آدم علیه السلام و در موضعی از پیش تعیین شده ساخته شد، ولی با طوفان نوح از بین رفت. پس با راهنمایی خداوند و به دست ابراهیم علیه السلام این بنا تجدید و مراسم عظیم و مناسک و عبادت بزرگ حج به آن حضرت تعلیم شد. به عبارت دیگر حضرت ابراهیم نقشی هم پایه حضرت آدم علیه السلام در حیات کعبه دارد.

3 / 5

بازسازی کعبه

قرآن

و به یاد آور زمانی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه را بالا می آوردند (گفتند): خداوندا از ما بپذیر، همانا تو شنوای دانایی.

حدیث

42. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جایگاه کعبه محو شده بود. پس هود و صالح آن را حج نکردند؛ تا آن که خدای متعال جای آن را برای حضرت ابراهیم مشخص ساخت.

43. امام علی علیه السلام: خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که در زمین خانه ای برایم بساز که در آن عبادت شوم... ابراهیم بنا می کرد و اسماعیل به او سنگ می داد و پایه ها را به سوی او بالا می برد. چون به محل حجر الأسود رسید، به اسماعیل گفت: برای اینجا هم سنگ بده، اسماعیل سنگ نیافت و متوقف ماند. ابراهیم گفت: برو و پیدا کن. اسماعیل رفت تا بیابد که جبرئیل برایش حجر الأسود را آورد. اسماعیل آمد، در حالی که ابراهیم، حجر الأسود را در جایش نهاده بود. پرسید: این را که آورد؟ پاسخ داد: کسی که به ساختن تو تکیه نکرده است. خانه خدا مدتی برپا بود تا آن که ویران شد. عمالقه آن را ساختند. مدتی پایدار بود، تا آن که خراب شد. جرهم آن را بنا کردند. سپس باز هم ویران شد، قریش آن را ساختند.

44. کلثوم بن عبدالمؤمن حرّانی از امام صادق چنین روایت کرده است: خداوند به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که حج گزارد، اسماعیل را هم همراه خود به حج آورد و او را ساکن حرم سازد. پس هر دو حج گزارند... سال بعد خداوند به ابراهیم علیه السلام اجازه داد که به حج رود و کعبه را بنا نهد. عرب نیز به حج کعبه می رفت. کعبه خراب شده بود، ولی پایه هایش معلوم بود. چون مردم رفتند، اسماعیل سنگها را گرد آورد و آن ها را داخل کعبه ریخت. چون خداوند به او اذن داد که کعبه را بسازد، ابراهیم آمد و گفت: پسر من! خداوند ما را به ساختن کعبه و برآوردن آن فرمان داده است.

پس آن را آشکار کردند. آن وقت، کعبه یک ردیف سنگ سرخ بود. خداوند به او وحی کرد: بنای کعبه را بر همین پایه بگذار. پس خداوند، چهار فرشته نازل کرد که برای او سنگ گردآوری می کردند. ابراهیم و اسماعیل سنگها را می نهادند، فرشتگان هم سنگها را نزدیک می آوردند تا آن که به دوازده ذراع رسید. برای آن، دو در قرار دادند، یکی برای ورود، در دیگر برای خروج و برای آن، آستانه (پله) و درگاهی از آهن قرار دادند.

کعبه عریان بود. ابراهیم در حالی که کعبه را به پایان رسانده بود، بیرون آمد و اسماعیل را آن جا نهاد... همسرش که زنی خردمند بود، به او گفت: کاش برای این دو در، دو پرده می آویختی، پرده ای از اینجا و پرده ای از آن جا! اسماعیل گفت: باشد. پس برای آن دو در، دو پرده به طول دوازده ذراع درست کردند و بر دو در، آویختند. از آن خوششان آمد. همسر ابراهیم گفت: چرا برای کعبه پوشش ندوزم که همه آن را بپوشانی؟ این سنگها بدمنظر است. اسماعیل به او گفت: باشد. همسر ابراهیم شتابان به این کار پرداخت و پشم بسیاری نزد قوم خود فرستاد و از آنان خواست که آن را نخ بریسند.

(امام صادق علیه السلام فرمود: از همانجا این رسم میان زنان رایج شد که برای نخ ریسی از یکدیگر کمک بگیرند.)

پس آن زن شتاب کرد و برای این کار کمک طلبید. از هر قطعه ای که فراغت می یافت، بر کعبه می آویخت. موسم حج فرا رسید و هنوز جاهایی از کعبه بدون پوشش بود. به اسماعیل گفت: برای این قسمت که پوشش بدان نرسید، چه کنیم؟ پس آن را با چرمی وصله زده پوشاندند. در موسم حج، عرب طبق عادت خود به زیارت آمدند، ولی به چیزی نگریستند که مایه اعجابشان بود. گفتند: سزاوار است، هدیه ای برای آن که چنین کرده داده شود. قربانی و هدیه از آن جا رسم شد. هر تیره ای از عرب چیزی با خود می آورد، برگی و چیزهای دیگری تا آنکه اشیاء

زیادی گرد آمد. آن وصله را کردند و پوشش کعبه را کامل نمودند و بر آن، دو در گذاشتند. کعبه آنگاه سقف

نداشت. اسماعیل در آن ستونهایی از چوب، مثل آنچه می بینید قرار داد و با شاخ و برگ آن را پوشاند و گل اندود کرد. سال بعد که عرب آمدند و بنای کعبه را دیدند، گفتند برای آن که چنین کرده باید هدیه بیشتری داد. سال بعد قربانی برای او آمد. اسماعیل نمی دانست آن را چه کند. خدای متعال به او وحی کرد که قربانی را ذبح کن و حاجیان را، طعام بده...

3 / 6

### کعبه در جاهلیت

**45. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** پس از کلاب بن مُرّه، اولین کسی که کعبه را بازسازی کرد، قُصی بود.

**46. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -** خطاب به عایشه - : ای عایشه! اگر نبود این که قوم تو تازه از جاهلیت رسته اند، دستور می دادم کعبه را خراب کنند و آنچه را که از کعبه بیرون افتاده جزء آن می کردم و کف آن را با زمین برابر می ساختم و برای آن دو در، در شرقی و غربی قرار می دادم و به پایه و بنیان ابراهیم می رساندم.

**47. یحیی بن شبلی** از امام باقر علیه السلام روایت می کند: در زمان حضرت ابراهیم و قبیلۀ جرهم، در کعبه چسبیده به زمین بود، تا آن که قریش آن را بنا کردند. ابو حنیفۀ بن مغیره گفت: ای جماعت قریش! در کعبه را بالا ببرید، تا جز با پلکان کسی نتواند بالا رود و جز کسی که شما می خواهید وارد آن نشود. پس اگر کسی که شما نمی خواهید سراغ آن آید، پلکان را می کشید و می افتد، این عبرت برای بیننده می شود. قریش چنان کردند و ردیف بالایی دیوار را خراب کردند، سیل را از کعبه بازگرداندند و کعبه را با پارچه های نقش دار یمانی، پوشاندند.

**48. سعید بن عمرو هذلی** از پدرش روایت می کند: قریش را دیدم که در جاهلیت، روزهای دوشنبه و پنج شنبه در کعبه را می گشودند و دربانان نزد در می نشستند. هرگاه کسی بالا می رفت که دوست نداشتند وارد کعبه شود، او را پرت می کردند و گاهی می مُرد. با کفش وارد کعبه نمی شدند، این را بزرگ می شمردند و کفش های خود را زیر پلکان می گذاشتند.

**49. عایشه :** از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا دیوار هم جزء کعبه است؟ فرمود: آری. گفتم: پس چرا آن را جزء کعبه و داخل آن قرار ندادند؟ فرمود: قوم تو هزینه آن را نداشتند (پولشان نرسید). گفتم: پس چرا در کعبه بلند است؟ فرمود: قوم تو چنین کردند، تا هر که را خواستند وارد کنند و هر که را خواستند جلوگیری کنند و اگر نبود که قوم تو تازه از جاهلیت رسته اند و بیم دارم دلہایشان نپذیرد که دیوار را وارد کعبه کنم و در کعبه را به زمین بچسبانم، چنین می کردم.)

**50. امام صادق علیه السلام :** در جاهلیت، قریش کعبه را خراب کردند و چون خواستند آن را بسازند، نتوانستند (وموانعی پیش آمد) و در دلہایشان هراس افتاد. یکی گفت: هر کس پاکترین مال خود را بیاورد، نه مالی که از راه قطع رحم یا حرام به دست آورده آید. چنان کردند. آنگاه امکان ساختن کعبه، بر ایشان مهیا شد. آن را ساختند تا به محلّ حجر الأسود رسیدند. میانشان گفتگو پیش آمد که چه کسی حجر الأسود را در جای خودش کار گذارد. نزدیک بود میانشان شریّ پدید آید. به داورِ اولین کسی که از در مسجد وارد شود تن دادند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد شد. چون نزد آنان آمد، فرمود تا پارچه ای بگسترند. سپس سنگ را میان آن نهاد. قبایل، گوشه های پارچه را گرفتند و بلند کردند. سپس پیامبر سنگ را برداشت و در جایش نهاد. خدا، او را مخصوص این کار ساخت!

### توضیحی پیرامون بازسازی کعبه

مورخان نوشته اند که بارها کعبه ویران شد و بارها سیل پایه های آن را فرو ریخت. از این رو، خانه برآمده به دست ابراهیم و اسماعیل، بر جا نماند. لیکن افراد دوره جاهلی که سخت دلبسته حفظ شکل؛ جای و بنیادش بودند، پس از هر ویرانی یا آسیبی، تا آن جا که مقدورشان بود، می کوشیدند خانه را به شکلی که در روزگار پدران و نیاکانشان داشت، بازگردانند و آن را برآورند. لذا هیچ تغییری در آن راه نمی دادند و صورت بنا را دگرگون نمی کردند.

بیت الحرام، بنایی مکعب شکل است. لذا بدان کعبه گفته شده است. مورخان آن را چنین وصف کرده اند: تا پنج سال پیش از اسلام، دیوارهای کعبه سنگ چین بود و سنگ ها بی آن که ملاطی آن ها را به هم ببیوندد، تا بالای قد آدمی، روی هم چیده شده بود. نیز گفته اند که در عهد اسماعیل نُ ذراع ارتفاع داشت و مسقف نبود

و دري داشت که به زمین چسبیده بود . نخستین کسی که برای آن چفت گذاشت تبع بود و سپس عبدالمطلب دري آهنی برای آن ساخت و آن را با زر به دست آمده از دو آهوی زرین [ که بر اثر حفر چاه زمزم کشف شده بود ] بیاراست . این نخستین باری بود که کعبه را می آراستند . وصفی که مورخان این گونه از کعبه ارائه می کنند ، ما را بر آن می دارد تا آن را ویرانه ای ابتدایی و ساده تصور کنیم ؛ حیاطی مربع گونه که دیوار های سنگی - بی هیچ ملاطی که آن ها را به یکدیگر ببینند - آن را در بر گرفته است و پرندگان شکاری در آن مأوی گزیده اند و هیچ حائلی کف آن را از اشعه سوزان خورشید و باران هایی که بر مکه فرود می آید و گاه به شکل آب از دهانه های چاه ها بیرون می زند ، حفظ نمی کند . این خانه ، در حقیقت ، چهار دیواری است سنگی که ارتفاع آن از قامت انسان تجاوز نمی کند .

پاره ای از مورخان گفته اند که عامر بن جادر ازدي ، پس از اسماعیل ، نخستین کسی بود که برای کعبه جدار (دیوار) گذاشت . لذا جادر) برآورنده جدار) لقب گرفت .

باز به گفته مؤرخان ، در نیمه اول قرن هفتم میلادی ؛ یعنی پنج سال پیش از اسلام و زمانی که رسول خدا ، سی و پنج ساله بود ، کعبه دچار آتش سوزی شد . در این هنگام بر آن شدند تا خانه را بازسازی کنند و برایش سقفی چوبی بگذارند . لذا دست به کار شدند و دیوارها را - که پیشتر نه ذراع ارتفاع داشت - تا هیجده ذراع بر آوردند و سقفی بر دو ردیف سه ستون چوبی بر آن گذاشتند . همچنین در آن را از سطح زمین بالاتر آوردند ، که جز با پلکان نمی شد بدان وارد شد . دیوارها را نیز با یک ردیف سنگ و یک ردیف چوب بر آوردند . در اخبار آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در سال فتح مکه وارد کعبه شد ، کنار ستونی ایستاد و دعا کرد . در آن هنگام در خانه شش ستون بود .

مورخان درباره دلیل بازسازی کعبه گفته اند که دیوار های سنگی که ملاطی نداشت و ارتفاع آن از قامت آدمی تجاوز نمی کرد ، به تدریج از هم گسیخته شده و سنگ هایش بر زمین فرو ریخته بود . لذا بر آن شدند ، تا دیوار هایش را بر آورند و چون تتی چند از قریش و دیگران گنج خانه را که در چاهی در میان آن قرار داشت ، نزدیده بودند ، مردم بر مسقف کردن آن هم داستان شدند .

این بنای تازه نیز آن گونه که از وصفش در کتاب های مورخان بر می آید ، بنایی فاخر نبود . تنها اتاقی بود که اینک سقفی چوبی بر شش ستون در دو ردیف آن را می پوشاند . دیوار هایش که پیشتر نه ذراع ارتفاع داشت و کمی بیشتر یا کمتر از قامت آدمی بود ، تا هیجده ذراع بالا آمده بود . این بار مواد ساختمانی محکمی در این بنا به کار رفت ؛ ردیفی از چوب و ردیفی از سنگ و در مجموع پانزده ردیف چوبی و شانزده ردیف سنگی دیوار هایش را تشکیل می داد . سقف آن را نیز مسطح کرده بودند و برایش نودانی گذاشته بودند که آب باران از آن سرازیر می شد .

در مجموع ، این بنا از جهت مساحت ، هنر ، زیبایی و عظمت با هیچ یک از معبد های عربی جنوب عربستان ، مانند معبد المقه در شهر مارب یا دیگر معابدی که پژوهشگران به آثار و بقایای آن ها دست یافته اند ، سنجیدنی نبود .

3 / 7

داستان اصحاب فیل

قرآن

آیا ندیدی پروردگارت، با فیل سواران چه کرد؟ آیا نیرنگشان را در تباهی و گمراهی قرار نداد؟ و بر سر آنان پرندگانی دسته دسته فرستاد که با سنگهایی از سجیل آنان را زدند، پس آنان را مانند برگي خورده شده قرار دادند .

حدیث

51- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پرندگانی دسته دسته، مثل باز، در چهره درندگان به سراغ آنان رفتند .

52- امام صادق علیه السلام : فرمانروای حبشه چون با فیل به قصد ویرانی کعبه آمدند . بر شتر های

عبدالمطلب گذر کردند . آن ها شترها را ربودند . عبدالمطلب به سوی رئیس آنان رفت تا بخواهد شتر هایش را برگرداند . اجازه گرفت ، اجازه دادند و به فرمانروا گفتند : این ، بزرگ قریش است ، مردی هوشمند و جوانمرد است . او هم احترام کرد و نزدیکش ساخت . سپس به مترجم گفت : بپرس که چه می خواهد؟ گفت : همراهان به شتر های من بر خورده ، آن را ربودند . دوست دارم شتر هایم را به من بازگردانی . از درخواست او تعجب کرد و گفت : آیا این همان است که گفتید بزرگ قریش است و از خرد او یاد کردید؟ از من نخواست از خانه ای که او می پرسند ، باز گردم . اگر از من خواسته بود که از ویران ساختن آن چشم ببوشم ، چنان می کردم . مترجم سخن او را به عبدالمطلب باز گفت . وی پاسخ داد : این خانه صابحی دارد که از آن دفاع می کند . من از تو خواستم شتر های مرا بازگردانی چون به آن ها نیاز دارم . پس دستور داد آن ها را برگردانند .



**53- ابو مریم** از امام باقر علیه السلام روایت می کند که درباره آیه و اُرسل علیهم طیراً ... از حضرت پرسیدم. ایشان فرمود: پرندگان بودند با پرواز پایین [۲] که از سمت دریا سر اغشان آمدند. سرهایشان مثل سردرندگان و چنگال هایشان مانند پرندگان شکاری بود، هر پرنده سه سنگ همراه داشت: دو سنگ در چنگ ها و یکی در منقار. با آن سنگ ها آن قوم را سنگباران می کردند، تا آن که پیکرهایشان آبله گرفت و بر اثر آن کشته شدند. پیش از آن آبله دیده نشده بود و این کار را از پرندگان نیز نه پیش از آن روز و نه پس از آن هرگز ندیدند. کسانی هم که از آن حادثه جان سالم به در برده بودند، چون به حضرموت - نام یک وادی نزدیک یمن - رسیدند، خداوند سیلی فرستاد و همه را غرق کرد. فرمود: از پانزده سال پیش در آن وادی هرگز آبی دیده نشده بود! فرمود: به همین خاطر که آنان در آن جا مردند، نام آن جا حضرموت شد (مرگ حاضر شد).

تاریخ حمله ابرهه به مکه:

أبرهة الأشرم أبو یکسوم در حدود سال پانصد و هفتاد میلادی یعنی چهل سال قبل از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مکه حمله کرد. بعضی تاریخ حمله را سال های دیگری دانسته اند، ولی هیچ یک از سال پانصد و هشتاد و یک میلادی در نمی گذرد. علت حمله ابرهه، مجموعه ای از انگیزه های سیاسی و اقتصادی و دینی بود، ابرهه ابتدا عبادتگاهی پرشکوه در محل فرمانروایی خود در یمن ساخت تا توجه مردم را از کعبه به آن جا معطوف کند.

اما اعراب نه تنها به آن جا نرفتند، بلکه به آن اهانت کردند. همین امر دستاویزی برای ابرهه ساخت تا با حمله به مکه و نابود کردن آن، مرکز دینی و سیاسی جزیره العرب را به پندار خود به یمن منتقل کند و دینش را حاکم کرده و خود را فرمانروای مطلق حجاز کند.

3 / 8

آن چه در تاریخ اسلام بر کعبه گذشت

**54- عمرو بن دینار و عبیدالله بن ابی یزید:** در زمان پیامبر، اطراف کعبه دیواری نبود و پیرامون کعبه نماز می خواندند. زمان عمر که فرا رسید، برگرد آن دیوار کشید. عبیدالله گفته است: دیوارش کوتاه بود، پس ابن زبیر آن را بنا کرد (و بالا آورد).

**55- امام صادق علیه السلام:** کعبه در زمان حضرت ابراهیم نه ذراع بود و دو در داشت. عبدالله بن زبیر آن را باز ساخت و ارتفاعش را ۱۸ ذراع قرار داد. حجّاج آن را خراب کرد و آن را به ارتفاع ۲۷ ذراع ساخت.

مرمت و تجدید بنای کعبه

کعبه و مسجد الحرام در طول تاریخ اسلام، بارها مرمت و تجدید بنا شده است. این تعمیرات، معمولاً پس از سیل های فراوان مکه و گاه پس از جنگها، انجام گرفته است.

الف - سیل ها

از پیدایش اسلام تا کنون، نزدیک به صد سیل به مسجد الحرام و کعبه، آسیب رسانده است که برخی از آن ها به نام های خاصی، مشهور شده اند همچون: سیل امّ نهشل در خلافت عمر و حجاج و المخبل در خلافت عبدالملک بن مروان و سیل ابن حنظله در روزگار مأمون.

ب - جنگها

با وجود قداست و حرمت کعبه، سه حمله بزرگ به مکه، زیان های بزرگی را به کعبه وارد ساخت که عبارتند از:

- 1- حمله لشکر یزید بن معاویه به فرماندهی حصین بن نمیر (سال ۶۳ هـ) جهت سرکوبی عبدالله بن زبیر.
  - 2- حمله سپاه عبدالملک بن مروان به فرماندهی حجّاج ثقفی (سال ۷۳ هـ) جهت سرکوبی ابن زبیر.
  - 3- حمله قرامطیان در روزگار خلافت عباسیان (سال ۳۱۷ هـ) و ریودن حجر الأسود.
- تعمیر بیت به خلفا و پادشاهان و امیران وقت مکه نسبت داده شده است، مانند: عبدالله بن زبیر (۶۴ هـ) و عبدالملک بن مروان (۷۴ هـ) و سلطان سلیم عثمانی (۹۶۰ هـ) و سلطان مراد عثمانی (۱۰۴۰ هـ) و در آخرین تعمیر (۱۴۱۷ هـ) داخل کعبه را بتن ریزی کرده و بالا آوردند.



- (1) روز گسترده شدن و سفت شدن زمین از زیر کعبه، روز ۲۵ ذی قعدة.  
(2) در متن حدیث ساف آمده است و به معنای پرندگان است که در سطح پایین پرواز می کنند.

4/1

### نشانه های جامع

قرآن

همانا اولین خانه ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در مکه است. موجب برکت و هدایت برای جهانیان است، در آن نشانه های روشن است، مقام ابراهیم و هرکس وارد آن شود ایمن است. و برای خداست بر عهده مردم که آن خانه را حج کنند، هرکس که قدرت و راهی به سوی آن داشته باشد. و هر کس کفر ورزد (و ناسپاسی کند) خداوند از جهانیان بی نیاز است.

حدیث

**1- ابن سنان :** از امام صادق علیه السلام درباره آیه انّ اولّ بیتٍ ... پرسیدم که این نشانه های روشن چیست؟ فرمود: مقام ابراهیم . آن جا که بر روی سنگ ایستاد و قدم های او بر سنگ اثر گذاشت و حجر الأسود و خانه اسماعیل.

بیان:

آیات بیّنات به نشانه های بر جامانده از عهد قدیم در مکه گفته می شود که شامل مقام ابراهیم، حجر الأسود و حجر اسماعیل می باشد. از این سه، در روایت ذکر شده نام برده شده است. برخی از مفسرین، حطیم، زمزم و ارکان اربعه کعبه را نیز اضافه کرده اند و حتی مکان های مقدس مکه و حرم مثل مشعر و عرفات را نیز از مصادیق آیات بیّنات دانسته اند. علامه طباطبایی، هر سه قسمت آیه مقام ابراهیم، من دخله کان آمنا و الله علی الناس ... را در مقام بیان و توضیح آیات بیّنات می داند.

4 / 2

### مقام ابراهیم و جایگاه آن

**2- امام صادق علیه السلام :** خداوند مکه را فضیلت داد و بخشی از آن را برتر از بخشی قرارداد و فرمود: از مقام ابراهیم، جایگاه نماز بگیرد.

**3- زراره :** به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا حسین علیه السلام را درک کردی؟ فرمود: آری، به یاد می آورم که همراه او در مسجد الحرام بودم. سیل وارد مسجد شد، مردم روی مقام می ایستادند. برخی که بیرون می رفتند، می گفتند: مقام را سیل برد و بعضی می گفتند: سر جایی خود است. به من فرمود: فلانی! مردم چه کردند؟ گفتم: خداوند به صلاحیت دارد، مردم بیم آن دارند که سیل، مقام را برده باشد. فرمود: ندا بده که خداوند، آن را نشانه قرار داده است، آن را نخواهد برد. پس مردم آرامش یافتند. جایگاه مقام که ابراهیم علیه السلام آن را قرار داده بود کنار دیوار کعبه بود. همچنان آن جا بود، تا آن که مردم جاهلیت آن را به جایگاه امروزش منتقل کردند. چون پیامبر مکه را فتح کرد، به همان جایی برگرداند که ابراهیم نهاده بود. آن جا بود تا آن که عمر بن خطاب به حکومت رسید. از مردم پرسید: از شما چه کسی جایگاه قبلی آن را می داند؟ مردی گفت: من جایی آن را با افساری که نزد من است، اندازه گرفته ام. گفت: آن را بیاور. آن را آورد. پس اندازه گرفت و مقام را به همان جا برگرداند.

**4- امام صادق علیه السلام :** چون خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که مردم را به حج ندا بده، سنگی را که اثر گمهایش در آن است (مقام) رو به روی کعبه و چسبیده به کعبه، در همان جایی که امروز است قرار داد. سپس بر آن ایستاد و فرمان خدا را با رساترین صدایش ندا داد. چون آن سخن را گفت، سنگ تاب تحمل او را نیاورد، پاهایش در آن فرو رفت. پس ابراهیم، پاهایش را از سنگ برکند. چون مردم افزون شدند و به شرّ و بلا گرویدند، بر آن ازدحام آوردند و تصمیم گرفتند که در جایی که امروز قرار دارد قرار دهند تا مطاف، برای طواف کنندگان خالی شود. چون خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، به همان جایگاهی که ابراهیم قرار داده بود، بازگرداند. همانجا بود تا آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و زمان ابوبکر و اوایل حکومت عمر نیز همانجا بود. سپس عمر گفت: مردم برگرد مقام در فشارند، کدام یک از شما جایگاهش را در جاهلیت می داند؟ مردی گفت: من آن را اندازه گرفته ام. گفت: اندازه پیش توست؟ گفت: آری. گفت: آن را بیاور. آورد. پس دستور داد که مقام را به آن جا بردند و به مکانی برگرداندند که اکنون است.

### توضیحي درباره مقام ابراهيم

مقام ابراهيم از نشانه هاي روشن الهي و از نظر مشهور همان سنگ معروف در نزديكي كعبه است جاياگاه ابراهيم عليه السلام ، هنگام بالا بردن پايه هاي بيت كعبه بوده است در اين سنگ، اثر قدم انسان آشكارا ديده مي شود و اين خود معجزه و آيه اي الهي است كه در يك جسم سخت و محكم، پا فرو رود و اثر آن ساليان دراز باقي بماند و سيل ها و جنگ ها و غارت ها را پشت سرگذارد. سه تفسير ديگر از مقام ابراهيم از ابن عباس و مجاهد و عطا نقل شده است، ولي روايات، نظر مشهور را تأييد مي كند. در زمان وقوع اين معجزه الهي و ايستادن ابراهيم عليه السلام بر اين سنگ، اختلاف نظر هست، بعضي آن را هنگام بناي كعبه و بالا بردن پايه هاي كعبه مي دانند و معتقدند كه حضرت ابراهيم عليه السلام بر آن مي ايستاده است تا بتواند قسمت بالايي ديوار كعبه را بسازد. دسته دوم مي گويند: حضرت ابراهيم عليه السلام هنگام اعلان حج، جهت امثال امر وادن في الناس بالحج بر روي اين سنگ ايستاد. در اين زمينه اقوال ديگري هم وجود دارد كه از جمله آن ها قول فقاه است كه مي گويد: اين سنگ در تمام واقعه هاي ذكر شده مورد استفاده حضرت ابراهيم عليه السلام قرار گرفته است.

### توضیحي درباره جاياگاه مقام

تغيير مكان مقام ابراهيم از مسلمات تاريخ است و بسياري از كتاب هاي سيره و حديث و تاريخ آن را از مكان كنوني اش به كعبه نزديك تر و يا حتي چسبيده به آن دانسته اند. بر طبق آن چه كه از برخي احاديث، به دست مي آيد، ابتدا در جاهليت آن را از كعبه دورتر بردند و سپس پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله آن را پس از فتح مگه به جاي نخستينش باز گرداند، يعني همان مكاني كه ابراهيم عليه السلام آن را نهاده بود و سپس عمر آن را به مكاني كه هم اکنون قرار دارد، انتقال داد. در علت اين انتقال اختلاف كرده اند: برخي آن را به جهت سيلبي مي دانند كه مقام را با خود برد و برخي ديگر به جهت توسعه دادن مكان طواف و دسته اي به جهت اين كه زير پاي طواف كنندگان نرود، دانسته اند.

4 / 3

### حجر الأسود

#### الف - حجر الأسود، دست خدا

5- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : حجر الأسود، دست خدا در زمين است. هر كه آن را لمس كند، دست خدا را لمس كرده است.

6- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : حجر، دست خدا در زمين است، كه با آن با بندگان دست مي دهد.

7- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : حجر، دست خدا در زمين است. هر كه دست خود را بر آن بكشد، با خدا بيعت كرده كه او را نافرمانی نكند.

8- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : حجر، دست خداست. هر كس بخوهد، به وسيله آن با خدا دست مي دهد.

#### ب - اصل حجر الأسود

9- عقبه بن بشير از امام باقر عليه السلام روايت مي كند: خداوند حضرت ابراهيم را فرمان داد كه كعبه را بسازد و پايه هابش را بالا آورد و مناسك مردم را به آنان نشان دهد. ابراهيم و اسماعيل هر روز يك ردیف مي ساختند، تا به جاياگاه حجر الأسود رسيدند.

امام باقر عليه السلام فرمود: پس كوه ابو قبيس، ابراهيم را ندا داد: تو نزد من سپرده اي داري. آنگاه حجر الأسود را به او داد و وي آن را در جاياگاهش نهاد.

10- امام علي عليه السلام در پاسخ آن يهودي كه از او درباره اولين سنگي كه بر روي زمين نهاده شد پرسيد. فرمود: شما مي گوييد: آن است كه در بيت المقدس است و دروغ مي گوييد. اولين سنگ، آن است كه آدم آن را از بهشت فرود آورد. يهودي گفت: به خدا راست گفتي، اين مطلب به املاي موسي و خط هارون است.

11- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : در روي زمين جز سه چيز از بهشت نيست: نهال عجوه (نوعي خرماي خوب)، چند اوقيه (پيمانه و معيار وزن (آبي كه هر روز از برکت بهشت در فرات مي ريزد و حجر الأسود.

12- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله : حجر الأسود، از بهشت است.

13- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حجر الأسود، از سنگ های بهشت است.

14- منذر ثوري: از امام باقر علیه السلام درباره حجر الأسود پرسیدم. فرمود: سه سنگ از بهشت فرود آمده است: حجر الأسود که به ودیعت به ابراهیم سپرده شد، مقام ابراهیم و سنگ بنی اسرائیل. حضرت فرمود: خداوند سنگ سفید به حضرت ابراهیم سپرد که سفیدتر از کاغذ بود، در نتیجه گناهان بنی آدم سیاه شد.

ج - نهادن حجر الأسود در جاهلیت

15- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزی که قریش در نهادن حجر الأسود، در جای خود اختلاف کردند، من با دستام آن را نهادم.

16- ابن شهاب: چون پیامبر خدا به سن بلوغ رسید، زنی کعبه را با بخور و عود معطر می ساخت که از مجمر او جرقه ای در پرده کعبه افتاد و سوخت. کعبه را خراب کردند، تا چون دوباره ساختند و به محل حجر الأسود رسیدند، قریش در اینکه کدام یک از قبایله ها عهده دار بالا آوردن آن رکن شود با هم در افتادند. گفتند: اولین کسی که بر ما آشکار شود، او را داور قرار می دهیم. در این لحظه رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار شد، در حالی که جوان بود و پارچه ای راه راه بر خود حمایل کرده بود. او را به داور برگزیدند. او دستور داد تا حجر الأسود را در پارچه ای نهادند. بزرگ هر قبایله را طلبید و گوشه ای از پارچه را به او داد. خودش بالا رفت و حجر الأسود را (با آن پارچه) بالا آوردند، خود او آن را در جایش نهاد.

د - در دوران عبدالملک

17- شیخ صدوق: روایت شده که چون حجاج از ساختن کعبه فارغ شد، از امام سجّاد علیه السلام خواست که حجر را در جای خودش قرار دهد. حضرت نیز آن را گرفت و در جایگاهش نهاد.

18- راوندی: چون حجاج بن یوسف به جهت جنگ با عبدالله بن زبیر کعبه را ویران کرد، سپس آن را آباد کرده و تجدید بنا کردند و خواستند حجر الأسود را نصب کنند، هر یک از عالمان، قاضیان یا زاهدانشان که آن را نصب می کرد، سنگ می لرزید و می افتاد و در جای خود ثابت نمی ماند. امام سجّاد علیه السلام آمد و حجر الأسود را از دست آنان گرفت، بسم الله گفت، سپس برجایش نهاد، سنگ در همانجا ثابت ماند، مردم نیز تکبیر گفتند.

ه - در عصر قمرمطیان

19- جعفر بن محمد بن قولویه: در سال ۳۳۹ هـ - سالی که قمرمطیان حجر الأسود را به جای خودش در کعبه نهادند - چون در سفر حج به بغداد رسیدم، بزرگترین اندیشه ام این بود کسی را که حجر الأسود را در جای خود می نهد، دریابم. چون که ماجرای کار او در کتابها خواهد آمد، نیز آن سنگ را حجّت خدا در زمان برجایش خواهد نهاد، آنگونه که در زمان حجاج، امام سجّاد علیه السلام آن را در جایش قرار داد تا قرار گرفت.

به سختی بیمار شدم، آنچنانکه که بیم جان داشتم، آنچه را در نظر داشتم فراهم نگشتم. کسی را به نام ابن هشام نایب گرفتم و به او نامه مهر شده ای دادم، در نامه پرسیده بودم که عمرم چه قدر خواهد بود و آیا مرگ من در همین بیماری است یا خیر؟ به آن نایب گفتم: خواسته ام این است که این نامه به دست کسی برسد که حجر الأسود را بر جای خودش می نهد و جواب نامه گرفته شود. تو را برای این کار، نایب گرفته ام. ابن هشام گوید: چون به مکه رسیدم و تصمیم بر آن شد که حجر الأسود را به جای خود بازگردانند، مبلغی به خدام خانه خدا دادم که توانستم جایی باشم که قرار دهنده حجر الأسود را برجایش ببینم. کسی را هم از خدام قرار دادم که مانع فشار مردم بر من شود.

هرکس که می خواست حجر الأسود را بر جای خود نهد، می لرزید و قرار نمی گرفت. جوانی گندم گون و زیبا روی آمد، آن را گرفت و درجایش نهاد و قرار گرفت، گویا اصلاً از جایش جدا نشده است. صداها برخاست، آن جوان خواست که از در مسجد بیرون رود، از جایم برخاسته در پی او رفتم و مردم را از راست و چپ خود کنار می زدم، تا آن جا که پنداشتند دیوانه ام. مردم برایم راه می گشودند و چشمم جدا از او نمی شد، تا آن که از مردم جدا شد. من در پی او شتاب می کردم و او آرام می رفت و من به او نمی رسیدم. چون به جایی رسیدم که جز من کسی نبود که او را ببیند، ایستاد و رو به من کرد و فرمود: آنچه همراه داری بده. نامه را به او دادم. بی آن که به آن بنگرد فرمود: به او بگو: از این بیماری هراسی نداشته باش. مرگ تو نیز پس از سی سال خواهد بود. مدهوش شدم، توان حرکت نداشتن و او مرا گذاشت و برگشت.

20- امام صادق علیه السلام: حجر، خانه اسماعیل است و قبر هاجر و اسماعیل در آن قرار دارد.

21- اسماعیل علیه السلام در ۱۳۰ سالگی از دنیا رفت و در حجر، همراه مادرش دفن شد.

22- معاویه بن عمّار: از امام صادق علیه السلام درباره حجر پرسیدم که آیا جزء کعبه است یا بخشی از کعبه در آن است؟ فرمود: نه، حتی به اندازه چیده یک ناخن هم. لیکن اسماعیل علیه السلام مادرش را آن جا به خاک سپرد. دوست نداشت که پا بر روی آن بگذارند، دور آن حصاری کشید. قبور پیامبرانی هم در آن جاست.

23- امام صادق علیه السلام: در حجر، نزدیک رکن سوم، دختران دوشیزه حضرت اسماعیل دفن شده اند.

24- ابولباب مکی: امام صادق علیه السلام را دیدم که از سمت درب کعبه، وارد حجر شد، به فاصله دو ذراع از کعبه به نماز ایستاد. گفتم: هیچ یک از خاندان تو را ندیده ام که در مقابل ناودان نماز بخواند. فرمود: اینجا محلّ نماز شبر و شبیر پسران هارون است.

25- ابو نعیم انصاری از امام زمان علیه السلام روایت کرده که فرمود: امام سجّاد علیه السلام در سجده خود در این مکان (و با دست اشاره به حجر و طرف ناودان کرد) می گفت: بنده ناچیزت در آستان توست، نیازمندت به آستان توست، از تو می خواهم آنچه را که جز تو بر آن توانا نیست.

26- طاووس فقیه: امام سجّاد علیه السلام را در حجر دیدم که نماز می خواند و چنین دعا می کرد: بنده ناچیز تو به درگاه توست، اسیر تو در آستانه توست، نیازمند تو به درگاه توست، گدای تو به آستانه توست، نزد تو شکایتی دارد، که بر تو پنهان نیست - و در حدیثی است - مرا از درگاهت بازنگردان.

27- علی بن مزید بیاع سائری: امام صادق علیه السلام را در حجر، زیر ناودان دیدم که رو به طرف کعبه، دستان خویش را گشوده بود و چنین دعا می کرد: خدایا! بر ناتوانی و بیچارگی من ترحّم کن. پروردگارا، مرا از رحمت خویش، دو نصیب عطا کن و از روزی گسترده ات بر من ببار و شرّ فاسقان جن و انس و شرّ فاسقان عرب و عجم را از من دور کن. خداوندا! روزی مرا گشاده گردان و بر من سخت مگیر، خدایا بر من رحمت آر و عذابم مکن، از من خشنود باش و بر من خشم مگیر، تو شنوای دعا و نزدیک و اجابت کننده ای.

28- معاویه بن عمّار: از امام صادق علیه السلام درباره حطیم پرسیدم. فرمود: میان حجر الأسود و در کعبه است.

پرسیدم: چرا به آن حطیم می گویند؟ فرمود: چون در آن جا مردم همدیگر را فشار می دهند.

29- ابولباب مکی: امام صادق علیه السلام را دیدم که بر گرد کعبه طواف کرد. سپس میان در کعبه و حجرالاسود، دو رکعت نماز خواند. گفتم: هیچ یک از شما را ندیده ام که اینجا نماز بخواند! فرمود: اینجا، همان جاست که توبه آدم پذیرفته شد.

30- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کنار در کعبه، دوبار جبرئیل، امام جماعت من شد (و من به او اقتدا کردم).

31- وقتی که حلبی از امام صادق علیه السلام درباره حجر پرسید، حضرت فرمود: شما آن را حطیم می نامید. آن جا محلّ گوسفندان اسماعیل بود و مادرش را آن جا دفن کرد و خوش نداشت که پا بر آن گذاشته شود، پس دور آن حصاری کشید. قبر پیامبرانی هم در آن جاست.

**32- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هیچ کس در این ملتزم چیزی از خدا نخواست، مگر آن که اجابت شد.

**33- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** ملتزم، جایی است که دعا در آن پذیرفته است و هیچ بنده ای چیزی از خدا نخواست، مگر آن که آن را پذیرفت.

**34- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** میان رکن و مقام، ملتزم است. هیچ درمندی آن جا دعا نمی کند، مگر آن که بهبود یابد.

**35- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** آدم، هنگامی که فرود آمد، هفت بار کعبه را طواف کرد. سپس در مقابل در کعبه دو رکعت نماز خواند، آنگاه به ملتزم آمد و چنین گفت:

خدایا! تو نهان و آشکارم را می دانی، پس پوزشم را بپذیر و آنچه را که در دل و نزد من است می دانی، پس گناهانم را ببخشای. نیازم را می دانی، پس خواسته ام را عطا کن. خداوندا! از تو ایمانی می خواهم که همنشین دلم باشد و یقین راستی تا آن که بدانم جز آنچه برایم نوشته ای به من نخواهد رسید، و رضا به آنچه بر من حکم کرده ای.

خداوند به او وحی کرد: ای آدم! دعاهایی کردی و من اجابت کردم. اینگونه دعا را هیچ یک از فرزندان نخواهد کرد، مگر آن که اندوهها و گرفتاریهایش را برطرف سازم و آنچه از دست داده، کفاف کنم و تهیدستی را از قلبش بیرون کنم و توانگری را میان دو چشمش قرار دهم و در پی تجارت هر تاجری برای او تجارت کنم (و سود دهم) و دنیا به حالت خوار سراغ او آید، هر چند خودش آن نخواهد!

**36- امام صادق علیه السلام :** چون آدم، خانه خدا را طواف کرد و به ملتزم رسید، جبرئیل به او گفت: ای آدم! در این مکان به گناهان خویش در برابر خدا اعتراف کن [ تا آن که گفت: ] پس خداوند به او وحی کرد: ای آدم! گناه تو را آمرزیدم. گفت: پروردگارا! برای فرزندان و ذریه ام؟ خداوند متعال به او وحی کرد: ای آدم! هر یک از ذریه تو اینجا بیاید و به گناهانش اقرار کند و توبه نماید همچنانکه توبه کردی، سپس آمرزش بخواهد، او را می آمرزم.

**37- امام علی علیه السلام :** کنار ملتزم، به گناهان خویش، چه آنچه را در یاد دارید یا یادتان نیست اقرار کنید و بگویید: آنچه را که نگهبانان تو از گناهان ما حفظ کرده اند و ما فراموش کرده ایم، ببخشای، همانا هر کس در این جایگاه به گناه خود اعتراف کند، آن ها را بر شمارد و یادآوری کند و از خداوند آمرزش بطلبد، بر خداوند است که او را بیامرزد.

**38- امام صادق علیه السلام :** هرگاه امام سجّاد علیه السلام کنار ملتزم می آمد، می گفت: خدایا، مرا گروههایی از گناهان و خطاهاست و نزد تو افواجم از رحمت و آمرزش. ای کسی که دعای میغوض ترین افراد نزد خود را اجابت کرد، آنگاه که گفت خدایا مرا تا روزی که برانگیخته می شوند، مهلت بده، دعای مرا هم مستجاب کن و با من چنین و چنان کن. ...

**39- معاویه بن عمّار :** هرگاه امام صادق علیه السلام به ملتزم می رسید، به غلامانش می فرمود: از من فاصله بگیرید، تا در این مکان نزد پروردگارم به گناهانم اقرار کنم، این جا، جایی است که هیچ بنده ای به گناهان خود نزد پروردگارش اعتراف نکرد و از خدا آمرزش نخواست، مگر آن که خداوند، او را آمرزد.

**40- امام صادق علیه السلام :** هرگاه از طواف خود فارغ شدم و به آخر کعبه - در مقابل مستجار، اندکی به رکن یمانی مانده - رسیدی، دستان خود را بر کعبه بگستر، شکم خود (بدن) خویش را به آن بچسبان و صورتت را بر کعبه بگذار و بگو:

خدایا! خانه، خانه توست. بنده، بنده توست و اینجا، جایگاه کسی است که از دوزخ به تو پناه می آورد. سپس نزد پروردگارم به آنچه کردی اقرار کن. به یقین هیچ بنده مؤمنی نیست که در اینجا به گناهان خود در مقابل خدا اقرار کند، مگر آن که خدا او را بیامرزد، اگر بخواهد و می گویی:

خدایا، رحمت و گشایش و عافیت از جانب توست. خدایا، عمل من اندک است، پس آن را برایم بیفزای و آنچه را که تو از آن آگاهی و بر مردم پوشیده است، ببخشای.

آنگاه از آتش به خدا پناه می بری و هر چه می خواهی، برای خود دعا کن، سپس رکن یمانی را لمس کن و

سراغ حجر الأسود برو.

4 / 7

مستجار

41- **امام صادق علیه السلام**: حضرت ابراهیم کعبه را ساخت ... و برای آن دو در قرار داد: دري به مشرق و دري به مغرب. مستجار، دري است که رو به مغرب است.

42- **امام سجّاد علیه السلام**: چون آدم به زمین هبوط کرد، کعبه را طواف نمود. کنار مستجار که رسید، به کعبه نزدیک شد، دستان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا، مرا ببخشاي. ندا آمد: تو را بخشودم. گفت: خدایا، فرزندانم را. ندا آمد: اي آدم! هر یک از فرزندان تو سراغ من آید و گناه خویش را این جا آورد، گناهش را می آمرزم.

43- **علي بن جعفر**: برادرم [ موسي بن جعفر ] را دیدم که دو یا سه طواف می کرد (هر کدام هفت دور و) طوافها را به هم پیوست، جز اینکه در مستجار می ایستاد و سر هر هفت دور، دعا می کرد و سراغ حجر الأسود می آمد و آن را لمس می کرد. سپس طواف می کرد.

4 / 8

رکن یمانی

44- **جابر بن عبدالله**: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حجرالأسود را لمس کرد و بوسید و رکن یمانی را لمس کرد و دست خود را بوسید.

45- **ابن عباس**: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رکن یمانی را بوسید و صورت خود را بر آن نهاد.

46- **مجاهد**: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رکن یمانی را می بوسید و صورت بر آن می نهاد.

47- **نافع از ابن عمر نقل کرده است**: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه خانه خدا را طواف می کرد، در هر طواف دست بر حجرالأسود و رکن می کشید.

48- **عطاء**: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: اي پیامبر خدا ! دیده ایم که زیاد بر رکن یمانی دست می کشي! فرمود: هرگز نزد رکن یمانی نیامدم، مگر آن که جبرئیل کنار آن ایستاده بودوبراي هر که آن را لمس می نمود، طلب آمرزش می کرد.

49- **ابن عمر**: ندیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله جز دو رکن یمانی را، از خانه خدا لمس کند.

50- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** رکن یمانی و رکن حجرالأسود را لمس می کرد. غیر از این دو را لمس نمی کرد.

51- **امام باقر علیه السلام**: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جز رکن حجرالأسود و رکن یمانی را لمس نمی کرد. سپس این دو رکن را می بوسید و صورت بر آن ها می گذاشت. پدرم را نیز دیدم که چنین می کرد.

52- **حُمید بن ابي سوّیّه**: شنیدم از ابن هشام که از عطاء بن ابي رباح، در حالی که او کعبه را طواف می کرد، از رکن یمانی پرسید. عطاء گفت: ابو هریره مرا گفته که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هفتاد فرشته بر آن گماشته شده اند. هرگاه کسی گوید:

خداوندا! من بخشایش و عافیت در دنیا و آخرت از تو می خواهم، خدایا! در دنیا به ما حسنه ببخش و در آخرت حسنه عطا کن و ما را از عذاب آتش نگهدار، گویند: آمین.

پس چون به رکن حجرالأسود رسید، گفت: اي ابا محمّد! درباره این رکن حجرالأسود تو را چه (حدیثی) رسیده است؟ عطاء گفت: ابو هریره نقل کرد که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر کس با حجرالأسود دست دهد، با دست خدای رحمان دست داده [ و بیعت کرده ] است.

53- **ابو مریم**: با امام باقر علیه السلام مشغول طواف بودم. در هیچ یک از طوافهایش به رکن یمانی نمی

رسید، مگر آن که آن را لمس می کرد، سپس می گفت:  
خدایا به سویم بازگرد (وتوفیقی ده) تا توبه کنم و مرا نگهدار تا دوباره به گناه برنگردم.

**54- امام صادق علیه السلام:** رکن یمانی، دری از درهای بهشت است، خداوند از وقتی که آن را گشوده، نیسته است.

**55- امام صادق علیه السلام:** رکن یمانی در ماست، که از این در وارد بهشت می شویم.

**56- زید شحام ابو اسامه:** با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم. هرگاه به حجر الأسود می رسید، دست به آن می کشید و آن را می بوسید و هرگاه به رکن یمانی می رسید، خود را به آن می چسباند. گفتم: فدایت شوم! به حجر الأسود دست می کشی، ولی نسبت به رکن یمانی خود را به آن می چسبانی؟ فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز سراغ رکن یمانی نیامدم، مگر آن که جبرئیل را دیدم که پیش از من خود را به آن چسبانده است.

**57- امام صادق علیه السلام:** وقتی از کنار رکن یمانی می گذشت - : در اینجا فرشته ای است، که شنوایی اهل زمین به او داده شده است. هرکس وقتی به اینجا می رسد بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد، درود او را به پیامبر می رساند.

**58- امام صادق علیه السلام:** خداوند متعال، فرشته ذکر گوئی را بر رکن یمانی مأمور ساخته که دعاهای شما را آمین می گوید.

4 / 9

زمزم

الف - نام های آن

**59- امام صادق علیه السلام:** نام های زمزم عبارت است: قدمگاه جبرئیل، چاه اسماعیل، چاه عبدالمطلب، زمزم، برّه (پر خیر و سودمند)، مضمونه (نفیس و ارزشمند و گنجینه ای که به زحمت پیدا شود)، رواء (مایه سیرابی، آبرو)، شعبه (سیر کننده)، طعام، مطعم، شفای بیماری.

**60- در یاد کرد قصه هاجر - :** چون روز بالا آمد، اسماعیل تشنه شد و آب طلبید. هاجر در وادی محلّ سعی ایستاد و ندا داد: آیا در این وادی همدمی هست؟ اسماعیل از چشمش پنهان ماند. به بلندی صفا رفت، سراب وادی در نظرش درخشید، پنداشت که آب است، به وادی فرود آمد و دوید، چون به محلّ سعی رسید، اسماعیل از نظرش ناپدید شد، این بار، سراب در سوی صفا بر او جلوه کرد. باز هم در پی آب به وادی فرود آمد. چون باز هم اسماعیل از نظرش ناپدید شد، دوباره به صفا بازگشت و نگاه کرد. این کار را هفت بار انجام داد. نوبت هفتم که او بر فراز مروه بود، به اسماعیل نگر بست در حالی که از زیر پایش آب آشکار شده بود. بازگشت و ریگها را دور آن جمع کرد، چون آب در سیلان بود، با آنچه اطرافش قرار داد، آب را جمع کرد، از این رو به زمزم نامیده شد [ زم، یعنی جلوی چیزی را گرفتن و نگهداشتن، جمع کردن].

ب - آغاز آن

**61- ابی بن کعب:** جبرئیل چون با پاشنه خود به زمزم زد، مادر اسماعیل سنگریزه ها را گرد آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند، هاجر مادر اسماعیل را رحمت کند، اگر زمزم را به حال خود گذاشته بود، آبی جاری، می شد.

**62- امام صادق علیه السلام:** چون ابراهیم روی گرداند (که بازگردد) هاجر گفت: ای ابراهیم! ما را به که و می گذاری؟ گفت: شما را به خدای این بنا می سپارم. فرمود: چون آب تمام شد و آن کودک تشنه گشت، هاجر بیرون شد تا آن که بر فراز صفا رفت و ندا داد: آیا در این وادیا کسی هست؟ سپس فرود آمد، تا آن که به مروه رسید و همانگونه ندا داد. سپس در حال بازگشت نزد فرزندش بود که ناگهان دید در زیر پاشنه اسماعیل آب است. آنها را جمع کرد و آب همانجا رسوب کرد (و چشمه شد) و اگر واگذاشته بود، جاری می شد.

**63- امام صادق علیه السلام:** چون ابراهیم علیه السلام اسماعیل را در مکه جا گذاشت، کودک تشنه شد. میان صفا و مروه درختی بود. مادرش بیرون شد تا آن که بر صفا ایستاد و گفت: آیا در این دشت کسی هست؟ کسی



پاسخش نداد. رفت تا به مروه رسید و گفت: آیا در این وادی همدمی هست؟ پاسخی نشنید. دوباره به صفا بازگشت و همان را گفت و این کار هفت بار انجام داد. از این رو خداوند آن را سنت قرار داد. جبرئیل نزد هاجر آمد و پرسید: کیستی؟ گفت: کنیز ابراهیم. گفت: به امید چه کسی شما را اینجا و گذاشته است؟ گفت: اگر چنین می گویی، هنگامی که خواست بروم، به او گفتم: ای ابراهیم! ما را به که سپردی؟ گفت: به خدای متعال. جبرئیل گفت: شما را به کسی سپرده است، که شما را بس است. مردم از عبور از مکه پرهیز داشتند، چون آب نبود. کودک با پای خود به زمین زد و زمزم جوشید. [حضرت فرمود: هاجر از مروه به سوی کودک بازگشت در حالی که آب جوشیده بود. شروع کرد به جمع کردن خاک در اطراف آب، تا جاری نشود و اگر آن را و گذاشته بود، آب جاری می شد. فرمود: چون پرندگان آب را دیدند، بر گرد آن جمع شدند. کاروانی از یمن به قصد سفر گذشت. چون کاروانیان، پرندگان را دیدند، گفتند: پرندگان جز پیرامون آب، جمع نمی شوند. نزد آنان آمدند، به آنان آب و غذا دادند و خداوند به این وسیله روزی ایشان را جاری ساخت. مردم از مکه عبور می کردند و از طعام به آنان می خوراندند و از آب، سیرایشان می کردند.

**64- امام علی علیه السلام :** در حالی که عبدالمطلب در حجر خواب بود، در خواب به او گفته شد: برّه را حفر کن (برّه نام زمزم است) (گفت: برّه چیست؟ سپس از نزد او رفت. فردا باز در همانجا خوابیده بود. در خواب کسی نزد او آمد و گفت: مضمونه (نام دیگر زمزم) را حفر کن. گفت: مضمونه چیست؟ باز هم رفت. روز بعد، برگشت و در خوابگاهش خوابید. باز نزد او آمده گفتند: طیبه را حفر کن. گفت: طیبه چیست؟ باز هم رفت. فردا که شد، به خوابگاه خود برگشت و آن جا خوابید. نزد او آمد و گفت: زمزم را حفر کن. گفت: زمزم چیست؟ گفت: نه خشک می شود و نه آبش کم می گردد. آنگاه جایش را برای او وصف کرد. برخاست و همان جا را که برایش وصف کرده بود کند. قریش گفتند: ای عبدالمطلب! این چه کاری است؟ گفت: به حفر زمزم مأمور شده ام. پس چون خاک را کنار زد و آب را دیدند، گفتند: ای عبدالمطلب، ما هم همراه تو در آن سهمی داریم، چرا که این چاه پدرمان اسماعیل است. گفت: این از آن شما نیست، تنها از آن من است.

#### ج - فضیلت آن

**65- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** آب زمزم، شفای دردی است که به خاطر آن نوشیده شود.

**66- امام علی علیه السلام :** آب زمزم، بهترین آب روی زمین است.

**67- علی بن مهزیار :** امام جواد علیه السلام را در شب زیارت دیدم. طواف نساء را انجام داد و پشت مقام نماز خواند. سپس وارد زمزم شد و به دست خود با دلوئی که نزدیک حجرالاسود بود آب کشید و نوشید و بر بخشی از تنش ریخت. سپس دو بار به درون زمزم سرکشید [و نگرست. یکی از یاران ما به من خبر داده که سال بعد نیز او را دیده که چنین کرده است.

#### د - نوشیدن آب آن

**68- ابو ایوب مدائنی از یکی از اصحاب :** حضرت ابوالحسن علیه السلام هرگاه از آب زمزم، می نوشید. می فرمود: به نام خدا، حمد برای خداست، شکر برای خداست.

**69- امام صادق علیه السلام :** هرگاه کسی از طواف خود فارغ شد و دو رکعت نماز را خواند، نزد زمزم برود و یک یا دو دلو آب بکشد و از آن بنوشد و بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: خداوندا! این را علمی سودمند و رزقی گسترده و درمان از هر درد و بیماری قرار بده. سپس نزد حجرالاسود برگردد.

#### ه - اهدای آب زمزم

**70- امام باقر علیه السلام :** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی در مدینه بود، درخواست می نمود که از آب زمزم برایش هدیه بیاورند.

4 / 10

#### بهترین جای مسجد الحرام

**71- ابو حمزه ثمالی :** امام سجّاد علیه السلام به ما گفت: کدام زمین برتر است؟ گفتم، خدا و رسولش و فرزند رسولش داناترند. فرمود: بهترین بقعه و زمین، میان رکن و مقام است.



**72- میسر،** در ضمن سؤالاتی که امام باقر علیه السلام از اصحاب خود پرسید، آورده است که حضرت پرسید: آیا می دانید کدام قطعه زمین نزد خداوند با منزلت تر است؟ هیچ یک از ما پاسخی نگفت. خود او پاسخ خود را چنین داد: آن، مگه است که خداوند آن را به عنوان حرم خویش پسندیده و خانه خود را در آن قرار داده است. سپس فرمود: آیا می دانید نزد خداوند، حرمت کدام بقعه مگه بزرگتر است؟ کسی از ما چیزی نگفت. باز خود او پاسخ خود را چنین فرمود: آن، مسجد الحرام است. سپس پرسید: آیا می دانید حرمت کجای مسجد الحرام عظیمتر است؟ کسی از ما پاسخ نداد. خود حضرت فرمود: میان رکن حجر الأسود و مقام ابراهیم و در کعبه. این جایگاه، حطیم اسماعیل است، جایی که اندک گوسفندانش را غذا می داد و در آن نماز می خواند.

**73- ابو عبیده:** از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا نماز در همه جای حرم یکسان است؟ فرمود: ای ابو عبیده! نماز در همه جای مسجد الحرام یکسان نیست، چگونه در همه جای حرم یکسان باشد؟ پرسیدم: پس کدام بقعه برتر است؟ فرمود: میان در کعبه و حجر الأسود.

**74- امام صادق علیه السلام:** اگر برای تفرام شد که همه نمازهای واجب و غیر واجب را در حطیم بخوانی، بخوان، چرا که برترین نقطه روی زمین است.

**75- زراره:** از امام پرسیدم: مردی در مکه نماز می خواند، رو به قبله می ایستد ولی مقام ابراهیم را پشت سر خود قرار می دهد. فرمود: اشکالی ندارد. هر جای مسجد نماز بخواند، جلوی مقام یا پشت آن، می تواند. و بهترین جا، حطیم و حجر و کنار مقام است و حطیم مقابل در کعبه است.

**76- حسن بن جهم:** از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: کدام جای مسجد الحرام برای نماز خواندن برتر است؟ فرمود: حطیم، میان حجر الأسود و در کعبه. گفتیم: در مرتبه بعد کجا برتر است؟ فرمود: کنار مقام ابراهیم. پرسیدم در مرتبه بعد کجا؟ فرمود: داخل حجر. پرسیدم: پس از آن کجا؟ فرمود: هر جا که به کعبه نزدیکتر باشد.

4 / 11

#### مدفن پیامبران در مسجد الحرام

**77- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** هرگاه پیامبری از پیامبران الهی، امتش هلاک می شدند، به مکه می آمد و آن پیامبر و همراهانش تا زمان مرگ، در آن به عبادت می پرداختند. نوح، هود، صالح و شعیب، در مکه از دنیا رفتند و قبرهاشان میان زمزم و حجرالاسود است.

**78- امام باقر علیه السلام:** مابین رکن و مقام، پر است از قبور پیامبران، آدم نیز در حرم خدای متعال است.

**79- امام صادق علیه السلام:** میان رکن یمانی و حجرالاسود، هفتاد پیامبر مدفون است.

#### تحقیقی پیرامون مکان های مقدس در مسجدالحرام

**1- حطیم: بخشی از مسجد الحرام و مقدس ترین مکان آن است که حدود آن عبارتند از رکن حجر الأسود، در کنونی کعبه و مقام ابراهیم.** این منطقه پر ازدحام است و مردم برای استلام حجر و رسیدن به در کعبه جهت دعا و وداع یکدیگر را له می کنند و از این رو آن را حطیم نامیده اند، یعنی جایی که به همدیگر فشار می آورند و یکدیگر را له می کنند.

**2- ملتزم:** که به آن متعوذ و المدعی هم می گویند، بخشی از دیوار پشت کعبه است که در نزدیکی رکن یمانی و تقریباً روبروی در کنونی قرار دارد. این امر مورد اتفاق عالمان و فقیهان شیعه است، ولی نزد محدثین اهل سنت اختلافی می باشد: برخی آن را میان رکن و مقام ابراهیم می پندارند و بسیاری آن را میان در کنونی کعبه و رکن حجر الأسود می دانند. احتمالاً منشأ این قول التزام و دعای حضرت رسول در این مکان بوده است که شیعه نیز آن را به ویژه هنگام وداع مستحب می دانند.

**3- مستجار:** در غربی کعبه است که حضرت ابراهیم علیه السلام آن را در پشت کعبه بنا نهاد و قریش هنگام تجدید بنای کعبه، آن را نابود کرد. جای این در، کنار ملتزم است و آداب و دعاهای ویژه آن، نیز همان دعای آداب ملتزم است. از این رو محدثان و فقیهان آن را با ملتزم یکی دانسته اند. در یک روایت با سندی نامعتبر،

مستجار را میان حجر الأسود و در کعبه دانسته اند.  
نقشه

4 / 12

#### آرایش و پوشش کعبه

80- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عثمان فرمود: من فراموش کردم که تو را فرمان دهم که روی دو شاخ (شاخ گوسفندی که فدیة اسماعیل شد) را بپوشانی، چرا که سزاوار نیست در خانه چیزی باشد، که نمازگزار را مشغول کند.

81- **امام صادق علیه السلام** : آدم علیه السلام کسی بود که کعبه را ساخت و بنیان آن را نهاد و اولین کسی بود که آن را با مو پوشاند و اولین کسی بود که حج گزارد. سپس ثبّع پس از آدم، آن را با پوشش چرمین پوشاند، سپس ابراهیم، آن را با پوششی بافته شده از شاخ و برگ خرما پوشاند و نخستین کسی که بر آن جامه پوشاند، سلیمان بن داود علیه السلام بود، که با پارچه سفید قبطی آن را پوشاند.

82- **ابن ابی مُلیکه** : پوشش های زیادی از پوشش های اهل جاهلیت بر کعبه بود، مانند پوشش چرمی، جامه ها ، عباها و نمدها ، که روی هم انباشته شده بود.

83- **اسماعیل بن ابراهیم بن ابی حبیبه** از پدرش نقل می کند: در جاهلیت، با پوشش های چرمی کعبه را پوشانده بودند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله با پارچه های یمنی آن را پوشاند. سپس عمر و عثمان با پارچه های قبطی پوشاندند. آنگاه حجّاج، با دیبا آن را پوشاند. و گویند: اولین کسی که بر کعبه دیبا پوشاند، یزید بن معاویه بود، و گویند ابن زبیر یا عبدالملک مروان بود.

84- در دوران عمر، چون نزد او سخن از آرایشها و پوشش های کعبه و فراوانی آن گفته شد، گروهی گفتند: کاش آن ها را برگیری و سپاه مسلمانان را تجهیز کنی که پادشاه آن بیشتر است. کعبه ، آرایش برای چه می خواهد!

عمر تصمیم به این کار گرفت و از امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره پرسید. حضرت فرمود: وقتی این قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، اموال چهار بخش بود. اموال مسلمانان، که آنرا طبق سهم معین میان وارثان تقسیم کرد و غنائم که آن را بر مستحقان آن تقسیم کرد، خمس که خدا آن را در جایی خاص قرار داد و صدقات (زکات) که آن را هم خداوند تعیین کرد. آن روز، پوششها و زیورهای کعبه هم بر کعبه بود، خداوند بر همان حال واگذاشت و از روی فراموشی نبود که آن را واگذاشت و جایی هم از او پنهان نماند. پس بگذار همان جا که خدا و رسولش قرار داده، باقی بماند. عمر گفت: اگر تو نبودی رسوا شده بودیم. و پوششها را به همان حال گذاشت.

85- **امام باقر علیه السلام** : علی علیه السلام همه ساله، از عراق پوشش کعبه را می فرستاد.

4 / 13

#### تبرک به پوشش کعبه

86- **عبدالملک** : از امام کاظم علیه السلام [ یا امام رضا علیه السلام ] درباره مردی پرسید که مقداری از پوشش کعبه را خریده بود. با بخشی از آن نیاز خود را برطرف ساخت، بخشی هم در دست او مانده است. آیا می تواند آن را بفروشد؟ فرمود: آنچه را بخواهد، بفروشد و آنچه را نخواهد، هدیه دهد و از آن سود ببرد و برکت آن را بطلبد. گفتیم: آیا می توان با آن مرده را کفن کرد؟ فرمود: نه.

87- **عبدالملک بن عتبّه** : از امام صادق علیه السلام پرسیدیم: آنچه از پوشش کعبه به دستمان می رسد، آیا می توانیم بخشی از آن را بپوشیم؟ فرمود: می توان برای کودکان، قرآن ها و بالش از آن استفاده کرد و به خواست خدا بدین وسیله برکت بجویی.

88- **امام صادق علیه السلام** : اشکالی ندارد که از دیبای کعبه برگرفته و آن را روکش قرآن یا جامه ساخت که روی آن نماز خواند.

4 / 14

فضیلت نگاه به کعبه

89- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نگاه به کعبه، عبادت است.

90- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نگاه به کعبه از روی محبت نسبت به آن، عبادت است و خطاها را کاملاً از بین می برد.

91- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در چهار مورد، درهای آسمان گشوده می شود و دعا مستجاب می گردد: ... یکی هم هنگام دیدن کعبه.

92- امام علی علیه السلام : هرگاه برای حج خانه خدا بیرون شدید، به خانه خدا بسیار بنگرید، چرا که خداوند را صد و بیست رحمت در کنار خانه خویش است: شصت رحمت برای طواف کنندگان، چهل رحمت برای نماز گزاران و بیست رحمت برای نگاه کنندگان.

93- امام صادق علیه السلام : هرکس به کعبه بنگرد، پیوسته برای او حسنه نوشته می شود و گناه از او محو می شود، تا آن که نگاهش را از کعبه برگیرد.

94- امام صادق علیه السلام : از کمترین پاداشی که برای نگاه به کعبه است این است که خداوند برای هر نگاه، حسنه می بخشد و گناهی می زداید و درجه ای برای او بالا می برد.

95- امام صادق علیه السلام : هرکس با معرفت و شناخت به کعبه بنگرد و حق و حرمت ما را مثل همان که از حق و حرمت کعبه می شناسد بشناسد، خداوند گناهانش را می آمرزد و او را از اندوه دنیا و آخرت کفایت می کند.

1 / 1

وجوب حج و شرط های آن

قرآن

برای خداست ، به عهده مردم حج خانه خدا ، هرکس بتواند راهی بدان بیابد . و هرکه کفر ورزد ، همانا خداوند از جهانیان بی نیاز است.

حدیث

1- امام علی علیه السلام : خداوند حج خانه خویش را بر شما واجب کرده است ، خانه ای که آن را قبیله مردم قرار داده . . . حق آن را فریضه و حج آن را واجب کرده و زیارتش را بر شما لازم دانسته (و نوشته) است ، خداوند سبحان می فرماید:

برای خداست ، به عهده مردم حج خانه خدا ، هرکس بتواند راهی بدان بیابد . و هرکه کفر ورزد ، همانا خداوند از جهانیان بی نیاز است.

2- امام باقر علیه السلام : اسلام بر پنج چیز استوار شده است: بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت.

3- عمر بن ادینه : از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدا پرسیدم : حج و عمره را برای خدا تمام کنید . فرمود: مقصود او از تمامیت این دو ، انجام آن ها و پرهیز از چیزی است که مُحرم در این دو ، از آن پرهیز می کند.

4- عبدالرحمن بن حجاج : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا حج بر توانگر و فقیر ، واجب است؟ فرمود : حج بر عهده همه است ، چه بزرگ و چه کوچک . پس هرکه عذری داشته باشد ، خداوند او را معذور داشته است.

5- امام صادق علیه السلام : حج خانه خدا ، بر هرکس که استطاعت داشته باشد واجب است (و استطاعت) همان زاد و توشه ، وسیله سفر و تندرستی است و این که انسان چیزی داشته باشد که برای خانواده اش بگذارد و نیز پس از بازگشت از حج هم ، چیزی داشته باشد [ ۱ ] .

6- هر کس حجّه الاسلام (حج واجب) را انجام دهد، گرهی از آتش را از گردن خویش گشوده است.

1 / 2

فلسفه حج

قرآن

خداوند ، کعبه ، بیت الحرام را وسیله قیام و استواری و برپایی برای مردم قرار داد . مردم را برای حج فراخوان ، تا از هر جا گرد آمده منافع خویش را شاهد باشند و در روزهایی معین ، نام خدا را یاد کنند ، بر آنچه خداوند از چهار پایان روزی شان کرده است ، پس ، از آن ها بخورید و به بیچارگان فقیر هم بخورانید .

حدیث

7- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به طواف پیرامون خانه خدا و بین صفا و مروه و رمی جمرات فرمان داده شد فقط برای برپایی یاد خدا .

8- امام علی علیه السلام : و (خداوند) حج خانه خویش را بر شما واجب کرده ، خانه ای که آن را قبله گاه مردم قرار داده است . حج گزاران همچون ازدحام چهار پایان ، به این خانه وارد می شوند و همچون روی آوردن کبوتران (به آشیانه مشتاقانه به سوی آن می شتابند . خدای سبحان ، حج را نشانه تواضع مردم در پیشگاه عظمتش و تسلیم و پذیرش آنان نسبت به عزّت و شکوهش قرار داده است و از بندگان خویش ، شنوایی را برگزیده که دعوت الهی را لئیک گفته و سخن او را پذیرفته اند و در جایگاه های پیام آوران الهی ایستاده اند و (با طواف خویش) شبیه فرشتگانی شده اند که بر گرد عرش خدا در طوافند . کسانی که در تجارتخانه خداپرستی ، سود فراوان به دست می آورند و در آن (هنگام) به سوی میعادگاه بخشایش الهی می شتابند . خداوند متعال ، حج را پرچم افراشته اسلام و پناهگاه امن پناهجویان قرار داده است .

9- امام علی علیه السلام : در خطبه قاصعه فرمود : آیا نمی بینید که خداوند ، پیشینیان را از زمان حضرت آدم علیه السلام تا آخرین انسان های این عالم ، بوسیله سنگهایی آزمود که نه زیان می رساند ، نه سود ، نه می بیند و نه می شنود . پس آن ها را خانه خویش (بیت الله الحرام) قرار داده که مایه استواری مردم است و آن را در سرزمینی سنگلاخ و کم خاک و کلوخ ، در درّه ای تنگ و کم آب ، میان کوه های خشن و ریگهایی نرم و چشمه هایی کم آب و روستاهایی پراکنده و بی باران قرار داد ، که چهارپایان در آن جا فریه نمی شوند . آنگاه آدم علیه السلام و فرزندان او را فرمان داد که رو به سوی آن آورند . پس ، خانه خدا ، مقصدی برای سفرها و بار انداختن آنان شد ، دلها از همه سو ، از بیابان های خشک و پست و بلندیها و جزایر پراکنده دریاها و عمق درّه ها ، با خضوع و فروتنی ، لا اله الا الله گویان و هروله کنان به سوی آن شتافتند ، غبارآلوده و ژولیده موی ، جامه ها و روبندها برون آورده و پشت سرافکنده و پریشان چهره ، خداوند آنان را آزمود ؛ امتحانی بزرگ و آزمونی سخت و عظیم و آزمایشی دشوار و رسا و تواضعی روشن! و آنرا سبب رحمت خویش و مایه و وسیله رسیدن به بهشت و موجب آمرزش و آزمودن مردم قرار داد . و اگر خداوند متعال ، خانه خود و عبادتگاههایش را در میان باغستانها و نهرها و زمین های هموار و سرسبز و پرمیوه و آباد و کشتزارهای شاداب و آبادی های به هم پیوسته و دشتهایی خرم و گندم زارهای انبوه و بوستان های سرسبز و زمین های حاصلخیز و خرم و جاده هایی آباد و باغهایی فراوان قرار می داد ، در اینصورت ، پاداش ، به خاطر آسانی امتحان ، کم می شد . و اگر پایه های این خانه و سنگ های بنایش از زمرّد سبز و یاقوت سرخ و با درخشش و روشنایی بود ، در سینه ها کمتر شک پدید می آمد و تلاش ابلیس برای تسلط بر دلها کاسته می شد و مردم نیز کمتر گرفتار شک می شدند . ولی خدای متعال ، بندگان خود را با شداید گوناگون می آزماید و با سختیها و مشکلات رنگارنگ و ناگواری های مختلف امتحان می کند ، تا تکبر را از دلهایشان بیرون برد و فروتنی را در جانهایشان قرار دهد و اینها را دریچه هایی گشوده به سوی فضل خویش و ابزاری فراهم و مهیا برای بخشایش و آزمایش خود ، قرار دهد .

10- عیسی بن یونس روایت کرده است : ابن ابی العوجاء از شاگردان حسن بصری بود . سپس از مسیر توحید منحرف شد... و نزد امام صادق علیه السلام آمد و نشست ... سپس گفت : تاکی این خرمن را با پاها می کوئید و به این سنگ پناه می آورید و این خانه افراشته از آجر و کلوخ را می پرستید و همچون شتران فراری ، دور این خانه هروله می کنید؟ هرکس در این باره بیندیشد ، می داند که این کار را کسی غیر فرزانه و بی اندیشه بنیان نهاده است . پس بگو ، که تو رئیس این آیین و قلّه آنی و پدیرت پایه و نظام آنست . امام صادق علیه السلام فرمود : خداوند هرکس را گمراه و کوردل سازد ، حق را برایش ناخوش می دارد و به

کامش گوارا نمی آید و شیطان سررشته دار و همنشین او می شود و او را به وادی هلاکت می کشاند و از آن بیرونش نمی آورد. این خانه ای است، که خداوند بوسیله آن بندگان را به پرستش خود فراخوانده است، تا در انجام آن، میزان طاعتشان را بیازماید، از این روبندگان را به بزرگداشت و زیارت آن تشویق کرده و آن را جایگاه پیامبران و قبله گاه نمازگزاران قرار داده است. پس آن، شعبه ای از رضای الهی و راهی به سوی آموزش خدایی است که بر راستای کمال و کانون عظمت و جلال استوار شده است.

11- ابان بن عثمان با یک واسطه از امام باقر علیه السلام روایت می کند: به آن حضرت عرض کردم، چرا به حج، حج گفته شده است؟ فرمود: فلانی حج کرد، یعنی رستگار شد.

12- **امام باقر علیه السلام:** منظور از منافع در آیه تا شاهد منافی برای خودشان باشند، عفو و مغفرت است.

13- **سلمة بن محرز:** نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی به نام ابو الورد خدمت آن حضرت آمد و به امام صادق علیه السلام عرض کرد: رحمت خدا بر تو باد، کاش بدن خویش را از کجاوه (و رنج سفر) آسوده می ساختی!

امام صادق علیه السلام فرمود: ای ابو الورد! من دوست دارم شاهد منافی باشم که خدای متعال فرموده است: لیشهدوا منافع لهم؛ (تا شاهد منافی برای خود باشند). (همانا هیچ کس در حج حضور نمی یابد، مگر آن که خداوند، او را سود بخشد. اما شما، آمرزیده بر می گردید ولی دیگران، خانواده و ثروتشان حفظ می گردد).

14- **ربیع بن خثیم:** امام صادق علیه السلام را در حالی دیدم که بشدت بیمار بود و داخل تخت روان او را دور کعبه طواف می دادند. پس هرگاه به رکن یمانی می رسید، دستور می داد تا او را بر زمین بگذارند، پس دستش را از دریچه آن تخت روان بیرون می آورد و بر زمین می کشید. سپس می فرمود: بلندم کنید. چون این کار را چند بار، در هردور انجام داد، به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم ای پسر پیامبر! این کار برایتان دشوار است.

فرمود: از خداوند شنیده ام که می فرماید: لیشهدوا منافع لهم؛ (تا شاهد منافی برای خودشان باشند) (پرسیدم: منافع دنیا یا منافع آخرت؟ فرمود: همه).

15- **امام رضا علیه السلام** در پاسخ سؤال های محمد بن سنان نوشت: علت حج، ورود به میهمانسرای خدای متعال و طلب افزایش و بیرون آمدن از گناهان است و برای آن که از گذشته توبه کند و عمل از سر گیرد. و نیز در حج، خرج کردن ثروتها و رنج و خستگی و بازداشتن بدنها از خواسته ها و لذایذ و در عبادت، به خدا نزدیک شدن و خضوع و فروتنی و کرنش و مذلت (در پیشگاه حق) و بیرون آمدن در گرما و سرما و ایمنی و ترس است، بصورت حرکتی پیوسته. بعلاوه در حج، برای همه مردم منافی است و شوق و کوشش و بیم به سوی پروردگار سبحان و نیز رها کردن سنگدلی و حسد و غفلت و ناامیدی است و تجدید حقوق و بازداشتن جانها از فساد و سود بردن هرکه در شرق و غرب و خشکی و دریاست؛ چه حج گزار و چه تاجر و وارد کننده کالا و فروشنده و خریدار و کاسب و بینوا که حج نمی گزارند و همچنین رفع نیازهای مردم اطراف و جاهایی که می توانند در آن جا گرد آیند، تا منافع خویش را شاهد باشند.

16- **هشام بن حکم:** از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به چه علت، خداوند بندگان را مکلف ساخته که حج گزارند و کعبه را طواف کنند؟

فرمود: خداوند مردمان را آفرید... تا آن که فرمود: - و آنان را فرمان داد به آنچه که فرمانبرداری در دین باشد و مصلحتشان در کار دنیایشان. پس در حج، گرد آمدن از شرق و غرب را قرارداد، تا یکدیگر را بشناسند و هرکدامشان کالاهای تجارتي را از شهری به شهری ببرند، تا از این رهگذر، کرایه دهنده و شتریان سود ببرد و تا آن که نشانه های رسول خدا صلی الله علیه و آله و اخبار او شناخته و یاد شود و فراموش نگردد. و اگر هر قومی به شهرهای خودشان و آنچه در آن هاست اتکا می کردند، هلاک می شدند و شهرها ویران می شد و جذب کالا و سود بردن آنها از بین می رفت و از خبرها آگاه نمی شدند. اینست علت حج!

17- **امام صادق علیه السلام:** تا وقتی کعبه برپاست، دین هم برپا و استوار است.

18- **فاطمه زهرا علیها السلام:** خداوند، ایمان را برای پاک شدن از شرک،... و حج را بخاطر جلوه بخشی دین، واجب ساخته است.

میان مردم ، اعلام حج کن ، مردم ، پیاده و سوار بر هر مرکب لاغر ، از هر راه دوری بیایند.

## حدیث

19- امام باقر علیه السّلام : خداوند متعال ، چون ابراهیم علیه السّلام را فرمان داد که میان مردم ندای حج سردهد ، بر مقام ایستاد و بالای آن رفت ، تا اینکه روبروی کوه ابو قبیس قرار گرفت ، پس در میان مردم ، به حج ندا داد و به گوش همه آنان که تا برپایی قیامت، در صلب مردان و رحم زنان هستند، رساند.

20- ابن عبّاس : چون حضرت ابراهیم علیه السّلام کعبه را بناکرد، خداوند به او وحی کرد که مردم را به حج ندا بده . پس حضرت ابراهیم علیه السّلام گفت: آگاه باشید! پروردگارتان خانه ای برگزیده و شما را فرمان داده است که آن را زیارت کنید. پس هر چیزی که ندای او را شنید ، از سنگ و تپه و خاک پاسخ داد : لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ.

21- علی بن جعفر : از آن حضرت (امام کاظم علیه السّلام ) علّت و جوب لبّیک گفتن را پرسیدم. فرمود : چون که ابراهیم علیه السّلام آنگاه که خداوند فرمود : در میان مردم ندای حج برآور تا پیاده به سوی تو آیند ، ندا داد و به گوش مردم رساند . پس مردم از هرسوی ، لبّیک گویان روی آوردند . از این جهت ، لبّیک گفتن فریضه شد.

## ب - جهاد ضعیفان

22- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج ، جهاد هرناتوان است.

23- عبدالله بن یحیی کاهلی : از امام صادق علیه السّلام شنیدم که سخن می گفت و از حج یاد می کرد، پس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن (حج) یکی از دو جهاد است، جهاد ضعیفان است و ما ضعیفانیم.

24- امام حسین علیه السّلام : مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت : من ترسو و ضعیفم . حضرت به او فرمود : بشتاب ، به سوی جهاد بدون خار! یعنی حج.

25- عایشه : همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت درباره جهاد پرسیدند . حضرت فرمود : حج ، خوب جهادی است! .

26- عایشه : یا رسول الله! ما بهترین عمل را جهاد می دانیم ، آیا به جهاد نرویم؟ حضرت فرمود : خیر ، ولی بهترین جهاد ، حجی نیکو است.

27- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج ، از قبیل جهاد است و هر آنچه خرج کنید ، هفتصد برابر می شود.

## ج - برترین اعمال ، پس از جهاد

28- ابوهریره : از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : کدام یک از کارها با فضیلت تر است؟ حضرت فرمود: ایمان به خدا و پیامبرش . پرسیدند: پس از آن چه؟ فرمود: جهاد در راه خدا . گفتند : پس از آن چه؟ فرمود : حج پذیرفته شده.

29- امام صادق علیه السّلام : هیچ راهی از راه های خدا برتر از حج نیست ، مگر آن که کسی با شمشیر قیام کند و در راه خدا بجنگد تا به شهادت برسد.

30- مردی به حضور امام سجّاد علیه السّلام آمد و گفت : حج را بر جهاد مقّم داشته ای ، در حالی که خدای متعال می فرماید : خداوند جانها و اموال مؤمنان را در مقابل بهشت ، می خرد ؟ - تا آخر آیه - . امام سجّاد علیه السّلام فرمود : بعدش را هم بخوان : التائبون العابدون . . . ؛ توبه کنندگان، عبادتگرا و ... تا

به آخر آیه رسید - آنگاه فرمود : هرگاه اینان را (با این اوصاف (دیدي، آن روز جهادهمراه ایشان برتر از حج است.

#### د - برتري آن بر نماز و روزه

31- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یک حج پذیرفته، بهتر از بیست نماز مستحب است و هر کس این خانه را طواف کند و هفت بار آن را بشمارد و دو رکعت آن را نیکو بجا آورد، خداوند او را می آمرزد.

32- امام صادق علیه السلام : پدرم می فرمود : حج ، برتر از نماز و روزه است . نمازخوان ساعتی از وقتش را مشغول (و جدا از خانواده) است و روزه دار ، یک روز ، ولي حج گزار ، بدن خویش را به رنج و خود را به ناراحتی و دلتنگی می افکند ، مالش را خرج می کند و از خانواده اش مدتی طولانی دور می شود ، نه به امید مالی و نه به قصد تجارتي . و پدرم می فرمود : و چه کسی برتر از مردی است که با خانواده اش می آید و در حالی که مردم در عرفات ، در چپ و راست وقوف کرده اند ، آن ها را به حج می آورد و همراه آنان از خدا مسألت می کند.

#### ه - حج ، برتر از صدقه

33- امام صادق علیه السلام : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از منی کوچ کرد ، بادیه نشینی در ابطح [۲] به آن حضرت برخورد و گفت : یا رسول الله! من به قصد حج خارج شدم ، ولي مانعی مرا از حج باز داشت و من مردی ثروتمند و پولدارم . دستور بده با مالم کاری کنم که به پاداش حاجیان نایل شوم . پس رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به کوه ابو قبیس کرده ، فرمود : اگر به اندازه کوه ابو قبیس طلاي سرخ داشتی و آن را در راه خدا انفاق می کردی ، هرگز به پاداشی نمی رسیدی که حج گزار می رسد.

34- عبدالرحمن بن ابی عبدالله : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : برخی از این قصه پردازان می گویند که هرگاه کسی یک بار حج رود ، سپس (به جای دوباره حج کردن) صدقه بدهد و صلّه رحم انجام دهد ، برایش بهتر است . حضرت فرمود : دروغ گفته اند . اگر مردم چنین کنند ، حج تعطیل می شود . خدای متعال ، این خانه را مایه برپایی و استواری برای مردم قرار داده است.

#### بیان

از روایت اخیر و روایات دیگر، فهمیده می شود که برتري حج بر صدقه در جایی است که به خاطر سختی و رنج حج ، به صدقه رو آورده شود و این همایش عظیم، تعطیل یا تضعیف گردد . پس اکنون که طالبان حج فزونتر از ظرفیت مکان های مقدس می باشند و مسأله مزبور پیش نمی آید، صدقه بسی برتر از حج است و شاهد این معنی، روایت ابو بصیر از امام باقر علیه السلام که می فرماید : اگر هزینه زندگی خانواده ای مسلمان را بپردازم . سیرشان سازم، آن ها را بیوشانم و از مردم بی نیازشان گردانم، نزد من محبوب تر از آن است که حج بگذارم و حج بگذارم تا... هفتاد حج . روشن است که این سنجش ها و ترجیح ها، میان حج و صدقه مستحب است و نه واجب، چون هیچ مستحبی نمی تواند، از واجب جلو گیرد.

#### و - فضیلت خرج کردن در راه حج

35- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انفاق در حج ، هفتصد برابر انفاق در راه خدا ، پاداش دارد.

36- امام علي علیه السلام در حدیث چهارصد موعظه فرموده است : یک درهم که کسی در راه حج خرج کند ، برابر با هزار درهم است.

37- امام صادق علیه السلام : یک درهم که در راه حج خرج می کنی ، برتر از بیست هزار درهم است که در راه حق انفاق کنی.

38- امام صادق علیه السلام : کسی که در راه حج ، یک درهم خرج کند ، برای او بهتر از صد هزار درهم است که در راه حق ، انفاق کند.

39- امام صادق علیه السلام : یک درهم در حج ، برتر از دو میلیون درهم در غیر آن است که در راه خدا داده شود.



## ز - شایستگی قرض کردن برای حج

**40- عقبه :** سدیر صیرفی نزد من آمد و گفت : امام صادق علیه السلام به تو سلام می رساند و به تو می فرماید : چرا حج نمی روی؟ قرض کن و به حج برو.

41- معاویه بن وهب با سندهای متعدّد نقل کرده است : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : من مردی بدهکارم ، آیا وام بگیرم و به حج بروم؟ حضرت فرمود : آری! حج ، بهتر قرض را ادا می کند.

## ح - حضور همه ساله امام زمان علیه السلام در حج

**42- امام صادق علیه السلام :** مردم ، امامی را نمی یابند که در مراسم حج حضور دارد ، آنان را می بیند ، ولی آنان حضرتش را نمی بینند.

**43- محمد بن عثمان عمري :** [3] به خدا قسم حضرت صاحب الامر علیه السلام همه ساله در موسم حج حضور می یابد ، مردم را می بیند و می شناسد و مردم هم او را می بینند ، ولی نمی شناسند.

**44- عبد الله بن جعفر حمیری :** از محمد بن عثمان عمري پرسیدم : آیا صاحب الامر را دیده ای؟ گفت : آری . و آخرین باری که دیدم ، کنار خانه خدا بود ، در حالی که می گفت : خدایا! آنچه را به من وعده داده ای ، محقق ساز.

محمد بن عثمان - که خدا از او راضی باد و خداوند ، خشنودش کند - گفت : و آن حضرت را دیدم که در مستجار به پرده های کعبه ، درآویخته و می گوید : خدایا! انتقام مرا از دشمنانت بگیر.

**45- ابو محمد ، حسن بن وجناء :** پس از عمره چهارمین حج - از پنجاه و چهار حجی که بجا آوردم - ، زیر ناودان در حال سجده و مشغول تضرع و نالیدن در دعا بودم که کسی مرا تکان داد و به من گفت : ای حسن بن وجناء ، برخیز!

من لرزیدم. سپس ایستادم، زنی لاغر و زرد چهره دیدم ، به نظرم چهل ساله و بیشتر می آمد . جلوتر راه می رفت و من چیزی از او نمی پرسیدم . تا اینکه به خانه حضرت خدیجه علیها السلام در آمد . در آن جا اتاقی بود که درش وسط دیوار قرار داشت ، با پله هایی چوبی که از آن بالا می رفتند. آن زن بالا رفت . صدایی به گوشم آمد که : حسن ! بیبا بالا . بالا رفتم و دم در ایستادم . حضرت صاحب الزمان علیه السلام به من فرمود:

ای حسن! خیال کردی از چشم من پنهانی؟ به خدا قسم ، هیچ وقتی از حج تو نبود ، مگر اینکه همراه تو بودم. و شروع کرد به شمردن آن اوقات برای من - پس باصورت به زمین افتادم . سپس احساس کردم دستی بر من قرار گرفت . برخاستم . به من فرمود : ای حسن! در مدینه ، ملازم خانه جعفر بن محمد علیهما السلام باش ، و فکر آب و غذا و لباس مباحش.

سپس نوشته ای به من داد که در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود و فرمود : با این دعا مرا بخوان و اینگونه بر من صلوات بفرست و جز به دوستان خاص من ، به کسی مده ، همانا خداوند توفیقت خواهد داد.

**46- محمد بن احمد انصاری :** در مکه) کنار مستجار بودم. گروهی حدود سی نفر مرد نیز بودند و جز محمد بن قاسم علوی هیچ یک از آنان مخلص (شیعه) نبودند. در حالی که ما در این شرایط در روز ششم ذی حجه سال ۲۹۳ بودیم، جوانی از طواف بیرون آمد که دو جامه احرام بر تن داشت و کفشهایش در دستش بود. چون او را دیدیم، از هیبت او همه ما بدون استثنا برخاستیم. او بر ما سلام کرد و میان ما نشست و ما پیرامون او بودیم. سپس به راست و چپ نگاه کرد و گفت: آیا می دانید امام صادق علیه السلام در دعای الحاح چه می گفت؟ (گفتیم: چه می گفت؟) گفت: می گفت:

پروردگارا، تو را به نامی می خوانم که آسمان و زمین به سبب آن نام برپاست و به وسیله آن میان حق و باطل جدا می کنی و با آن پراکنده ها را گرد می آوری و گرد آمده ها را می پراکنی و به آن عدد ریگها و وزن کوهها و اندازه دریاها را می شماری، تو را می خوانم که بر محمد و دودمان محمد درود فرستی و برای من در کارم گشایشی قرار دهی.

سپس برخاست و وارد طواف شد. با برخاستن او، ما نیز برخاستیم تا آن که برگشت. از یادمان رفت که او را یادآور شویم و بگوییم او کیست و چیست؟ تا فردا همان وقت که باز از طواف بیرون آمد و به طرف ما آمد. مثل دیروز برای او برخاستیم و در جای خود، میان ما نشست. نگاهی به راست و چپ کرد و گفت: آیا می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب چه می گفت؟ گفتیم: چه می گفت؟ گفت: چنین می گفت:



صداها به سوي تو بلند است [ و دعوتها و دعاها به سوي توست ] و چهره ها براي تو خاشع است و گردنها براي تو فرو افتاده است و داوري در کارها با توست. اي بهترين سؤال شده و اي بهترين بخشنده، اي راستگو، اي آفریدگار، اي آن که در وعده خلاف نمي کند، اي آن که به دعا فرمان دادی و وعده اجابت فرمودی. اي آن که گفت: مرا بخوانید تا پاسختان گویم اي آن که گفت: هرگاه بندگانم از تو درباره من پرسند، یقیناً من نزدیکم، دعای دعا کننده را هرگاه که مرا بخواند، پاسخ می دهم، پس مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند، باشد که راه رشد بیابند. اي آن که گفت: اي بندگان من که بر خودتان اسراف کرده اید، از رحمت خدا نومید نشوید، خداوند همه گناهان را می آمرزد، او آمرزنده مهربان است. به فرمانم و پذیرایم، اینک این منم، اسرافکاری در برابرت و تویی گوینده این سخن که از رحمت خدا مأیوس نشوید، خداوند همه گناهان را می آمرزد.

آن گاه پس از این دعا به راست و چپ نگرست و گفت: آیا می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر چه می گفت؟ گفتیم: چه می گفت؟ گفت: چنین می گفت:

اي آن که بخشش زیاد، او را جز وسعت و عطا نمي افزاید، اي آن که گنجينه هایش بي پایان است، اي آن که گنجينه هاي آسمانها و زمین از آن اوست، اي آن که گنجينه هاي آنچه ریز و درشت است براي اوست، بدکاری من مانع نیکوکاری تو نمي شود. تو با من، آن می کنی که شایسته آنی، تو اهل بخشش و سخاوتی. اهل بخشایش و گذشتی. پروردگارا! اي خدا! با من آن مکن که من شایسته آنم، همانا من شایسته کفرم و مستحق آنم، دلیل و عذری هم نزد تو ندارم. با همه گناهانم نزد تو می آیم و به آن ها اقرار می کنم، تا از من درگذری و تو به آن ها داناتر از منی. با هر گناهی که مرتکب شده ام و هر خطایی که بر دوش کشیده ام و هر زشتی که انجام داده ام به سوي تو باز می گردم. پروردگارا! ببخشی و رحم کن و از آنچه می دانی درگذر، تو قدرتمندتر و بزرگوارتری.

و برخاست و وارد طواف شد. با برخاستن او، ما نیز برخاستیم. فردا در همان وقت باز آمد. ما مثل گذشته براي آمدنش برخاستیم. در میان نشست و نگاهی به راست و چپ افکند و گفت: امام زین العابدین علیه السلام در سجده اش در همین جا - و با دستش اشاره به حجر، زیر ناودان کرد - می گفت:

بنده ناچیزت، در آستان توست. بیچاره ات، در پیشگاه توست. نیازمندت، در درگاه توست. خواهنده ات، در آستانه توست. از تو چیزی می خواهد، که جز تو کسی بر آن توانا نیست.

سپس به راست و چپ نگاه کرد و از میان ما نگاهی به محمد بن قاسم افکند و گفت: اي محمد بن قاسم! تو اگر خدا بخواهد بر خیري - و محمد بن قاسم معتقد به ولایت بود - سپس برخاست و وارد طواف شد. هیچ یک از ما نبود، مگر آن که دعایی را که او خواند، در دل گرفت و به خاطر سپرد و فراموش کردیم که درباره او صحبت کنیم مگر در آخر روزی.

ابو علي محمودي گفت: اي گروه! آیا او را می شناسید؟ او به خدا سوگند صاحب الزمان شماست. گفتیم: اي ابو علي! از کجا دانستی؟ گفت که او هفت سال مانده است و از پروردگارش خواسته که صاحب الزمان علیه السلام را ببیند.

گفت: یکروز، غروب عرفه، همان مرد را دیدم که همان دعایی را که فرا گرفته بودم، می خواند. پرسیدم: این از کیست؟ گفت: از مردم است. گفتیم: از کدام مردم؟ گفت: از مردم عرب. گفتیم: از کدام تیره عرب؟ گفت: از باشرافت ترین آن ها. گفتیم: آنان کیانند؟ گفت: بني هاشم. گفتیم: از کدام بني هاشم؟ گفت: از آنان که برترین و برجسته ترین و درخشان ترین نسب را دارند. گفتیم: از کیان؟ گفت: از آن که فرق سر (دشمن) را شکافت و (به محرومان) طعام خوراند و آنگاه که مردم در خواب بودند، به نماز ایستاد.

گفت: دانستم، که او علوی است و به خاطر علوی بودن به او علاقه پیدا کردم. سپس او را در برابر خودم گم کردم و نفهمیدم چگونه رفت. از مردمی که اطراف او بودند، پرسیدم: آیا این علوی را می شناسید؟ گفتند: آری، همه ساله با ما پیاده به حج می آید. گفتیم: سبحان الله! به خدا سوگند نشان پیاده روی بر او نمی بینم. گفت: غمگین و دلگرفته از فراق او، به مزدلفه آمدم و آن شب را خوابیدم. در خواب، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمود: اي احمد! خواسته ات را دیدی؟ گفتیم: او کیست، سرور من؟ فرمود: آن را که دیشب دیدی، صاحب الزمان تو بود.

گفت: چون این را از او شنیدیم، او را سرزنش کردیم که چرا ما را نیاگاهانید! گفت تا زمانی که با ما در این باره سخن گفت این مسأله را فراموش کرده بود.

1 / 4

پاداش حج

47. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پاداش حج نیکو ، جز بهشت نیست.

48. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر عمره تا عمره دیگر ، کفاره (گناهان) میان آن دو می باشد و پاداش

حج مقبول ، بهشت است.

**49- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** حج گزار هیچ تسبیح و تهلیل و تکبیری نمی گوید، مگر آن که به سبب آن بشارتی به او داده می شود.

**50- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** به کاروان شترهای حجاج نگاه کرد و فرمود : هیچ گامی بر نمی دارند، مگر آن که برایشان حسنه نوشته می شود و هیچ گامی نمی گذارند، مگر آن که گناهی از آنان محو می شود و هرگاه اعمال حج خود را به پایان برند ، به آنان گفته می شود : بنایی ساختید ، پس ویرانش نکنید ، گناهان گذشته شما بخشوده شد ، برای آینده کار نیک انجام دهید [ ۴ ] .

**51- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** حاجیان سه گونه اند ، بیشترین بهره از آن کسی است که گناهان گذشته و آینده اش بخشوده شود و خداوند، از عذاب قبر نگاهش دارد . پس از او کسی است که گناهان گذشته اش آمرزیده شود و باید برای باقی مانده عمرش عمل از سرگیرد . اما پس از او ، کسی است که تنها خانواده و مالش حفظ شود.

**52- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هر کس برای حج و عمره از خانه اش بیرون آید، با هر گامی که بر می دارد و می گذارد، گناهان از بدنش می ریزد، آنگونه که برگ از درخت فرو می ریزد. و چون وارد مدینه شود و با سلام با من مصافحه کند، فرشتگان با سلام با او مصافحه می کنند و چون به ذوالحلیفه وارد شود و غسل کند، خداوند او را از گناهان پاک می کند و چون دو جامه نو بپوشد، خداوند حسنات را برای او تازه می کند و چون بگوید لبیک اللهم لبیک خدای متعال هم با لبیک و سعیدیک در پاسخ گوید: کلامت را می شنوم و به تو می نگرم. و چون وارد مکه شود و طواف و سعی میان صفا و مروه کند، خداوند خیرات را برای او پیوسته می دارد.

و چون در عرفات وقوف کنند و صدای ناله ها به نیازها برآید، خداوند به آنان بر فرشتگان هفت آسمان مباحث کرده، می گوید: ای فرشتگانم و ساکنان آسمانهایم! آیا به بندگانتان نمی نگرید که از هر دره عمیق (و راه دوری) ژولیده و غبارآلود نزد من آمده اند، پولها خرج کرده و بدنها به رنج افکنده اند! به عزت و شکوه سوگند، بدکارشان را به خاطر نیکوکارشان خواهم بخشید و از گناهان مانند روزی که مادرانشان آنان را زانند، بیرونشان خواهم آورد. و چون رمی جمره کنند و سرها بتراشند و کعبه را زیارت کنند، یک منادی از دل عرش ندا می دهد: باز گردید که بخشوده شده اید و کار، از سر بگیرید.

**53- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** به مردی از انصار فرمود : بدان! و قتی که تو ، روی به راه حج نهادی و بر مرکب خویش سوار شدی و بسم الله گفتی و مرکبت تو را به حرکت آورد ، هرگامی که مرکب تو بر می دارد و هر قدمی که می گذارد ، خداوند برای تو حسنه ای می نویسد و گناهی می زداید . پس چون احرام بسته ، لبیک گفتی ، با هر لبیک ، خداوند برای تو ده حسنه می نویسد و ده گناه محو می کند . وقتی خانه خدا را هفت بار طواف کردی ، نزد خداوند ، پیمان و یادی خواهی داشت که از آن پس ، خدا شرم می کند تو را عذاب کند .

وقتی کنار مقام ابراهیم نماز خواندی ، خداوند به پاداش آن ، ثواب دو هزار رکعت نماز مقبول برایت می نویسد . و چون میان صفا و مروه هفت بار سعی کردی ، پاداش تو نزد خدا مثل پاداش کسی است که از دیار خود، پیاده به حج آمده و همچون پاداش کسی که هفتاد برده مؤمن آزاد کرده است . و چون تا غروب آفتاب در عرفات ، وقوف کردی ، اگر گناهانت به اندازه ریگ های صحرای کف های دریا باشد، خداوند می بخشد . وقتی سنگریزه بر جمرات زدی ، خداوند به پاداش هر سنگ ، در باقی مانده عمرت ده حسنه می نویسد . و چون سر را تراشیدی ، خداوند در مقابل هر مو ، حسنه ای در باقی مانده عمرت می نویسد ، و چون قربانی ات را سربریدی یا شترت را نحر کردی ، برای هر قطره خون آن ، در بازمانده عمرت حسنه ای داری . و چون هفت بار گرد خانه خدا طواف کردی و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم خواندی ، فرشته ای بزرگوار بر دوش تو می زند و می گوید : اما گناهان گذشته ات آمرزیده شد ، از هم اکنون تا صد و بیست روز آینده ، اعمالت را از سرگیری .

**54- امام باقر علیه السلام :** همین که حج گزار شروع به تهیه وسایل سفرش کند ، هیچ گامی در راه تهیه وسایلیش بر نمی دارد ، مگر آن که خدای متعال ، ده حسنه برایش می نویسد و ده گناه از او می آمرزد و ده درجه بر او می افزاید . تا آنگاه که از وسایلیش آسوده شود ، هر وقت که شد . و چون با مرکبش رو به سوی حج کند ، با هر گامی که بر می دارد و هر گامی که می نهد ، خداوند همان

پاداش را براي او مي نويسد ، تا اعمالش به پايان رسد .  
چون اعمالش را به پايان رساند، خداوند گناهانش را مي آمرزد و در چهارماه ذی حجّه ، محرّم ، صفر و ربیع الأول ، حسنات او نوشته مي شود، ولي گناهانش ثبت نمي شود ، مگر آن که گناه کبيره اي مرتکب شود . پس از گذشت اين چهار ماه ، مثل مردم ديگر ( و مخلوط با آنان ) است .

**55- امام صادق عليه السلام :** بنده مؤمن وقتي به قصد حجّ از خانه اش بيرون مي آيد ، خود و مرکبش گامي بر نمي دارند ، مگر اينکه خداوند حسنه اي براي او مي نويسد ، گناهي محو مي کند و درجه اي مي افزايد .  
و چون در عرفات وقوف کند ، اگر گناهانش به اندازه دانه هاي خاک هم باشد ، چون برگردد ، مثل روزي که مادرش او را به دنيا آورده (پاک و بي گناه) خواهد بود و به او گفته مي شود : اعمالت را دوباره از سرگير .  
خداوند مي فرمايد : کسي که عجله کند و ذکر خدا را در دو روز انجام دهد ، و کسي که تأخير افکند ( و سه روز انجام دهد) گناهي بر آنان نيست ، براي آنان که تقوا پيشه کنند .

**56- حُجّاج ،** بر سه گونه از حج باز مي گردند : يک گروه ، از آتش نجات يافته اند . و گروهی از گناهانشان پاک مي شوند ، مانند روزي که از مادر زاده شده اند . گروهی هم تنها خانواده و مالشان حفاظت مي شود .  
اين کمترین چيزي است که حج گزار آن را با خود مي آورد .

**57- مشمعل اسدي :** سالي به حج رفته بودم . در بازگشت ، خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم . حضرت پرسيد : از کجا مي آيي ، مشمعل؟ عرض کردم : فدائيت شوم! به حج رفته بودم . حضرت فرمود : آيا مي داني حج گزار چه پاداشي دارد؟ عرض کردم : از شما مي آموزم . فرمود : هرگاه بنده ، هفت بار دور اين خانه را طواف کند و دو رکعت نماز طواف را بخواند و ميانه صفا و مروه سعي کند ، خداوند شش هزار حسنه براي او مي نويسد و شش هزار گناه او را مي بخشايد و شش هزار درجه بر او مي افزايد و شش هزار حاجت دنيوي او را بر مي آورد و به همين اندازه براي آخرتش ذخيره مي کند .  
عرض کردم : فدائيت شوم ، اينها پاداش بسياري است! فرمود : آيا به چيزي بيشتري و بالاتر از اين آگاهت کنم؟  
گفتم : آري . فرمود : اداي حاجتي از يک مؤمن ، برتر است از حجّي و حجّي (... و تا ده حج برشمرد .)

**58- امام صادق عليه السلام :** چون حضرت موسي عليه السلام حج گزارد ، جبرئيل عليه السلام نازل شد . موسي عليه السلام به او گفت : . . . کسي که با نيّتي صادق و خرجي پاک و حلال ، اين خانه را زيارت کند ، چه پاداشي دارد؟ جبرئيل عليه السلام به سوي خدا بازگشت . خداوند وحی فرمود که به او بگو : او را در ملکوت اعلي ، همراه پيامبران ، صدّيقان ، شهيدان و صالحان قرار مي دهيم و اينان چه رفيقان و همراهان خوبي اند!

59- کسي که در قبر است ، آرزو دارد کاش در مقابل دنيا و آنچه در آنست ، يک حج مي داشت .

1 / 5

پيوسته به حج رفتن

الف - تشويق به حج همه ساله

**60- عذافر :** امام صادق عليه السلام از من پرسيد : چه چيزي مانع مي شود که همه ساله به حج بروي؟ گفتم : فدائيت شوم ، خانواده ( و عيالمندي ) . (فرمود : اگر بميري ، چه کسي به خانواده ات رسيدگي مي کند؟ به خانواده ات سرکه و روغن زيتون بخوران ، ولي همه ساله آنان را به حج ببر .

**61- امام صادق عليه السلام** به عيسي بن ابي منصور ، فرمود : اگر بتواني که نان و نمک بخوري ولي همه ساله به حج بروي ، چنين کن !

**62- ابو همام :** به حضرت رضا عليه السلام عرض کردم : کسي قرض دارد . چيزي به دستش مي رسد . آيا با آن ، قرضش را بدهد يا به حج برود؟ حضرت فرمود : با بخشي ، قرضش را بدهد و با بخشي ديگر به حج برود . گفتم : تنها به اندازه مخارج حج است . فرمود : يک سال قرضش را بدهد ، يک سال به حج برود .  
گفتم : اگر اين مال ، از سوي حکومت داده شود ، چه؟ فرمود : براي آنان اشکالي ندارد .

**63- امام صادق عليه السلام :** چه چيزي مانع آن است ، که همه ساله حج کنيد؟ گفته شد : پولمان نمي رسد . فرمود : آيا کسي از شما نمي تواند که اگر برادرش به حج مي رود ، پول يک قرباني همراهش کند و دستور

دهد که از طرف او هفت دور گرد کعبه طواف کند و از طرف او قربانی کند و چون روز عرفه شد، جامه ها (ي احرامش) را پوشیده آماده شود و به مسجد رود و پیوسته در دعا باشد، تا خورشید غروب کند؟

#### ب - دعا برای توفیق حج همه ساله

64- امام سجاد علیه السلام در دعای خویش می فرماید : خدایا! بر من منت گذار ، با (توفیق حج) و عمره و زیارت قبر پیغمبرت - که درود و رحمت و برکاتت بر او و دودمانش باد - همواره ، تا مرزنده می داری ، امسال و هر سال . و این حج و زیارت را پذیرفته و پاداش یافته قرار بده که نزد تو یاد شود و ذخیره قرار گیرد .

65- امام سجاد علیه السلام : خدایا نعمت دادنت را بر من تمام کن که تو بهترین نعمت دهندگانی و بازمانده عمرم را برای کسب رضای تو در حج و عمره قرار بده، ای پروردگار جهانیان.

66- امام صادق علیه السلام : هرگاه از نافله نماز عشاء فارغ شدي ، می گویی: خدایا ، به حق جلوه و شکوهت و زیبایی و عظمت... ، از تو می خواهم که حج و عمره را در این سال و هر سال روزیم سازی و چشمم را (از گناه) فروپوشی و عافم را نگاه داری ، و روزی مرا وسعت بخشی و از هر بدی مرا حفظ کنی ، ای مهربانترین مهربانان.

67- امام صادق علیه السلام : در هر شب ماه رمضان، می گویی: خدایا! ای پروردگار ماه رمضان، ماهی که در آن قرآن فرو فرستادی و در این ماه، روزه را بر بندگانت واجب ساختی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و امسال و هر سال، حج خانه خودت و زیارت قبر پیامبرت و امامان علیهم السلام را روزی ام کن.

68- امام صادق و امام کاظم علیهما السلام : در ماه رمضان، از آغاز تا پایان، پس از هر نماز واجب می گویی: خدایا! امسال و هر سال، تا مرا زنده نگهداشته ای، حج خانه خودت را به من روزی کن، در آسانی و تندرستی و گشایش روزی و مرا از آن جایگاه های ارجمند و حرم های شریف و زیارت قبر پیامبرت خالی مکن و در همه نیازهای دنیا و آخرت برای من باش. خداوندا! از تو می خواهم در آن فرمان حتمی که شب قدر، تقدیر می کنی و رقم می زنی، تقدیری که برگشت و دگرگونی ندارد، مرا نیز از حجاج خانه ات بنویسی، از آنان که حجاج پذیرفته، تلاششان سپاس شده و گناهانشان بخشوده و بدیهایشان پوشانده شده است و در آنچه حکم و تقدیر می کنی، این را نیز قرار بده که عمرم را در اطاعت خود دراز کنی، رزق مرا بر من بیفزایی و امانت و قرض مرا از سویی من ادا کنی، بپذیر، ای پروردگار جهانیان.

#### ج - نتایج پیوسته حج گزاردن

69- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس دنیا و آخرت می خواهد ، آهنگ زیارت این خانه کند . هرکس از مکه بازگردد ، در حالی که تصمیم دارد سال آینده هم به حج رود ، عمرش زیاد خواهد شد.

70- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس پیوسته به حج و عمره برود، فقر و تب گریبانگیر او نمی شود.

71- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زیاد به حج و عمره رفتن ، از تنگدستی جلوگیری می کند.

72- امام صادق علیه السلام : حج های پی در پی و عمره های متوالی ، تنگدستی و مرگ بد را دور می کند.

73- امام صادق علیه السلام : بر شما باد زیارت این خانه (کعبه) . پس پیوسته حج خانه خدا کنید ، چرا که با پیوسته حج گزاردن ، گرفتاری های دنیا و هراس های روز قیامت از شما دفع می شود.

74- امام صادق علیه السلام : هرکس دوبار به حج رود ، همواره در خیر است ، تا بمیرد.

75- امام صادق علیه السلام : هرکس سه بار حج به جا آورد ، هرگز تنگدستی به او نرسد.

76- منصور بن حازم : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : ثواب و پاداش کسی که چهار بار به حج رود ،

چیست؟

فرمود : اي منصور! هرکس چهار بار حج گزارد ، هرگز فشار قبر به او نرسد.

**77- ابو بکر حضرمي :** به امام صادق عليه السلام عرض کردم : پاداش کسي که پنج بار به حج رود ،

چیست؟

فرمود : کسي که پنج بار به حج رود ، خداوند هرگز عذابش نمي کند.

**78- امام صادق عليه السلام :** کسي که ده بار به حج رود ، خداوند هرگز از او حساب نمي کشد.

**79- امام صادق عليه السلام :** هرکس بيست بار حج گزارد، دوزخ را نخواهد ديد و دم و بازدم جهنم را

نخواهد شنيد.

**80- امام کاظم عليه السلام :** هرکس چهل بار حج گزارد، به او گویند: هرکس را مي خواهي

شفاعت کن و دري از درهاي بهشت براي او گشوده مي شود و او و کساني که شفاعتشان کرده از آن وارد مي شوند.

**81- امام صادق عليه السلام :** هرکس پنجاه حج گزارد، خداوند در بهشت جاودان براي او شهري مي سازد با

صد هزار قصر، در هر قصري یک حوري از حوريان بهشتي و هزار همسر، و از همراهان پيامبر صلي الله عليه و آله در بهشت قرار مي گيرد.

**82- امام رضا عليه السلام :** هرکس بيش از پنجاه بار حج گزارد، همچون کسي است که پنجاه حج با پيامبر و اوصيا - که درود خدا بر آنان - انجام داده است و از کساني خواهد بود که خداي متعال هر جمعه او را ديدار مي کند و از کساني خواهد بود که وارد بهشت بريني مي شوند که خداوند، خودش با دست (قدرت) خود آن را آفريده. نه چشمي آن را ديده و نه آفريده اي از آن آگاه شده است. هيچ کس نيست که زياد حج انجام دهد، جز آن که خداوند متعال در مقابل هر حجّي براي او شهري در بهشت مي سازد که در آن غرفه هاست، در هر غرفه اي يکي از حوريان بهشتي و با هر حوري سيصد کنيز، که مردم هرگز به کساني به حسن و زيبايي آنان نگاه نکرده اند.

**د - معنای پیوسته حج رفتن**

**83- امام صادق عليه السلام :** کسي که یک سال در میان به حج رود ، از کساني است که پیوسته به حج مي روند.

**84- امام باقر يا امام صادق عليهما السلام :** هرکس سه سال پياپي به حج رود ، پس از آن به حج برود يا نرود ، بمنزله کسي است که پیوسته به حج مي رود.

**85- روايت شده است :** پیوسته حج گزار ، کسي است که هرگاه امکانات حج برايش فراهم شود ، به حج مي رود . همچنانکه ميخواره کسي است که هرگاه شراب بيبابد ، بنوشد.

**ه - ناپسندی پیوسته حج رفتن برای کسی که بتواند**

**86- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله :** خداوند مي فرمايد : کسي که اجلش را به تأخير انداختم و رزقش را وسعت دادم و تندرستي به او بخشيدم ، ولي هر پنج سال یک بار ، به زيارت من نيامد ، او محروم است.

**87- امام صادق عليه السلام :** کسي که پنج سال بر او بگذرد و به زيارت خانه خدا نرود ، در حالي که توانگر است ، قطعاً شخصي محروم است.

**88- امام صادق عليه السلام :** خداوند متعال مي فرمايد : بنده اي که وسعت رزق و روزي به او دادم ، ولي هر چهار سال یک بار به زيارت من نيامد ، او محروم است.

**و - هشدار به آن که تصميم حج دوباره ندارد**

**89- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله :** کسي که از مگه بازگردد ، در حالي که تصميم به حج دوباره ندارد ،

یقیناً اجل و عذابش نزدیک شده است.

**90- ابو خدیجه (سالم بن مکرم) :** (همراه امام صادق بودیم و در مسیر ، فرود آمدیم. حضرت فرمود : این کوه ثافل [۵] را می بینید؟ یزید بن معاویه چون از حج به سوی شام برمی گشت ، چنین شعر می خواند : آنگاه که کوه ثافل را در سمت راست پشت سر گذاریم ، از این پس تا سالیانی که زنده ایم ، برای حج و عمره باز نخواهیم گشت . خدا هم او را پیش از اجلش گرفتار مرگ ساخت.

1 / 6

پاداش نیت حج

**91- امام صادق علیه السلام :** اگر شأن کسی اقتضا کند همه ساله به حج رود و یک سال نرود ، فرشتگان روی زمین به فرشتگانی که بر کوهها هستند می گویند : (امسال) صدای فلانی را نداشتیم! آنان می گویند : خوب بگردید . می گردند و او را نمی یابند . آنگاه عرضه می دارند : خدایا! اگر مانع او از حج ، قرض است ، قرضش را ادا کن ، اگر بیماری است ، شفایش بخش ، اگر تنگدستی است ، توانگرش ساز ، اگر حبس است ، نجاتش ده و اگر کاری است ، کارش را انجام بده مردم برای خود دعا می کنند ، ولی آن فرشتگان برای بجاماندگان از حج دعا می کنند.

**92- زیاد قندی :** به امام کاظم علیه السلام عرض کردم : من گاهی در مسجد الحرام نشسته و به مردم می نگرم که مشغول طوافند و اندوهگین می شوم (که توفیق طواف ندارم) . حضرت فرمود : ای زیاد! عیبی ندارد . مؤمن هرگاه از خانه اش به نیت حج بیرون آید ، همواره در حال طواف و سعی محسوب می شود ، تا آن که باز گردد.

1 / 7

پاداش کسی که در مسیر حج بمیرد

**93- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرکس در حال احرام بمیرد ، لَبَّیک گوی برانگیخته می شود.

**94- ابن عباس :** مرد مُحرمی را ، مرکبش به زمین زد و در اثر شکستن گردن ، مرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : او را با آب و سدر غسل دهید و در همان لباس احرامش کفن کنید ، و سر و صورتش را نبوشانید . همانا او روز قیامت ، لَبَّیک گویان برانگیخته می شود.

**95- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** کسی که در این مسیر (راه کعبه) بمیرد ، به حج آمده باشد یا به عمره ، او را برای حساب به محشر نمی آورند و به او گفته می شود : وارد بهشت شو.

**96- امام صادق علیه السلام :** حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرت است ، و کارگزار آن ها در پناه خداست ، اگر به آنچه می خواهد برسد ، خدا او را می آموزد و اگر پیش از آن اجلش در رسد ، پاداشش بر عهده خداست.

**97- امام صادق علیه السلام :** کسی که در مسیر مگه بمیرد ، چه در رفتن و چه در بازگشت ، از هول عظیم روز قیامت ایمن خواهد بود.

1 / 8

ویژگی های حج گزار

الف - باریافته باری تعالی

**98- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** باریافتگان درگاه الهی سه گروهند : رزمنده ، حج گزار ، و به جا آورنده عمره.

**99- امام علی علیه السلام :** حج گزار و عمره گزار ، مهمان خدایند و بر خداست که مهمان خویش را گرامی بدارد و با آموزش خویش ، او را پاداش دهد.

**100- امام حسن علیه السلام :** سه نفر در پناه خدایند: ... و مردی که برای حج یا عمره بیرون آید و جز برای خدا بیرون نیامده باشد، او از مهمانان خداوند است، تا آن که به خانواده اش بازگردد.

**101- امام سجّاد علیه السّلام** در رساله الحقوق فرموده است : حق حج آن است که بدانی حج ، در آمدن به آستان الهی و گریز از گناهانت به سوی اوست و پذیرش توبه و ادای تکلیفی که خداوند بر تو واجب ساخته ، بواسطه آن است.

**102- امام صادق علیه السّلام** : حج گزار و عمره گزار ، مهمان خدایند ، اگر چیزی از او بخواهند ، عطا می کند و اگر او را بخواهند ، پاسخشان می دهد و اگر شفاعت کنند ، شفاعتشان را می پذیرد و اگر سکوت کنند (و چیزی نخواهند) خداوند ، ابتدا به بخشش می کند و در مقابل هر درهم ، هزار هزار در هم پاداش می گیرند.

#### **ب - مهمان خدای سبحان**

**103-** از آنچه خداوند سبحان به حضرت آدم علیه السّلام وحی کرد ، این بود : منم خدای صاحب بگه. اهل آن ، همسایگان منند و زائرانش مهمانان من. آن [جا] را با آسمانیان و زمینیان آباد می کنم ، گروه گروه ، ژولیده و غبار آلود به زیارت آن می آیند و با تکبیر و لبیک گویی ، به درگاه خداوند می نالند . پس هر که به قصد زیارت آید و جز آن نیتی نداشته باشد ، مرا دیدار کرده و او مهمان من است و بر من نازل شده و سزاوار است که با کرامت های خود به او هدیه دهم.

**104- خالد بن ربیع** : امیر المؤمنین علیه السّلام برای کاری که داشت ، وارد مکه شد . بادیه نشینی را دید که به پرده های کعبه در آویخته شده و چنین می گوید : ای صاحب خانه ! خانه، خانه تو و مهمان ، مهمان توست و هر مهمانی از مهمانی اش بهره ای دارد . پس امشب نصیب مرا ، آمرزشم قرار ده . پس حضرت علیه السّلام به اصحابش فرمود : آیا سخن بادیه نشین را می شنوید؟ گفتند : آری . فرمود : خداوند ، بزرگوارتر از آن است که مهمانش را رد کند.

**105- امام صادق علیه السّلام** : مهمان خداوند ، کسی است که به حج و عمره رود پس او تا به خانه اش برگردد ، میهمان خداست.

**106- امام صادق علیه السّلام** - در عرفات - : خدایا . . . من مهمان توام ، پس بهره ام را در این شب بهشت قرار ده.

**107- امام صادق علیه السّلام** : در پاسخ کسی که از آن حضرت پرسید : چرا روزه در ایام تشریق مکروه است؟ - : چون که این گروه ، زوار خدا و در مهمانی اویند . و سزاوار نیست که مهمان ، نزد کسی که به زیارتش رفته و او را مهمان کرده است ، روزه بگیرد.

#### **ج - در ضمانت خدای سبحان**

**108- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : حج گزار ، چه در رفتن و چه بازگشتن ، در ضمانت خداست . پس اگر در سفرش به او رنج و خستگی برسد ، به خاطر آن ، گناهانش آمرزیده می شود و در برابر هرگامی که برمی دارد ، هزار درجه در بهشت بالامی رود، و مقابل هر قطره بارانی که به او ببارد، پاداش یک شهید دارد .

**109- امام صادق علیه السّلام** : حج گزار و عمره گزار در ضمانت خدایند . اگر در راه رفتن به حج بمیرد ، خداوند گناهانش را می آمرزد و اگر در حال احرام بمیرد ، خداوند او را لبیک گوی بر می انگیزاند و اگر در یکی از دو حرم (خانه خدا و حرم پیامبر) بمیرد ، خداوند او را در زمرة ایمن شدگان [از عذاب] محشور می کند و اگر در بازگشت بمیرد، خداوند همه گناهانش را می آمرزد.

**110- امام صادق علیه السّلام** : حج و عمره ، دو بازار از بازارهای آخرت است . کسی که پیوسته به حج و عمره رود ، در ضمانت خداست . اگر او را باقی بدارد ، به خانواده اش می رساند و اگر او را بمیراند ، وارد بهشتش می کند.

**111- امام صادق علیه السّلام** : ضمانت حج گزار با ایمان ، بر خداست . اگر در سفرش بمیرد ، وارد بهشت می شود و اگر خداوند ، او را به خانواده اش بازگرداند ، پس از رسیدن به خانواده تا سپری شدن هفتاد شب ، گناهی بر او نوشته نمی شود.



112- **کلیب بن معاویه اسدی** : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : پیروان تو می گویند : خانواده و مال حج گزار در ضمانت خداست و خدا جانشین اوست در خانواده اش . در حالی که گاهی می بینم که خودش به حج رفته و برای خانواده اش حوادثی پیش می آید . حضرت فرمود : البته خداوند ، جانشین او در کارهایی است که او به آن ها رسیدگی می کرد ، ولی نه در حوادثی که اگر حاضر هم بود ، نمی توانست آن ها را دفع کند .

د - دعایش مستجاب است

113- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : سه دعا مستجاب است: دعای حج گزار (از خدا) در مورد مراقبت از خانواده اش، دعای بیمار، پس او را نیازارید و دلتنگ نکنید و دعای مظلوم.

114- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : حاجیان و عمره گزاران ، میهمانان خدایند . خداوند، دعوتشان کرده ، پاسخ گفته اند . آنان هم از خدا در خواست کرده اند ، عطایشان کرده است.

1 / 9

آثار حج

الف - پاکی

115- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : به حج خانه خدا بروید؛ زیرا حج، گناه را می شوید، همچنانکه آب ، چرک را.

116- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : پیوسته حج و عمره بگزارید ؛ زیرا این دو ، فقر و گناهان را از بین می برند ، آنگونه که کوره آهنگري، زنگار آهن را می زداید.

117- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : کسی که حج گزارد و آمیزش (در حالت احرام) و گناه نکند ، گناهان گذشته اش بخشوده می شود.

118- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : کسی که به قصد حج بیرون رود و جز خدا نیّتی نداشته باشد ، به یقین ، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می بخشاید و شفاعت او را درباره کسی که دعایش کند می پذیرد .

119- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : ای گروه مردم! در موقف (منی و عرفات) هیچ مؤمن و قوف نمی کند ، مگر آن که خداوند ، گناه گذشته اش را تا آن لحظه می بخشاید و چون حج او پایان یابد ، عملش از سرگرفته می شود.

120- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : خدایا ! حج گزار و کسی را که حج گزار برای او آمرزش بطلبد ، بیامرز.

121- **امام سجّاد علیه السلام** : حج گزار آمرزیده است و بهشت برای او واجب شده است و عمل را از سر می گیرد و خانواده و مالش در حفظ خداست.

122- **امام باقر علیه السلام** : کسی که به نیت حج یا عمره ، به زیارت این خانه آید و از کبر میرا باشد ، بی گناه برمی گردد ، همچون روزی که مادرش او را زاده است . سپس حضرت ، این آیه را خواند : **فمن تَعَجَّلَ في يومين فلا تمّ عليه . . .** ؛ (کسی که در دو روز ، عجله کند گناهی بر او نیست [6] . )

123- **امام صادق علیه السلام** : کسی که با اخلاص و به خاطر خدا حج کند و قصد ریا و شهرت طلبی نداشته باشد ، حتماً خدا او را می آمرزد.

124- **امام صادق علیه السلام** - در بیان فضیلت حج - : بنده ، از خانه اش خارج می شود پس خیر نصیب او می گردد تا وقتی به مسجد الحرام می رسد، طواف واجب را انجام می دهد، سپس نزد مقام ابراهیم بازگشته ، دو رکعت نماز طواف را می خواند . آنگاه فرشته ای آمده، سمت چپ او می ایستد، پس چون بازگشت، دستش را بر شانه های او می زند و می گوید : **فلانی ! امّا**



گذشته هایت ، آمرزیده شد . اما در آینده ، پس بکوش.

### ب - بی نیازی

125- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج کنید ، هرگز نیازمند نمی شوید.

126- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج و عمره ، فقر را می زدایند ، همانگونه که کوره آهنگری ، زنگار آهن را می زداید.

127- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج کنید ، بی نیاز می گردید.

128- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای گروه مردم! حج خانه خدا کنید . پس هیچ خانواده ای وارد خانه خدا نمی شوند ، مگر آن که بی نیاز گردند و از حج گزاردن تخلف نمی کنند ، مگر آن که تنگدست می شوند.

129- امام علی علیه السلام : برترین چیزی که متوسلین به درگاه خدا ، به آن توسل می جویند ، ایمان به خدا و پیامبرش . . . و حج خانه خدا و عمره است . پس همانا این دو (حج و عمره) فقر را می زدایند و گناه را می شویند.

130- امام سجاد علیه السلام : حج و عمره بروید ، تا تندرست شوید و روزیهایتان وسعت یابد و مخارج خانواده شما تأمین شود.

131- اسحاق بن عمار : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : من خود را آماده کرده ام که هر سال خود یا کسی از خانواده ام با مال من به حج بروم .  
حضرت فرمود : آیا بر این کار ، مصمم هستی؟ گفتم : آری.  
فرمود : اگر چنین کنی ، مزده باد که مالت زیاد خواهد شد [ ۷ ] .

132- اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام : حج گزار هرگز گرفتار املاق نمی شود . عرض کردم : املاق چیست؟ فرمود : ورشکستگی و تنگدستی.

### ج - نور

133- امام صادق علیه السلام : حج گزار ، تا خود را به گناهی نیالوده ، نورانیت حج با اوست.

### د - خیر دنیا و آخرت

134- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس دنیا و آخرت می خواهد ، پس آهنگ این خانه کند ، که بنده ای بدان روی نیاورده و از خدا دنیا را نخواست، مگر آن که از آن بدو داده است و آخرت را نخواست، جز آن که برایش اندوخته است.

## پانویشت ها

(1) در تحریر الوسیله چنین آمده است : شرط های وجوب حج واجب ، چند چیز است : کمال بواسطه بلوغ و عقل و آزادی و استطاعت مالی و بدنی (تندرستی و قوت جسمی) و باز بودن و امن بودن راه و وسعت وقت و کفایت آن.

(2) وادی میان منی تا مکه.

(3) یکی از نواب خاص امام زمان علیه السلام در غیبت صغری.

(4) در نقل دیگر است . . . پس برای آینده ، خشیت داشته باشید.

(5) نام کوهی میان شام و حجاز است و در سمت راست کسی قرار می گیرد که از حجاز به شام می رود.

(6) منظور کوچ کردن از منی در پایان حج است.

(7) در نقل ثواب الاعمال چنین است : اگر چنین کردی ، پس یقین داشته باش که مالت زیاد خواهد شد و مزده

باد تو را به زیادی مال !

## هشدار نسبت به ترک حج

1- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که حج را به خاطر کاری از کارهای دنیا ترک کند ، مگر آن که حاجیان سر تراشیده را خواهد دید (که از حج برگشته اند) پیش از آن که کارش را انجام داده باشد.

2- امام باقر علیه السلام : در وصیت امیر مؤمنان علیه السلام چنین بود : حج خانه پروردگارتان را ترک نکنید ، که هلاک خواهید شد.

3- امام صادق علیه السلام : در ترک حج ، هیچ خیري نیست.

4- سماعه : امام صادق علیه السلام به من فرمود : چرا امسال به حج نمی روی ؟ گفتم : میان من و قومی ، داد و ستد و کارهایی بوده و امیدوارم که در آن ، خیري باشد . حضرت فرمود : نه به خدا قسم ! خداوند در آن برای تو خیري قرار نمی دهد . سپس فرمود : هیچ بنده ای از زیارت این خانه محروم نمی شود ، مگر به خاطر گناهی . و آنچه خداوند می بخشاید ، بیشتر است .

## صفت تارک حج [۱]

الف - کافر است

## قرآن

برای خداست ، به عهده مردم حج خانه خدا ، هرکس بتواند راهی بدان بیاید . و هرکه کفر ورزد ، همانا خداوند از جهانیان بی نیاز است .

## حدیث

5- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در وصیتش به علی علیه السلام - : یا علی ! از این امت ، ده گروه به خداوند کافر شده اند... (یکی هم کسانی که توانگرند و بی آن که به حج بروند، از دنیا می روند).

6- از وصیت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام این بود : یا علی ! ترک کننده حج ، در حال استطاعت ، کافر است . خدای متعال می فرماید : برای خداست بر عهده مردم حج خانه خدا ، برای کسی که راهی به آن داشته باشد) و بتواند) و هر کس کفر ورزد ، خداوند از جهانیان بی نیاز است . یا علی ! هرکس حج را آن قدر تأخیر بیندازد تا مرگش فرا رسد ، خداوند در روز قیامت ، او را یهودی یا نصرانی بر می انگیزد.

7- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ره توشه و مرکبی داشته باشد که او را به خانه خدا برساند، ولی حج نرود، فرقی نیست که یهودی یا نصرانی بمیرد (مسلمان نمی میرد) . این بدان جهت است که خداوند در قرآن می فرماید : برای خدا بر عهده مردم است که هرکس می تواند ، به زیارت خانه او برود.

8- کسی که حاجتی آشکار، یا حاکمی ستمگر، یا بیماری بازدارنده ای او را از حج بازدارد ، ولی بی آن که حج انجام دهد از دنیا برود، می خواهد یهودی بمیرد و می خواهد نصرانی بمیرد.

9- ای مردم ! خداوند حج را بر کسی که قدرت و راهی بر آن داشته باشد، واجب ساخت . هر کس انجام ندهد، به هر حالی که می خواهد بمیرد، یهودی، مسیحی یا مجوس، مگر آن که بیماری داشته باشد که او را نگذارد، یا حاکم ستمگری مانع شود . آگاه باشد که او رادر شفاعت من بهره ای نیست و بر حوض من وارد نمی شود . هشدار! آیا رساندم؟

## ب - ترک کننده دستور اسلام است

10- امام صادق علیه السلام : هرکس توان حج رفتن داشته باشد ، ولی نرود ، بی آن که کاری داشته باشد که عذر او به حساب آید ، یقیناً دستوری از دستورهای اسلام را ترک کرده است .

11- از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدند که حج رفتن را به تأخیر می اندازد و جز تجارتی که او

را مشغول ساخته ، یا قرصي که دارد ، چيزي مانع رفتن او نيست . حضرت فرمود : بهانه اش را نمي پذيرم . سزوار نيست که حج را تأخير ببندازد ( و امروز وفردا کند). پس اگر بميرد، قطعاً يکي از دستورهاي اسلام را ترک کرده است.

12- **امام کاظم عليه السلام** در تفسير آيه هل ننبئکم بالأخسرين أعمالاً؛ (آيا به شما خبر دهيم که زيانکارترين افراد کيست؟) (فرمود : آنان کسانی اند که حج واجب را به تأخير مي اندازند و امروز و فردا مي کنند (تا از دست برود. )

ج - **هنگام مرگ ، خواستار بازگشت به زندگي است**

13- **از امام صادق عليه السلام** درباره آيه فأصّدق وأکن من الصالحين [۲] پرسيدند . حضرت فرمود : أصّدق يعني صدقه دهم . و از صالحان باشم ، يعني حج به جا آورم.

14- **ابن عباس :** کسی که ثروتي دارد که او را به زيارت خانه خدا مي رساند ، يا زکات را بر او واجب مي کند، ولي اقدام نکند، هنگام مرگ (از کسانی خواهد بود که) درخواست مي کند دوباره بر گردد (تا جبران کند) . مردی گفت اي ابن عباس، از خدا بترس . تنها کفار خواستار بازگشت مي شوند . گفت: در اين باب بر شما از قرآن مي خوانم :اي کسانی که ايمان آورده ايد، اموال و اولادتان شما را از ياد خدا باز ندارد . و از آنچه خدا به شما روزي کرده است ، پيش از آن که مرگ به سراغ يکي تان آيد، انفاق کنيد . تا آن جا که مي فرمايد : و خداوند بدان چه مي کنيد، آگاه است.

د - **روز قيامت نابينا برانگيخته مي شود**

15- **ابوبصير :** از امام صادق عليه السلام درباره آيه من كان في هذه أعمي فهو في الآخرة أعمي وأضلّ سبيلاً؛ هرکه در اين دنيا کوردل باشد ، در آخرت هم کوردل و گمراهتر خواهد بود پرسيدم . حضرت فرمود : مقصود ، کسی است که حج واجب خود را با امروز و فردا کردن به تأخير مي اندازد ، تا اين که مرگش فرا مي رسد.

16- **ابوبصير :** شنيدم امام صادق عليه السلام مي فرمود: کسی که بميرد ، در حالي که تندرست و توانگر باشد و به حج نرفته باشد، او از کسانی است که خداوند درباره آنان فرموده است :در روز قيامت ، او را نابينا برمي انگيزيم . راوي پرسيد : سبحان الله! نابينا؟ حضرت فرمود : آري ، خداوند او را از راه حق نابينا کرده است . (و در حديثي ديگر راه خير آمده است.)

17- **امام صادق عليه السلام :** آيه ومن كان في هذه أعمي فهو في الآخرة أعمي وأضلّ سبيلاً ؛ هرکه در اين دنيا کور دل باشد ، در آخرت هم کور دل و گمراهتر خواهد بود درباره کسانی نازل شده که حج را آن قدر تأخير مي اندازند تا حج ناکرده بميرند . پس او نابيناست ، که از انجام فريضه اي از واجبات الهي کور شده است.

2 / 3

**هشدار نسبت به تعطيل کردن خانه خدا**

18- **پيامبر خدا صلي الله عليه و آله :** اگر يک سال ، همه مردم ، حج رفتن را ترک کنند ، به آنان مهلت داده نخواهد شد (کيفر مي شوند. )

19- هرگاه امّت ، قصد آمدن به زيارت خانه خدا را ترک کنند ، به آنان مهلت داده نخواهد شد.

20- **امام علي عليه السلام :** خدا را ، خدا را ، درباره خانه پروردگارتان! تا هستيد، مبادا که از شما خالي باشد ، که اگر زيارت خانه خدا ترک شود ، مهلت داده نخواهد شد.

21- **سدير :** در حضور امام باقر عليه السلام خانه خدا را ياد کردم . حضرت فرمود : اگر يک سال آن را ترک کنند، مهلت داده نخواهند شد. (در حديث ديگر است: عذاب بر آنان فرود خواهد آمد.)

22- حسين احمسي از امام صادق عليه السلام چنين روايت کرده است: اگر مردم حج را ترک کنند، در نزول عذاب مهلتي به آنان داده نمي شود - يا که فرمود - : عذاب بر آنان فرود مي آيد.

23- امام صادق علیه السلام : خداوند، به سبب شیعیانی از ما که حج می گزارند، عذاب را از آنان که حج نمی کنند دفع می کند. اگر همه بر ترک حج همدستی کنند، همه هلاک می شوند.

24- امام صادق علیه السلام : اگر مردم ، حج را ترک کنند ، بر رهبر واجب است که مردم را - چه بخواهند و چه نخواهند - به حج وادار کند ، چرا که این خانه ، برای حج قرار داده شده است.

25- اگر مردم ، حج خانه خدا را ترک کنند ، وظیفه زمامدار است که آنان را به حج و اقامت نزد خانه خدا وادار کند... و اگر پول نداشته باشند، از بیت المال مسلمانان خرج آنان را بپردازد .

## پانوشت ها

(1) منظور حجة الإسلام است که بر شخص مستطیع واجب می باشد.  
(2) ترجمه کامل در تفسیر نمونه چنین آمده است : از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید ، پیش از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد، و بگوید پروردگارا! چرا مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی، تا صدقه دهم و از صالحان باشم!

۳/۱

### کلیات واجبات حجّ

1- امام علي علیه السلام . . . : واما حدود حج ، چهار چیز است : احرام ، طواف کعبه ، سعی بین صفا و مروه و وقوف در دو موقف (عرفات و منی) و آنچه که متصل و مربوط به این اعمال است . پس هرکس این حدود را ترک کند ، واجب است کفاره بدهد و دوباره حج کند.

2- امام صادق علیه السلام : واجبات حج عبارت است از : احرام ؛ تلبیه چهارگانه : لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لا شريك لك لَبَّيْكَ . إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لا شريك لك ؛ طواف خانه خدا برای عمره واجب است؛ دو رکعت نماز طواف، کنار مقام ابراهیم ، واجب است؛ سعی بین صفا و مروه ، واجب است؛ طواف حج، واجب است؛ دو رکعت نماز طواف حج، نزدیک مقام ابراهیم، واجب است؛ و پس از آن ، سعی بین صفا و مروه ، واجب است؛ طواف نساء واجب است؛ دو رکعت نماز طواف نساء نزدیک مقام ابراهیم، واجب است؛ و پس از آن ، سعی بین صفا و مروه نکند ؛ وقوف در مشعر واجب است؛ قربانی - برای آن که حج تمتع می کند - واجب است. اما وقوف در عرفات ، واجب است و سر تراشیدن و رمی جمرات ، سنت است.

### بیان

در روایات به اعمالی که با دستور مستقیم خداوند واجب شده اند، فریضه و آن چه را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب کرده اند، سنت می گویند. در مقام عمل و انجام وظیفه، هیچ یک قابل ترک نیستند. گفتنی است سنت خود دو معنی دارد و افزون بر سنت واجب، سنت مستحب نیز داریم.

3 / 2

### واجبات عمره تمتع

#### الف - احرام

#### حکمت احرام

3- امام صادق علیه السلام : احرام به خاطر حرم، واجب شد.

4- امام رضا علیه السلام : همانا مردم مأمور شده اند که احرام ببندند ، تا پیش از ورود به حرم امن الهی، خشوع پیدا کنند و به چیزی از کارهای دنیا و زینت ها و لذت های آن سرگرم و مشغول نباشند و در راه آن چه که به سوی آن آمده اند ، شکبیا باشند و با همه وجودشان رو به خانه خدا آورند . به علاوه در احرام ، بزرگداشت خدای متعال و خانه او و فروتنی برای حاجیان است ، وقتی که می خواهند به سوی خدا روند و بر او وارد شوند ، در حالی که به پاداش او امیدوار ، از کیفرش بیمناک و به سوی او روانند و با فروتنی و تواضع و خضوع ، روی به سوی او می کنند.

### میقات های احرام

5- امام صادق علیه السلام: احرام، از میقات های پنجگانه است که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده است. سزاوار نیست که حج و عمره گزاران پیش از آنها یا پس از آنها احرام ببندند. [و میقاتها را بر شمرده، سپس فرمود: سزاوار نیست کسی از میقات های رسول خدا صلی الله علیه و آله روی گردان شود.

6- امام صادق علیه السلام: از تمامیت حج و عمره، آن است که از میقاتهایی احرام ببندی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده است و جز با حالت احرام، از آن ها نگذری. همانا (پیامبر) برای اهل عراق وادی عقیق را، میقات قرار داد با آن که آن هنگام، هنوز عراق نبود. و برای مردم یمن، یلملم را معین ساخت و برای طائفیان قرن المنازل را و برای اهل مغرب (شامیان)، جحفه را. که همان مهیعه است. و برای اهل مدینه، ذو الخلیفه را، و هر که خانه اش پشت این میقاتها به طرف مکه باشد، منزلش میقات اوست.

7- ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اهل مدینه، ذو الخلیفه را میقات قرار داد و برای شامیان جحفه را و برای اهل نجد، قرن المنازل را و برای اهل یمن، یلملم را. این میقاتها برای آنان و کسانی است که بر آن مکانها وارد می شوند. و هر کس که از اینها به مکه نزدیکتر باشد، از هر جا که حرکت کند، حتی اهل مکه (میقاتشان) از مکه است. (نقشه)

### چگونگی احرام

8- امام صادق علیه السلام: احرام (محقق) نمی شود مگر پس از نماز واجب، که بعد از سلام، مُحرم می شوی. و اگر نماز مستحب باشد، دو رکعت نماز می خوانی، پس از سلام دادن، احرام می بندی و چون از نمازت فارغ شوی، خدا را حمد و ثنا کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و بگو: خدایا! از تو می خواهم مرا از آنانی قرار دهی که به ندایت پاسخ گفته، به وعده ات ایمان آورده و فرمانت را پیروی کرده اند. من بنده تو و در اختیار توام. حفظ نمی کنم مگر آنچه را تو حفظ کنی و نمی گیرم مگر آنچه تو عطا کنی. حج را یاد کرده ای، از تو می خواهم که تصمیم مرا بر آن استوار سازی، و بر قرآن تو و سیره پیامبرت و بر آنچه ناتوان از انجامش باشم، نیرویم بخشی و اعمال مرا در آسانی و گذشت خویش ببیبری و مرا از میهمانان خود قرار دهی، کسانی که از ایشان راضی شده و عملشان را پسندیده و از آنان نام برده و نوشته ای.

خدایا! حج و عمره ام را به کمال رسان. بار الها! من می خواهم طبق کتاب تو و سیره پیامبرت با عمره تمتع، به حج بروم. پس اگر مانعی از اتمام حجم جلوگیری کرد، همانجا مرا از احرام خارج ساز. خدایا! اگر حج نصیبم نشد، پس عمره را قسمتم ساز. برای تو، موی و پوستم، گوشت و خونم، استخوان و مغز و عصبم را نسبت به زنان و لباسها و بوی خوش، حرام می کنم و با این کار، رضایت تو و سرای آخرت را می جویم.

پس فرمود: اگر هنگام احرام، این را یک بار هم بگویی، کافی است. پس برپاخیز و کمی راه برو، وقتی زمین در برابرت هموار شد - چه پیاده باشی یا سواره - لَبَّیک بگو.

### 9- امام صادق علیه السلام: هرگاه نیت احرام و تمتع داشتی، پس بگو:

خدایا می خواهم آنچه را که فرمان داده ای (یعنی تمتع به عمره تا حج را) انجام دهم. پس، آن را بر من آسان گردان و از من ببذر و بر آن یاریم کن و هر جا که به تقدیرت مرا (از رفتن) باز داشتی، از احرام در آور. و پوستم را از زنان و بوی خوش و لباس حرام می سازم. (این را) اگر خواهی در هنگام برخاستن بگو و اگر خواهی تأخیر ببنداز، تا بر مرکب سوار شوی و رو به قبله کنی.

### 10- امام صادق علیه السلام: وقتی از سوی عراق، به عقیق یا به یکی از این میقاتها، رسیدی، و به

خواست خداوند، خواستی احرام ببندی، پس موهای زیر بغل خود را بچین، ناخنهایت را بگیر، موی شرمگهت را بزدا، از موی شاربیت برچین. و فرقی نمی کند که از کدام یک آغاز کنی. سپس مسواک بزن و غسل کن و دو جامه احرام بپوش و چنان کن که فراغت از اینها، هنگام ظهر باشد و اگر ظهر نشد، عیبی ندارد، جز اینکه دوست دارم این کار، در صورت اختیار، هنگام ظهر باشد.

### 11- حماد بن عیسی: از امام صادق علیه السلام درباره آمادگی برای احرام، پرسیدم. فرمود: ناخن گرفتن،

چیدن شارب و تراشیدن موی شرمگاه.

## لَبَّيْكَ گفتن در احرام

### معنای لَبَّيْكَ گفتن

12- **ابان از کسی روایت می کند که :** به امام صادق علیه السلام عرض کردم : چرا به لَبَّيْكَ گویی ، تلبیه می گویند؟

فرمود : این اجابت است ، موسی علیه السلام پروردگارش را چنین جواب داد .

13- **سلیمان بن جعفر :** از امام رضا علیه السلام درباره لَبَّيْكَ گفتن و علت آن پرسیدم .

حضرت فرمود : وقتی مردم احرام ببندند ، خداوند متعال ندایشان می دهد و می گوید : ای بندگان و کنیزان من ! شما را بر آتش حرام خواهم کرد ، آنگونه که شما به خاطر من احرام بستید . آنگاه مردم بعنوان اجابت خداوند متعال ، که آنان را ندا داد ، می گویند : لَبَّيْكَ ، خدایا لَبَّيْكَ .

14- **امام عسکری علیه السلام :** رسول خدا صلی الله علیه و آله - در نقل گفتگوی موسی علیه السلام با خداوند

فرمود : پروردگاران ندا داد : ای امت محمد ! پس همه آنان ، در حالی که در صلب پدران ، و رحم مادرانشان بودند ، پاسخ دادند : لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكَ ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ .

فرمود : خداوند متعال ، همین پاسخ را ، شعار حج قرار داد .

### چگونگی لَبَّيْكَ

15- **امام صادق علیه السلام :** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون به بیدار [۱] - در یک میلی مکه - می

رسید ، شتری نزدیکش می آوردند . سوار آن می شد و چون آن حضرت را حرکت می داد ، لَبَّيْكَ های چهارگانه را چنین می گفت :

لَبَّيْكَ ، پروردگارا لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ، تو را شریکی نیست ، ستایش و نعمت و فرمانروایی از آن توست ، شریکی برای تو نیست .

16- **امام صادق علیه السلام :** رسول خدا صلی الله علیه و آله چون لَبَّيْكَ گفت ، فرمود :

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكَ ، لا شَرِيكَ لَكَ ، لَبَّيْكَ ذا المعارج لَبَّيْكَ

و حضرت ، ذی المعارج را زیاد می فرمود و هرگاه به سواره ای بر می خورد ، یا به بالای تپه ای می رسید ، یا به دشتی سرازیر می شد ، و آخر شب و پس از نمازها لَبَّيْكَ می گفت .

17- **حزیمه بن ثابت :** هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از لَبَّيْكَ گویی فارغ می شد ، از خداوند رضوان

و آمرزش می طلبید و از آتش دوزخ به رحمتش پناه می برد .

18- **امام صادق علیه السلام :** لَبَّيْكَ گویی چنین است که بگویی :

لَبَّيْكَ ، خدایا لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ، برای تو شریکی نیست . لَبَّيْكَ ، همانا ستایش و نعمت و پادشاهی تو راست ، شریک نداری . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ای صاحب والایی ها .

لَبَّيْكَ ! لَبَّيْكَ ای فراخواننده به خانه امن . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ای آمرزنده گناهان . لَبَّيْكَ ای شایسته لَبَّيْكَ گویی . لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ای صاحب شکوه و بزرگواری . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ آغاز و بازگشت به سوی توست . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ تو بی نیازی و دیگران به تو محتاج . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ دیگران از تو بیم دارند و به تو مشتاقند . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ای خدای حق . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ای صاحب نعمت و بخشش نیکی زیبا . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ای بر طرف سازنده گرفتاری های بزرگ . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ منم بنده ات و فرزند دو بنده ات . لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ای بزرگوار ، لَبَّيْكَ .

اینها را پس از هر نماز واجب یا مستحب ، هنگام برخاستن مرکب ، هنگامی که به بلندی می رسی ، هنگامی که در دشت سرازیر می شوی ، آنگاه که به سواره ای می رسی ، یا از خواب بر می خیزی و سحرگاهان ، می گویی . تا می توانی زیاد بگو و آشکار بگو . اگر بخشی از این لَبَّيْكَ را نگوئی زیانی ندارد ، لیکن گفتن همه آن بهتر است . و بدان چهار لَبَّيْكَ ای که در اول بود ، واجب و ضروری است ، و این ، توحید است و پیامبران نیز اینگونه لَبَّيْكَ گفته اند و ذی المعارج (صاحب والایی ها) را زیاد بگو ، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را زیاد می گفت . و اولین کسی که لَبَّيْكَ گفت ، ابراهیم علیه السلام بود . فرمود : خداوند ،

شما را به حج خانه خویش فرا می خواند . پس او را با لَبَّيْک پاسخ دادند پس هیچ کس در صلب مردان و شکم زنان که پیمان وفاداری بسته بود ، نماند مگر اینکه با لَبَّيْک ، پاسخ گفت .

### ثواب لَبَّيْک گویی

19- پیامبر خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هیچ حج گزار نیست که روز را ، به لَبَّيْک گفتن به سر آورد ، مگر آن که همراه غروب خورشید ، گناهانش پنهان می شود .

20- پیامبر خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : کسی که یک روز تا غروب آفتاب ، لَبَّيْک بگوید ، گناهانش از بین می رود و همچون زمانی می شود که مادرش او را به دنیا آورده است .

21- پیامبر خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : کسی که در احرامش ، از روی ایمان و امید به پاداش الهی ، هفتاد بار لَبَّيْک بگوید ، خداوند ، هزار هزار فرشته را شاهد می گیرد که او را از دوزخ و نفاق ، رهایی داده است .

### همه چیز ، همصدا با لَبَّيْک گو

22- پیامبر خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هیچ لَبَّيْک گویی نیست ، مگر آن که آنچه از سنگ و درخت و کلوخ در چپ و راست اوست ، (همصدا با او (لَبَّيْک می گوید ، تا آن جا که چشم کار می کند .

23- امام علی علیه السلام : هیچ لَبَّيْک گویی نیست ، مگر آن که هرچه در چشم انداز اوست ، در سمت راست و چپ لَبَّيْک گویند . و دو فرشته به او می گویند : مژده باد بر تو ، ای بنده خدا - و خداوند هیچ بنده ای را جز به بهشت ، مژده نمی دهد - .

### آداب لَبَّيْک گفتن

#### خشوع

24- سفیان بن عُیَیْنَه : امام سَجَّاد علیه السلام به حج رفت . چون احرام بست و بر مرکب خویش قرار گرفت ، رنگش زرد شد و به لرزه افتاد و نتوانست لَبَّيْک بگوید . کسی گفت : لَبَّيْک نمی گویی؟ فرمود : می ترسم خداوند در پاسخ من بگوید : لا لَبَّيْک و لا سَعْدِیْک ! و چون لَبَّيْک گفت ، بیهوش شد و از مرکبش افتاد . این حالت همچنان به او دست می داد ، تا آن که حش را به پایان برد .

25- مالک بن انس : سالی با امام صادق علیه السلام به حج رفتم . هنگام احرام ، چون بر مرکبش قرار گرفت : هرچه می خواست لَبَّيْک بگوید ، صدایش در گلو می شکست و نزدیک بود که از مرکبش بیفتد . عرض کردم : ای پسر پیامبر! بگو ، ناچار باید لَبَّيْک بگویی . فرمود : ای پسر ابو عامر! چگونه جرأت کنم و بگویم لَبَّيْک اللهُمَّ لَبَّيْک ، در حالی که بیم دارم خدای متعال به من بگوید : لا لَبَّيْک و لا سَعْدِیْک ! ؟

### زیاد لَبَّيْک گفتن

26- محمد بن منکدر : رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، لَبَّيْک را زیاد تکرار می کرد .

27- امام صادق علیه السلام : هرگاه از مسجد شجره احرام بستی ، اگر پیاده ای ، از همانجا که در مسجد هستی لَبَّيْک بگو . و چنین می گویی : لَبَّيْک اللهُمَّ لَبَّيْک ، لَبَّيْک لا شَرِیْکَ لَکَ لَبَّيْک ، لَبَّيْک ذَالْمَعَارِجِ لَبَّيْک ، لَبَّيْک بِحِجَّةِ تَمَامِهَا عَلَیْک . و هرگاه سوار یا پیاده شدی ، به دشتی سرازیر شدی یا بر فراز تپه ای برآمدی یا سواره ای دیدی و هنگام سحر ، این لَبَّيْک را آشکار بگو .

### بلند گفتن لَبَّيْک (برای مردان)

28- پیامبر خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : جبرئیل نزد من آمد و گفت : خداوند متعال به تو دستور می دهد که به یارانت فرمان دهی صداهایشان را به لَبَّيْک گفتن بلند سازند ، چرا که آن ، شعار حج است .

29- سائب بن خالد : جبرئیل علیه السلام به حضور پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رسید و گفت : عَجَّاج و تَجَّاج باش!  
عَجَّ ، لَبَّيْک گفتن و تَجَّ ، قربانی کردن شتر است .

**30- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** خداوند [از حج ، چهار چیز را بر گزیده است : لبیک گفتن ، قربانی کردن ، احرام و طواف .

**31- حریر در حدیثی مرفوعه :** وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله احرام بست ، جبرئیل نزد آن حضرت آمد و گفت : اصحابت را دستور بده به عَجّ و ثَجّ . عَجّ ، بلند گفتن لبیک و ثَجّ ، قربانی کردن شتر است .

**32- امام صادق علیه السلام :** اگر پیاده باشی ، صدایت را به لا اله الا الله و لبیک گفتن از مسجد (شجره) بلند کن و اگر سواره باشی ، وقتی مرکبت تو را به بیابان بیدار رساند .

**33- امام صادق علیه السلام :** خداوند چهار چیز را از زنان برداشته است : بلند لبیک گفتن ، سعی با هروله میان صفا و مروه ، وارد کعبه شدن و دست کشیدن به حجر الأسود .

**34- امام صادق علیه السلام :** بلند لبیک گفتن ، بر زنان لازم نیست .

**نگفتن لبیک با دیدن خانه های مکه**

**35- امام صادق علیه السلام :** آن که حجّ تمتع می گزارد، هرگاه چشمش به خانه های مکه افتاد ، لبیک گویی را قطع کند .

**36- امام صادق علیه السلام :** هرگاه در عمره تمتع وارد مکه شدی، چون به خانه های مکه نگاه انداختی لبیک گفتن را قطع کن . حدّ خانه های مکه قبل از امروز ، عقبه اهل مدینه بود و مردم در مکه بناهایی پدید آوردند که بیشتر نبود . پس لبیک را قطع کن و تا می توانی تکبیر و تهلیل (لا اله الا الله) بگو و خدا را حمد و ثنا بگو .

**محرمات احرام**

**قرآن :**

ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که مُحرمید شکار را مکشید، و هرکس از شما عمداً آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است از چارپایان کفاره ای بدهد، که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند، و به صورت قربانی به کعبه برسد . یا به کفاره [ آن ] مستمندان را خوراک بدهد، یا معادلش روزه بگیرد، تا سزای زشتکاری خود را بچشد . خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است، [ ولی هرکس تکرار کند خدا از او انتقام می گیرد، و خداوند، توانا و صاحب انتقام است .

صید دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره ای باشد، و [ لی ] صید بیابان - مادام که مُحرم می باشید - بر شما حرام گردیده است . و از خدایی که نزد او محشور می شوید پروا دارید .

**حدیث :**

**37- عبدالله بن عمر :** مردی برخاست و پرسید ، یا رسول الله! در احرام، می فرمایی چه بپوشیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیراهن ، شلوار ، شب کلاه، عمامه و چکمه نپوشید، مگر کسی که نعلین ندارد ، چکمه بپوشد و آن ها را از پایین فوزک پا قطع کند . لباسی که زعفران و ورس به آن خورده است نپوشید ، زن مُحرم صورت خویش را نبوشاند و دستکش به دست نکند .

**38- امام صادق علیه السلام :** در حال احرام ، عطر مزن ، روغن مزن ، از بوی خوش بپرهیز . بینی خود را از بوی خوش بگیر ، ولی از بوی بد ، نه ، زیرا سزاوار نیست که محرم از بوی خوش لذت ببرد . و از چیزهای خوشبوی توشه ات بپرهیز . پس هرکس به چیزی از اینها مبتلا شد ، غسلش را دوباره انجام دهد و به اندازه توان صدقه دهد . از بوهای خوش چهار چیز بر تو حرام است : مشک ، عنبر ، ورس [۲] و زعفران . علاوه بر این ، برای مُحرم ، روغن های خوشبو مکروه است ، مگر کسی که ناچار باشد با روغن زیتون و مثل آن مداوا کند .

**39- امام صادق علیه السلام :** هیچ شکاری را حلال مشمار، در حالی که در احرامی، تا وقتی هم که بیرون از احرامی در حرم شکار را حلال بدان، مُحرم و غیر مُحرم را هم به جای شکار، راهنمایی مکن که آنرا صید کنند و به سویی آن، اشاره هم مکن که به خاطر اشاره ات آن را حلال شمرند (و شکار کنند). چرا که در این شکار، برای کسی که عمداً انجام دهد قربانی است .



40- امام صادق علیه السلام: در حال احرام خود، از هر نوع شکار خشکی بپرهیز و از آنچه دیگری شکار کرده مخور و به شکار، اشاره مکن که دیگری آن را صید کند.

41- امام صادق علیه السلام: مُحْرَم، نه ازدواج می کند و نه به نکاح کسی در می آید و نه خواستگاری می کند و نه گواه نکاح می شود و اگر هم نکاح کند، ازدواجش باطل است.

42- در حالی که مُحْرَم هستی، به آینه نگاه نکن؛ زیرا این نوعی زینت است و زن در حال احرام، سرمه سیاه نکشد، که آن هم زینت است.

43- عبدالله بن مغیره: از امام کاظم علیه السلام درباره سایه برای مُحْرَم پرسیدم. فرمود: برای آن که به خاطر او احرام بسته ای، قربانی کن. گفتیم: من گرمایی هستم و گرما بر من طاقت فرساست. فرمود: آیا نمی دانی که خورشید، گناهان مُحْرَمین را پنهان می کند؟

#### توضیحی پیرامون محرّمات احرام

محرّمات احرام بیست و چهار امر هستند که نوزده مورد آن ها مشترک بین مرد و زن است، یکی مختص به زنان و چهار امر مخصوص به مردان است.

موارد مشترک:

- 1- در آینه نگریستن
- 2- استفاده از هر نوع بوی خوش
- 3- سرمه کشیدن برای زینت
- 4- روغن مالیدن
- 5- انگشتر به دست کردن برای زینت
- 6- هرگونه لذت جنسی بردن چون آمیزش و بوسیدن و تماس
- 7- استمناء
- 8- عقد خواندن برای خود یا دیگران و گواه آن گشتن
- 9- زدودن مو
- 10- چیدن و کوتاه کردن ناخن
- 11- دندان کشیدن
- 12- خون انداختن تن، هر چند چون خراش باشد یا از مسواک زدن، پدید آید
- 13- کشتن حشرات بدن چون شپش و کک و مانند این دو
- 14- سلاح بستن ولی همراه بردن آن مکروه است
- 15- شکار حیوانات زمینی و یا خوردن گوشت شکار
- 16- کندن درخت و گیاه در حرم روئیده و یا قطع آن ها، جز آن چه استثناء شده است
- 17- فسوق یعنی دروغ گفتن و فحش و تفاخر
- 18- جدال یعنی لا والله و بلی والله گفتن
- 19- استفاده از زیور آلات، گرچه بیشتر مورد استعمال زنان است آن چه که به مردان اختصاص دارد:
- 20- لباس دوخته پوشیدن
- 21- پوشیدن چیزی که همه روی پا را بگیرد
- 22- پوشاندن سر
- 23- سایه بان بالای سر قراردادن
- آن چه ویژه زنان است:
- 24- پوشاندن چهره

#### آنچه شایسته مُحْرَم نیست

44- حسین بن مختار: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرد می تواند در لباس سیاه احرام ببندد؟ فرمود: در پارچه سیاه، احرام نبندد و مرده را با آن کفن نکند.

45- حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: مُحْرَم را اگر کسی صدا زد در جواب، لَبَّیک

نگوید ، تا آن که از احرام در آید ، پرسیدم : پس چه بگوئید؟ فرمود : بگوئید یا سعد.

46- امام صادق علیه السلام : عیبی ندارد که مُحرم، به حمام برود، ولی کیسه نکشد.

47- امام صادق علیه السلام : برای مُحرم، احتیاء [۳] مکروه است و در مسجد الحرام نیز مکروه است.

48- علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام روایت کرد که از آن حضرت پرسیدم: آیا کشتی گرفتن برای مُحرم رواست؟ فرمود: خوب و روا نیست، چون بیم آن است که زخمی شود یا بعضی از موهای او بریزد.

ب - طواف

فضیلت طواف

49- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : طواف ، زینت کعبه است.

50- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، به طواف کنندگان افتخار می کند.

51- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند در هر روز یکصد و بیست رحمت فرو می فرستد ، شصت رحمت برای طواف کنندگان است ، چهل رحمت برای مقیمان اطراف خانه خدا و بیست رحمت برای تماشاگران خانه خدا.

52- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس هفت بار ، خانه خدا را طواف کند و آن را بشمارد ، برای هرگامش حسنه ای نوشته می شود و گناهی از او محو می گردد و یک درجه بر او افزوده می شود (و ثوابی) برابر با آزاد کردن یک برده دارد.

53- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس هفت بار بر گرد کعبه طواف کند و سخنی جز به سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله، الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله نگوید، ده گناه از او محو می شود و ده حسنه برای او نوشته می شود و به وسیله آن ده درجه بالا می رود و هر کس طواف کند و در آن حال حرف بزند، با دو پایش در رحمت فرو رفته است، همچون کسی که با دوپایش در آب فرو رود.

54- امام باقر علیه السلام : هیچ بنده با ایمانی نیست که هفت بار این خانه را طواف کند و دو رکعت نماز بگذارد و طواف و نمازش را نیکو بجا آورد ، مگر آن که خداوند ، او را می آمرزد.

55- امام صادق علیه السلام : پدرم می گفت: هر کس هفت بار این خانه را طواف کند و دو رکعت نماز ، در هر جای مسجد که بخواند بخواند ، خداوند شش هزار حسنه برایش می نویسد و شش هزار گناه از او می زداید و شش هزار درجه بر او می افزاید و شش هزار نیاز او را بر می آورد . هر کدام از این نیازها زود برآید ، به خاطر رحمت خداست و هر کدام به تأخیر افتد ، به خاطر اشتیاق خداوند به دعای اوست.

56- امام صادق علیه السلام : در هر روز ، کعبه را لحظه ای است که هر کس در آن لحظه کعبه را طواف کند ، یا قلبش به کعبه مشتاق شود ، ولی عذر و مانعی او را از طواف کعبه باز دارد ، آمرزیده می شود.

57- امام صادق علیه السلام : طواف ، از اعمال بزرگ حج است ، هر کس طواف واجب را عمداً ترک کند ، حج نگزارده است.

ادب طواف

58- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : طواف کعبه ، چون نماز است ، پس هنگام طواف ، کم حرف بزیند.

59- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : طواف خانه خدا همچون ، نماز است ، الا اینکه خداوند ، سخن گفتن در طواف را برایتان حلال کرده است . پس اگر کسی سخنی می گوید ، جز به خیر ، سخن نگوید.

60- عبدالرحمن بن سیابه : از امام صادق علیه السلام درباره طواف پرسیدم که تند و با شتاب بروم ، یا کند و

آهسته؟ فرمود: راه رفتنی میانه.

**61- سالم از پدرش نقل می کند:** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را - وقتی به مکه می آمد - هنگام لمس رکن حجر الأسود دیدم، در آغاز طواف، سه دور از هفت دور طواف را با حالتی شبیه دویدن انجام می داد.

**62- جابر:** چون پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه آمد، وارد مسجد الحرام شد، حجر الأسود را لمس کرد، سپس از سمت راست آن، سه دور طواف را هروله کنان انجام داد و چهار دور، را راه رفت. سپس کنار مقام ابراهیم علیه السلام آمد و فرمود: از مقام ابراهیم، جای نماز برگزینید [۴]. دو رکعت نماز خواند، در حالی که مقام ابراهیم، میان او و کعبه قرار داشت، پس از آن دو رکعت، آمد و بر حجر الأسود دست کشید، سپس به طرف صفا بیرون رفت.

**63- ابوظیفیل:** به ابن عباس گفتم، به نظر تو این تند رفتن و هروله در سه دور طواف و رفتن معمولی در چهار دور، مستحب و سنت است؟ قوم تو می پندارند که سنت است. گفت: راست گفتند و دروغ گفتند. گفتم: چطور هم راست گفتند هم دروغ؟ گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد مکه شد. مشرکان گفتند: محمد و یارانش از لاغری نمی توانند کعبه را طواف کنند و حسد می ورزیدند. این بود که پیامبر، به اصحاب دستور داد سه دور را تند و هروله کنان بروند، چهار دور را راه بروند.

**64- بکر بن محمد:** بیرون آمدم و در کنار امام صادق علیه السلام به طواف مشغول بودم، تا آن که از طوافش فارغ شد. سپس کنار آمد و دو رکعت نماز خواند، با رکن کعبه و حجر الأسود و شنیدم که در سجده می گفت: چهره ام از روی عبودیت و بردگی برای تو سجد می کند، و جز تو معبودی نیست، حقاً و بر راستی! پیش از هر چیز، نخستین و پس از هر چیز، آخرین، اینک این منم در پیشگاهت. (هستی ام در قبضه قدرت توست)، مرا بیامرز، که جز تو، گناه بزرگ را نمی بخشاید. مرا بیخشای، که به گناهانم بر خویش اقرار می کنم و گناه بزرگ را جز تو کسی دفع نمی کند. سپس سر بلند کرد، از گریه صورتش چنان بود که گویا در آب فرو برده شده است.

**65- سعدان بن مسلم:** امام کاظم علیه السلام را دیدم که دست بر حجر الأسود کشید، سپس طواف کرد، دور هفتم که تمام شد به وسط خانه خدا آمد و ملتزم را که اصحاب ما برای دعا به آن می چسبند، رها کرد. دستش را بر کعبه گشود و مقداری درنگ کرد، سپس کنار حجر الأسود رفت و بر آن دست کشید و پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز خواند. دوباره بازگشت و حجر الأسود را لمس کرد، سپس رفت تا در دور هفتم طواف به ملتزم رسید، به وسط خانه خدا آمد و دست خود را گشود، باز حجر الأسود را لمس کرد و پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز خواند. سپس حجر الأسود را لمس کرد و به طواف پرداخت، آخر دور هفتم به وسط خانه خدا آمد، باز دست بر حجر الأسود کشید، سپس دو رکعت نماز، پشت مقام ابراهیم علیه السلام گزارد. باز نزد حجر الأسود آمد و میان حجر الأسود و در کعبه را دست کشید، سپس مدتی مکث کرد، کنار حجر الأسود آمد، هشت رکعت نماز خواند، آخرین دیدارش با کعبه، زیر ناودان بود. دست خود را گشود و دعا کرد. سپس مدتی توقف کرد، آنگاه از در حطاطان بیرون رفت.

**66- امام صادق علیه السلام:** طواف را در حالی رها کن، که هنوز میل به آن داری.

**تشویق به طواف زیاد**

**67- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** زیاد طواف کنید؛ چرا که طواف، کمترین چیزی است که در قیامت، در نامه های اعمالتان دیده می شود.

**68- امام صادق علیه السلام:** یک طواف در دهه (اول ذی حجه) برتر از هفتاد طواف در حج است.

**69- امام صادق علیه السلام:** طوافی پیش از حج، برتر از هفتاد طواف بعد از حج است.

**70- امام صادق علیه السلام:** اولین عدالتی که حضرت قائم علیه السلام آشکار می سازد، این است که منادی او ندا می دهد: آن که طواف مستحب به جا می آورد، حجر الأسود و طواف را به کسی واگذار کند که طواف او واجب است.

**71- عبدالرحمن بن حجّاج:** به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: می خواهم معتکف مکه شوم، چه کنم؟ فرمود: هرگاه هلال ماه ذی حجّه را دیدی، به جعرانه برو و از آن جا برای حج مُحرم شو. گفتیم: وقتی وارد مکه شدم و تا روز ترویبه می مانم و کعبه را طواف نمی کنم. چه کنم؟ فرمود: ده روز می مانی و به کعبه نمی روی؟ ده روز زیاد است، کعبه مهجور و ترک شده نیست (یعنی نباید باشد).

#### استلام حجر و آداب آن

#### استحباب استلام

**72- امام صادق علیه السّلام:** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هر طواف واجب و مستحب، بر حجرالأسود دست می کشید.

**73- جابر بن عبدالله:** روز برآمده بود، که وارد مکه شدیم. پیامبر صلی الله علیه و آله کنار در مسجد آمد، شترش را خواباند، سپس وارد مسجد شد. از حجرالأسود آغاز کرد و دست بر آن کشید و چشمانش پر اشک شد. سپس سه دور هروله کنان و چهار دور معمولی طواف کرد تا فارغ شد. پس از فراغت، حجرالأسود را بوسید، دستانش را بر آن نهاد و آن ها را به چهره اش کشید.

**74- ابن عمر:** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رو به حجرالأسود کرد، لب های خود را بر آن نهاد و بسیار گریست. سپس روی برگرداند، عمر بن خطاب را دید که می گرید. فرمود: ای عمر! اینجاست که باید اشکها بریزد!

**75- ابن عمر:** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که دست بر حجرالأسود می کشید. از آن پس بر حجرالأسود نگذشتم، مگر آن که من هم دست بر آن کشیدم.

**76- معاویه بن عمّار:** از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مردی حج انجام داده، ولی دست بر حجرالأسود نکشیده است. فرمود: این مستحب است، اگر نتواند، خداوند به عذر پذیری شایسته تر است.

#### حکمت استلام

**77- امام باقر علیه السّلام:** حجرالأسود، مانند پیمان است و دست کشیدن بر آن مثل بیعت است. آن حضرت هرگاه دست بر آن می کشید، می گفت: خدایا! این امانت من است که ادا کردم و پیمان من است که بستم، تا نزد تو برای من گواهی دهد که رساندم.

**78- حلبی:** به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: دست کشیدن به حجرالأسود، چرا سنت شده است؟ فرمود: آنگاه که خداوند از فرزندان آدم پیمان گرفت، حجرالأسود را از بهشت فرا خواند و به آن دستور داد، آن هم پیمان را گرفت (و بلعید). پس حجرالأسود، برای هر که به پیمان وفا کند، گواهی به وفا می دهد.

**79- امام صادق علیه السّلام:** خدای متعال چون از بندگان پیمان گرفت، حجرالأسود را فرمان داد تا آن را برگرفت (و فرو برد). از این رو گفته می شود: امانت من است، که ادا کردم و پیمان من است که وفا کردم، تا برای من گواهی دهی، که وفا کردم.

#### چگونگی استلام

**80- یعقوب بن شعیب:** از امام صادق علیه السّلام درباره استلام بر رکن پرسیدم. فرمود: استلام، به این صورت است که شکم خود را بر آن بچسبانی و مسح، آن است که دست بر آن بکشی.

**81- سعید ارج:** از امام صادق علیه السّلام درباره دست کشیدن به حجرالأسود از طرف در کعبه، پرسیدم. فرمود: مگر نمی خواهی رکن را لمس کنی؟ گفتیم: چرا. فرمود: از هر جا که دستت برسد، تو را کافی است.

#### تکبیر

**82- امام صادق علیه السّلام:** چون آدم علیه السّلام به حجرالأسود در رکن نظر کرد، خدا را تکبیر گفت و تهلیل نمود و بزرگ داشت. از این رو سنت جاری شد، که تکبیر گویند و از سمت صفا رو به رکنی روند که حجرالأسود در آن است.

**83- یعقوب بن شعیب :** به امام صادق علیه السلام عرض کردم : وقتی روبروی حجر الأسود قرار گرفتم ، چه بگویم؟ فرمود : تکبیر بگو و بر پیامبر و آل او صلی الله علیه و آله درود فرست . و شنیدم که خود امام علیه السلام ، چون پیش حجرالأسود می آمد ، می گفت : الله اکبر . السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله .

#### دعا

**84- امام حسن علیه السلام** وقتی خود را به رکن [حجرالأسود می چسباند ، چنین دعا می کرد :  
خدایا! بر من نعمت دادی و مرا سپاسگزار نیافتی، مرا به بلا فکندی و صابرم نیافتی، نه با ناسپاسی، نعمتت را از من گرفتی و نه با بی صبری، گرفتاری مرا دوام بخشیدی. خدایا! از بزرگوار، جز بزرگی و کرم نیاید.

**85- امام صادق علیه السلام :** هرگاه به حجرالأسود نزدیک شدی، دستانت را بالا ببر و خدا را حمدوثنا بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و از خدا بخواه که از تو بپذیرد. سپس دست به حجرالأسود کشیده آن را ببوس. اگر نتوانستی ببوسی، دست بر آن بکش و اگر نتوانستی دست بکشی، به آن اشاره کن و بگو: خدایا! امانت را ادا کردم و پیمانم بود که وفا کردم تا برای من بر وفای به عهد، گواهی دهی (دهد). خدایا! کتاب تو را و سنت پیامبرت را پذیرفته ام. گواهی می دهم که جز خدای یکتا و بی شریک، معبودی نیست و محمد، بنده و فرستاده اوست. به خدا ایمان آوردم و به جیت [۵] و طاغوت و لات و عزی و پرستش شیطان و پرستش هر آنچه جز خدا نظیر او خوانده می شود، کفر ورزیدم.  
پس اگر همه این ها را نتوانی بگویی، بخشی از آن را بگو، و بگو: خدایا! دستم را به سویت گشودم، رغبت من به آنچه نزد توست افزون است. پس تسبیح گویی مرا بپذیر و مرا بیامرز و رحمت آور. خدایا! از کفر و فقر و جایگاه های خواری در دنیا و آخرت به تو پناه می برم.

#### استلام نکردن هنگام ازدحام

**86- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -** خطاب به عمر - : ای عمر! تو مردی نیرومندی، برای رسیدن به حجرالأسود فشار نیاور که ناتوان را بیازاری. اگر خلوتی یافتی آن را لمس کن و گرنه رو به آن بایست و لا اله الا الله و تکبیر بگو.

**87- عایشه :** در حجة الوداع، پیامبر سوار بر شتر خود، گرد کعبه طواف کرد و رکن را لمس کرد، چون خوش نداشت که مردم را از آن کنار بزنند.

**88- ابو الطفیل :** پیامبر را دیدم که کعبه را طواف می کرد و با عصایی که در دستش بود، حجرالأسود را لمس می کرد و آن عصا را می بوسید.

**89- حارث :** هرگاه علی علیه السلام بر حجرالأسود می گذشت و بر آن ازدحام می دید، رو به آن کرده تکبیر می گفت و می گفت: خدایا! کتاب تو و سنت پیامبرت را، باور دارم.

**90- امام صادق علیه السلام :** پیشتر می گفتیم که باید به حجرالأسود آغاز کرد و به آن ختم نمود ولی امروز مردم زیاد شده اند.

**91- سیف تمّار :** به امام صادق علیه السلام عرض کردم، نزد حجرالأسود رفتم. آن جا را پر از ازدحام یافتم و جز یک نفر از یارانمان کسی را نیافتم. از او پرسیدم، گفت: باید بر آن دست بکشی. حضرت فرمود: اگر آن را خالی دیدی (چنین کن) و گرنه از دور سلام بده.

**92- حماد بن عثمان :** مردی در حال طواف خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: یا ابا عبدالله! درباره دست کشیدن بر حجرالأسود، چه می گویی؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن دست کشید. گفت: تو را ندیدم که بر آن دست بکشی؟ فرمود: دوست ندارم ناتوانی را بیازارم یا خودم آزرده شوم. گفت: گفتی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را لمس کرد! فرمود: آری، ولی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را چون می دیدند، حق او را می شناختند (و راه را باز می کردند) ولی من، حق را نمی شناسند.

**93- عبدالرحمن بن حجاج :** امام صادق علیه السلام فرمود: مشغول طواف بودم، سفیان ثوری هم نزدیک من بود. وی گفت: یا ابا عبدالله! وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حجرالأسود می رسید چه می کرد؟ من گفتم: پیامبر، در هر طواف، چه واجب و چه مستحب، دست بر آن می کشید. حضرت فرمود: کمی از من

عقب افتاد. چون به حجرالأسود رسیدم، عبور کردم و رفتم و دست بر آن نکشیدم. خود را به من رساند و گفت: یا ابا عبدالله! مگر نگفتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هر طواف واجب و مستحب، آن را لمس می کرد؟ گفتم: مردم برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جایگاهی می دیدند که برای من نمی بینند. هرگاه به حجرالأسود می رسید، برای او راه می گشادند تا بر آن دست بکشد و من فشار بر مردم را دوست ندارم.

**94- محمد حلبی از امام صادق علیه السلام پرسیدم:** اگر شلوغ بود و نتوانستم بر حجرالأسود دست بکشم (تکلیف چیست؟). فرمود: پیرمرد و ناتوان و بیمار، رخصت دارند. دوست ندارم که دست کشیدن بر آن را رها کنی، مگر آن که چاره ای نداشته باشی.

**95- محمد بن عبدالله:** از امام رضا علیه السلام پرسیدند: آیا اگر مردم زیاد شدند، برای لمس حجرالأسود با آنان باید ستیزه کرد؟ فرمود: هرگاه چنین بود، پس با دستت به آن اشاره کن.

### دعاهای طواف

**96- عبدالله بن سائب:** رسول خدا صلی الله علیه و آله را بین رکن یمانی و حجرالأسود دیدم که می گفت: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ خدایا در دنیا به ما نیکی عطا کن، در آخرت هم به ما نیکی عطا کن و ما را از دوزخ نگهدار.

**97- ابن مسعود:** پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه را طواف کرد. سپس دست بر آن نهاد و چنین دعا کرد: خدایا! خانه، خانه توست و ما، بندگان تویم و پیشانی (و اختیار) ما، به دست توست و رفت و آمد ما، در قبضه قدرت توست. اگر عذابمان کنی، به سبب گناهان ماست و اگر ما را ببخشایی، به رحمت توست. حج خود را بر هر کس که راه و توانی به سویی آن داشته باشد واجب ساختی، تو را سپاس که برای ما این راه را قرار دادی. خدایا! پاداش سپاسگزاران به ما روزی کن.

**98- عبدالاعلی تیمی:** حضرت خدیجه علیها السلام گفت: یا رسول الله! در حالی که طواف خانه خدا می کنم، چه بگویم؟ فرمود: بگو: خدایا گناهان و خطاها، عمد و اسرافم را در کارم ببخشا، زیرا اگر تو مرا نیامرزی، هلاکم می کنی.

**99- سعید بن مسیب:** پیامبر صلی الله علیه و آله چون بر رکن یمانی می گذشت، چنین می گفت: خدایا! به تو پناه می برم از کفر و خواری و تنگدستی و جایگاه های خواری در دنیا و آخرت. پروردگارا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگهدار.

**100- عثمان:** در روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی میان رکن حجرالأسود و رکن یمانی، سه بار چنین می گفت:

خدایا! تو خدایی، تو رحمانی، معبودی جز تو نیست. تو پروردگاری و پروردگاری جز تو، نیست. تو بر پا ایستاده دائمی که غفلت نمی کنی و تویی که آنچه دیدنی و نادیدنی است آفریدی و تویی که بدون آموختن، هر چیز را می دانی.

پیامبر صلی الله علیه و آله از کارش با خبر شد و فرمود: اگر چنین گفته است - و خدا دانایتر است - او را به بهشت مزده دهید و خبر دهید که او در میان قوم خودش مثل صاحب یاسین [6] در میان قوم خود است.

**101- امام صادق علیه السلام:** گرد خانه خدا، هفت دور طواف کن. در طواف می گویی:

خدایا! تو را به آن نامت می خوانم، که با آن، بر سینه دریاها و بر جاده های زمین راه می روند و به آن نامی که عرش تو از آن به اهتزاز در می آید و به نامی که گام های فرشتگان از آن به لرزه می افتد و به نامی که موسی علیه السلام از سوی وادی طور، تو را با آن صدا کرد و جوابش دادی و محبتی از خویش را بر او گسترانیدی و به نامی می خوانمت که به خاطر آن، گذشته و آینده محمد صلی الله علیه و آله را بخشودید و نعمتت را بر او تمام ساختی، از تو می خواهیم که با من چنین و چنان کنی (هردعایی که می خواهی بکن). و هر بار که به در کعبه رسیدی، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود فرست و بین رکن یمانی و حجرالأسود، می گویی:

پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و از عذاب آتش، نگاهمان دار. و در طواف بگو خداوندا! به تو نیازمندم، بیمناک و پناهنده ام، نه جسم را دگرگون ساز، نه نامم را عوض کن.

**102- امام سجاد علیه السلام :** هرگاه پیش از رسیدن به ناودان، به حجر می رسید سرش را بلند کرده، می گفت:

خدایا به رحمت خود مرا وارد بهشت کن - در حالی که به ناودان می نگریم - و به رحمت خویش از دوزخ پناه ده و از بیماری عافیتم بخش و از روزی حلال بر من وسعت بده و شرّ فاسقان جنّ و انس و شرّ فاسقان عرب و عجم را از من دور ساز.

**103- امام سجاد علیه السلام :** هرگاه در دور هفتم طواف بودی ، به متعوّد [7] برو ، و آن ، جایی است در پشت کعبه ، روی روی در آن . سپس بگو:  
خدایا ! خانه ، خانه توست و بنده ، بنده توست و این جا ، جایگاه پناه آورنده به تو از دوزخ است . خدایا!  
شادی و گشایش از سوی توست.  
سپس رکن یمانی را لمس کن ، سپس به طرف حجر الأسود برو و طواف را به آن ختم کن.

**104- امام سجاد علیه السلام :** هر بار که به در کعبه رسیدی ، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و در طواف بگو : خدایا! به تو نیازمندم و بیمناک و پناهنده ام ، نامم را عوض مکن و جسمم را تغییر مده .  
و چون در دور هفتم به آخر کعبه (که مستجار است ، کمی به رکن یمانی مانده) رسیدی ، دستانت را بگستر و صورت و شکم خود را به کعبه بچسبان ، سپس بگو:  
خدایا! خانه ، خانه توست و بنده ، بنده تو و اینجا ، جایگاه پناه آورنده به تو از آتش است . سپس در پیشگاه خدا ، به گناهانت اعتراف کن ، زیرا هیچ بنده ای در این مکان ، در آستان خداوند به گناهانش اعتراف نمی کند ، مگر آن که آمرزیده می شود ، ان شاء الله . امام صادق علیه السلام به غلامانش فرمود : از من فاصله بگیرد ، تا در پیشگاه پروردگارم ، به آنچه کرده ام اعتراف کنم.  
خدایا، شادی و گشایش و عافیت از سوی توست . خدایا! علم اندک است ، آن را بیفزای و آنچه را که تو از کار من آگاه شدی و بر بندگانت پنهان است ، بیخشی و از آتش ، به خدا پناه می جویی و هردعایی که برای خودت خواستی ، می طلبی . سپس رو به رکن یمانی و رکنی که حجر الأسود در آن است آورده ، طواف را به آن ختم می کنی و اگر نتوانستی ، عیبی ندارد . و می گویی : خدایا! به آنچه روزیم داده ای قانع گردان و آنچه را به من داده ای برایم مبارک ساز.

**105- عبدالسلام بن عبدالرحمن :** به امام صادق علیه السلام عرض کردم : وارد طواف شدم، هیچ دعایی بر زبانم جاری نشد، مگر صلوات بر پیامبر و خاندان او . سعی (صفا و مروه) هم که کردم ، چنین بود . فرمود : به هیچ خواهند ای ، چیزی برتر از آنچه به تو عطا شده ، عطا نشده است.

**106- احمد بن موسی بن سعد :** در طواف ، همراه امام رضا علیه السلام بودم . چون برابر رکن یمانی رسیدیم ، حضرت ایستاد و دستانش را بالا برد و گفت:  
ای خدا! ای صاحب عافیت! ای خالق عافیت ، ای روزی ده عافیت ، ای نعمت دهنده و منت گذارنده و احسان کننده به عافیت ، بر من و همه بندگانت ! ای مهربان و بخشایشگر دنیا و آخرت! بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود فرست و ما را عافیت و دوام عافیت و کمال عافیت و شکر بر عافیت در دنیا و آخرت ، روزی گردان . ای مهربانترین مهربانان.

### ج - نماز طواف

**107- امام باقر یا امام صادق علیهما السلام :** دو رکعت نماز طواف واجب را جز کنار مقام ابراهیم سزاوار نیست بخوانی، ولی نماز طواف مستحب را هر جای مسجد که خواستی بخوان.

**108- امام صادق علیه السلام :** هرگاه از طواف فراغت یافتی، نزد مقام ابراهیم علیه السلام برو و دو رکعت نماز بگزار و مقام ابراهیم را پیش روی خود قرار بده . در رکعت اول ، سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخوان . سپس تشهد بخوان و حمد و ثنای الهی بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرست و از خداوند بخواه که از تو قبول کند . این دو رکعت ، واجب است در هر ساعتی می خواهی ، بخوان ، هنگام طلوع خورشید و غروب آن . ولی از هنگامی که طواف را بجا می آوری و فارغ می شوی ، تأخیر مینداز و آن دو رکعت را بخوان.

**109- امام صادق علیه السلام :** پس از دو رکعت نماز طواف واجب ، این دعا را می خوانی:  
خدایا ، به خاطر اطاعتم از تو و پیامبرت صلی الله علیه و آله ، بر من رحمت آور . خدایا از اینکه از محدوده

اطاعت تو خارج شوم ، مرا دور کن و مرا از دوستداران خودت و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان صالحت قرار بده.

**110- حسین بن عثمان :** امام کاظم علیه السلام را دیدم که مقابل مقام ابراهیم علیه السلام نزدیک سایه های مسجدالحرام، دو رکعت نماز طواف واجب می خواند [۸].

**111- امام حسین علیه السلام** را در حال طواف خانه خدا دیدند ، سپس نزد مقام ابراهیم علیه السلام آمد و نماز گزارد . آنگاه صورت بر مقام نهاد و شروع به گریه کرد و می گفت : بنده کوچک تو در آستان توست ، خواهند تو و بینوای تو در پیشگاه توست این را پیوسته تکرار می کرد.

**د - سعی بین صفا و مروه**

**مسعی ، محبوبترین مکان**

**112- امام صادق علیه السلام :** نزد خداوند ، هیچ بقعه ای محبوبتر از محلّ سعی نیست ، زیرا هر گردنکشی در آن خوار می شود.

**113-** سعی واجب شده است برای خوار کردن جبّاران.

**حکمت سعی**

**قرآن:**

صفا و مروه از شعائر خداست . پس هرکس حج و عمره خانه خدا به جا آورد ، عیبی ندارد که بین آن دو طواف (سعی) کند . و هرکه نیکی انجام دهد ، خداوند سپاسگزار و داناست.

**حدیث:**

**114- امام صادق علیه السلام :** سعی بین صفا و مروه ، از آن جهت واجب شد که شیطان ، خود را به حضرت ابراهیم علیه السلام نشان داد . جبرئیل به آن حضرت دستور داد که به او حمله کند ، شیطان هم گریخت . از این رو سنت هروله قرار داده شد.

**115- علی بن جعفر :** از آن حضرت (امام کاظم علیه السلام) ، درباره سعی میان صفا و مروه پرسیدم . فرمود : به خاطر سعی ابراهیم علیه السلام ، قرار داده شده است.

**ادب سعی**

**116- امام صادق علیه السلام -** به روایت معاویه بن عمار - : رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی از طواف و دو رکعت نماز آن فراغت یافت ، فرمود : از جایی آغاز می کنم که خداوند به آن آغاز کرده است ، خداوند بزرگ می فرماید : صفا و مروه از شعائر خداست.

امام صادق فرمود : سپس به سوی صفا بیرون رو ، از همان دري که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیرون رفت ، از دري که مقابل حجر الأسود است ، تا آن وادی را با آرامش و وقار طی کنی . پس بر صفا بالا برو تا به کعبه بنگري و رو به رکنی باشی که حجر الأسود در آن است . پس خدا را حمد و ثنا گفته ، نعمتها و نیکی هایش را نسبت به تو ، تا آن جا که بتوانی یادکن ، سپس هفت بار الله اکبر ، هفت بار الحمد لله و هفت بار لا اله الا الله بگو و سه مرتبه چنین بگویی:

جز خدای یکتا ، معبودی نیست ، شریکی ندارد ، سلطنت و ستایش از آن اوست ، زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که مرگ ندارد . و بر هر چیز تواناست.

سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرست و سه بار بگو : خدا بزرگتر است ، خدا را سپاس بر اینکه هدایتمان کرد و ما را از مود و حمد از آن خدای زنده قیوم و ابدی است . و سه بار بگو : شهادت می دهم که جز خدا ، معبودی نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست ، جز او را نمی پرستیم ، دین را برای او خالص ساخته ایم ، هر چند مشرکان را ناخوش آید . نیز سه بار بگو : پروردگارا، از تو خواستار گذشت، عاقبت و یقین هستم . و سه بار بگو : خدایا در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی و ما را از عذاب دوزخ نگهدار . سپس صد بار الله اکبر ، صد بار لا اله الا الله ، صد بار الحمد لله و صد بار سبحان الله بگو ، آنگاه بگو:

جز خدای یکتا معبودی نیست ، وعده اش را وفا کرد ، بنده اش را نصرت بخشید و به تنهایی بر احزاب ، غالب گشت ، سلطنت و ستایش تنها از آن اوست . خدایا! در مردن و پس از آن ، برایم برکت قرار بده ،



خدایا! از تاریکی و وحشت قبر به تو پناه می برم . خدایا! آن روز که سایه ای جز سایه تو نیست ، مرا در سایه سار عرش خویش قرار ده .

و دین و جان و خانواده ات را ، پیوسته به خداوند بسپار و بگو :  
دین و جان و خانواده ام را به خدای مهربانی می سپارم که امانتها را ضایع نمی کند . خدایا! مرا طبق کتاب خود و سیره پیامبرت به کار گیر و بر آیین او بمیران و از فتنه نگاهم دار .  
سپس سه بار تکبیر بگو ، سپس دو مرتبه آن دعا را بگو و یک بار تکبیر بگو ، و بار دیگر دعا را بخوان اگر این همه را نتوانی ، بخشی از آن را بگو . امام صادق علیه السلام فرمود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به اندازه آرام خواندن سوره بقره ، بر صفا می ایستاد .

**117- جابر بن عبدالله :** رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه بر صفا می ایستاد ، سه بار تکبیر می گفت و می گفت : جز خدای یکتا معبودی نیست ، شریکی ندارد . سلطنت و ستایش از آن اوست و او بر هر چیز تواناست . و این کار را سه بار انجام می داد و دعا می خواند و مانند همین را در مروه نیز انجام می داد .

**118- جابر بن عبدالله ،** حدیث حج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را نقل کرده ، می گوید : سپس از در مسجدالحرام به طرف صفا بیرون رفت . چون به صفا نزدیک شد ، آیه *إِنَّ الصفا و المروة من شعائر الله* را خواند و فرمود : به آنچه خدا آغاز کرده ، آغاز می کنم . پس از صفا شروع کرد . بالای آن رفت ، تا آن جا که خانه خدا را دید ، پس لا اله الا الله و تکبیر گفت و فرمود :  
هیچ معبودی جز خدا نیست ، تنهایی بی شریک ، سلطنت و ستایش از آن اوست . زنده می کند و می میراند و او بر هر چیز تواناست . معبودی جز خدا نیست . یکتاست ، به وعده اش عمل کرد و بنده اش را یاری رساند و به تنهایی گروهها (ی مشرک) را پراکنده ساخت سپس در این فاصله دعا کرد و سه بار آن را تکرار نمود .  
آنگاه به سوی مروه فرود آمد ، تا آن که گامهایش در ریگزار میان آن وادی (بین صفا و مروه) قرار گرفت ، تا آن که بالا رفت . رفت تا به مروه رسید . بر فراز مروه هم ، چنان کرد که بر صفا . و پایان طوافش بر مروه بود .

**119- علی بن نعمان در حدیثی مرفوعه :** امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی از صفا بالا می رفت ، رو به کعبه دستهایش را بالا می برد و می گفت :

خدایا! همه گناهان مرا ببخشای ، اگر باز هم گناه کردم ، تو هم باز ببخشای ، تو بخشاینده مهربانی . خدایا با من چنان کن که تو شایسته آنی ، اگر آنگونه که تو شایسته آنی با من رفتار کنی ، مرا می آموزی و اگر عذاب کنی ، تو از عذاب بی نیازی ، ولی من به رحمت تو نیازمندم . ای آن که به رحمت او محتاجم! بر من رحم کن . خدایا با من چنان مکن که من شایسته آنم ، که اگر چنین کنی عذاب خواهی کرد ، بی آن که بر من ستم کنی . در حالی هستم که از عدل تو پروا دارم و از ستمت نمی ترسم ، ای دادگر بی ستم ، بر من رحم کن .

**120- محمد بن عمر بن یزید ،** از برخی اصحاب خود نقل می کند : پشت سر امام کاظم علیه السلام بالای صفا یا مروه بودم و او بیش از این دو سخن ، چیزی نمی گفت :

خدایا از تو می خواهم حسن ظنّ به خودت را در هر حال و نیت صادق در توکل بر تو را .

**121- امام صادق علیه السلام :** هر که خواهد ثروتش افزون شود ، ایستادن بر صفا و مروه را طول دهد .

**122- امام صادق علیه السلام :** میان صفا و مروه منشین ، مگر از روی خستگی .

**پاداش سعی**

**123- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** حج گزار وقتی بین صفا و مروه سعی کند ، از گناهانش بیرون می آید .

**124- امام سجّاد علیه السلام :** فرشتگان ، برای کسی که میان صفا و مروه سعی کند ، شفاعت می کنند و شفاعتشان درباره او پذیرفته می شود .

**هـ - تقصیر**

**125- امام صادق علیه السلام :** اگر در عمره تمّعی ، چون از سعی فارغ شدی از موی اطراف سر و ریش خود بزن و مقداری از سیلت را بچین و ناخنهایت را بگیر و مقداری را برای حجّ خود نگاه دار و چون چنین

کردی، از احرام بیرون آمده ای، از هر چه که از آن احرام بسته بودی. پس هر قدر که خواستی بر گرد کعبه طواف مستحب کن.

**126- امام صادق علیه السلام :** طواف متمتع آن است که کعبه را طواف کند، میان صفا و مروه سعی کند و از موی خود کوتاه کند، اگر چنین کرد، از احرام درآمده است.

**127- امام صادق علیه السلام :** هفت بار بر گرد خانه خدا طواف کن، نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بخوان و بین صفا و مروه سعی کن و از موی خود بچین و چون روز ترویبه رسید، غسل کن و احرام برای حج ببند و مثل مردم انجام بده.

3 / 3

واجبات حجّ متمتع

الف - احرام

**128- امام صادق علیه السلام :** چون آدم مأمور به توبه شد، جبرئیل به او گفت: ای آدم، برخیز. پس او را روز ترویبه بیرون آورد، دستور داد غسل کند و مُحْرَم شود ... پس چون روز هشتم ذی حجه شد، جبرئیل او را به سوی منا بیرون آورد. شب آن جا ماند. چون صبح شد او را به سوی عرفات بیرون آورد. آنگاه که او را از مکه بیرون آورده بود، احرام و لَبِيك گویی را به او یاد داده بود. روز عرفه، هنگام زوال خورشید (ظهر) لَبِيك را قطع کرد.

**129- امام صادق علیه السلام :** آن که عمره تمتع انجام داده ... روز ترویبه، برای حج احرام می بندد.

**130- امام صادق علیه السلام :** روز ترویبه که رسید همان کار [وادی عقیق را انجام می دهی سپس میان رکن و مقام احرام حج می بندی و پیوسته محرم می مانی تا اینکه در مواضع عرفات و مشعر و قوف کنی و بر جمرات سنگ زنی و قربانی کنی و لباس احرام از تن بیرون آوری و غسل نمایی و بیت را زیارت کنی که اگر این گونه کردی از احرام بیرون می آیی.

**131- امام صادق علیه السلام :** هرگاه خواستی روز ترویبه محرم شوی ، همان کاری را بکن که هنگام احرام کردی . موی شاربیت را بچین ، ناخن بگیر ، اگر شرمگاهت موی دارد ، بزداي و نیز موی زیر بغل را . غسل کن ، جامه های احرامت را بپوش و به مسجدالحرام برو ، پیش از احرام ، در آن جا شش رکعت نماز بخوان و دعا کن و از خداوند ، یاری بطلب و بگو :  
خدایا! می خواهم به حج بروم ، برایم آسانش کن و هر جا که از رفتن بازم داشتی ، مرا به آن تقدیرت که بر من مقدر ساختی ، از احرام به در آور .  
و بگو:

مو ، پوست ، گوشت و خونم را از زنان و لباسها و بوهای خوش ، برای تو حرام می کنم و با این کار ، تنها تو و سرای آخرت را می خواهم . هر جا که از رفتن بازم داشتی ، مرا به آن تقدیرت که بر من مقدر داشتی ، از احرام در آور . سپس از مسجدالحرام لَبِيك بگو ، آنگونه که هنگام احرام می گفתי و بگو : لَبِيك ، با حَجِّي که کمال و رسایی آن بر توست .  
پس اگر بتوانی که رفتنت به منی هنگام ظهر باشد ، چنین کن و گرنه ، هر وقتی که از روز ترویبه برایت آسان باشد .

ب - وقوف در عرفات

آداب رفتن به عرفات

**132- عبید الله بن علی حلبی :** از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا به روز ترویبه [۹] ، ترویبه می گویند؟ فرمود : چون در عرفات ، آب نبود و حجاج برای آب نوشیدن ، از مکه آب می آوردند و به همدیگر می گفتند آب برداشتید؟ آب برداشتید؟ از این رو ، آن روز ، روز ترویبه نام گرفت.

**133- امام صادق علیه السلام :** روز ترویبه را، ترویبه نامیدند ، چون جبرئیل در چنین روزی ، نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمد و گفت : ای ابراهیم! برای خود و خانواده ات آب بردار . و میان مکه و عرفات آبی نبود . آنگاه به موقف عرفات رفت و به ابراهیم علیه السلام گفت : اعتراف کن و با عبادات خویش آشنا شو . از این رو آن روز ، عرفه نامیده شد . سپس به او گفت : به مشعر نزدیک شو ، به این جهت نام آن جا مزدلفه

[10] شد.

**134- محمد بن مسلم:** از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله روز ترویبه نماز ظهر را در منی خواند؟ فرمود: آری و نماز صبح را هم روز عرفه در منی خواند.

**135- امام صادق علیه السلام:** روز ترویبه که شد، احرام حج ببند [تا آن که فرمود: و اگر بتوانی، نماز ظهر را در منی بخوان.

**136- امام صادق علیه السلام:** سزاوار است امام، نماز ظهر روز ترویبه را در منی بگذارد و شب عرفه را در منی بخوابد و صبح روز عرفه (نهم ذی حجه) بعد از طلوع خورشید، از منی به عرفه برود.

**137- امام صادق علیه السلام:** روز ترویبه که شد، به خواست خدا غسل کن، سپس جامه های احرامت را بپوش و پابرنه وارد مسجدالحرام شو، با آرامش و وقار. سپس کنار مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر اسماعیل، دو رکعت نماز بخوان و بنشین تا ظهر شود. نماز واجب را بخوان، بعد از نمازت همان را بگو که هنگام احرام از مسجد شجره گفتم، پس با آرامش و وقار، احرام حج ببند و سپس روانه شو. پس چون به قبل از ردم [11] رسیدی، لبیک بگو و چون به ردم رسیدی و به دشت مکه روی آور شدی، صدایت را به لبیک بلند کن، تا به منی برسی.

**138- امام صادق علیه السلام:** هرگاه روی به منی نهادی بگو: پروردگارا! تنها به تو امید دارم و تنها تو را می خوانم. پس مرا به آرزویم برسان و کارم را اصلاح کن.

**139- امام صادق علیه السلام:** چون به منی رسیدی، بگو: خدایا! این مناست و این از جمله عباداتی است که با آن بر ما مئت نهاده ای. از تو می خواهم که با آنچه بر پیامبرانت مئت نهاده ای، بر من مئت نهی. همانا من بنده تو و در اختیار توام. . . . (تا آن جا که فرمود: ) حد منی از عقبه تا وادی محسر است.

#### علت نامگذاری به عرفات

**140- معاویه بن عمار:** از امام صادق علیه السلام درباره علت نامگذاری عرفات، پرسیدم. حضرت فرمود: جبرئیل علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام را روز عرفه بیرون آورد. چون ظهر شد، به وی گفت: ای ابراهیم! به گناهت اعتراف کن و عبادتهایت را بشناس [۱۲]. از این رو به عرفات نامیده شد، چون که جبرئیل گفت: اعتراف کن، او هم اعتراف کرد.

#### افتخار خداوند به اهل عرفات

**141- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** غروب عرفه، خداوند بوسیله اهل عرفه بر فرشتگان افتخار می کند و می فرماید: به بندگانم بنگرید! ژولیده و غبار آلود، نزد من آمده اند [۱۳].

**142- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** خداوند، بر اهل عرفات، نعمت داده، بوسیله آنان بر فرشتگان مباحثات کرده، می فرماید: ای فرشتگان من! به بندگانم بنگرید، ژولیده و غبار آلود، از هر راه دوری راه سپرده و آمده اند. شما را گواه می گیرم که دعایشان را مستجاب کرده، خواسته شان را بر آورده ام، خطا کارشان را به خاطر نیکو کارشان بخشیدم و به نیکو کارانشان، هر چه را که از من خواستند، عطا کردم، جز گناهانی را که میان خودشان دارند (حق الناس).

**143- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** در هیچ روزی به اندازه روز عرفه، خداوند بندگان را از آتش دوزخ آزاد نمی کند. همانا خداوند نزدیک می شود و بر فرشتگان مباحثات می کند و می فرماید: اینها چه می خواهند؟

#### اهمیت عرفات

**144- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** حج، عرفات است. حج، عرفات است. حج، عرفات است. روزهای منی سه روز است پس هر که عجله کند در دو روز، پس گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند، گناهی بر او نیست. هرکس پیش از طلوع فجر، عرفه را دریابد، حج را درک کرده است.

**145- عبدالرحمن بن يعمر :** در عرفات عده اي از مردم يمن نزد پيامبر خدا صلي الله عليه و آله آمدند و از او سؤال کردند. حضرت فرمود تا منادي ندا دهد: حج، عرفه است. هرکس شب هنگام، قبل از طلوع فجر ، به مشعرالحرام بيايد، حج را درک کرده است . روزهاي مني سه روز است . پس هرکه شتاب کند در دو روز، گناهي بر او نيست و هر که تأخير اندازد ، پس گناهي بر او نيست.

#### ادب حضور

**146- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله :** همه جاي عرفات، موقف است، پس از دل عُرَنَه [۱۴] بالاتر رويد.

**147- امام صادق عليه السلام :** همه جاي عرفات ، موقف است و بهترين جا براي وقوف ، دامنه کوه است.

**148- امام صادق عليه السلام :** در سمت چپ کوه وقوف کن، چرا که پيامبر خدا صلي الله عليه و آله در عرفات در سمت چپ کوه وقوف کرد و چون ايستاد، مردم هجوم آوردند به محل فرود آمدن شتر او و در اطراف آن وقوف مي کردند که پيامبر ناقه را دور کرد، آنان نيز چنين کردند. پس فرمود: اي مردم! محل پاي شتر من موقف نيست، همه اين منطقه موقف است - و با دست به موقف اشاره فرمود - در مزدلفه نيز چنين کرد. پس هر جاي خالي را ببدي، با خودت و وسايلت آنجا را پر کن، خداوند دوست دارد که اين جاهاي خالي پر شود. و از رفتن به بلنديها دست بردار و از منطقه اراک [۱۵] هم بپرهيز.

**149- امام صادق عليه السلام :** وقوف در عرفات، بدون وضو شايسته نيست.

**150- امام صادق عليه السلام :** روايت شده است که از اميرالمؤمنين عليه السلام درباره وقوف در حلّ (خارج حرم) در عرفات پرسيدند ، که چرا در حَرَم نيست؟ فرمود : زيرا کعبه ، اندرون خانه است و حرم ، خود خانه . چون حجاج ، رو به خدای مي آورند ، آنان را در آستانه در نگه مي دارد تا به درگاهش تضرّع و ناله کنند .

**151- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله به علي عليه السلام فرمود :** آيا دعاي روز عرفه را به تو بياموزم، که دعاي پيامبران پيش از من است؟ فرمود : مي گويي:  
جز خدای يکتاي بي شريك ، معبودي نيست . سلطنت و ستايش از آن اوست . زنده مي کند و مي ميراند و او زنده اي است که نمي ميرد . خير در دست اوست و او بر هرچيز تواناست . خدايا! حمد براي توست ، آنگونه که خود مي ستايي و بهتر از آنچه ما مي گوييم و بالاتر از آنچه گويندگان مي گویند . خدايا!  
نماز و عبادتم ، زندگي و مرگم و بيزاري جستتم براي توست، توان و نيرويم از توست . خدايا! از فقر و وسوسه هاي درون و پراکندگي کار و عذاب قبر ، به تو پناه مي برم . خدايا بهترين نسيم ها را از تو مي طلسم و از شرّ آنچه طوفانها مي آورد ، به تو پناه مي برم و از تو خير شب و روز را مي خواهم . خدايا! در دل و گوش و چشمم و در گوشت و خون و استخوانها و رگهايم ، در جايگاه نشستن و ايستادنم و در ورود و خروجم، نور و روشنايي قرار بده و روزي که تو را ديدار مي کنم فروغ مرا بزرگ بدار ، که تو بر هرچيز توانايي.

**152- پيامبر خدا صلي الله عليه و آله :** هرکس شامگاه عرفه اين دعا را بخواند، تا وقتي که دعوت به گناه يا قطع رحم نکند دعایش مستجاب است:  
منزّه است خدایي، که عرش او در آسمان است . منزّه است خدایي، که قدمگاهش در زمين است . منزّه است، آن که راهش در درياست . منزّه است خدایي، که حکم و قضاي او در گورهاست . منزّه است، آن که رحمتش در بهشت است . منزّه است، آن که فرمان روايي اش در دوزخ است . منزّه است، آن که روحش در هواست . منزّه است، آن که آسمان را برافراشت . منزّه است آن که زمين را گسترد . منزّه است، آن که از او جز به سوي او راه نجاتي نيست.

**153- امام صادق عليه السلام :** پيامبر خدا صلي الله عليه و آله در عرفات وقوف کرد . همين که خورشيد

خواست غروب کند ، قبل از غروب ، چنين دعا کرد:

خدايا! از فقر ، پراکندگي کار و از شرّ آنچه در شب و روز پيش آيد ، به تو پناه مي برم . ظلم را به پناه عفو تو آورده ام و بيمم را به پناه امان تو . و خواريم را پناهنده عزّت تو ساخته ام و چهره فاني ام را در پناه ذات باقي تو قرار داده ام . اي بهترين کسي که از او مي خواهند ، اي بهترين کسي که مي بخشد ، جامه رحمت و عافيتت را بر من بپوشان و شرّ همه آفريده هاييت را از من بگردان.

**154- امام صادق علیه السلام :** هر گاه صبح به طرف عرفات رفتی ، در حال رفتن ، بگو: خدایا! رو به تو آورده و بر تو اعتماد کرده ام و تو را طلبیده ام ، از تو می خواهم که کوچ مرا مبارک گردانی ، حاجتم را بر آوری و مرا از کسانی قرار دهی که امروز به آن ها ، بر برتر از من مباحثات می کنی. سپس لبیک می گویی در حالی که رو به عرفات می روی.

**155- امام صادق علیه السلام :** مردم در عرفات وقوف می کنند ، دعا می کنند، رغبت نشان می دهند و تا می توانند از فضل و رحمت الهی مسألت می کنند ، تا آن که خورشید ، غروب کند.

**156- ابو بلال مکی :** امام صادق علیه السلام را در عرفات دیدم که پنجاه هسته [۱۶] آورده بود و با سوره قل هو الله احد نماز می خواند . صد رکعت نماز ، با قل هو الله احد خواند و با آیه الکرسی به پایان برد . عرض کردم: فدایت شوم ! هیچ یک از شما را ندیده ام که اینجا این نماز را بخواند . فرمود: در این مکان ، هیچ پیامبر یا وصی پیامبری حضور نیافته ، مگر اینکه این نماز را خوانده است.

**157- امام صادق علیه السلام :** نماز را زود می خوانی و بین دو نماز جمع می کنی، تا دلت برای دعا فارغ و آسوده باشد؛ چرا که آن روز ، روز دعا و خواستن است . با آرامش و وقار ، به موقف می آیی ، خدا را ستایش و تمجید کن و لا اله الا الله بگو و لبیک و ثناش گو و صد بار الله اکبر ، الحمد لله و سبحان الله بگو ، صد بار قل هو الله بخوان و هر چه می خواهی دعا بخوان و بکوش ، که آن روز ، روز نیایش و دعاست و از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر؛ زیرا محبوبترین جا نزد شیطان برای غافل ساختن تو ، همان مکان است . از اینکه مشغول تماشای مردم شوی بپرهیز ، به خودت پرداز و از خواسته هایت این باشد: بارالها! من بنده توام ، مرا از بی بهره ترین مهمانانت قرار مده و بر آمدنم به سوی تو از راهی دراز ، رحم کن . و نیز در گفته هایت این باشد : خدایا! ای پروردگار همه عبادتگاهها! از آتش دوزخ رهایی ام ده ، رزق را وسعت بخش و شرّ فاسقان جنّ و انس را از من دور کن . و می گویی : خدایا با من به مکر و خدعه رفتار مکن و بتدریج مرا کيفر مده و می گویی:

خدایا! تو را به نیرو و بخشش و بزرگواری و منت و احسانت می خوانم ، ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان و ای سربعترین حسابگران و ای مهربانترین مهربانان، که بر پیامبر و دودمان او درود فرستی و با من چنین کنی (حاجتهایت را می خواهی. )  
و نیز در حالی که سرت را به آسمان بلند کرده ای می گویی:  
خدایا ، حاجتم به درگاه تو ، حاجتی که اگر عطا کنی ، ردّ حاجت های دیگرم بی زیان است و اگر روا نکنی ، بر آوردن حاجت های دیگرم بی فایده است ، این است که از تو رهایی از دوزخ را می خواهم.  
و در دعا هایت این باشد:

خدایا! بنده و برده توام، اختیارم دست تو و اجلم بسته به علم توست، از تو می خواهم به آنچه موجب خرسندی تو از من است ، توفیقم دهی و عبادت‌هایم را بپذیری ، عباداتی که به دوستت ابراهیم علیه السلام و به پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله نشان داده و راهنمایی کرده ای.  
و در دعا هایت این باشد:

خدایا مرا از آنان قرار ده که عملشان را پسندیده ، عمرشان را طولانی کرده و پس از مرگ ، به حیات طیبه زنده شان ساخته ای.  
و مستحب است شام عرفه را با بنده آزاد کردن و صدقه دادن بجویی.

**158- امام صادق علیه السلام :** چون خورشید روز عرفه غروب کند ، بگو:  
خدایا! این وقوف را آخرین وقوفم در اینجا قرار مده و تا زنده ام ، روزیم گردان و امروز مرا رستگار ، کامیاب ، مستجاب و آمرزیده بازگردان ، به بهترین چیزی که هریک از مهمانانت و زائران خانه ات باز می گردند . امروز مرا از گرامی ترین مهمانانت قرار بده و بهترین خیر ، برکت ، رحمت ، رضوان و مغفرتی که به آنان می دهی ، به من هم عطا کن . بازگشتم را به خانواده و مالم - چه کم باشد ، چه زیاد - ، مبارک گردان و به آنان هم نسبت به من برکت بده.  
پس چون کوچ کردی، آرام برو و آرامش داشته باش و تند رفتنی را که بسیاری از مردم در این کوه و دشت انجام می دهند، ترک کن.

**159- ابو یحیی زکریای موصلی :** از عبد صالح (امام کاظم علیه السلام ) پرسیدم : مردی که در موقف ، وقوف کرده است و پیش از آن که خدا را بخواند و دعایی کند ، خبر مرگ پدر یا بعضی از فرزندان به او

می رسد و او مشغول به گریه و زاری شده ، از دعا باز می ماند ، سپس کوچ می کند . فرمود : چیزی بر عهده اش نیست ، بد کرده است ، از خداوند آمرزش بخواهد . ولی اگر برای خدا صبر کرده بود ، هنگام کوچ از موقف عرفات ، حسنات همه اهل موقف را هم با خود می برد ، بی آن که از حسنات آنان چیزی کاسته شود .

### پاداش وقوف در عرفات

**160- انس بن مالک:** پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفات وقوف کرد. نزدیک بود که خورشید غروب کند. فرمود: ای بلال! مردم را خاموش کن تا به سخنم گوش دهند. بلال برخاست و گفت: به سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گوش فرا دهید. حضرت فرمود: ای مردم! جبرئیل هم اینک نزد من آمد و از پروردگام به من سلام رساند و گفت: خدای متعال اهل عرفات و اهل مشعر را آمرزید و بدهکاری های آنان را تضمین نمود [۱۷]. عمر برخاسته گفت: ای رسول خدا! آیا این ویژه ماست؟ فرمود: این برای شما و همه کسانی است که پس از شما تا قیامت می آیند.

**161- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هیچ مسلمانی نیست که غروب عرفه در موقف عرفات رو به قبله وقوف کند و صد بار بگوید: معبودی جز خدا نیست، یکتا و بی شریک است، فرمانروایی و ستایش از آن اوست و او بر هر چیز تواناست ، سپس صدبار قل هو الله احد را بخواند، سپس صد بار بگوید: خدایا آنگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، بر محمد صلوات فرست، همانا ستوده و شکوهمندی و بر ما نیز همراه آنان درود فرست . مگر آن که خدای متعال فرماید: فرشتگانم! پاداش این بنده من چیست؟ مرا تسبیح گفت و تهلیل کرد، تکبیر گفت و بزرگ داشت، مرا شناخت و مرا ستود و بر پیامبر درود فرستاد. ای فرشتگان من! گواه باشید که من او را بخشودم و شفاعت او را درباره خودش پذیرفتم و اگر این بنده ام از من بخواهد، شفاعت او را درباره همه اهل عرفات خواهم پذیرفت.

**162- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** برخی از گناهان، جز در عرفات، بخشوده نمی شود.

**163- امام علی علیه السلام :** از رسول خدا پرسیده شد چه کسی از اهل عرفات ، جرمش بزرگ تر است؟ فرمود : آن که از عرفات بر می گردد و می پندارد که آمرزیده نشده است . امام صادق علیه السلام فرمود : مقصود ایشان، کسی است که از رحمت خداوند مأیوس باشد.

**164- امام صادق علیه السلام :** حج گزار، بار سفرش و ضمانت آن بر خداست. هرگاه وارد مسجد الحرام شود، خداوند دو فرشته بر او می گمارد که طواف و نماز و سعی او را نگهدارند. شامگاه عرفه که شود، بر شانه راست او می زنند و به او می گویند: فلانی! آنچه گذشته است، کفایت شدی، ببین در آینده چگونه خواهی بود!

**165- سعید بن یسار :** امام صادق علیه السلام در یکی از غروبها که در منی بودیم ، در حالی که مرا به حج، تشویق و ترغیب می کرد، فرمود: ای سعید! هر بنده ای که خداوند به او روزی داده باشد و او از آن روزی برداشته و خرج خود و خانواده اش کند، سپس آنان را به حج بیرون آورد و در برابر تابش خورشید قرار دهد ، تا آن که غروب عرفه آنان را به موقف آورد و استراحت کند - آیا ندیده ای شکافهایی را در آن جا که در آن ها کسی نیست؟ گفتیم: چرا دیده ام ، فدایت شوم . - فرمود : خانواده خود را می آورد و با آن ها ، این رخنه ها و شکاف های کوه را پر می کند ، خدای متعال و بی شریک فرماید : به بنده ام از روزی خویش دادم ، آن روزی را برداشته و خرج خود و خانواده اش کرد . آنگاه آنان را بیرون آورد ، آنان را آورد تا با آن ها این جاهای خالی را پر کند ، در پی آمرزش من . گنااهش را می آمرزم و آنچه فکرش را مشغول ساخته ، بر عهده می گیرم و روزیش می دهم . سعید می گوید : چیزهای دیگری هم فرمود ، نزدیک ده چیز.

### ج - وقوف در مشعر الحرام

#### کوچ از عرفات

#### قرآن

اشکالی بر شما نیست که در پی فضل و احسان پروردگارتان باشید . پس چون از عرفات کوچ کردید ، خدا را نزد مشعر الحرام یاد کنید و به یاد او باشید ، آنگونه که شما را هدایت کرد و پیش از آن از گمراهان بودید.

#### حدیث

**166- ابن عباس :** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آرامش ، در حالی که آسامه پشت سرش سوار بود ، از عرفات کوچ کرد و فرمود : ای مردم ! آرامش داشته باشید ! نیکی آن نیست که اسب و شتر تندبرانید .  
[ابن عباس] می گوید : مرکب پیامبر را ندیدم که گامهایش را به تاخت ، بالا آورد و بدود ، تا آن که به جمع [۱۸] رسید .

**167- ابن عباس :** روز عرفه ، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله از عرفات کوچ کردم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از پشت سرش سر و صدای زیادی شنید که برشتران می زدند و سروصدای کردند . باشاکی که درستش بود به آنان اشاره کرد و فرمود : ای مردم ! آرامش داشته باشید ، نیکی ، در تندتاختن نیست .

**168- معاویه بن عمار :** امام صادق علیه السلام فرمود : مشرکان پیش از غروب آفتاب کوچ می کردند ولی پیامبر با آنان مخالفت کرد و پس از غروب کوچ کرد . [ سپس ] امام صادق فرمود : خورشید که غروب کرد ، با آرامش و وقار ، همراه مردم کوچ کن و از خداوند ، آمرزش بخواه ، که خداوند می فرماید : آنگاه از آن جا که مردم کوچ می کنند ، کوچ کنید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا آمرزنده و مهربان است . چون به الکئیب الأحمر [ ۱۹ ] در سمت راست جاده رسیدی ، بگو : خدایا بر موقوف رحمت آور و علمم را افزون کن و دینم را سلامت بدار و عبادتم را بپذیر . و مبادا تند بتازی ، آنگونه که بسیاری از مردم می کنند ! چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : حج ، اسب تاختن و شتر دواندن نیست . از خدا پروا کنید و نیکو سیر کنید ، ضعیف و مسلمانی را زیر پا قرار ندهید و در رفتن ، میانه رو باشید . رسول خدا صلی الله علیه و آله ناقه خویش را متوقف می کرد تا آن جا که سر ناقه به جلوی کجاوه می خورد و می فرمود : ای مردم ! آرامش داشته باشید ، پس سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باید پیروی شود . معاویه بن عمار می گوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود : خدایا ! از آتش نجاتم ده و این را تکرار می کرد ، تا مردم کوچ می کردند . عرض کردم : کوچ نمی کنی ؟ مردم رفتند . فرمود : من از شلوعی بیم دارم . می ترسم که در آزدن مردم شریک شوم .

**169- امام صادق علیه السلام :** هر کس بر مازمین ( دو تنگه سر راه مشعر ) بگذرد و در دلش تکبر نباشد ، خداوند ( با نظر رحمت ) به او می نگرند . پرسیدم : کبر چیست ؟ فرمود : مردم را برنجاند و حق را نپذیرد . و فرمود : دو فرشته گمارده شده در مازمین می گویند : به سلامت ! به سلامت !

#### پاداش و قوف در مزدلفه

**170- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در منی فرمودند :** اگر اهل مشعر بدانند که در آستانه چه کسی فرود آمده و بر چه کسی وارد شده اند ، پس از مغفرت ، یکدیگر را به فضل پروردگارشان مژده می دهند .

**171- بلال بن رباح :** صبحگاه مزدلفه پیامبر به من فرمود : ای بلال ! مردم را ساکت کن ، یا بگو گوش دهند . سپس فرمود : خداوند در این مشعرش بر شما نعمت بخشید و گنهکارتان را به خاطر نیکوکاران بخشود و به نیکوکاران هر چه طلبید ، بخشید . با نام خدا حرکت کنید .

**172- ابو حمزه ثمالی :** مردی به امام سجّاد علیه السلام گفت : جهاد و سختی آن را رها کرده به حج و راحتی آن پرداخته ای . امام که تکیه داده بود ، نشست و فرمود : وای بر تو ! آیا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع به گوشت نرسیده ، که وقتی در عرفات و قوف کرد ، در آستانه غروب آفتاب ، فرمود : ای بلال ! مردم را بگو که گوش فرا دهند . چون بگوش ایستادند ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : امروز خدایتان بر شما نعمت ارزانی داشت و نیکوکار شما را بخشود و شفاعت نیکوکاران را درباره بدکاران پذیرفت ، کوچ کنید که آمرزیده شده اید .

در حدیث غیر ابو حمزه اضافه دارد که پیامبر فرمود : مگر بدهکاران - که خداوند ، عادل است ، حق ضعیف را از قوی می گیرد - و چون شب مشعر شد ، پیوسته با پروردگارش مناجات می کرد و برای بدهکاران مسألت می نمود . چون در مشعر و قوف کرد ، به بلال فرمود : به مردم بگو گوش فرا دهند . چون گوش دادند ، فرمود : پروردگارتان امروز بر شما نعمت داد ، نیکوکاران را بخشود و شفاعت نیکوکاران را درباره بدکاران پذیرفت ، کوچ کنید که آمرزیده اید ، و از پیش خود برای بدهکاران ، رضایت را تضمین کرد .

#### ادب حضور

**173- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** همه جای مزدلفه موقوف است ، از وادی محسّر بالاتر روید .



**174- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هر کس این چهار شب را شب زنده داری کند، بهشت برای او واجب است: شب ترویبه، شب عرفه، شب عید قربان و شب عید فطر.

**175- به امیر المؤمنین علیه السلام گفتند :** چرا مشعر الحرام ، در حرم قرار داده شد ؟ فرمود : چون خداوند به زائران اجازه ورود داده ، آنان را در آستانه در دوم نگهداشته است . و چون ناله و دعایشان طول بکشد ، به آنان اجازه می دهد که قربانی خود را پیش آورند . و چون آلودگی خود را رها کنند و از گناهی که میان خدا و آنان حجاب بود ، پاک شوند ، به آنان اجازه می دهد که با پاکی ، به زیارت آیند .

**176- امام صادق علیه السلام :** نماز مغرب را نخوان ، تا به مشعر برسی و مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه ، آن جا بخوانی . در دل آن وادی ، سمت راست جاده و نزدیک مشعر فرود آیی . مستحب است برای کسی که نخستین حج

اوست ، بر مشعر الحرام بایستد و گام بر آن نهد و شب مزدلفه [۲۰] از برکه ها [۲۱] نگذرد و بگوید :  
خدایا اینجا جمع است . از تو می خواهم که خیرهای کامل را برایم جمع کنی . خدایا! مرا از خیری که خواستم در دلم جمع آوری ، مأیوسم مکن . از تو می خواهم آنچه را در این منزلگاه ، به اولیائت آموختی ، به من بشناسانی و از همه بدیها نگاهم داری .

و اگر بتوانی آن شب را بیدار بمانی ، چنین کن ، همانا به ما رسیده است که در های آسمان ، آن شب به روی صداهای مؤمنان بسته نمی شود ، برایشان همه ای است ، همچون همه زنبوران عسل . خدای متعال می فرماید ، من پروردگار شما و شما بندگان منید . حق مرا ادا کردید و بر من حق است که دعایتان را مستجاب کنم . و آن شب خداوند ، گناهان هر که را بخواد می آمرزد و هر که را بخواد می بخشاید .

**177- امام صادق علیه السلام :** پس از نماز صبح ، روز را با وضو آغاز کن ، اگر خواستی نزدیک کوه بایست و اگر خواستی ، در محل بیتوته ات . چون ایستادی خداوند را حمد و ثنا بگو و نعمتها و آزمایش های او را به قدر توان یاد کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرست و از دعاهایت این باشد :  
خدایا ! ای پروردگار مشعر الحرام ، از آتش دوزخ ، رهایی ام ده و روزی حلال مرا وسعت بخش و شرّ فاسقان جنّ و انس را از من دور کن . خدایا ! تو برترین کسی هستی که از تو می طلبند و می خواهند . برای هر مهمانی تحفه ای است . تحفه مرا در این جایگاه ، این قرار بده که از خطایم درگذری و پوزشم را بپذیری و حذر از دنیا را توشه ام قرار ده .  
سپس کوچ کن ، وقتی که کوه ثبیر بر تو نمایان شود و شتر ، جای پای خود را ببیند (یعنی هوا روشن شده باشد) .

**178- امام صادق علیه السلام :** سنگ های جمرات را از مشعر بردار ، اگر از محلّ وسایلت در منی هم برداری ، تو را کفایت می کند .

**د - فرود آمدن در منی**

**کوچ از مشعر الحرام**

**179- امام صادق علیه السلام :** رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از مزدلفه کوچ کرد ، آرام می رفت و می فرمود: ای مردم! آرام ، آرام . تا آن که بر وادی محسّر ایستاد .

**180- فضل بن عباس :** دوبار ، شاهد کوچ همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودم . او کوچ کرد ، در حالت وقار و آرامش که زمام شتر خود را گرفته بود (و مهار می کرد که تند نرود) .

**181- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود :** چون کوه ثبیر برای تو آشکار شود و شتر ، جای گام خود را ببیند ، کوچ کن . امام صادق علیه السلام فرمود : مردم در جاهلیت می گفتند : ثبیر بتاب ، تا غارت کنیم ، منظورشان روشنی آفتاب بود . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر خلاف عادت اهل جاهلیت کوچ می کرد . آنان با اسب تاختن و شتر دواندن کوچ می کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خلاف آنان با آرامش و وقار کوچ می کرد . پس با یاد خدا و استغفار کوچ کن ، ذکر خدا را بر زبان جاری ساز و چون به وادی محسّر رسیدی - که وادی بزرگی بین مشعر و مناست و به منی نزدیکتر است - پس شتابان از آن بگذر ؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله شتر خود را در آن جا شتاباند ، در حالی که می فرمود : خدایا ! پیمانم را سلامت بدار ، توبه ام را بپذیر ، دعایم را مستجاب کن و بین آنان که پشت سر نهاده و آمده ام ، جانشین من باش .



**182- صفيّه دختر شيبه از زني نقل مي کند :** رسول خدا صلي الله عليه و آله را ديدم که از وسط مسيل شتابان مي گذشت و مي فرمود : اين وادي را ، جز بسرعت نبايد پيمود.

#### نامگذاري به مني

**183- امام رضا عليه السلام :** علت آن که به مني، مني گفته شده، اين است که جبرئيل، در آن جا به ابراهيم عليه السلام گفت : هر چه مي خواهی از خداوند تمنا کن . حضرت ابراهيم عليه السلام هم در دل خود از خدا خواست که به جاي فرزندش اسماعيل عليه السلام ، قوچي به عنوان فديه قرار داده شود و خداوند متعال دستور دهد که آن را سر ببرد . خداوند هم خواسته او را داد.

#### آداب فرود آمدن در مني

##### قرآن:

و چون آداب ویژه حجّ خود را به جاي آوردید، همان گونه که پدران خود را به ياد مي آورید، يا با ياد کردني بيشتر، خدا را به ياد آورید. و از مردم کسي است که مي گوید: پروردگارا، به ما، در همين دنيا عطاکن و حال آن که براي او در آخرت نصيبي نيست.

##### حديث:

**184- حلي:** از ايشان (امام صادق عليه السلام ) درباره فرموده خداوند (خدا را ياد کنيد ، چگونه که پدرانتان را ياد مي کنيد ، يا بيشتر (پرسيدم . فرمود : مشرکان در روزهاي تشريق ، در مني به نيکان خود افتخار مي کردند و مي گفتند : پدر ما چنين و چنان بود و فضاييل آن ها را ياد مي کردند . خداوند فرمود : خدا را ياد کنيد همانگونه که پدرانتان را ياد مي کنيد يا بيشتر.

**185- امام صادق عليه السلام -** در شرح آيه و خدا را در روزهاي معيّن ياد کنيد - : آن ها، روزهاي تشريق [۲۲] است. مردم بيشتر در مني پس از قرباني به تفاخر مي پرداختند. يکي مي گفت: پدرم چنين و چنان مي کرد. خدای متعال فرمود: چون از عرفات کوچ کردید، خدا را ياد کنيد، همچون ياد کردن پدرانتان، يا بيشتر و تکبير آن است که بگويي: خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودي جز خدا نيست و خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است و حمد از آن اوست، خدا بزرگتر است، بر اينکه ما را هدايت کرد، خدا بزرگتر است، بر اين که از چهارپايان به ما روزي داد.

**186- محمد بن مسلم :** از امام صادق عليه السلام درباره آيه و خدا را در روزهاي معيّن ياد کنيد پرسيدم فرمود : مقصود ، تکبير در روزهاي تشريق ، از نماز ظهر روز قربان تا نماز صبح روز سوم است و در شهرها تکبير پس از ده نماز است . اگر پس از نماز اول ، کوچ کرد ، اهل شهرها از تکبير گفتن دست بردارند و هرکس در مني ماند و نماز ظهر و عصر را آن جا خواند ، پس تکبير بگويد.

**187- زراره :** به امام باقر عليه السلام عرض کردم : تکبير در ايام تشريق ، پس از نمازهاست؟ فرمود: تکبير در مني، بعد از پانزده نماز است و در شهرهاي ديگر ، بعد از ده نماز . اولين تکبير ، پس از نماز ظهر روز عيد قربان است ، که مي گوید : الله اکبر ، الله اکبر ، لا اله الا الله و الله اکبر ، و الله الحمد ، الله اکبر علي ما هدانا ، الله اکبر علي ما رزقنا من بهيمة الأنعام . و براي اين جهت در شهرهاي ديگر ، پس از ده نماز قرار داده شده که مردم چون در کوچ اول حرکت کنند ، مردم شهرها از تکبير دست بدارند و اهل مني تا وقتي در مني هستند ، تا کوچ آخرين گروه ، تکبير بگويند.

**188- امام صادق عليه السلام :** در مسجد خيف که مسجد مناست نماز بخوان . محل نماز پيامبر در دوران او ، نزد مناره اي بود که وسط مسجد است و بالاي آن به فاصله سي ذراع به سمت قبله و به همين مقدار از سمت راست و چپ و پشت آن . فرمود : آن را بجوي، اگر توانستي که محلّ نماز آن جا باشد، چنان کن . چرا که در آن مکان هزار پيامبر نماز خوانده اند. از اين جهت به آن خيف گويند که از وادي مني بلندتر است و هر چه بلندتر باشد خيف ناميده مي شود.

#### پاداش وقوف در مني

**189- امام صادق عليه السلام :** هرگاه مردم ، در جايگاه خود در مني استقرار يافتند ، منادي ندا مي دهد : اگر مي دانستيد در آستان چه کسي فرود آمده ايد ، پس از آمرزش الهي به جايگزيني (مخارجي که کرده ايد (يقين

پیدا می کردید.

190- امام صادق علیه السلام: چون مردم در منی، در جای خود قرار گرفتند، از سوی خداوند، منادی ندا می دهد: اگر می خواستید من راضی شوم، راضی شدم.

191- امام صادق علیه السلام: وقتی کسی از منی کوچ کرد، فرشته ای دست خود را بر شانه های او می گذارد و می گوید: عمل، از سر گیر!

192- شیخ صدوق: درباره کسی که از منا به مکه کوچ می کند، روایت شده است که از گناهانش پاک می شود، همچون روزی که مادر او را زاده است.

هـ - سنگ زدن به جمره

حکمت سنگ زدن

193- امام علی علیه السلام: جمره ها بدین سبب با سنگ زده می شود که چون جبرئیل، محل های عبادت را به حضرت ابراهیم علیه السلام نشان داد، ابلیس بر او نمایان شد. جبرئیل آن حضرت را فرمان داد که او را براند. او هم شیطان را با هفت سنگ، راند. کنار جمره اول، زیر زمین پنهان شد و کنار جمره دوم سر بر آورد. با هفت سنگ دیگر او را راند، در جای دوم به زیر زمین رفت و از محل جمره سوم آشکار شد. با هفت سنگ او را زد، او در همانجا به زیر زمین رفت.

194- امام صادق علیه السلام: علت رمی جمره ها آن است که نزدیک آن محل، شیطان بر حضرت ابراهیم علیه السلام نمایان شد، جبرئیل به آن حضرت دستور داد که با هفت سنگریزه، شیطان را بزند و با هر سنگ، تکبیر بگوید. او هم چنان کرد و سنت بر این جاری شد.

195- ابن عباس: جبرئیل علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و او را برد تا عبادتگاهها را نشان دهد. کوه ثبیر شکافته شد و وارد منی گشت و جمره ها را نشان داد، سپس مشعر و آنگاه عرفات را. شیطان کنار جمره بر پیامبر نمایان شد. حضرت با هفت سنگ او را راند، تا اینکه پنهان شد و از کنار جمره دوم سر بر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله با هفت سنگ او را زد، تا اینکه ناپدید شد، سپس در آخرین جمره آشکار شد. هفت سنگ بر او زد، تا اینکه پنهان گشت.

چگونگی سنگ زدن

196- امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از مزدلفه آمد، روز عید قربان بر جمره عقبه گذشت و هفت سنگ بر آن زد، سپس به منی آمد و این از سنت است.

197- زهري: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه جمره ای را که نزدیک مسجد مناست، سنگ می زد، با هفت سنگ می زد و با هر سنگی تکبیر می گفت. سپس جلو می رفت و در مقابل آن رو به قبله می ایستاد و دستانش را بلند می کرد و ایستادن را طول می داد. سپس نزد جمره دوم می آمد و هفت سنگ می زد و با هر سنگی که می زد تکبیر می گفت. سپس بر می گشت و از سمت چپ به طرف وادی سرازیر می شد، در حالی که دستانش را به دعا بلند می کرد. سپس نزد جمره ای که نزدیک عقبه است می آمد، آن را هم هفت سنگ می زد و با هر سنگی تکبیر می گفت: آنگاه بر می گشت و نزد آن نمی ماند.

198- امام باقر علیه السلام: نزد جابر بن عبدالله رفتیم. از او خواستیم تا از حج پیامبر صلی الله علیه و آله ما را خبر دهد. گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله جمره ای را که نزدیک درخت است، هفت سنگ می زد، با هر سنگی تکبیر می گفت و سنگها را با انگشت، پرتاب می کرد، سنگ را از دل آن وادی می زد، آنگاه به قربانگاه بر می گشت و قربانی می کرد.

199- سلیمان بن عمرو بن احوص از مادرش روایت می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که سواره، از دل وادی بر جمرات سنگ می زد و با هر سنگی تکبیر می گفت و مردی از پشت سرش، او را نگهبانی می کرد. پرسیدم: آن مرد کیست؟ گفتند: فضل بن عباس است. مردم ازدحام کردند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هم دیگر را به کشتن ندهید، چون سنگ می زنید، با نوک انگشتان پرتاب کنید.

**200- ابن عباس :** رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود : صبح روز (رمی جمره) عقبه ، بیا سنگریزه های رمی را برایم جمع کن . پس چون سنگها در دستش قرار داده شد ، فرمود : با مثل اینها ، با مثل اینها! از زیاده روی در دین بپرهیزید . همانا پیشینیان شما به خاطر غلو و زیاده روی در دین ، هلاک شدند.

**201- یعقوب بن شعیب :** از امام صادق علیه السلام درباره جمره ها پرسیدم . فرمود : کنار دو جمره بایست ، ولی کنار جمره عقبه نایست . پرسیدم : این از سنت است؟ فرمود : آری . گفتم : هنگام پرتاب سنگ ، فرمودی چه بگویم؟  
فرمود : با هر سنگ ، تکبیر بگو.

**202- امام صادق علیه السلام :** هر روز ، هنگام ظهر جمرات را سنگ بزن و آنچه را هنگام رمی جمره عقبه گفتی بگو . پس ، از جمره اول آغاز کن و آن را از طرف چپ ، در دل وادی سنگ بزن و آنچه را روز قربانی گفتی بگو ، سمت چپ جاده، رو به قبله بایست ، و خدا را حمد و ثنا بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست . سپس کمی جلو برو ، دعا کن و از خدا بخواه که از تو قبول کند ، باز هم جلوتر برو ، نزد جمره دوم نیز چنین کن ، آنگونه که با جمره اولی کردی . می ایستی و خدا را آنگونه که پیشتر خواندی ، می خوانی ، سپس به سوی جمره سوم رفته ، با آرامش و وقار ، سنگ می زنی ، ولی کنار آن نمان.

**203- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام** چنین روایت کرده است : سنگریزه های جمره را برگیر ، نزد آخرین جمره که کنار عقبه است برو و از روبرو سنگ بر آن بزن و از بالایش مزن. در حالی که سنگها در دست توست، می گویی:

خدایا! اینها سنگریزه های من است ، آن ها را برای من به شمار آور و همراه عملم به سوی خود بالا ببر .  
سپس سنگها را زده و با هر سنگ می گویی:

الله اکبر . خدایا شیطان را از من دور گردان . خدایا کتاب تو و سنت و سیره پیامبرت را باور دارم . خدایا! این را حجی پاداش یافته و عملی پذیرفته و تلاشی سپاس یافته و گناهی بخشوده قرار بده .  
فاصله میان تو و جمره ، ده یا پانزده ذراع باشد . وقتی پیش وسایل خود برگشتی و از سنگ زدن باز آمدی ، بگو:

خدایا! به تو اطمینان کردم و بر تو توکل نمودم ، که خوب پروردگار و مولا و یاور هستی.  
فرمود : مستحب است سنگها را در حالت طهارت بزنند.

**204- امام رضا علیه السلام :** سنگریزه ها به اندازه بند انگشت باشد و از سنگ های سیاه ، سفید و سرخ بردار ، سنگ های خال خال بردار و با نوک انگشتان بزن ، سنگ را بر انگشت شست می گذاری و با پشت انگشت اشاره آن را می اندازی ، جمره ها را از وسط وادی سنگ بزن و همه آن ها را طرف راست خود قرار ده . بالای جمره را سنگ مزن . کنار جمره اول و دوم بایست ولی کنار جمره عقبه نه .

**پاداش سنگ زدن**

**205- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** سنگ زدن به جمره ها ، ذخیره روز قیامت است.

**206- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرگاه رمی جمرات کردی، برای تو نوری در قیامت خواهد بود.

**207- ابن عمر :** مردی درباره رمی جمرات از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید که چه پاداشی دارد؟ شنیدم که آن حضرت می فرمود : آن را نزد پروردگارت ، در روزی که بیشترین نیاز را به آن داری ، می یابی.

**208- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** چون روز عرفه شود ، خداوند ، حاجیان خالص را می بخشاید و چون شام مزدلفه فرا رسد ، خداوند متعال ، بازرگانان را می آمرزد و روز منی، خداوند شترداران (وکرایه چیان) را می آمرزد چون زمان حضور در جمره عقبه فرارسد، خداوند درخواست کنندگان رامی بخشاید. از آن انبوه مردم لاله الا الله گوی، کسی نمی ماند مگر آن که خداوند او را می آمرزد.

**209- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** حج گزار ، وقتی بر جمره ها سنگ بزند ، از گناهانش بیرون می آید.

**210- امام صادق علیه السلام** - درباره رمی جمره ها - : از (حج گزار) در مقابل هر سنگی که می زند ، گناه کبیره هلاکت باری ، محو می شود.

### و - قربانی قرآن

این (مناسک حج) است . و هرکس شعائر الهی را بزرگ بدارد ، همانا از تقوای دلهاست .  
و شترها را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم . در آن ها برای شما خیر و برکت است . پس نام خدا را (هنگام قربانی کردن) بر آن ها بپسندید ، در حالی که به صف ایستاده اند ، و چون پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آن ها بخورید و به (مستمندان) قانع و فقیران بخورانید . اینگونه آن ها را مسخر شما ساختیم ، باشد که شکرگزار شویند گوشتها و نه خون های آن ها، هرگز به خدا نمی رسد، آن چه به او می رسد تقوای شماست . این گونه خداوند آن ها را مسخر شما ساخته تا او را به خاطر آن که شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید و نیکوکاران را نوید ده.

### حدیث

**211- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : قربانی برای آن واجب شده است که بینوایان ، از گوشت به وسعت و نوا برسند (از گوشت سیر شوند) ، پس به آنان بخورانید.

**212- ابوبکر** : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: نیکی حج چیست؟ فرمود: لبیک گفتن و خون قربانی ریختن.

**213- امام علی علیه السلام** : شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید قربان ، خطبه می خواند و می فرمود : امروز ، روز حج و عجاج است . حج ، خون قربانی هاست که می ریزید . پس نیت هرکس صادق باشد ، اولین قطره خون قربانی او کفاره همه گناهان اوست ، و عجاج ، دعاست . پس به درگاه خداوند دعا کنید ، قسم به آن که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست ، از اینجا هیچ کس بر نمی گردد ، مگر آمرزیده شود ، جز کسی که گناه کبیره انجام داده و بر آن اصرار ورزد و در دل خود ، تصمیم بر ترک آن ندارد.

**214- بشیر بن زید** : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود : در صحنه ذبح قربانی ات حاضر باش . همانا با اولین قطره خون آن ، خداوند همه گناهان تو را می آمرزد و از خطاهایت درمی گذرد . بعضی از مسلمانان پرسیدند : یا رسول الله! آیا این ، مخصوص خاندان توست ، یا برای همه مسلمانان است؟ فرمود : خداوند مرا وعده داده که هیچ یک از عترت و خاندان مرا آتش نچشاند . این ، برای همه است.

**215- امام صادق علیه السلام** : وقتی قربانی خود را خریدی ، آن را رو به قبله کرده قربانی کن و بگو: رویم را به سوی آفریدگار آسمانها و زمین نموده ام ، پیرو آیین حنیفم و از مشرکان نیستم . نماز و عبادتم و زندگی و مرگم برای پروردگار جهانیان است ، شریکی ندارد . به این فرمان یافته ام و از مسلمانانم . خدایا! از تو و برای تو . به نام خدا ، الله اکبر . خدایا از من قبول کن .  
آنگاه کارد بر گلویش بکش و تا جان نداده سر را از بدن جدا مکن.

**216- ابو خدیجه** : امام صادق علیه السلام را در حالی دیدم که دست چپ شتر قربانی خود را ، برای نحر کردن ، بسته و خود ، سمت راست آن ایستاده بود و می گفت:  
بسم الله و الله اکبر . خدایا این (قربانی) از تو و برای توست ، خدایا از من قبول کن . آنگاه کارد را زیر گلویش شتر فرو برد، سپس آن را با دست خود بیرون آورده، چون شتر بر زمین افتاد ، به دست خویش ، از محل ذبح سر را قطع کرد.

**217- امام سجّاد علیه السلام** : حق قربانی آن است که نیت آن را خالص برای خدا سازی و خود را در معرض رحمت و قبول الهی قرار دهی و در پی نگاه بینندگان نباشی . اگر چنین بودی ، خود را بیهوده به رنج نیفکنده ای و ظاهر سازی نکرده ای و مقصودت خدا بوده است.

**218- امام صادق علیه السلام** : سزاوار است کسی که قربانی مستحب می کند ، یا حج گزاری که قربانی اش را ذبح می کند ، از آن بخورد و صدقه دهد و این ، اندازه خاصی ندارد . هر مقدار که بخواهد ، می خورد و

اطعام می دهد و هدیه و صدقه می دهد . خدای متعال فرموده است : از آن بخورید و به گرفتار فقیر ، بخورانید . و فرموده است : از آن بخورید و به محرومان قانع و نیازمندان بخورانید .

### ز - تراشیدن سر

#### قرآن

خداوند ، در عالم خواب ، به پیامبرش جز حق و راستی نشان نداد حتماً ، همه شما به خواست خدا وارد مسجدالحرام می شوید ، در نهایت امنیت ، در حالی که سرهایتان را تراشیده ، یا کوتاه کرده اید و ترسی ندارید . خداوند چیزهایی می دانست که شما نمی دانستید و پیش از آن ، فتح نزدیکی قرار داده بود .

#### حدیث

219- ابن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : خدایا! بر سر تراشیدگان ترحم کن! گفتند : یا رسول الله! کوتاه کنندگان موی سر ، چه؟ فرمود : خدایا! بر سر تراشیدگان ترحم کن! گفتند : یا رسول الله! کوتاه کنندگان موی سر ، چه؟ فرمود : و (رحمت خدا) بر کوتاه کنندگان موی سر .

220- امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله برای سر تراشیدگان ، سه بار از خداوند ، مغفرت طلبید .

221- معاویه بن عمّار روایت می کند : امام باقر علیه السلام به سلمانی دستور داد ، تیغ را بر سمت راست سر بدهد ، سپس فرمان داد که بتراشد . و خود ، بسم الله گفت و دعا کرد : خدایا! در عوض هر تارمو ، در روز قیامت نوری به من عطا کن .

222- امام صادق علیه السلام : همانا بنده مؤمن ... چون سر بتراشد ، موی او نمی ریزد مگر آن که خداوند ، در عوض آن نوری در قیامت برای او قرار می دهد .

223- سلیمان بن مهران : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : چگونه شد که سر تراشیدن بر آن که حجّ اوّل اوست ، واجب گشت ، ولی برای آن که قبلاً حج کرده است ، نه؟ فرمود : تا بدین وسیله ، به نشان ایمنان ، نشاندار گردد . آیا سخن خداوند را نشنیده ای که می فرماید : اگر خدا بخواهد ، ایمن وارد مسجدالحرام می شوید ، سر تراشیده و موی کوتاه کرده ، و بیمی ندارید ؟

224- امام صادق علیه السلام : وقتی مؤمن ، در منی سر خود را بتراشد و موی آن را دفن کند ، روز قیامت به محشر می آید ، در حالی که هر تار مو ، زبانی گویا دارد که به نام صاحبش لَبَّیک می گوید .

225- امام صادق علیه السلام : درباره آیه تَمَّ لَیْقِضُوا نَفْتَهُم فرمود : نَفَتْ ، سر تراشیدن و زدودن چیزی است که بر پوست انسان است .

### ح - طواف زیارت

226- امام صادق علیه السلام : سپس سرت را بتراش و غسل کن و ناخنهایت را بگیر و از شارب خود بچین و کعبه را زیارت کن و هفت بار طواف کن ، چنان انجام می دهی که در روز ورود به مکه انجام دادی .

227- حسین بن ابی العلاء : از امام صادق علیه السلام درباره غسل ، آنگاه که (حج گزار) از منی آمده کعبه را زیارت کند ، پرسیدم . فرمود : من برای بازگشت از منی غسل می کنم ، سپس به زیارت کعبه می روم .

228- امام صادق علیه السلام : سزاوار است کسی که حج تمتع به جا می آورد ، روز عید قربان ، یا شام آن روز ، خانه خدا را زیارت کند و آن را به تأخیر نیندازد .

229- امام صادق علیه السلام : اشکالی ندارد که زیارت کعبه تا روز حرکت به تأخیر افتد . تنها از بیم پیشامدها و حوادث ، مستحب است که آن را زود انجام دهند .

230- امام صادق علیه السلام : هنگام زیارت کعبه در روز عید قربان - : آن را زیارت کن و اگر ازدحام بود ، اشکالی ندارد که فردا به زیارت کعبه بیایی ولی از امروز آن را به تأخیر مینداز که برای آن که حج تمتع می

گزارد مکروه است گرچه برای آن که حجّ افراد می گزارد، وقتش موسّع است، پس چون روز عید قربان، به مسجدالحرام آمدی و بر در مسجد ایستادی، می گویی:

خدایا بر انجام عبادتهایت یاریم ده، مرا برای آن و آن را برای من سالم بدار. از تو خواستارم، همچون ناتوان خوار معترف به گناه، که گناهانم را بیامرز و حاجتم را برآوری. خدایا! من بنده توام، شهر، شهر، توست و خانه، خانه تو. آمده ام، رحمتت را می طلبم و در پی فرمانبرداری توام، پیرو فرمانت و راضی به تقدیرت. از تو همچون خواستن پریشان و فرمانبر و بیمناک از عذاب و کیفرت، می خواهم که مرا به عفو خویش برسانی و با رحمت خود از دوزخ پناهم دهی.

سپس نزد حجر الأسود رفته، آن را لمس کرده، می بوسی. اگر نتوانستی، دست بر آن بکش و دستت را ببوس. اگر نتوانستی، رو به آن بایست و تکبیر بگو و مثل آن هنگام که روز ورود به مکه در طواف گفتی بگو، سپس هفت بار دور کعبه طواف کن، مثل آنچه روز آمدن به مکه برایت وصف کردم. آنگاه دو رکعت نماز کنار مقام ابراهیم علیه السلام بگزار، با قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون. سپس برگرد و حجر الأسود را ببوس اگر بتوانی، و رو به آن بایست و تکبیر بگو. سپس به طرف صفا رفته، بالای آن برو، مثل روز ورودت به مکه، آنگاه بر فراز مروه برو. و هفت بار بین صفا و مروه طواف کن، شروع از صفا و ختم به مروه.

### ط - سعی

**231- امام صادق علیه السلام:** بر آن که عمره حجّ تمتّع انجام می دهد، سه طواف برگرد کعبه و دو سعی میان صفا و مروه واجب است. و بر اوست که چون وارد مکه شد، کعبه را طواف کند و دو رکعت نزد مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و بین صفا و مروه سعی کند و تقصیر نماید، در این صورت از احرام درآمده است. این برای عمره. اما برای حج، بر عهده او دو طواف است و یک سعی میان صفا و مروه و با هر طوافی بر گرد کعبه دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام می خواند.

### ی - طواف نساء

#### قرآن

سپس آلودگیهایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه آزاد، طواف کنند.

#### حدیث

**232- امام رضا علیه السلام** درباره آیه ولیطوّفوا بالبیّت العتیق فرمود: مقصود از طواف واجب، طواف نساء است.

**233- امام صادق علیه السلام** - در ذکر واجبات حج - : طواف نساء، واجب است.

**234- امام صادق علیه السلام** چون چنین کردی - طواف زیارت - از هر چیزی که بر تو حرام بود بیرون آمدی، مگر زنان. سپس به کعبه برگرد و هفت دور دیگر آن را طواف کن، سپس دو رکعت نماز کنار مقام ابراهیم علیه السلام بخوان، آنگاه از هر چیز (حرام) بیرون آمده ای و از همه حجّ خود و هر چه که بر تو حرام شده بود، فارغ شده ای.

- (1) نام سرزمینی با خاک نرم، میان مکه و مدینه که به مکه نزدیکتر است.
- (2) گیاهی که از برگ های آن در رنگامیزی و تهیه رنگ های آرایشی استفاده می شود.
- (3) نوعی نشستن که دو ساق را به وسیله جامه یا دستها به شکم بچسبانند، چمباتمه.
- (4) اشاره به آیه قرآن: وائخذوا من مقام ابراهیم مصلی.
- (5) جبت، هر معبود جز خدا است. لات و عزّی نام بت های مشرکان است.
- (6) مقصود، مردی است که در سوره یس از او یاد شده است و مؤمنی در میان کفار بود و آنان را دعوت به تبعیت از پیامبران می کرد. در کتب حدیث و تفسیر از او با نام حبیب نجار، یاد شده است. ذکرش در آیه بیستم سوره مبارکه یس چنین آمده است **وجاء من اقصى المدینه رجل یسعی \* قال یا قوم اتبعوا المرسلین.**
- (7) متعوذ یعنی مکان پناه بردن.
- (8) در نقل دیگر اضافه دارد: به خاطر انبوهی جمعیت.
- (9) روز هشتم ذی حجه. به معنای سیراب شدن، آب برداشتن.
- (10) محلّ نزدیک شدن.
- (11) مانع و سدّی که برای جلوگیری از ورود سیل به مسجدالحرام ایجاد کرده بودند.

- (12) در نقل دیگر است : اعتراف کن و بشناس.
- (13) در نقل دیگری اضافه دارد : غبار آلود ، از هر راه دور . شما را گواه می گیرم که آنان را آمرزیدم.
- (14) نام محلی در عرفات است (مجمع البحرین . )
- (15) وادی اراک نزدیک مکه در مرز عرفات است.
- (16) گویا برای شمارش نمازها ، آورده باشند.
- (17) در متن حدیث تبعات آمده است. تبعات، کلاً حقوق مردم است، چه مالی چه غیر آن.
- (18) امام صادق علیه السلام فرمود: به مشعر، جمع گفته می شود ، چون حضرت آدم علیه السلام بین نماز مغرب و عشاء جمع کرد. و ابطح گفته می شود، چون آدم علیه السلام مأمور شد در مسیل مشعر، تا طلوع صبح بماند. سپس مأمور شد که از کوه مشعر بالا رود و چون خورشید بر او تابید ، به گنااهش اعتراف کند و آدم علیه السلام چنان کرد و این اعتراف سنتی در میان فرزندانش قرار داده شد. سپس آدم علیه السلام قربانی کرد ، خداوند آتشی از آسمان فرستاد و قربانی آدم علیه السلام را گرفت.
- (19) نام کوهی است که مشرکان برای تماشای لشکر پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه ، بالای آن رفته بودند.
- (20) زراره از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت از حکم بن عتیبه پرسید : محدوده مزدلفه کجاست؟ او ساکت ماند . حضرت فرمود : حدّ مزدلفه ، از بین مازمین (دو تنگه) تا کوه ، تا برکه های محسّر است.
- (21) برکه های آب که در منطقه مشعر وجود دارد.
- (22) روزهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ماه ذی حجه .

## پانویس ها

4 / 1

آنچه پیش از فرارسیدن حجّ شایسته است

الف - آمادگی

قرآن

حجّ در ماه های معینی است. پس هر کس در این [ ماه ]ها، حجّ را [ بر خود واجب گرداند، ] بداند که [ در اثنای حجّ، همبستری و گناه و جدال ] روا [ نیست، و هرکار نیکی انجام می دهید، خدا آن را می داند، و برای خود توشه برگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است، و ای خردمندان! از من پروا کنید.

حدیث

1- امام علی علیه السلام : هرگاه خواستید حج بروید ، ابتدا برخی از آنچه که شما را در سفر، تقویت می کند خریداری کنید ، چرا که خداوند می فرماید : اگر تصمیم بیرون رفتن داشتند ، برای آن ، امکانات فراهم می کردند.

2- امام صادق علیه السلام به عیسی بن منصور فرمود : ای عیسی! دوست دارم که خداوند، تو را در فاصله بین دو حج، در حال آماده شدن برای حج ببیند.

3- امام صادق علیه السلام : هرگاه یکی از شما از سودی که می برد ، چیزی برداشته و کنار بگذارد و بگوید : این برای حج ، باز اگر سودی ببرد ، مقداری کنار گذاشته و بگوید : این برای حج ، موسم حج که فرا رسد ، نزد او خرجی سفر فراهم باشد، خدا هم برای او حج را مقدر می کند و او به حج می رود . ولی برخی از شما سودی که به دست آورده، خرج می کند ، هنگام حج که می رسد، می خواهد هزینه سفر را از سرمایه بردارد، در نتیجه برایش دشوار می آید.

4- امام صادق علیه السلام : کسی که تصمیم به رفتن حج دارد و برای آن آماده شده ، ولی محروم می شود ، به خاطر گناهی از حج محروم شده است.

ب - اخلاص

5- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی بر مردم خواهد آمد که حج زمامداران ، تفریح ، حج ثروتمندان ،

تجارت و حج فقیران ، در خواست است.

6- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی بر مردم خواهد آمد که ثروتمندان امت من برای تفریح ؛ میانه ها برای داد و ستد ، فقیران برای در خواست و قاریانشان برای ریا و خود نمایی ، به حج می روند.

7- انس بن مالک : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با وسایلی کهنه و قطیفه ای که به چهار درهم می آرزید، یا به آن هم نمی آرزید حج انجام داد، سپس فرمود: خدایا حجی است که در آن ریا و سُمعه نیست.

8- امام باقر علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله بار و وسایل خود را بر روی مرکب نهاد و فرمود : این حجی است که در آن ریا و شهرت طلبی نیست.

9- امام صادق علیه السلام : دو گونه حج است : حجی برای خدا و حجی برای مردم . پس کسی که برای خدا حج گزارد ، خداوند پاداش او را بهشت قرار می دهد و کسی که برای مردم حج کند ، در قیامت پاداش او بر عهده مردم است.

ج - شتاب

10- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس می خواهد حج برود ، پس بشتابد ، چون شاید بیمار شود ، راه را گم کند و یا کاری پیش آید.

11- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برای مگه رفتن، شتاب کنید ؛ زیرا کسی نمی داند چه برایش پیش می آید ، بیماری و یا کاری.

د - یادگرفتن مناسک حجّ

قرآن

پروردگارا، ما را تسلیم [ فرمان ] خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [ پدیدار ] ؛ و آداب دینی ما را به ما نشان ده؛ و بر ما ببخشای، که تویی توبه پذیر مهربان.

حدیث

12- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مناسک خود را بیاموزید، که جزو دین شماست.

13- زراره : به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! چهل سال است که درباره حج از تو می پرسم و به من فتوا می دهی! فرمود: ای زراره! خانه ای که از دو هزار سال پیش از آدم علیه السلام ، حج و زیارت می شد، می خواهی مسائل آن در چهل سال تمام شود؟

14- ابن عمر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یک روز قبل از ترویج برای مردم خطبه می خواند و آنان را از مناسکشان خبر می داد.

15- محمد بن ابراهیم تیمی از مردی از قبیله خود به نام معاذ بن عثمان یا عثمان بن معاذ از اصحاب پیامبر نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در منی مناسک مردم را به آنان می آموخت. گفت: خداوند متعال، گوش های ما را گشود و شنوا کرد، تا آن جا که کنار وسایل خودمان بودیم و سخن او را می شنیدیم.

گفت: مهاجران در دره مهاجران فرود آمدند و انصار در دره انصار و مردم در جاهای خودشان و به مردم مناسکشان را آموخت و فرمود: رمی جمره کنید، مثل ریگ انداختن با انگشت.

16- حذیفه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مؤذنان دستور داد که در میان مردم منطقه پایین و بالا اعلام کردند: آگاه باشید، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امسال آهنگ حج دارد، تا به مردم، حج آنان را تفهیم کند و مناسکشان را به آنان بیاموزد، تا برای همیشه برایشان سنت باشد. پس هیچ کس از آنان که مسلمان شده بودند باقی نماند، مگر آن که در سال دهم با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حج گزارد، تا شاهد منافعشان باشند و پیامبر حجتشان را به آنان بیاموزد و مناسکشان را به آنان بشناساند. و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردم را بیرون آورد - همسران خود را نیز با خود آورد - و آن حجة الوداع (واپسین حج) بود. پس چون حجتشان پایان



یافت و مناسک خود را به پایان بردند و مردم همه آنچه را بدان نیازمند بودند شناختند و آن حضرت به آنان اعلام کرد که آیین ابراهیم علیه السلام را برایشان بر پا داشته و همه آنچه را مشرکان پس از او پدید آورده بودند از آنان زوده و حج را به حالت نخستین آن باز گردانده است.

**17- امام صادق علیه السلام :** پیامبر صلی الله علیه و آله از این رو در صحرا (بیداء) [۱] لَبَّیک گفت، چون که مردم لَبَّیک گویی را نمی دانستند، دوست داشت که چگونگی لبیک گویی و احرام را به آنان بیاموزد.

18- شیعه پیش از ابا جعفر (امام باقر) علیه السلام مناسک حج و حلال و حرامشان را نمی دانستند، تا آن که ابا جعفر علیه السلام به وجود آمد و (در علم و دانش را) به رویشان گشود و مناسک حج و حلال و حرامشان را برای آنان بیان کرد.

**19- شیخ صدوق :** از ابو حنیفه، نعمان بن ثابت نقل شده که گفت: اگر جعفر بن محمد نبود، مردم مناسک حج خود را نمی دانستند.

**20- امام صادق علیه السلام :** در عرفات می گویی: خدایا! من بنده و غلام توام، موهای جلو سر (و اختیار) من در دست توست و اجل من وابسته به علم توست. از تو می خواهم مرا به آنچه تو را از من خشنود می سازد، توفیق دهی و مناسک مرا آن چنان که به دوستت، ابراهیم، نشان دادی و محبوبت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن ره نمودی، از من بپذیری.

**21- امام صادق علیه السلام :** چون زمانی رسید که خدا می خواست توبه آدم را بپذیرد، جبرئیل را نزد او فرستاد. جبرئیل گفت: سلام بر تو، ای آدم که بر آزمون و گرفتاری خود صبر کردی و از خطای خود توبه کردی. خداوند مرا به سویی تو فرستاده است، تا اعمال و عباداتی را که خدا می خواهد به سبب آن ها توبه تو را بپذیرد، به تو بیاموزم. پس جبرئیل دست آدم را گرفت و او را به محل کعبه آورد. ابری از آسمان فرود آمد و بر جای کعبه سایه انداخت. جبرئیل گفت: با پایت آنجا را که ابر، سایه افکنده علامت بگذار، که آن قبله تو و آخرین فرد از فرزندان توست. آدم با پای خود آن جا را که ابر سایه افکنده بود، علامت گذاشت. سپس او را به منی برد و مسجد منی را نشان داد، پس با پایش علامت گذاشت و نقشه مسجد الحرام را (کشید و) امتداد داد، پس از آن که جای کعبه را علامت نهاد. سپس او را از منی به عرفات برد و او را بر مکان اعتراف (عرفات)، اقامت داد.

و گفت: چون خورشید غروب کند، هفت بار به گناه خود اقرار کن و هفت بار از خدا بخواه که بیامرزد و توبه بپذیرد. آدم چنان کرد و از این رو آن جا به مُعَرَّف نام نهاده شد، چون آن جا آدم به گناه خود اقرار کرد و برای فرزندان او سنت شد که به گناهانشان اعتراف کنند، آنگونه که آدم اعتراف کرد و توبه بطلبند، آنگونه که آدم طلبید.

سپس جبرئیل به او فرمان داد تا از عرفات کوچ کرد و بر کوه های هفتگانه گذشت، به او دستور داد که نزد هر کوه چهار بار تکبیر بگوید و آدم چنان کرد، تا آن که به مشعر رسید. چون به مشعر رسید، یک سوم شب، گذشته بود. پس نماز مغرب و عشاء را آن شب و در آن جا در یک سوم شب با هم خواند. سپس او را دستور داد تا در وادی مشعر به رو درافتد. او هم به رو افتاد، تا آن که سپیده دمید، به او دستور داد بر کوه، کوه مشعر، بالا رود و دستور داد چون خورشید برآمد، هفت بار به گناهش اعتراف کند و هفت بار از خدا توبه و آمرزش بخواهد. و آدم چنان کرد، همانگونه که جبرئیل او را فرمان داد و آن را دوبار اعتراف قرار داد تا در فرزندان سنت باشد. پس هر که از آنان، عرفات را درک نکرد و مشعر را درک کرد، حج خود را (تا منی) کامل ساخته است. سپس از مشعر به منی کوچ کرد و نیمروز به منی رسید. به او دستور داد در مسجد منی دو رکعت نماز بخواند. سپس دستور داد، برای خدا قربانی کند تا از او بپذیرد و بداند که خداوند توبه او را پذیرفته است و قربانی کردن در فرزندان او سنت باشد. آدم قربانی کرد و خدا از او پذیرفت، پس آتشی از آسمان فرستاد و قربانی آدم را پذیرفت.

جبرئیل به او گفت: ای آدم! خداوند به تو نیکی کرد، چرا که مناسکی را که به سبب آن ها توبه تو را می پذیرد، به تو آموخت.

**22- امام صادق علیه السلام :** خداوند به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که حج برود و اسماعیل را با خود به حج ببرد و او را در حرم ساکن نماید. هر دو بر شتری سرخ به حج رفتند و جز جبرئیل کسی با آنان نبود. چون به حرم رسیدند، جبرئیل به او گفت: ای ابراهیم! فرود آید و پیش از آن که وارد حرم شوی غسل کنی. فرود آمدند و غسل کردند و به آنان نشان داد که چگونه برای احرام آماده شوند، آنان هم چنان کردند. سپس

دستورشان داد برای حج احرام بستند و آنان را به لَبَّیک های چهارگانه ای که فرستادگان با آن ها لَبَّیک می گویند، دستور داد. سپس آن دو را به صفا برد، پس فرود آمدند، جبرئیل میان آن دو رو به کعبه ایستاد و تکبیر گفت. آن دو هم تکبیر گفتند، تهلیل گفت، آن دو نیز تهلیل گفتند. خدا را ستود، آن دو ستودند. خدا را تمجید کرد، تمجید کردند. خدا را ثنا گفت، آن دو نیز چنان کردند. جبرئیل پیش رفت، آن دو نیز پیش رفتند، در حالی که خدا را ثنا و ستایش می کردند، تا آن که آن دو را به جایگاه حجرالأسود رساند. جبرئیل بر آن دست کشید و آن دو را فرمان داد که دست بکشند و آنان را هفت دور طواف داد. سپس آن دو را در محلّ مقام ابراهیم علیه السّلام نگاه داشت. دو رکعت نماز خواند، آنان هم خواندند. سپس مناسک و آنچه را آن جا انجام می دهند، به آنان نشان داد. پس چون اعمالشان را به پایان بردند، خداوند به ابراهیم علیه السّلام فرمان داد که برگردد و اسماعیل را آن جا تنها بگذارد.

**23- امام باقر یا امام صادق علیهما السّلام :** خداوند به ابراهیم فرمان داد، که کعبه را بسازد و پایه های آن را بالا آورد و به مردم مناسک و اعمالشان را نشان دهد.

#### هـ - حلال کردن مال

**24- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرکس خود را برای سفر آماده سازد و در وسایلش [حتی] [پرچم حرامی] باشد ، خداوند ، حش را نمی پذیرد.

**25- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرگاه کسی با مال غیر حلال به حج رود ، چون لَبَّیک اللهم لَبَّیک بگوید ، خداوند می فرماید : لا لَبَّیک و لا سعیدیک (چه لَبَّیکی؟) این به خودت بر می گردد.

**26- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرگاه کسی با خرجی پاک برای حج بیرون آید و پا در رکاب نهد و بگوید :لَبَّیک اللهم لَبَّیک ، یک منادی از آسمان او را ندا دهد :لَبَّیک و سعیدیک . توشه ات حلال و مرکبت حلال و حج تو پذیرفته است و تو بدون گناهی.  
و اگر با خرجی ناپاک بیرون آید و پا در رکاب نهد و لَبَّیک گوید، یک منادی از آسمان ندایش دهد، لا لَبَّیک و لا سعیدیک، رهتوشه ات حرام، خرجی ات حرام، و حج تو گناه آلود و نامقبول است.

**27- امام صادق علیه السّلام :** کسی که از راه غیر حلال ، مالی به دست آورد ، سپس حج برود و لَبَّیک بگوید ، ندا می رسد که : نه لَبَّیک و نه سعیدیک! و اگر از راه حلال ، باشد ، ندا می رسد لَبَّیک و سعیدیک .!

**28- امام صادق علیه السّلام :** چهار چیز در چهار مورد ، جایز نیست : خیانت، اختلاس ، دزدی و ربا . اینها در حج ، عمره . جهاد و صدقه جایز نیستند.

**29- امام کاظم علیه السّلام :** اولین حج خاندان ما و مهریه زنانمان و کفن های ما، از دارایی پاکیزه ماست.

#### و - پاکیزگی ره توشه

**30- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هیچ خرجی نزد خدای متعال ، محبوب تر از میانه خرجی نیست و خداوند ، از اسراف نفرت دارد ، مگر در حج و عمره . پس رحمت خدا بر مؤمنی که مال پاکیزه به دست آورد و با میانه روی خرج کند ، یا نیکی و احسانی را پیش فرستد.

**31- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** از هر صاحب نعمتی نسبت به آن نعمت سؤال خواهد شد) که چگونه خرج کرده است) ، مگر آنچه در جهاد یا حج مصرف شود.

**32- شیخ صدوق :** هرگاه امام سجاد علیه السّلام برای حج و عمره به سفر مگه می رفت ، از بهترین رهتوشه ها با خود بر می داشت ، از بادام ، شکر ، و آرد نرم و ترش و شیرین.

#### ز - دعا هنگام سفر حج

**33- امام صادق علیه السّلام :** هرگاه از خانه ات به قصد سفر حج بیرون بروی ، دعای فرج بخوان ، که چنین است:

هیچ خدایی جز خدای بردبار بزرگوار نیست ، هیچ خدایی جز خدای والا و بزرگ نیست . منزّه است خدای آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و پروردگار بزرگ عرش . و ستایش ، مخصوص پروردگار

جهانیان است.

سپس بگو:

خدایا! پناه من باش در مقابل هر طغیانگر سرکش و هر شیطان نافرمان.

سپس بگو:

به نام خدا وارد شدم و به نام خدا و در راه خدا، خارج شدم. پروردگارا! من بسم الله و ما شاء الله را در مقابل فراموشی و شتابم در این سفر، پیش می آورم، چه به یاد داشته باشم و چه فراموش کنم. خدایا، در همه کارها، تو یاری کننده ای، تو همراه مسافر و جانشین اوئی در خانواده اش. خدایا! سفرمان را آسان کن و زمین را زیر پایمان در هم پیچ (که زود به مقصد برسیم) و سیرمان را در آن، همراه با طاعت خود و پیامبرت قرار ده.

خدایا! نسل ما را صالح گردان و در آنچه به ما روزی می دهی، برکت قرار ده و ما را از عذاب آتش نگهدار

خدایا! از رنج سفر و بد فرجامی و بد منظری در خانواده و مال و فرزندی، به تو پناه می برم.

خدایا! تو بازو و یاور منی، به کمک تو فرود می آیم و سفر می کنم.

خدایا! در این سفر، انجام آنچه را که تو بر من می پسندی و شادی از آن، می طلبم.

خدایا! رنج و دوری راه را بر من قطع کن، همراه من باش و در خانواده ام به نیکی جانشین من باش. و هیچ نیرویی جز از تو نیست.

خدایا! من بنده توام و اینها رهتوشه من است. مقصدم تویی و سفر به سوی توست و تو از چیزی آگاهی که کسی آگاه نیست. پس سفرم را کفاره گناهان گذشته ام قرار بده و در این سفر، یاورم باش و رنج و مشقت سفر را آسان ساز و سخن و عملی را که رضای توست به من تلقین نما، که من فقط بنده تو و با تو و برای توام. و چون پا در رکاب نهادی، بگو:

بسم الله الرحمن الرحیم، به نام خدا، و خدا بزرگتر است.

و چون بر مرکب نشست و جای گرفتی، بگو:

حمد، از آن خدایی است که ما را به اسلام هدایت کرد و قرآن به ما آموخت و با پیامبرش (محمد) صلی الله علیه و آله بر ما منت نهاد. منزّه است خدا. منزّه است آن که این وسیله را در اختیار ما قرار داد که ما توان آن را نداشتیم و ما به سوی پروردگاران بر می گردیم و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است. خدایا! تو ما را بر پشت این مرکب نشاندی و تو یاری دهنده در هر کاری. خدایا ما را به جایی رسان که به خیرمان رساند، به جایی که به آمرزش و رضوان تو رسیدیم.

خدایا هیچ امری جز امر تو و هیچ خبری جز خبر تو، نیست و نگاهدارنده ای جز تو، نیست.

4 / 2

آنچه در مراسم حج شایسته است

الف - خوشخویی

34- امام باقر علیه السلام: چه بهره می برد کسی که این راه را می پیماید، اگر این سه خصلت در او نباشد: پرهیزکاری که او را از نافرمانی های خدا بازدارد، بردباری که به وسیله آن بر خشم خود مالک شود و همراهی خوب با مصاحبان خود.

35- امام صادق علیه السلام: از مفاخره پرهیز و بر توباد پرهیزکاری که تو را از نافرمانی های خدا باز دارد. همانا خدای متعال فرماید: پس آلودگی خود را وانهند و کلام زشت گفتن در احرام نیز جزء آن است. پس چون وارد مکه شدی و کعبه را طواف کردی، کلام پاکیزه گفته ای و این کفاره آن است.

ب - کمک به همراهان

36- اسماعیل خثعمی: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: وقتی ما به مکه می رسیم، همراهان ما به طواف می روند و مرا برای نگهداری وسایلشان می گذارند. فرمود: پاداش تو، بیش از آنان است.

37- مرزوم بن حکیم: با محمد بن مصادف، همراه بودم. چون به مدینه وارد شدیم، بیمار گشتم. او به مسجد می رفت و مرا تنها می گذاشت. این را به مصادف (پدر او) شکوه کردم. او هم به امام صادق علیه السلام خبر داد. حضرت به او چنین پیغام فرستاد: نشستن تو کنار او، برتر از نماز خواندن در مسجد است.

ج - مواظبت از ره توشه

38- ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام درباره شخص مُحرمی که دستار بر شکمش می بندد پرسیدم.

فرمود: نه سپس فرمود: پدرم مي گفت کمر بندي را که خرجي اش در آنست به کمر محکم ببندد، تا از آن مطمئن گردد، که با همين خرجي، مي تواند حجش را تمام کند.

**39- صفوان جمال:** به امام صادق عليه السلام عرض کردم: همراه خانواده ام قصد حج دارم، نفقه ام را به کمرم مي بندم (نظر شما چيست؟) حضرت فرمود: آري (عيبي ندارد). پدرم مي فرمود: حفظ کردن خرجي از توانمدي مسافر است.

**40- يونس بن يعقوب:** به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مُحْرَم، هميان خود را به کمر مي بندد (چگونه است؟) حضرت فرمود: آري (عيبي ندارد). بعد از (گم شدن نفقه اش) چه خيري براي اوست؟

**41- يعقوب بن سالم:** به امام صادق عليه السلام عرض کردم: همراه من درهم هايي است که روي آن ها تصوير است و من در حال احرامم، آن ها را در هميانم نهاده به کمرم مي بندم. حضرت فرمود: عيبي ندارد. مگر نه اينکه آن ها خرجي توست و پس از خداي متعال، تقيه ات به آن هاست؟

#### د - اقامت مکه پيش از حج

**42- امام صادق عليه السلام:** يك روز قبل از حج (در مکه) ماندن، بهتر از دو روز ماندن پس از حج است.

#### هـ - شريك ساختن ديگران در ثواب حج

**43- امام صادق عليه السلام** در پاسخ به هشام بن حکم که درباره کسي که پدر و برادر و بستگانش را در حج خود شريك سازد، پرسیده بود، فرمود: در اينصورت براي تو پاداش حجي مثل حج آنان نوشته مي شود و پاداشي هم به خاطر صله رحم به تو افزوده مي شود.

**44- امام صادق عليه السلام:** اگر هزار نفر را هم در حج خود شريك سازي، براي هر يك (پاداش) يك حج خواهد بود، بي آن که از (پاداش) حج تو چيزي کاسته شود.

#### و - طواف به نيابت از امامان عليهم السلام

**45- موسي بن قاسم:** به امام جواد عليه السلام عرض کردم: تصميم گرفتم به نيابت از شما و پدرتان طواف کنم، ولي به من گفتند: به نيابت از اوصيا، طواف نمي کنند. حضرت فرمود: چرا، هرچه مي تواني طواف کن، جايز است.

سه سال بعد، به آن حضرت عرض کردم: پيشتر از شما درباره طواف به نيابت شما و پدرتان اجازه گرفتم، اجازه داديد و من از سوي شما طواف بسيار کردم. سپس چيزي بر دلم افتاد و به آن عمل کردم. پرسيد: چه بود؟ گفتم: يك روز از جانب پيامبر خدا صلي الله عليه و آله طواف کردم. حضرت سه بار فرمود: صلي الله علي رسول الله: درود خدا بر پيامبر. - سپس روز دوم به نيابت از امير المؤمنين عليه السلام، روز سوم به نيابت از امام حسن عليه السلام، روز چهارم به نيابت از امام حسين عليه السلام روز پنجم به نيابت از امام سجّاد عليه السلام، روز ششم به نيابت از امام باقر عليه السلام، روز هفتم به نيابت از امام صادق عليه السلام، روز هشتم از سوي جدّ شما موسي بن جعفر عليه السلام، روز نهم به نيابت از پدرت علي بن موسي عليه السلام، روز دهم، به نيابت از شما، سرورم. و اينان کساني اند که به ولايتشان معتقدم (و دين من، ولايت اينان است). حضرت فرمود: در اين صورت، به ديني معتقدي که خداوند، جز آن را از بندگانش نمي پذيرد. عرض کردم: گاهي هم از سوي مادران حضرت فاطمه عليها السلام طواف کرده ام، گاهي هم نه. فرمود: اين را زياد انجام بده، اين برترين کاري است که انجام مي دهی، ان شاء الله.

#### ز - ديدار امام

**46- امام باقر عليه السلام:** کمال حج، به ديدار امام است.

**47- امام صادق عليه السلام:** هرگاه يکي از شما به حج رود، بايد حج خود را با ديدار ما به پايان برَد، چراکه اين (ديدار با امام) براي کامل شدن حج است.

**48- سدير:** در حالي که امام باقر عليه السلام به خانه خدا وارد مي شد و من بيرون مي آمدم، دست مرا گرفت، سپس رو به کعبه کرد و فرمود:

ای سدیدر! همانا مردم مأمور شده اند که نزد این سنگها آمده ، طواف کنند ، سپس نزد ما آیند و همبستگی و ولایتشان را با ما اعلام کنند.

**49- امام باقر علیه السلام :** همانا مردم مأمور شده اند که نزد این سنگها(ی خانه خدا) آمده ، گرد آن ها طواف کنند ، سپس پیش ما آیند و ولایت و همبستگی خود را به ما خبر دهند و نصرت و یاری خود را به ما عرضه بدارند.

**50- فضیل :** امام باقر علیه السلام به مردمی که بر گرد کعبه طواف می کردند نگاه کرد ، سپس فرمود : در جاهلیت اینگونه طواف می کردند ! همانا به آنان دستور دادند که بر گرد کعبه طواف کنند ، سپس به سوی ما کوچ کرده و نسبت به ما اعلام همبستگی و دوستی کنند و یاری خود را بر ما عرضه بدارند .  
آنگاه این آیه را تلاوت کرد : **واجعل أفئدة من الناس تهوي إليهم ؛** دلهایی از مردم را چنان قرار بده که به سوی آنان شیفته گردند.

**51- امام باقر علیه السلام** در تفسیر آیه **واجعل أفئدة من الناس تهوي إليهم؛** (ابراهیم علیه السلام : خدایا دلهایی از مردم را شیفته آنان بگردان) فرمود:  
. . . سزاوار است مردم این خانه را زیارت کنند و بزرگ بدارند ، چرا که خداوند ، آن را بزرگ داشته است .  
و سزاوار است هر جا که هستیم ، به دیدار ما آیند ، ما راهنمایان (مردم) به سوی خداوندیم.

4 / 3

**کلیات آنچه در مراسم حج شایسته است**

**قرآن**

حج ، در ماه های معینی است . پس کسانی که در این ماهها ، حج را بر خود واجب کرده اند (با احرام بستن و آغاز مناسک) پس در حج ، آمیزش جنسی و گناه و جدال نیست . و آنچه کار نیک انجام دهید ، خداوند آن را می داند . و زاد و توشه بر گیرید ، بهترین رهتوشه همانا تقواست و از من پروا کنید ، ای خردمندان .  
ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی را حلال ندانید و نه ماه حرام و نه قربانی های بی نشان و نشاندار را ، و نه آنان را که به قصد خانه خدا ، برای به دست آوردن فضل و خشنودی پروردگارشان آمده اند .  
آنگاه که از احرام بیرون آمدید پس صید کنید ، و خصومت با گروهی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (واقع حدیبه (باز داشتند ، شما را به تجاوز و اداری نکنند و در نیکو کاری و پرهیز کاری ، همدیگر را یاری کنید . و هرگز در گناه و تعدی یکدیگر را یاری نرسانید . و از خداوند پروا کنید ، همانا کیفر خداوند سخت است .

**حدیث**

**52- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -** در روز غدیر - فرمود : (ای مردم!) خانه خدا را با کمال دینداری و دین شناسی زیارت کنید و از آن مکان های مقدس ، جز با توبه و رها ساختن (گناه) ، بازنگردید.

**53- از پیامبر صلی الله علیه و آله** پرسیده شد : نیکی حج چیست؟ فرمود : به دیگران طعام دادن و سخن پاکیزه گفتن.

**54-** وقتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره آیه **وأتموا الحج والعمرة لله؛** حج و عمره را برای خدا به پایان برید پرسیدند ، پاسخ دادند : **تمامیت و کمال حج و عمره آن است که آمیزش جنسی ، گناه و کشمکش و جدل در آن نباشد.**

**55- امام صادق علیه السلام :** هرگاه احرام بستنی ، پس بر تو باد تقوای خدا ، فراوان یاد خدا نمودن ، کم سخن گفتن - مگر به نیکی - چرا که کمال حج و عمره آنست که انسان زبان خویش را نگهدارد ، مگر از خیر ، همانگونه که خدای متعال فرموده است : پس در ماه های حج ، هرکه حج را بر خود واجب کند ، پس در حج ، رفت و فسوق و جدال نیست . رفت ، آمیزش است و فسوق دروغ و دشنام است و جدال ، این است که انسان بگوید : نه والله ، آری والله .

**56- علی بن جعفر :** از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم که رفت و فسوق و جدال چیست؟ و هرکه مرتکب شود ، کفار ه اش چیست؟ حضرت فرمود : رفت ، همبستر شدن با زنان است . فسوق ، دروغ و تفاخر

است و جدال، آن است که کسی بگوید: نه والله، آری والله. پس هرکه آمیزش کند، کفارہ اش قربانی کردن یک شتر است. و اگر پیدا نکند، یک گوسفند. و کفارہ دروغ و تفاخر در حال احرام، صدقه دادن است.

**57- به امام صادق علیه السلام** منسوب است که: هرگاه تصمیم به حج گرفتگی، دلت را از هریاز دارنده ای، تنها برای خدا خالی ساز و از هرمانعی بپرداز و همه کارهایت را به آفریدگارت واگذار و در سکون و حرکتت بر او توکل کن و تسلیم قضا و حکم و تقدیر الهی باش، و دنیا و آسایش و مردم را رها کن و حق مردم را ادا کن و بر توشه و مرکب و همراهان و نیرو و جوانی و ثروتت اتکا نکن، مبدا که دشمن و وبال تو شوند.

همانا هرکس مدعی خشنودی خدا باشد ولی به چیزی دیگر اعتماد کند، خداوند، آنرا دشمن و وبال او می گرداند، تا بداند که هیچ نیرو و تدبیری برای احدی نیست، مگر با نگاهداری و توفیق خداوند. و آماده شو، همچون کسی که امید بازگشت ندارد.

با همراهان نیکو معاشرت کن و پیوسته مواظب اوقات واجبات الهی و سنت های پیامبرش صلی الله علیه و آله و آنچه از ادب، تحمل، شکیبایی، شکر، مهربانی، بخشندگی و ایثار رهتوشه در هر زمان، بر تو واجب است، باش.

سپس، با آب توبه خالص، گناهانت را بشوی و احرام صدق و صفا و خضوع و خشوع بربند، و هرچه تو را از یاد خدا و طاعت او باز می دارد، بر خود حرام کن، لیبیک تو، به معنای اجابت زلال و پاک برای خدای متعال در دعوتش باشد، در حالی که به دستگیره محکم الهی چنگ زده ای. همانگونه که با بدنت همراه مسلمانان بر گرد کعبه طواف می کنی، با قلبت همراه فرشتگان بر گرد عرش طواف کن. با هروله ات، از هوای نفس خود بگریز و از همه نیرو و توان خود تبری بجوی.

با بیرون رفتنت به منی، از غفلت و لغزشهایت بیرون شو و آنچه را که برایت حلال نیست و مستحق آن نیستی تمنا مکن. در عرفات، به گناهان اعتراف کن و پیمان یکتاپرستی را با خدایت تجدید کن و با اطمینان، در مزدلفه به خدایت تقرّب بجوی، با بالا رفتنت از کوه، روح را به سوی ملکوت اعلا روانه ساز و هنگام قربانی، حنجره و رگ های هوس و طمع را قطع کن و با رمی جمرات، شهوتها، فرومایگی و پستی و ناپسندی را بدور افکن، با تراشیدن سر، عیب های آشکار و نهان را بتراش و بزدای و با در آمدنت به خانه خدا، در امان و حمایت خدا و پوشش و سرپرستی و عهده داری کارهایت از سوی او وارد شو. و کعبه را در حالی که بزرگی صاحب آن و شناخت عظمت و قدرت او را باور داری، زیارت کن. و در حالی که راضی به قسمت الهی و خاضع در برابر عزت او هستی، حجر الأسود را لمس کن. با طواف وداع، با هرچه جز اوست، وداع کن. با ایستادن بر کوه صفا، روح و درون خود را، برای روز دیدار با خداوند، تصفیه کن و جلاده و نزد مروه، صاحب مروّت و اوصافی وارسته باش و بر این شرط های حج خود و به عهده ای که با پروردگارت بسته ای و بر خود واجب ساخته ای، تا روز قیامت وفا دار باش و پایدار بمان.

58- سید عبدالله، نواده محدث جزایری در شرح نخبه نوشته است: در منابعی متعدّد، که موثّق ترین آن ها به خطّ برخی از اساتید معاصر ماست، بصورت حدیث مرسل چنین یافتیم: چون امام سجّاد علیه السلام از حج برگشت، شبلی به استقبال او آمد. حضرت از او پرسید: شبلی! حج گزاردی؟ گفت: آری، ای پسر پیامبر. حضرت پرسید: آیا در میقات فرود آمدی و لباس های دوخته را بیرون آوردی و غسل کردی؟ گفت: آری. پرسید: آنگاه که به میقات فرود آمدی، نیت کردی که لباس نافرمانی را در آورده، لباس طاعت بپوشی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی لباس های دوخته را در آوردی، نیت کردی که از ریا و نفاق و وارد شدن به شبهه ها خود را عریان کنی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی غسل کردی، نیت کردی که خود را از خطاها و گناهان، شستشو دهی؟ گفت: نه.

فرمود: پس نه در میقات فرود آمده ای، نه از لباس های دوخته خود را جدا ساخته ای و نه غسل کرده ای. سپس پرسید: نظافت کردی و احرام بستنی و تصمیم بر حج گرفتگی؟ گفت: آری. پرسید: وقتی نظافت کردی و احرام بسته، نیت حج کردی، آیا نیت کردی که با نوره [۲] توبه خالص، خود را پاک کنی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی احرام بستنی، نیت کردی که همه محرّمات خدا را بر خود حرام سازی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی نیت حج کردی، آیا نیت کردی که هرگز غیر خدایی را بگشایی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس نه نظافت کرده ای، نه احرام بسته ای و نه نیت حج کرده ای!

سپس پرسید: آیا داخل میقات شدی و دو رکعت نماز احرام خواندی و لیبیک گفتی؟ گفت: آری. پرسید: وقتی وارد میقات شدی، نیت کردی که بر نیت زیارت باشی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که با نماز - که بهترین اعمال است و بزرگترین حسنات بندگان - به خدا تقرّب جویی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی لیبیک گفتی، نیت کردی که در طاعت محض او سخن بگویی و از هر معصیت او لب فرو بندی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس نه داخل میقات شده ای، نه نماز خوانده ای و نه لیبیک گفته ای!

سپس پرسید: آیا وارد حرم شدی، کعبه را دیدی و نماز خواندی؟ گفت: آری. پرسید: چون داخل حرم شدی، نیت کردی که هر غیبتی را از هر مسلمانی بر خود حرام کنی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی به مکه رسیدی آیا در قلبت نیت کردی که خدا را قصد کرده ای؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس نه داخل حرم شده ای، نه کعبه را دیده ای و نه نماز خوانده ای!

سپس فرمود: آیا کعبه را طواف کردی و رکن ها را لمس نمودی و سعی (بین صفا و مروه) کردی؟ گفت: آری. پرسید: هنگامی که سعی می کردی، نیت کردی که به سوی خدا می گریزی؟ و آیا خدای دانا به غیب، این را از تو شناخت؟ گفت: نه. فرمود: پس نه طواف کعبه کرده ای، نه رکنها را لمس کرده ای و نه سعی نموده ای.

سپس پرسید: آیا دست بر حجر الأسود نهادی؟ کنار مقام ابراهیم ایستادی؟ و دو رکعت نماز خواندی؟ گفت: آری. [اینجا بود که حضرت صیحه ای کشید که نزدیک بود از دنیا برود سپس فرمود: آه! آه! او فرمود: هرکس که دست بر حجر الأسود نهد، با خدای متعال دست داده است. پس، ای بیچاره! خوب بنگر، تا پادشاه آنچه را که حرمتش بزرگ است، تباه نسازی و این دست دادن (و بیعت) را چون گناهکاران با مخالفت و ارتکاب حرام، نشکنی. سپس پرسید: وقتی کنار مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی، آیا نیت کردی که بر هر طاعتی استوار بمانی و از هر نافرمانی سر بیچی؟ گفت: نه. پرسید: پس وقتی که آن جا دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که ابراهیم گونه نماز بگزارای و با نمازت، بینی شیطان را به خاک بمالی؟ گفت: نه. فرمود: پس نه با حجر الأسود دست داده ای و نه در کنار مقام ابراهیم ایستاده ای و نه در آن جا دو رکعت نماز خوانده ای!

آنگاه پرسید: آیا بر سر چاه زمزم رفته، از آب آن نوشیدی؟ گفت: آری. پرسید: آیا نیت کردی که بر طاعت خدا اشراف یافته ای و چشم از گناه پوشیده ای؟ گفت: نه. فرمود: پس نه بر سر زمزم رفته ای و نه از آبش نوشیده ای!

سپس پرسید: آیا میان صفا و مروه سعی کردی و بین آن دو گام برداشتی؟ گفت: آری. پرسید: آیا نیت کردی که میان بیم و امید هستی؟ گفت: نه. فرمود: پس نه سعی کرده، نه راه رفته و نه میان صفا و مروه رفت و آمد کرده ای!

سپس پرسید: آیا به سوی منی رفتی؟ گفت: آری. پرسید: آیا نیت کردی که مردم را از زبان و قلب و دستت ایمن سازی؟ گفت: نه. فرمود: پس به منی نرفته ای.

سپس پرسید: آیا در عرفات وقوف کردی و بالای جبل الرحمة رفتی و وادی نمره را شناختی و کنار جمره ها خدای سبحان را خواندی؟ گفت: آری.

پرسید: آیا با وقوف در عرفات، آگاهی خداوند را به کار معرفتها و دانشها شناختی و به اینکه خداوند نامه عمل تو را دریافت می کند و به آنچه در درون و قلبت می گذرد آگاه است، پی بردی؟ گفت: نه. پرسید: آیا با صعود بر جبل الرحمة، نیت کردی که خداوند، هر زن و مرد با ایمان را می آمرزد و هر زن و مرد مسلمان را سرپرستی می کند؟ گفت: نه. پرسید: آیا نزد وادی نمره، نیت کردی که فرمان ندهی تا آن که خود، فرمان بیری، و نهی نکنی تا آن که خود، پرهیز کنی؟ گفت: نه. پرسید: آنگاه که کنار نشانه و نمرات ایستادی، نیت کردی که آن ها گواه طاعت های تو باشند و به دستور خداوند آسمانها همراه نگهبانان به نگاهبانی تو پردازند؟ گفت: نه. فرمود: پس نه در عرفات وقوف کرده ای، نه از جبل الرحمة بالا رفته ای و نه نمره را شناخته ای و نه دعا کرده ای و نه کنار نمرات ایستاده ای!

سپس پرسید: آیا بین دو نشانه مرور کردی و قبل از گذشتن از آن جا، دو رکعت نماز خواندی؟ به مزدلفه رفتی و آن جا سنگریزه جمع کردی؟ بر مشعر الحرام گذشتی؟ گفت: آری. پرسید: وقتی دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که آن نماز، نماز شکر شب دهم است، هر مشکلی را بر طرف می سازد و هر آسانی را فراهم می آورد؟ گفت: نه. پرسید: وقتی از میان دو نشانه گذشتی و به چپ و راست توجه نکردی، آیا نیت کردی که از دین حق، به چپ و راست روی نگردانی، نه با قلب، نه با زبان و نه با اعضایت؟ گفت: نه. پرسید: وقتی به مزدلفه رفتی و از آن جا سنگریزه جمع کردی، نیت کردی که هر معصیت و نادانی را از خویش بزدايي و هر علم و عمل صالحی را در خود ملکه سازی؟ گفت: نه. پرسید: وقتی بر مشعر الحرام گذر کردی، نیت کردی که دلت را به بینش اهل تقوا و خوف از خدا بیارایی؟ گفت: نه. فرمود: پس نه بر دو نشانه گذشته ای، نه دو رکعت نماز خوانده ای، نه به مزدلفه رفته ای، نه از آن سنگریزه برداشته ای و نه از مشعر الحرام عبور کرده ای!

سپس به او فرمود: آیا به منی رسیدی و سنگریزه پرتاب کردی و سرت را تراشیدی و قربانی ات را سربریدی و در مسجد خیف، نماز گزاردی و به مکه برگشته، طواف کوچ را انجام دادی؟ گفت: آری. فرمود: وقتی به منی رسیدی و رمی جمرات کردی، آیا نیت کردی که به خواسته ات رسیدی و خداوند، همه حاجتهایت را بر آورده است؟

گفت: نه. پرسید: وقتی سنگریزه به جمرات زد، نیت کردی که دشمنت، ابلیس، را سنگ باران کرده و با



تمامی حج گرانبهایت، او را به خشم آورده ای؟ گفت: نه. پرسید: وقتی سرت را تراشیدی، آیا نیت کردی که از آلودگیها و از تبعات مردم پاک شدی و از گناهانت بیرون آمدی، همچون روزی که مادرت تو را زاد؟ گفت: نه. پرسید: وقتی در مسجد خیف نماز خواندی، نیت کردی که جز از خدای متعال و از گناه خویش نترسی و جز به رحمت خدا امیدوار نباشی؟ گفت: نه. پرسید: آنگاه که قربانی ات را سر بریدی، نیت کردی که گلوی طمع را با حقیقت ورع و پرهیزگاری بریدی و از سنت ابراهیم علیه السلام پیروی کردی، که فرزندش، میوه دلش و گل خوشبوی قلبش، را به قربانگاه آورد و آن را سنتی برای آیندگان و وسیله ای برای تقرب به خداوند برای نسل های بعد قرار داد؟

گفت: نه. پرسید: چون به مکه بازگشتی و طواف کوچ کردی، نیت کردی که از رحمت خدا کوچ کرده به طاعت او بازگشتی و به مودت او چنگ زدی و واجبات الهی را ادا کردی و به قرب خدا رسیدی؟ گفت: نه. امام سجّاد علیه السلام به او فرمود: پس نه به منی رسیده ای، نه سنگریزه پرتاب کرده ای، نه سرت را تراشیده ای، نه اعمال حج خود را انجام داده ای و نه در مسجد خیف نماز خوانده ای و نه طواف کوچ به جا آورده ای و نه به قرب خدا رسیده ای! برگرد! زیرا تو حج به جا نیاورده ای. شبلی شروع به گریستن کرد، به خاطر آن کوتاهیها که در حجتش کرده بود و همواره می آموخت، تا آن که سال بعد، با شناخت و یقین، حج انجام داد.

4 / 4

آنچه پس از حج شایسته است

الف - وداع با خانه خدا

59- ابو اسماعیل: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، هم اینک در حال خروج از مکه ام، با خانه خدا، از کجا خدا حافظی کنم؟ فرمود: کنار دیوار کعبه - بین حجر الأسود و در کعبه - رفته، از آن جا وداع می کنی، سپس بیرون رفته، از آب زمزم می نوشی، آنگاه می روی. عرض کردم: از آب زمزم بر سرم بریزم؟ فرمود: نزدیک چنین کاری مشو!

60- قثم بن کعب: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا پیوسته به حج می روی؟ گفتم: آری. فرمود: آخرین دیدارت با کعبه، این باشد که دست بر درکعبه نهاده، می گویی: بینوایی بر درگاه توست، پس بهشت را به او عطا کن.

61- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: چون خواستی از مکه خارج شده، نزد خانواده ات برگردی، با کعبه وداع کن و هفت بار طواف به جا آور و اگر بتوانی، در هر دور، دست بر حجر الأسود و رکن یمانی بکش و گرنه، تنها در آغاز و پایان هر طواف، چنان کن و اگر این را هم نتوانی، آزادی. سپس به مستجار رفته، نزد آن همان کاری را که روز ورودت به مکه انجام دادی، انجام می دهی، سپس هر دعایی که خواستی برای خودت می خوانی. آنگاه، حجر الأسود را لمس کن، شکم خود را به خانه خدا بچسبان یک دست خود را بر حجرالأسود و دست دیگر را به طرف در قرار ده و خدا را حمد و ثنا بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و دودمانش درود فرست و بگو:

خدایا بر محمد صلی الله علیه و آله و بنده و فرستاده ات، امین و محبوبت، همرازت و برگزیده خلقت، درود فرست، همانگونه که او رسالت تو را رساند و در راه تو جهاد کرد و فرمان تو را آشکار ساخت و در راه تو و به خاطر تو آزار دید و تو را عبادت کرد، تا آن جا که به یقین رسید. خدایا! مرا رستگار، کامیاب و مستجاب برگردان، به بهترین چیزی که هر یک از مهمانان تو با آن بر می گردد، از آمرزش، برکت، رضوان و تندرستی. خدایا اگر مرا میراندی، پس بیامرم، و اگر زنده ام داشتی، سال آینده هم حج روزیم کن. خدایا این را آخرین زیارت خانه ات برای من قرار مده.

خدایا! من بنده تو و پسر بنده و کنیز تو هستم. مرا بر مرکب خود نشانده و در سرزمین خود سیر دادی، تا آن که به حرم و خانه امن خود رساندی. در گمان نیک من این بود که گناهانم را می آمرزی. اگر گناهانم را بخشوده ای، پس از من بیشتر خرسند باش و به خودت نزدیک کن و دور مساز و اگر هنوز نیامرزیده ای، هم اینک بیخشی، پیش از آن که خانه ام از خانه ات دور شود. اینک، زمان بازگشت من است، اگر اذن بازگشت دهی، بی آن که به تو و خانه ات، بی رغبت شده باشم، یا چیزی را به جایی تو و خانه ات، برگزیده باشم. خدایا! مرا از پیش رو، پشت سر، سمت راست و چپم نگهدار، تا آن که مرا به خانواده ام برسانی و مرا از هزینه بندگان و خانواده ام کفایت کن. زیرا تو، عهده دار آنی، از بندگان و از من. سپس به زمزم برو و از آن بنوش و بیرون آی و بگو:

باز می گردیم، توبه کنان، عبادت کنان. باز می گردیم، در حالی که خدایمان را ستایشگریم و به سوی



پروردگاران مشتاقیم و به سوی او بازمی گردیم ان شاء الله.  
همانا امام صادق علیه السلام چون با خانه خدا وداع کرد و خواست از مسجدالحرام بیرون آید ، در آستانه در مسجد مدّت زیادی به سجده افتاد ، سپس برخاسته ، بیرون شد.

**62- ابراهیم بن ابی محمود :** امام کاظم علیه السلام را دیدم که خانه خدا را وداع می کرد . چون خواست از در مسجد بیرون رود ، به سجده افتاد سپس برخاسته ، رو به کعبه کرد و گفت:  
خدایا! من بر می گردم ، بر این عقیده که جز تو معبودی نیست.

**63- علی بن مهزیار :** امام جواد علیه السلام را در سال دویست و پانزده [۳] دیدم که پس از بالا آمدن خورشید ، با خانه خدا وداع کرد . خانه خدا را طواف نمود ، در حالی که در هر دور ، دست به رکن یمانی می کشید . در دور هفتم ، رکن یمانی و حجرالأسود را لمس کرد و دست خود را بر چهره خود کشید ، آنگاه کنار مقام ابراهیم علیه السلام آمد و پشت آن دو رکعت نماز خواند . سپس به پشت کعبه - کنار ملنزم - رفت ، جامه از روی شکم خود کنار زد و خود را به خانه خدا چسباند ، مدّت زیادی دعا کنان بر همان حالت ماند . آنگاه از در حنّاطان [گندم فروشان بیرون رفت.

او را در سال دویست و هفده نیز دیدم که شب ، خانه خدا را وداع می کرد ، در هر دور طواف ، دست بر رکن یمانی و حجرالأسود می کشید . در دور هفتم ، پشت کعبه ، نزدیک رکن یمانی و بالای سنگ مستطیل ، در حالی که لباس از روی شکم خود کنار زده بود ، خود را به خانه خدا چسباند ، سپس پیش حجرالأسود رفت ، آن را بوسید و دست بر آن کشید و به طرف مقام ابراهیم علیه السلام رفت و پشت مقام ، نماز خواند ، آنگاه رفت و به خانه خدا بازنگشت . توقف او کنار ملنزم به اندازه ای بود که برخی از اصحاب ما هفت دور و برخی هشت دور ، طواف کردند.

#### ب - مدینه رفتن

**64- احمد بن ابی عبدالله** از پدرش نقل می کند : از امام باقر علیه السلام پرسیدم : از مدینه شروع کنم یا مکه؟ حضرت فرمود : از مکه آغاز کن و به مدینه ختم نما ، که این برتر است.

**65- امام باقر علیه السلام :** از مکه آغاز کنید و به ما ختم نمایید.

#### ج - زود برگشتن

**66- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرگاه یکی از شما حج خود را انجام داد ، زود به سوی خانواده اش باز گردد ، که این کار ، پاداش او را بزرگتر می کند.

**67- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** درباره مدّت ماندن در مکه فرمودند : بعد از رفتن مردم ، برای مهاجر ، سه روز است.

**68- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** مهاجر ، پس از انجام مراسم حج خود ، سه روز می ماند.

**69- امام صادق علیه السلام :** هرگاه از اعمال فارغ شدی ، بازگرد . که این تو را برای برگشت (به حج) مشتاق تر می سازد.

#### د - صدقه دادن

**70- امام صادق علیه السلام :** وقتی حج گزار اعمالش را انجام داد و می خواهد بیرون آید ، سزاوار است که یک درهم خرما بخرد و آن را صدقه دهد ، تا کفّاره چیزی باشد که شاید در حج او بر گردنش آمده است ، مثل خاراندن بدن ، یا شیشی که افتاده یا مانند این.

**71- امام صادق علیه السلام :** چون وارد مکه شدی ، یک درهم خرما بخر و به خاطر آنچه در حال احرام عمره ات ، از تو سرزده است ، صدقه بده . و چون از حج خویش فارغ شدی ، یک درهم خرما بخر و صدقه بده . و چون به مدینه نیز وارد شدی ، همین کار را بکن.

**72- امام صادق علیه السلام :** برای زن و مرد مستحب است که از مکه بیرون نشوند ، مگر آن که یک درهم خرما خریده و به خاطر آنچه در حال احرامشان و در حرم خدا از آنان سر زده است ، صدقه دهند.

هـ - سوغات

73- امام صادق علیه السلام : سوغات حج ، جزو حج است.

74- امام صادق علیه السلام : سوغات ، از هزینه حج است.

4 / 5

آنچه پس از بازگشت شایسته است

الف - وانهان گناهان

75- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نشانه قبولی حج ، آن است که بنده ، گناهانی را که مرتکب می شده است ، ترک کند.

76- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از نشانه های قبولی حج آن است که فرد ، از گناهانی که انجام می داده است ، برگردد . این نشانه قبولی حج است . و اگر از حج باز گردد ولی همچنان در لجنزار زنا ، یا خیانت یا معصیت فرو رود ، حج او به خودش بر گردانده می شود.

ب - دیدار با حج گزار

77- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه حج گزار را دیدار کردی ، به او سلام بده و با او مصافحه کن و بخواه که پیش از آن که وارد خانه اش شود ، برای تو آموزش بخواهد ، زیرا خود او آمرزیده است.

78- امام علی علیه السلام : وقتی برادر دینی ات از مکه باز آمد ، میان دو چشمش را و دهانش را که با آن حجر الأسود را بوسیده است ، ببوس ؛ حجر الأسودی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را بوسیده است و نیز چشم او را ببوس ، که با آن به خانه خدای متعال نگریده است و پیشانی و چهره اش را ببوس . و هرگاه خواستید به حج گزار تهنیت بگویید، بگویید: خداوند، عبادتهایت را قبول کند و سعی تو را مورد رحمت قرار دهد و خرج تو را جایگزین سازد و این حج را آخرین دیدار تو از خانه اش قرار ندهد.

79- عبدالوهاب بن صباح از پدرش نقل کرده که مسلم، غلام امام صادق علیه السلام صدقه احدب را که از مکه آمده بود ملاقات کرد و به او گفت: خدا را سپاس که راحت را آسان و راهنمایت را رهنما شد و با تندرستی تو را باز آورد، در حالی که حج انجام یافته و بر وسعت و گشایش، یاری کرد. خدا از تو قبول کند و مخارجت را جبران نماید و حج تو را مقبول و پاک کننده گناهانت قرار دهد. این سخن به گوش امام صادق علیه السلام رسید. حضرت فرمود: به صدقه چه گفتی؟ او باز گفت. فرمود: این را چه کسی به تو آموخت؟ گفت: فدایت شوم، سرورم ابوالحسن (امام کاظم علیه السلام). به او فرمود: خوب چیزی آموخته ای. هرگاه یکی از برادرانت را دیدار کردی، اینچنین به او بگو. همانا هدایت، به وسیله ما هدایت است! و هرگاه اینان را دیدار کردی، به آنان بگو آنچه خود می گویند.

80- امام سجاد علیه السلام : به کسانی که از حج و عمره بر می گردند ، سلام بگویید و با آنان دست بدهید ، پیش از آن که با گناهان در آمیزند.

81- امام سجاد علیه السلام : ای کسانی که حج نگرارده اید! بازگشت حج گزار را مرثه دهید و با آنان دست داده ، بزرگشان دارید . که این بر شما لازم است ، در این صورت ، با پاداش آنان شریک خواهید شد.

82- امام باقر علیه السلام : حج و عمره گزاران را محترم بدارید ، که این بر شما لازم است.

83- امام صادق علیه السلام : کسی که به دیدار حج گزار برود و با او دست دهد ، همچون کسی است که حجر الأسود را لمس کرده است.

84- امام صادق علیه السلام : کسی که با حج گزار تازه از گردراه رسیده معانقه کند ، گویا حجر الأسود را لمس کرده است.

- (1) بیداء هم به معنای سرزمین خشک و خالی است، هم نام سرزمین بین مکه و مدینه، در یک میلی ذوالحلیفه. (مجمع البحرین).
- (2) نوره: داروی نظافت.
- (3) در پاره ای نسخه ها و نسخه تهذیب، دو بیست و پانزده آمده، که درست همان است، زیرا سال فوت امام جواد علیه السلام دو بیست و بیست می باشد. لذا تاریخ دو بیست و بیست و پنج که در متن حدیث آمده بود، اصلاح گشت

## برائت از مشرکان

### قرآن

دیگر با [در] این آیات [اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته اید. پس زمین بگردید [ای مشرکان] چهار ماه [امنیت کامل و بدانید که شما نمی توانید خدا را به ستوه آورید، و این خداست که رسوا کننده اعلامی است از] کافران است. و توبه کنید آن [این آیات] جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند برای شما بهتر [با این حال] اگر [کفر است، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را در مانده نخواهید کرد؛ و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده.

قطعاً برای شما در به قوم [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آنگاه که خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم. به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید. جز حتماً خواهیم خواست، با [در] سخن ابراهیم [که] به [نا] پدر [ی] خود [گفت: برای تو آمرزش آن که در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم؛ ای پروردگار ما! بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست.

### حدیث

**1- عیاشی:** حریر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر را همراه (آیات) برائت به موسم (حج) فرستاد تا آن را بر مردم بخواند. جبرئیل نازل شد و گفت: از سوی تو، جز علی آن را نرساند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی را فراخواند و به او دستور داد تا بر شتر عضباء سوار شود و به او دستور داد که خود را به ابوبکر رسانده، برائت را از او بگیرد و در مکه بر مردم بخواند. ابوبکر گفت: آیا (پیامبر بر من) خشم گرفته است؟ (یا: آیا از روی خشم است؟) گفت: نه، الا اینکه بر او نازل شده: جز مردی از تو آن را نمی رساند!

چون (علی) به مکه آمد (بعد از ظهر روز قربان، روز حج اکبر بود) ایستاد، سپس گفت: من فرستاده پیامبر خدا به سوی شمایم، پس آیات برائت را بر آنان خواند: بیزاری است از سوی خدا و پیامبرش نسبت به مشرکانی که با آنان پیمان بستید. پس چهار ماه در زمین بگردید، بیست روز از ذی حجه، محرم، صفر، ربیع الأول و ده روز از ربیع الثانی. و گفت: نه زن و مرد عریان حق طواف کعبه را دارند و نه مشرک، مگر کسی که با پیامبر خدا عهد و پیمانی دارد، پس مدت آن پیمان، تا این چهار ماه است.

در خبر محمد بن مسلم آمده است: (ابوبکر) گفت: یا علی! آیا از وقتی که از پیامبر جدا شدم، چیزی درباره من نازل شده است؟ فرمود: نه، ولی خدا نخواسته که پیام از سوی محمد را جز مردی از خود او برساند. پس به موسم رسید و در عرفه، مشعر، روز قربان کنار جمرات و در همه ایام تشریق، از سوی خدا و پیامبرش، پیام را رساند و ندا می داد: برائت من الله و رسوله... و عریان، حق ندارد کعبه را طواف کند.

**2- ابو الصهباء بکری:** از علی بن ابی طالب علیه السلام درباره روز حج اکبر پرسیدم. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر را فرستاد، تا حج را برای مردم بپا دارد و مرا نیز همراه او فرستاد با چهل آیه از برائت، تا آن که به عرفه رسید. روز عرفه بر مردم خطبه خواند. چون خطبه اش را به پایان برد، رو به من کرد و گفت: یا علی! برخیز و پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله را برسان. برخاستم و چهل آیه از برائت را بر آنان خواندم. سپس بیرون آمدم تا آن که به منی رسیدیم. جمره را سنگ زدیم، شترم را قربانی کردم، سپس سرم را تراشیدم و دانستم که اهل مشعر، هنگام خطبه ابوبکر در روز عرفه نبودند. در پی آنان به خیمه ها می رفتم و آیات برائت را بر آنان می خواندم.

## تحقیقی درباره مراسم برائت از مشرکان

یکی از واجبات سیاسی حج از دیدگاه امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - اعلان برائت از مشرکین است . برای آشنا شدن با مبانی این نظریه و نقش ادای این فریضه مهم در پیشبرد اهداف و آرمان های اسلام در جهان امروز ، باید چند مسأله بررسی شود:

### 1- معنای شرک و مشرک

شرک ضدّ توحید و به معنای اعتقاد به قدرت های موهوم است . موحّد، حقیقت پرست و یکتاپرست است و مشرک ، موهوم پرست و مطیع قدرت های خیالی و پنداری است . قدرت های موهوم که مورد پرستش مشرکین قرار می گیرند، به سه دسته تقسیم می شوند و به تعبیر دیگر در جهان بینی شرک و مشرکین سه نوع بُت وجود دارد : بُت نفس ، بُت جماد و بُت قدرت های طاغوتی . قدرت موهوم، گاه بُت نفس اماره است چنان که در قرآن کریم بدان چنین اشاره شده افرأیت من اتخذ إلهه هواه . گاه بت هایی است که از جمادات می ساختند، مانند لات و هیل که پیش از بعثت پیامبر اسلام در حجاز مورد پرستش قرار می گرفتند و گاه بُت، قدرت های نامشروع و حاکمیت های طاغوتی است . امام خمینی قدس سرّه قدرت های استکباری را بت های نوین نامیده اند .

موحّد، حقیقت پرست است و یکتاپرست ، موحّد نه خود پرست است و نه جماد پرست است و نه قدرتمند پرست . موحّد فقط خدا را منشأ قدرت و اثر می داند و لذا فقط او را می پرستد و از او اطاعت می کند . موحّد فقط خدا را مالک سود و زیان می داند و لذا فقط از او استمداد می کند و از او بیم دارد ، بر هیچ قدرتی جز خدا تکیه نمی کند و از هیچ قدرتی جز خدا نمی هراسد .

مشرک ، موهوم پرست و فرمانبر قدرت های خیالی است ، گاه خود را می پرستد ، گاه ساخته خود را و گاه زورمداران جهان را و گاه هر سه را!

خطر بزرگی که امروز جوامع توحیدی را تهدید می کند ، شرک عملی به معنای سوم یعنی پرستش و فرمانبری بت های نوین و قدرت های استکباری است و فلسفه برائت از مشرکین در جهان امروز ، مبارزه با سلطه جویی قدرت های طاغوتی ، استقلال ، عزت و اقتدار مسلمین جهان است .

### 2- ادیان الهی و برائت از مشرکین

هر چند ابراهیم خلیل الرحمن - علی نبینا وآله و علیه السلام - نخستین پیامبری بود که با صراحت مسأله برائت از شرک و مشرکین را اعلام کرد و از این رو قرآن مسلمانان را به تأسی از آن بزرگوار می خواند : قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم والذین معه إذ قالوا لقومهم إنا براء منکم ومما تعبدون من دون الله... وامت اسلام در اعلان برائت از مشرکان به آن اسوه تاریخ انبیاء اقتدا کرده است ، لیکن با یک نگرش دقیق در قرآن کریم به روشنی درمی یابیم که برائت از مشرکین یکی از دو رکن اصلی توحید است و همه انبیای الهی موظف بودند در کنار دعوت مردم به پرستش الله ، آن ها را به اجتناب از قدرت های طاغوتی و برائت از مطلق شرک و مشرک دعوت نمایند : ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت .

طاغوت، تنها بت های ساخته و پرداخته عصر جاهلیت نیست، بلکه روشن ترین مصادیق آن قدرت های شرک آمیزی است که جامعه را بسوی مقصدی به جز مقصد انبیای الهی دعوت می کنند .

امام صادق علیه السلام در این باره و در توضیح کلمه طاغوت در آیه ۱۷ از سوره زمر والذین اجتنبوا الطاغوت أن یعبدوها می فرماید : من اطاع جباراً فقد عبده ، یعنی هر که از جبّاری فرمان برد، او را پرستیده است .

نکته مهم تر ، شناخت توطئه ای است پیچیده در تاریخ اسلام ، برای پنهان کردن روشن ترین مصادیق طاغوت و شرک و مشرک ، تا جوامع اسلامی از این ناحیه احساس خطر نکنند و برائت از مشرکین به برائت از بت های عصر جاهلیت اولی منحصر گردد!

امام صادق علیه السلام در عصر خود از این توطئه خطرناک پرده برداشته و با صراحت اعلام فرموده که : إن بنی امیة اطلقوا تعلیم الإیمان ولم یطلقوا تعلیم الشرک لکی إذا حملوهم علیه لم یعرفوه ، یعنی امویان تعلیم ایمان را آزاد گذاشتند و تعلیم شرک را آزاد نگذاشتند، تا اگر آنان را به شرک کشاندند آن را نشناسند .

### 3- زمان و مکان برائت از مشرکین

بی تردید، برائت از مشرکین هیچ محدودیتی از نظر زمان و مکان ندارد و بر همه مسلمین واجب است که در هر زمان و در هر مکان که ضرورت داشته باشد، برائت خود را به صورت انفرادی و اجتماعی از مشرکین اعلام نمایند . البته در صورتی که ولی امر مسلمین زمان و مکان و شکل خاصی را برای انجام این فریضه تعیین کند اطاعت ولی امر نیز واجب می گردد .

ولی مسأله مهم این است که کدام مکان و کدام زمان برای اظهار برائت عمومی مسلمین جهان از مشرکان مناسب تر و ثمر بخش تر است ؟ بی تأمل می توان گفت که خانه توحید، شایسته ترین مکان و موسم حج بهترین زمان برای اظهار برائت مسلمانان جهان از شرک و مشرکان است . امام خمینی - رضوان الله تعالی

علیه - در این باره می فرماید : کدام خانه ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و دون صفتی و نامردمی است ، عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق آلت بر بکم بت آله ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم ترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در واذان من الله ورسوله إلي الناس يوم الحج الأكبر ... زنده بماند و تکرار شود . چرا که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعلان برائت ، کهنه شدنی نیست ، و نباید تنها اعلان برائت به ایام و مراسم منحصر شود که باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند...

و چه بسا جاهلان متنسک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است ، نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان متهتک القاء کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز ، کار دنیا داران و دنیا طلبان بوده است و ورود در مسایل سیاسی آن هم در ایام حج ، دون شأن روحانیون و علما می باشد که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهان خواران بشمار می رود...

به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستی ها است و به شعار هم خلاصه نمی شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدا در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب ، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست پس مأمون و پناهگاه آنان در کجاست ؟

خلاصه ، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست و در هر عصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های متناسب خود را می طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک ، همه موجودیت توحید را به خطر انداخته اند و تمامی مظاهر ملی ، فرهنگی ، دینی و سیاسی ملت ها را بازیچه هوس ها و شهوت ها نموده اند، چه باید کرد.

آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیل های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان ها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است منع کرد؟ و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت پرستی ها منحصر به سنگ و چوب های بی جان بوده است و نعوذ بالله پیامبرانی چون ابراهیم در شکستن بت ها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده اند؟ و حال آن که تمام بت شکنی ها و مبارزات و جنگ های حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان ، مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرت ها و تحمل سختی ها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت و فدیه اسماعیل ، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن ، ختم پیام آوران ، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی ... اینی بری ء مآ تشرکون ابلاغ می نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم اصلاً در زمان معاصر ، بت و بت پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکل ها و افسون ها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه ای که بتخانه هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده اند، خبر نداشته باشد ؟

5 / 2

### حج گزاری پیامبران علیهم السلام

آدم، نوح ، خضر ، هود، صالح ، ابراهیم ، موسی ، سلیمان ، یونس ، عیسی علیهم السلام  
**3- زراره :** از امام باقر علیه السلام سؤال شد : آیا پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله خانه خدا زیارت می شد؟ فرمود : آری . نمی دانند که مردم پیشتر هم حج می گزاردند و ما به شما خبر می دهیم که آدم ، نوح و سلیمان ، همراه با جنّ و انس و پرندگان ، حج خانه خدا کرده اند . موسی علیه السلام سوار بر شتری سرخ حج گزارد ، در حالی که می گفت : لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ .  
همانا خانه خدا، همان گونه که خداوند متعال فرموده است : نخستین خانه ای که برای مردم قرار داده شد ، خانه ای است که در مکه است ، مبارک و هدایتگر جهانیان است .

**4- امام صادق علیه السلام :** چون حضرت آدم علیه السلام از منی کوچ کرد ، فرشتگانی به استقبال او آمدند و گفتند : ای آدم! حجّت قبول . ما دو هزار سال پیش از حج تو ، این خانه را زیارت (و حج) کرده ایم .

**5- امام رضا علیه السلام** به روایت از پدرانش : مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید : آدم علیه السلام

چند بار حج کرد؟ فرمود: هفتاد بار پیاده. اولین باری که حج نمود، همراهش باز شکاری بود، تا او را به آب، راهنمایی کند و همراه او از بهشت بیرون آمده بود. و از خوردن گوشت باز شکاری و پرستو نهي شده بود... پس شخص دیگری برخاست و پرسید: از آسمانیان اولین کسی که حج گزارد، که بود؟ فرمود: جبرئیل علیه السلام.

**6- ابن عباس:** چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام حج به وادی عسفان عبور کرد، فرمود: ای ابوبکر! این کدام وادی است؟ گفت: وادی عسفان. فرمود: هود و صالح نیز، سوار بر شترانی سرخ، که زمام آن ها لیف خرما بود و پوشش آنان عبا و ردایشان راه راه بود، بر این وادی گذشته اند، در حالی که لیبیک می گفتند و برای حج خانه آزاد (کعبه) می رفتند.

**7- امام باقر یا امام صادق علیهما السلام:** ابراهیم علیه السلام در میان مردم به حج ندا داد و گفت: ای مردم! منم ابراهیم، خلیل خدا. خداوند فرماتان داده است که این خانه را حج کنید، پس آن را حج کنید. پس تا روز قیامت، هرکسی که حج می کند، او را پاسخ داده. اولین کسی که دعوتش را پاسخ گفت، از اهل یمن بود. و ابراهیم علیه السلام با خانواده و فرزندان، حج گزارند.

**8- امام رضا علیه السلام:** حضرت خضر علیه السلام از آب حیات نوشید. پس زنده است و نمی میرد، تا در صور، دمیده شود و او نزد ما می آید و سلام می دهد و ما صدایش را می شنویم، ولی خودش را نمی بینیم. و همانا او در آن جا حضور می یابد که یاد شود، پس هر یک از شما که او را یاد کرد بر او سلام دهد. همانا او هر سال در موسم حج حضور می یابد و همه عبادات را انجام می دهد و در عرفات، و قوف می کند و به دعای مؤمنان آمین می گوید. و بزودی، خداوند بواسطه او وحشت قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می کند و تنهایی اش را به وسیله او وصل می کند.

**9- امام باقر علیه السلام:** موسی بن عمران علیه السلام حج گزارد، در حالی که همراهش هفتاد پیامبر از بنی اسرائیل بودند، که افسار شترشان از لیفه بود، لیبیک می گفتند و کوهها پاسخ لیبیکشان را می دادند و بر دوش موسی علیه السلام دو عبا پنبه ای بود و می گفت: لیبیک، عبدک ابن عبدک.

**10- سلیمان علیه السلام** همراه جنّ و انس و پرندگان و بادها، خانه خدا را حج نمود و بر کعبه، قباطی [۱] پوشاند.

**11- ابن عباس:** با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله میان مکه و مدینه بودیم. بر یک وادی گذشتیم. فرمود: این کدام وادی است؟ گفتند: وادی کبود. فرمود: گویا موسی را می نگریم که دو انگشت خود را بر گوش های خود نهاده و با ناله و فریاد لیبیک به خدا، از این وادی می گذرد. سپس رفتیم تا به یک تپه رسیدیم. پرسید: این کدام تپه است؟ گفتند: تپه هرشی یا لفت. فرمود: گویا به یونس می نگریم که سوار بر شتری سرخ، با جبه ای پشمین، که زمام شترش از لیف خرماست، لیبیک گویان از این وادی می گذرد.

**12- امام صادق علیه السلام:** یونس بن مٹی علیه السلام بر کناره های روحاء گذر کرد، در حالی که می گفت: لیبیک، کثّاف الکرب العظام، لیبیک. و عیسی بن مریم علیه السلام بر کناره های روحاء گذشت، در حالی که می گفت: لیبیک، عبدک و ابن امتک، لیبیک. و محمد صلی الله علیه و آله بر کناره های روحاء عبور کرد، در حالی که می گفت: لیبیک ذا المعارج لیبیک.

5 / 3

حج پیامبر صلی الله علیه و آله

**13- معاویه بن عمار:** امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ده سال در مدینه ماند و حج نکرد. سپس خداوند، این آیه را نازل فرمود: میان مردم، اعلام حج کن، مردم، پیاده و سوار بر هر مرکب لاغر، از هر راه دوری بیایند. پس به [جارچیان] دستور داد با رساترین صدایشان اعلام کنند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امسال به حج می رود. این را همه مردم مدینه و کوه نشینان و بادیه نشینان دانستند، پس گرد آمدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز حج گزارد، آنان تابع بودند، منتظر فرمان بودند تا پیروی کنند، یا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله کاری کند تا آنان هم همان کار را انجام دهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار روز از ذیقعد مانده، بیرون شد. چون به ذوالحلیفه رسید و ظهر شد، غسل کرد و بیرون شد، تا به مسجدی که نزدیک درخت است آمد. نماز ظهر را در آن جا خواند و تصمیم به حج افراد

گرفت . به راه افتاد ، تا به بیداء رسید ، نزدیک میل اول . مردم در دو ردیف ، برای او صف کشیدند . لَبَّيْكَ حج افراد را گفت و شصت و شش ، یا شصت و چهار شتر به عنوان قربانی همراه آورد ، تا آن که آخر روز چهارم ذیحجه به مکه رسید . هفت دور ، کعبه را طواف کرد و پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز خواند . سپس به طرف حجرالأسود بازگشت و دست بر آن کشید . در آغاز طواف خود نیز آن را لمس کرده بود . سپس فرمود : صفا و مروه از شعائر خداست ، از جایی آغاز کنید که خداوند آغاز کرده است . مسلمانان می پنداشتند سعی میان صفا و مروه ، از

ساخته های مشرکان است . خداوند متعال ، این آیه را نازل فرمود :

ان الصفا و المروة من شعائر الله ، فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما ؛ صفا و مروه از شعائر الهی است . پس کسی که به حج یا عمره رود ، اشکالی بر او نیست که میان آن دو را طواف کند . سپس به صفا آمد و بر بالای آن رفت و روی به رکن یمانی نمود . خدا را حمد و ثنا گفت و دعا کرد ، به اندازه ای که سوره بقره با آرامش خوانده شود . سپس به سوی مروه روان شد و آن جا نیز به اندازه توقف در صفا ایستاد ، تا آن که از سعی خود فارغ شد .

در حالی که بالای مروه بود ، جبرئیل آمد و فرمان داد که مردم را دستور دهد تا از احرام در آیند ، مگر آنان که با خود ، قربانی آورده اند . مردی گفت : آیا از احرام در آییم ، در حالی که هنوز از عبادات خویش فراغت نیافته ایم؟ فرمود : آری .

چون رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از فراغت از سعی ، بر مروه ایستاد ، روی به مردم کرد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود : این جبرئیل است [و با دست ، اشاره به پشت سر خود کرد ] که فرمانم می دهد که دستور دهم هر که قربانی همراه نیاورده ، از احرام در آید . اگر من نیز این را پیشتر می دانستم ، آنچنان می کردم که به شما دستور می دهم ، ولی من قربانی همراه آورده ام و برای کسی که قربانی آورده ، روا نیست که از احرام در آید ، تا آن که قربانی به محلّ خود برسد .

مردی از آن میان گفت : آیا ما به عنوان حاجیان بیرون آییم ، در حالی که از موهای ما آب [۲] بچکد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود : اما تو ، پس از این هرگز ایمان نخواهی آورد! سراقه بن مالک کنانی گفت : یا رسول الله! دینمان را به ما چنان بیاموز که گویی امروز آفریده شده ایم . این که فرمودی ، برای امسال است ، یا برای آینده؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : برای همیشه است ، تا روز قیامت . آنگاه انگشتانش را در هم فرو برد و فرمود : تا روز قیامت ، عمره را داخل حج کردم .

علی علیه السلام از یمن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله که در مکه بود وارد شد . نزد فاطمه علیها السلام رفت ، در حالی که از احرام در آمده بود و بوی خوش به مشام علی علیه السلام رسید و بر تن فاطمه علیها السلام جامه های رنگی دید . گفت : ای فاطمه! این چه کاری است؟ فاطمه علیها السلام گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین دستور داد . علی علیه السلام خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت ، در حالی که نسبت به فاطمه علیها السلام حالت سؤال و عتاب داشت و گفت : یا رسول الله! فاطمه را دیدم که از احرام در آمده و لباس های رنگی بر تن داشت . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : من به مردم چنین دستور دادم و تو یا علی! چگونه احرام بستنی؟ گفت : یا رسول الله ، گفتیم : مُحْرَم می شوم ، به همان نحو که رسول خدا صلی الله علیه و آله احرام بسته است . آن حضرت فرمود : پس مانند من بر احرامت باقی بمان ، تو در قربانی من ، شریک منی .

امام صادق علیه السلام فرمود: پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش در مکه ، در وادی شهر فرود آمدند و وارد خانه ها نشدند . چون روز ترویبه (هشتم ذیحجه) فرا رسید ، هنگام ظهر به مردم دستور داد که غسل کنند و برای حج ، محرم شوند . و این همان سخن خداوند است که بر پیامبرش نازل فرمود : فَاتَّبِعُوا مَلَّةَ اِبْرَاهِيمَ: از آیین ابراهیم پیروی کنید . رسول خدا و اصحاب با حالت احرام حج بیرون آمدند ، تا آن که به منی رسیدند . حضرت ، نماز ظهر ، عصر ، مغرب ، عشاء و صبح را آن جا خواند ، سپس اول روز ، همراه مردم حرکت کرد . قریش ، پیشتر از مزدلفه کوچ می کردند و نمی گذاشتند مردم از آن جا کوچ کنند . رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد ، در حالی که قریش ، امید داشتند که کوچ پیامبر صلی الله علیه و آله از جایی باشد که آنان می روند . خداوند ، این آیه را بر پیامبرش نازل فرمود : سپس از آن جا کوچ کنید که مردم کوچ می کنند و از خداوند ، آمرزش بطلبید . یعنی ابراهیم ، اسماعیل و اسحاق و پس از آنان که از آن جا کوچ می کردند . قریش ، چون دیدند که هودج پیامبر صلی الله علیه و آله عبور کرد ، گویا چیزی در دلشان وارد شد ، به خاطر آن که امید داشتند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از محلّ کوچ آن ها ، کوچ کند . تا آن که به نمره رسیدند ، که وادی عرنه است ، در مقابل اراک . [3] رسول خدا صلی الله علیه و آله

خیمه زد . مردم هم خیمه هایشان را آن جا زدند . چون ظهر شد ، رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمد ، در حالی که قریش همراه او بودند و غسل کرد و لَبَّيْكَ گفتن را قطع نمود ، تا آن که در مسجد ایستاد و مردم را موعظه و امر و نهی فرمود . آنگاه نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه خواند و به موقف رفت و وقوف کرد . مردم شتابان شروع کردند به فرود آمدن و وقوف در نزدیکی محلّ گام های شتر پیامبر . آن



حضرت ، ناقه را دورتر برد ، آنان نیز چنان کردند . پس فرمود : ای مردم! موقوف ، تنها جای گام های شتر من نیست! همه این منطقه و با دست به موقوف اشاره فرمود [موقوف است . پس مردم پراکنده شدند . در مزدلفه نیز چنین کرد، وقوف نمود تا آن که قرص خورشید غروب کرد . آنگاه کوچ کرد و مردم را به آرامش فرا خواند . تا آن که به مزدلفه، که همان مشعرالحرام است رسید . نماز مغرب و عشاء را ، با یک اذان و دو اقامه خواند و آن جا ماند ، تا آن که نماز صبح را آن جا برگزار کرد و شبانه ضعیفای بنی هاشم را زودتر به منی فرستاد و به آنان دستور داد جمره عقبه را سنگ نزنند ، تا خورشید طلوع کند . پس چون روز ، روشن شد ، کوچ کرد تا به منی رسید . جمره عقبه را سنگ زد پیامبر صلی الله علیه و آله ، شصت و چهار ، یا شصت و شش قربانی آورده بود . علی علیه السلام هم سی و چهار ، یا سی و شش قربانی آورده بود . رسول خدا صلی الله علیه و آله شصت و شش شتر ، قربانی کرد و علی علیه السلام سی و چهار شتر . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستور داد از هر قربانی ، پاره ای از گوشت آن را بردارند و در ظرفی نهاده ، بپزند . پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام از آن خوردند و از آبگوشت آن تناول نمودند و به قصاب ها چیزی از پوست ، شکمبه ها و . . . آن ها نداد و آن را صدقه داد . پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را تراشید و خانه خدا را زیارت کرد و به منی بازگشت و تا روز سوم از روزهای تشریق در منی ماند ، سپس جمره ها را سنگ زد و کوچ کرد تا به وادی مکه رسید . عایشه گفت : یا رسول الله ! همسرانت با حج و عمره برگردند و من تنها با حج برگردم ؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن وادی ماند و عبدالرحمن بن ابی بکر را همراه عایشه به تنعیم فرستاد . عایشه از آن جا احرام عمره بست . سپس آمد و خانه خدا را طواف کرد و کنار مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز خواند و میان صفا و مروه سعی کرد ، آنگاه پیش پیامبر صلی الله علیه و آله رفت . رسول خدا صلی الله علیه و آله همان روز کوچ کرد و دیگر وارد مسجد الحرام نشد و کعبه را طواف نکرد . (هنگام آمدن) از بالای مکه ، از گردنه مدنی ها وارد شد ، و از پایین مکه از ذی طوی خارج گشت .

5 / 4

#### فضیلت حج نیابتی

**14- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** خدای متعال ، بایک حج ، سه گروه را وارد بهشت می کند : مرده ، کسی که از او حج نیابتی کرده و کسی که برای او نایب گرفته است .

**15- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** یک حج به نیابت از مرده ، سه حج است : حجی برای مرده ، حجی برای نابیش و حجی برای عمل کننده به وصیت مرده .

**16- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** کسی که از طرف یک مرده حج انجام دهد ، هم برای آن مرده و هم برای حج گزار ، رهایی از آتش نوشته می شود .

**17- سوده ، دختر زمه :** مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : پدرم پیرمردی که هفتاد و سه سال است و نمی تواند حج برود . حضرت فرمود : اگر پدرت قرضی داشت ، آیا از طرف او ، آن را ادا می کردی؟ گفت : آری . فرمود : خدای مهربان تراست ، از طرف پدرت حج بگزار .

**18- ابن مسکان از امام صادق علیه السلام :** روایت می کند که به آن حضرت عرض کردم : کسی به نیابت از دیگری حج می گزارد ، چه پاداشی و ثوابی برای اوست؟ فرمود : کسی که به نیابت از دیگری حج می کند ، پاداش ده حج دارد .

**19- شیخ صدوق :** از امام صادق علیه السلام پرسیدند : مردی که از طرف دیگری حج انجام می دهد ، چه اجر و ثوابی دارد؟ فرمود : برای کسی که از طرف دیگری حج می کند ، پاداش ده حج است و خودش ، پدر و مادرش ، پسر و دخترش ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله اش آمرزیده می شوند ، خداوند ، بی نیاز و بزرگوار است .

**20- عبد الرحمن بن سنان :** خدمت امام صادق علیه السلام بودم ، که مردی به حضور وی آمد . حضرت سی دینار به او پرداخت ، که به نیابت از اسماعیل (فرزند امام صادق علیه السلام) حج انجام دهد و چیزی از عمره تا حج نماند ، مگر آن که بر او شرط کرد که انجام دهد ، حتی شرط کرد که در وادی محسر هم سعی



(تند رفتن بصورت هروله (انجام دهد . سپس فرمود : فلانی! اگر این کارها را انجام دهی ، برای اسماعیل که از مال خود ، خرج حج کرده است ، یک حج است ، و برای تو که بدن خود را به رنج می افکنی ، نه حج خواهد بود.

**21- حازم بن حبیب :** خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم : خدا خیرت دهد! پدر و مادرم از دنیا رفته اند و حج انجام نداده اند . خداوند هم به من روزی داده و احسان کرده است ، درباره حج از طرف آن دو ، چه نظر می دهی؟ فرمود : چنین کن . این حج ، برای آن دو شادی بخش و گوارا خواهد بود.

**22- فضل بن هشام هروی :** برایم گفته شده که محمودی [ ۴ ] زیاد به حج می رود . از او پرسیدم که چند بار به حج رفته است ، تعداد آن ها را به من نگفت و گفت : الحمد لله ، زیاد نصیب شده است . گفتم : از طرف خودت حج به جا می آوری ، یا به نیابت از دیگری؟ گفت : بعد از حج واجب ، از طرف دیگران حج کرده ام ، از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله حج می گزارم و آنچه را که خداوند به من جایزه داده است ، برای دوستان او قرار می دهم و آنچه را که خداوند بر این کارم به من پاداش دهد ، به زنان و مردان با ایمان می بخشم.

گفتم : در حج خود چه می گویی؟ گفت : می گویم : خدایا! از سوی پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله احرام می بندم و جزای خودم را از سوی تو و او ، برای اولیای پاک تو قرار می دهم و پاداش این هدیه ام را به بندگان مؤمن تو هدیه کردم ، طبق کتاب تو و سنت پیامبرت . . . تا آخر دعا.

5 / 5

#### فضیلت حج بردن کودک

**23- جابر بن عبدالله :** زنی ، در حج ، فرزند خردسال خود را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بلند کرد و پرسید: یا رسول الله! آیا این هم حج دارد؟ فرمود: آری! و تو پاداش داری.

24- زراره از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام : هرگاه کسی کودک خردسال خود را به حج آورد ، به او دستور دهد که لَبَّیک گوید و حج را واجب کند . اگر خوب نتوانست لَبَّیک گوید ، از طرف او لَبَّیک گوید ، او را طواف دهد و از طرف او نماز بخواند . گفتم : چیزی ندارند که قربانی کنند . فرمود : از جانب کودکان قربانی کنند و بزرگترها روزه بگیرند و کودک را از آنچه بر مُحرم حرام است ، از لباس و بوی خوش ، پرهیز دهند . و اگر صیدی را کشت ، کفاره اش بر پدر اوست.

**25- عبدالرحمن بن حجاج :** در آن سال ، ما مجاور مکه بودیم و روز ترویبه (هشتم ذیحجه) خواستیم احرام ببندیم . از امام صادق علیه السلام پرسیدیم : همراه ما فرزند خردسالی است . حضرت فرمود : به مادرش بگوئید با حمیده [ ۵ ] دیدار کند و از او بپرسد که با کودکانش چه کند . آن زن رفت و از حمیده پرسید . حمیده به او پاسخ داد : چون روز ترویبه شود ، کودک را عریان کنید ، غسلش دهید ، همانگونه که مُحرم عریان می شود . سپس از طرف او احرام ببندید و او را در موقف ها هم وقوف دهید . روز عید قربان ، از طرف او به جمرات سنگ بزنید و سرش را بتراشید ، سپس او را به زیارت خانه خدا ببرید و به خدمتکار بگوئید که او را دور خانه خدا و بین صفا و مروه ، طواف دهد.

5 / 6

#### یاری رساندن به خانواده حج گزار

**26- امام سجاد علیه السلام :** کسی که (در غیاب حج گزار) به خانواده و اموالش رسیدگی کند ، اجری چون او دارد . تا حدّی که گویی سنگ های کعبه را لمس کرده است.

**27- امام صادق علیه السلام :** دعای سه گروه مستجاب است : حج گزاران ، پس ببیند که چگونه به خانواده آنان رسیدگی می کنید و جنگجویان در راه خدا ، پس بنگرید که چگونه به خانواده او سرکشی می کنید و بیمار ، پس او را خشمگین و افسرده نکنید.

5 / 7

#### حاجیان چه اندکند!

28- ابوالعزیز کنندی از مردی قرشی نقل می کند : در آستانه کعبه بودیم و امام صادق علیه السلام نشسته بود . به او گفته شد: حجاج چه بسیارند! فرمود: حج گزار چه کم است! پس عمر بن ابی مقدم عبور کرد، فرمود:

این از حاجیان است.

**29- عبد الکریم بن کثیر :** با امام صادق علیه السلام حج گزاردم . بخشی از راه را رفته بودیم که حضرت، بالایی کوهی رفت و از آن جا به مردم نگاه کرد و فرمود:  
ناله ها چه بسیار است و حاجیان چه اندک!

## پانویس ها

- (1) نوعی پارچه سفید و نازک ، که از مصر می آوردند.
- (2) یعنی ما بتوانیم آمیزش داشته و غسل جنابت کرده باشیم ؟
- (3) نام محلی است در نزدیکی نمره در عرفات.
- (4) محمودی از بزرگان معاصر امام عسکری علیه السلام بوده و ایشان در نامه اش به اسحاق بن اسماعیل می نویسد : این را برای محمودی هم بخوان ، خدا عافیتش دهد ، چه قدر او را به خاطر طاعتش می ستاییم ! و نیز محمودی خود می گوید : امام جواد علیه السلام پس از وفات پدرم برای من نوشت : پدرت از دنیا رفت . خدا از او و از تو راضی باد . او نزد ما همچنان بر حالت پسندیده است و تو از این حال ، هرگز دور نخواهی شد
- (5) همسر امام صادق علیه السلام

## 6 / 1

### فضیلت عمره

- 1- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** در نامه اش به عمرو بن حزم، آنگاه که او را به امارت نجران برگزید، فرمود: عمره، حج اصغر است.
- 2- **عمر بن اذینه :** از امام صادق علیه السلام درباره کلام خدا الحجّ الأكبر پرسیدم. فرمود: حج اکبر، و قوف در عرفات و رمی جمرات است و حج اصغر، عمره است.
- 3- **معاویة بن عمار :** از امام صادق علیه السلام درباره روز حجّ اکبر پرسیدم. فرمود: روز عید قربان است و حج اصغر، عمره است.
- 4- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** بدان که عمره، همان حج اصغر است و یک عمره، بهتر از دنیا است و آنچه در آن است و یک حج، بهتر از عمره است.
- 5- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** پاداش حج، بهشت است و عمره، کفاره هر گناه است.
- 6- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** عمره تا عمره دیگر، کفاره (گناهان) میان آن دو عمره است.
- 7- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هر کس حج یا عمره انجام دهد و گناه نکند، باز می گردد، مثل حالت روزی که مادرش او را به دنیا آورده است.
- 8- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** چهار نفرند که دعایشان ردّ نمی شود، تا آن که درهای آسمان برایشان گشوده شود و دعایشان به عرش برسد: پدر برای فرزند، ستمدیده بر ستمگر، عمره گزار تا آن که باز گردد و روزه دار تا آن که روزه بگشاید.
- 9- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** جهاد بزرگ و کوچک و ناتوان و زن ، حج و عمره است.
- 10- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** حج، جهاد است و عمره، مستحبّ است.

**11- جابر :** از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره عمره پرسیدند که آیا واجب است، فرمود: نه، ولی عمره انجام دادن برتر است.

**12- عبدالرحمن بن سمره :** روزی در حضور پیامبر خدا بودیم. فرمود: دیشب شگفتیهایی دیدم! پرسیدیم: چه دیدی ای پیامبر خدا؟ برایمان بازگو، جانمان و خانواده و فرزندانمان فدایت. فرمود: مردی از امتم را دیدم که مقابلش تاریکی و پشت سرش تاریکی بود، از سمت راست و چپش و از زیر پایش ظلمت بود، غرق در تاریکی بود. پس حج و عمره او آمدند و او را از تاریکی رها کرده، وارد نور کردند.

**13- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرکس به قصد عمره بیرون شود پس بمیرد، تا قیامت برای او پاداش عمره گزار نوشته می شود.

**14- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -** وقتی عایشه به عمره می رفت، به او فرمود: - پاداش تو به اندازه رنجی است که می بری و خرجی است که می کنی.

**15- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** عمره نسبت به حج، مثل جایگاه سر نسبت به پیکر و مثل زکات (فطره) نسبت به روزه است.

**16- زراره :** به امام باقر علیه السلام گفتم: چه چیزی در فضیلت، پس از حج است؟ فرمود: عمره مفرده، سپس هر جا که خواست، برود.

**17- امام کاظم علیه السلام :** خداوند، نماز واجب را با نماز مستحب (نافله) کامل ساخت و روزه ماه رمضان را با روزه مستحب، و حج را با عمره کامل نمود و زکات را با صدقه.

نکته  
1- شایع است هر گاه روز عرفه با جمعه مصادف شود، حج آن سال، حج اکبر نامیده می شود. ولی در روایات اسلامی مستندی برای این توهم نیافتیم، حج اکبر در لسان احادیث حج مشتمل بر وقوفین و مناسک منی است در مقابل حج اصغر که به عمره مفرده اطلاق می شود.  
2- يوم الحج الأكبر که در آیه سوم سوره بقره آمده است، در بسیاری از روایات تطبیق به يوم النحر شده و در برخی يوم عرفه ذکر شده است.

6 / 2

هر ماه یک عمره

**18- امام صادق علیه السلام :** علی علیه السلام می فرمود: در هر ماه، یک عمره است.

**19- امام صادق علیه السلام :** سال، دوازده ماه است، برای هر ماه، یک عمره انجام می شود.

**20- علی بن حمزه از امام کاظم علیه السلام** روایت کرده است: برای هر ماه، یک عمره است. پرسیدم: برای کمتر از آن هم می شود؟ فرمود: برای هر ده روز، یک عمره است.

بیان

علامه مجلسی می گوید: باران در این مسئله، اختلاف نظر دارند. سید مرتضی و ابن ادریس و محقق و گروهی، پی در پی آوردن دو عمره را به هر گونه، روا دانسته اند و ابن ابی عقیل می گوید: دو عمره در یک سال جایز نیست. شیخ در مبسوط می گوید: کمترین فاصله میان دو عمره، ده روز است و ابوالصلاح و ابن حمزه و محقق در کتاب النافع و علامه در کتاب مختلف الشیعه، این فاصله را یک ماه دانسته اند و می توان در استدلال به روایات [۱] خدشه کرد که صراحت در منع از تکرار عمره در یک ماه ندارند، زیرا ممکن است معنای اختصاص به یک ماه این باشد که انجام عمره در هر ماه، مستحب مؤکد است. [و سعی شود کمتر از این نشود.]

صاحب جواهر نیز می گوید: کمترین فاصله میان دو عمره، ده روز است و این رأی مختار آن چه از تحریر نقل شده می باشد. تذکره، منتهی، ارشاد و تبصره است.

امام خمینی قدس سره می فرماید: در مقدار فاصله میان دو عمره اختلاف کرده اند. احتیاط آن است که در فاصله کمتر از یک ماه عمره را به امید ثواب، بیاورند.

6 / 3

#### فضیلت عمره در ماه رجب

21- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین عمره، عمره رجب است.

22- امام صادق علیه السلام : عمره گزار، در هر یک از ماه های سال می تواند عمره انجام دهد و برترین عمره، عمره رجب است.

23- شیخ طوسی از امامان علیهم السلام نقل کرده است: عمره ماه رجب، در فضیلت، پس از حج است.

24- معاویه بن عمّار : از امام صادق علیه السلام پرسیدند: کدام عمره برتر است؟ عمره رجب یا عمره در رمضان؟ فرمود: نه، بلکه عمره در ماه رجب با فضیلت تر است.

25- امام صادق علیه السلام : اگر احرام بستنی و از ماه رجب هنوز یک شبانه روز باقی است، عمره تو رجبیه است.

26- علی بن جعفر : از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: عمره رجب چیست؟ فرمود: هرگاه در ماه رجب احرام بستنی - هر چند یک روز از آن باشد - عمره رجب را درک کرده ای، اگر چه در ماه شعبان برسی، چرا که اگر در ماه رجب احرام بستنی، عمره رجب است.

6 / 4

#### فضیلت عمره در ماه رمضان

27- یوسف بن عبدالله بن سلام از مادر بزرگش - ام معقل - نقل کرده: چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آخرین حج را انجام داد، ما را شتر می بود که ابو معقل آن را در راه خدا قرار داده بود و به ما بیماری رسید و ابو معقل از دنیا رفت و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای حج بیرون آمد. چون از حج خود فارغ شد، خدمتش رسیدم. فرمود: ای ام معقل! چه شد که با ما به حج نیامدی؟ گفتم: آماده شده بودیم که ابو معقل از دنیا رفت، شتر می داشتیم که با آن به حج می رفتیم. ابو معقل وصیت کرد که در راه خدا مصرف شود. فرمود: چرا با آن شتر به حج نیامدی؟ حج هم راه خداست! پس حال که حج با ما را از کف دادی، پس در ماه رمضان به عمره برو که همچون حج است. پس ام معقل می گفت: حج، حج است و عمره، عمره است. این را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم فرمود، نمی دانم که آیا تنها برای من چنین است؟

28- ولید بن صبیح : به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به ما چنین رسیده که عمره در ماه رمضان با حج برابر است. فرمود: این در مورد زنی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان عمره بگزار، که برای تو یک حج است.

29- حمّاد بن عثمان : هرگاه امام صادق علیه السلام می خواست عمره برود، منتظر صبح روز بیست و سوم ماه رمضان می شد، آنگاه همان روز، احرام بسته بیرون می شد.

30- علی بن حدید : در سال ۲۱۳ در ماه رمضان ساکن مدینه بودم. چون عید فطر نزدیک شد، به امام جواد علیه السلام نوشتم و از او پرسیدم که برای عمره ماه رمضان بیرون شوم برتر است، یا آن که صبر کنم تا ماه به پایان برسد و همه روزه هایم را بگیرم؟ نامه ای به خط خویش برایم نوشت: رحمت خدا بر تو، پرسیدی که کدام عمره برتر است، عمره ماه رمضان برتر است. خدای رحمتت کند.

6 / 5

#### عمره مفرده در ماه های حج

31- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که در ماه های حج [۲] عمره انجام دهد و برگردد و حج انجام ندهد، این عمره مفرده است و اگر حج انجام دهد، عمره اش تمتع است.

32- امام صادق علیه السلام : امام حسین علیه السلام در ذی حجه عمره انجام داد. سپس روز ترویبه (هشتم

ذی حجّه) به سوی عراق حرکت کرد، در حالی که مردم به سوی منی می رفتند و کسی که نخواهد حج انجام دهد، عمره در ذی حجّه برای او اشکالی ندارد.

**33- امام صادق علیه السلام :** عمره مفرده در ماه های حج اشکالی ندارد. سپس به سوی خانواده خود بر می گردد.

34- عمره مبتوله (بریده) آن است که شخص، خانه خدا را طواف کند و سعی و صفا و مروه انجام دهد و از احرام درآید. پس اگر خواست همان ساعت برگردد، بر می گردد و کوچ می کند.

6 / 6

**عمره های پیامبر صلی الله علیه و آله**

**35- امام صادق علیه السلام :** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه عمره جدا جدا انجام داد: یکی عمره ای در ذی قعدة که از عُسفان احرام بست که عمره حدیبیه است، یکی عمره ای که از جُحفه محرم شد که عمره قضا بود، یکی هم عمره ای که پس از بازگشت از جنگ حنین و طائف، از جعرانه احرام بست.

**36- ابن عباس :** پیامبر صلی الله علیه و آله چهار عمره انجام داد: عمره حدیبیه، عمره قضا در سال بعد، سوم از جعرانه و چهارم همراه با حج خود.

**37- ابو اسحاق :** از مسروق، عطاء و مجاهد پرسیدم. گفتند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ذی حجّه پیش از آن که حج بگزارد، عمره کرد. و از براء بن عازب شنیدم که می گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوبار در ماه ذی قعدة پیش از آن که حج گزارد، عمره کرد.

**38- محرّش کعبی :** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، شبانه به قصد عمره از جعرانه بیرون آمد. شب به مکه رسید، عمره اش را انجام داد. همان شب بیرون شد و صبح در جعرانه بود، همچون کسی که شب را آن جا باشد، هنگام ظهر فردا از وسط سرف [۳] بیرون شد، تا آن که از راه اصلی آمد، راه جمع (مزدلفه) در میان سرف. از این رو عمره او بر مردم پوشیده ماند.

بیان در باره تعداد و زمان عمره های حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، روایات مختلفی نقل شده است که می توان از مجموع آن ها نتیجه گرفت که آن حضرت، سه عمره مفرده انجام داده است و روایاتی که عمره های حضرت را چهار بار گفته اند، عمره حضرت در حجّة الوداع را نیز به آن ها افزوده اند و احادیثی که آن ها را دو بار دانسته اند، تنها عمره های آشکار حضرت را بیان نموده اند. به عبارت دیگر حضرت پس از پیکار حنین، در شب از جعرانه به مکه آمد و پس از انجام عمره به جعرانه بازگشت و صبح، مانند دیگران از خواب برخاست، از این رو عمره ایشان بر بسیاری پوشیده ماند. محدثان، بیشتر زمان وقوع عمره های حضرت را در ماه ذی قعدة دانسته اند و برخی شوال و رجب را نیز افزوده اند.

## پانویس ها

- (۱) روایاتی که برای هر ماه، یک عمره را جایز دانسته اند.
- (۲) ماه های حج عبارت است از: شوال، ذی قعدة، ذی حجّه.
- (۳) سرف: جایی نزدیک به تنعیم در ده میلی مکه است.

1 / 1

نام های مدینه

**1- ابن عمر :** هرگز پیامبر در بازگشت از هیچ سفری، بر مدینه مُسرف نشد، مگر آن که فرمود: ای پاک! ای سرور شهرها!

**2- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** خدای متعال، مرا فرمان داد که مدینه را طیبه (پاک) بنامم.

3- **ابوحمید** : همراه پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک آمدیم. چون به مدینه رسیدیم، فرمود: این طابه (پاک) است.

4- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : خدای متعال، مدینه را طابه (پاک) نامیده است.

5- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : مدینه ده نام دارد: مدینه، طَبَّیْه، طابه، مسکینه، جَبَار، محبوره، بندق و یثرب.

#### نکته ای پیرامون نام های مدینه

مورخان و سیره نویسان ، نام های فراوانی برای مدینه برشمرده اند از جمله سمهودی در وفاء الوفا نود و چهار اسم ذکر می کند که به بعضی از آن ها در قرآن هم اشاره شده است ، مانند یثرب والمدینه . گفتنی است واژه مدینه چهارده بار در قرآن به کار رفته است، ولی فقط چهار مورد آن به مدینه النبی صلی الله علیه و آله اشاره دارد.

1 / 2

ویژگی های مدینه

الف - حرم پیامبر

6- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : هر پیامبری را، حرمی است و حرم من، مدینه است.

7- **سهل بن حنیف** : رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست خویش به مدینه اشاره کرد و فرمود: آن، حرمی ایمن است.

8- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : حضرت ابراهیم، مکه را گرامی داشت و برای آن دعا کرد. من نیز مدینه را گرامی داشته و حرمت نهادم، آن گونه که ابراهیم ، مکه را حرمت نهاد. من برای مُدّ و صاع [۱] مدینه دعا کردم، آن گونه که ابراهیم برای مکه دعا کرد.

9- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : پروردگارا، ابراهیم، مکه را حرمت نهاد و آن را حرم قرار داد. من نیز مدینه را؛ محدوده دو تنگه آن را حرمت می نهم و حرام می کنم، تا خونی در آن ریخته نشود، سلاح برای جنگ، همراه برداشته نشود و گیاه آن جز برای علوفه دام چیده نشود. خدایا، مدینه را بر ما مبارک گردان، خدایا، پیمانمان ما را (مُدّ و صاع) پربرکت گردان. خدایا، مدینه ما را پر برکت گردان. خدایا با یک برکت، دو برکت قرار بده. سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ درّه و شکافی در مدینه نیست، مگر آن که دو فرشته مأمور نگهبانی از آنند، تا وارد آن شوید.

10- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : مدینه، حرم است، از عائر تا فلان جا، هرکس در آن قتلی مرتکب شود، یا قتلی را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد. از او هیچ توبه و فدیة ای پذیرفته نمی شود.

11- **امام علی علیه السلام** : مکه، حرم خداست و مدینه، حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

12- **امام صادق علیه السلام** : مکه، حرم ابراهیم علیه السلام است و مدینه، حرم محمد صلی الله علیه و آله است.

ب - هجرت گاه پیامبر

13- **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله** : مدینه، هجرت گاه و آرامگاه من در زمین است. بر امت من است که همسایگانم را تا وقتی که از گناهان کبیره پرهیز می کنند، احترام کنند.

ج - محبوب پیامبر

14- **انس** : هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر می آمد و نگاهش به دیوارهای مدینه می افتاد، از شوق مدینه، وسایلش را بر زمین می نهاد و اگر سواره بود، مرکب خود را حرکت می داد.

15- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدایا! ابراهیم، دوست و بنده و پیامبر توست، برای اهل مکه تو را خواند. من، محمد، بنده و پیامبر و فرستاده توام و برای اهل مدینه تو را می خوانم، مثل آنچه ابراهیم برای اهل مکه خواست. تو را می خوانیم که پیمانۀ و میوه آنان را برکت دهی. خدایا، مدینه را محبوب ما گردان، آن چنان که مکه را محبوب ما ساختی.

د - فُتِّه اسلام

16- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مدینه، گنبد اسلام و خانه ایمان و سرزمین هجرت و جایگاه حلال و حرام است.

17- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ایمان به مدینه باز می گردد، آنگونه که مار به لانه خود باز می گردد.

هـ - فتح با قرآن

18- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آبادی ها با شمشیر فتح شد، ولی مدینه با قرآن فتح شد.

و - زداینده پلیدی

19- زید بن ثابت: گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از احد بازگشتند و مردم درباره آنان دو دسته شدند گروهی می گفتند: آنها را بکشید و گروهی می گفتند: نکشید. پس این آیه نازل شد: شما را چیست که درباره منافقین دو گروهید و فرمود: مدینه پاک است، پلیدی ها را می زداید، آنگونه که آتش، چرک های نقره را می زداید.

1 / 3

فضیلت اقامت در مدینه

20- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مدینه، بهتر از مکه است.

21- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رمضان در مدینه بودن، بهتر از هزار رمضان در شهرهای دیگر است و جمعه در مدینه، بهتر از هزار جمعه در شهرهای دیگر است.

22- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که بتواند در مدینه بمیرد، پس چنین کند. من برای کسی که در مدینه بمیرد شفاعت می کنم.

23- حسن بن جهم: از حضرت ابوالحسن علیه السلام پرسیدم: کدام یک برتر است، ماندن در مکه یا مدینه؟ فرمود: تو چه می گویی؟ گفتیم: سخن من در برابر کلام شما چه می تواند باشد! فرمود: سخن تو، تو را به کلام من بر می گرداند. گفتیم: اما من، می پندارم اقامت در مدینه، بهتر از مکه است. فرمود: تو که چنین می گویی، امام صادق علیه السلام نیز روز عید فطر این را فرمود. و نزد (مرقد) پیامبر آمد و در مسجد بر او سلام کرد سپس فرمود: امروز ما با سلام دادنمان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، از مردم دیگر برتریم.

24- مرزم: من و عمار و گروهی، در مدینه خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. حضرت پرسید: اقامت شما چه مقدار است؟ عمار گفت: مرکب سواری خود را رها کردیم و دستور دادیم پانزده روز دیگر سراغ ما بیابند. فرمود: به اقامت در شهر پیامبر خدا و نماز در مسجد او نائل شده اید. برای آخرتتان کار کنید، برای خودتان بیشتر کار کنید. گاهی کسی در دنیا زرنگ است و گفته می شود: فلانی چه قدر زرنگ است! همانا زرنگ، زرنگ آخرت است!

1 / 4

آداب مدینه

25- امام صادق علیه السلام : هرگاه وارد مدینه شدي، پیش از ورود یا هنگام ورود، غسل کن.

26- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز در مسجد قبا، مانند یک عمره است.

27- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس بیرون آید تا به این مسجد - مسجد قبا - بیاید و در آن نماز بخواند،

برای او پاداشی برابر عمره است.

**28- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هر کس وضو بگیرد و خوب وضو بگیرد سپس به قصد مسجد قبا بیرون آید و جز آن را قصد نکند و انگیزه ای از این آمدن جز نماز در مسجد قبا نداشته باشد، پس در آن چهار رکعت نماز بخواند که در هر رکعت سوره حمد را بخواند، پاداشی دارد، همچون پاداش کسی که برای عمره به خانه خدا رفته است.

**29- جابر :** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خربه، مسجد قبلتین و مسجد بنی حرام که در دشت بود، نماز خواند.

**30- حلبی :** امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به مسجد قبا، یا مسجد فضیخ، یا مشربه ام ابراهیم رفته اید؟ گفتیم: آری. فرمود: آگاه باشید که از آثار پیامبر خدا، جز این ها باقی نمانده است.

**31- معاویه بن عمار :** امام صادق علیه السلام فرمود: رفتن به همه مشاهد و اماکن را ترک نکن، مانند مسجد قبا، مسجدی که از نخستین روز بر تقوا بنا شده است، مشربه ام ابراهیم، مسجد فضیخ، قبور شهیدان و مسجد احزاب که همان مسجد فتح است. فرمود: بما چنین رسیده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه به زیارت قبر شهدا می رفت، می گفت:

سلام بر شما به خاطر صبری که کردید، پس خانه آخرت چه نیکوست !  
کنار مسجد فتح، دعای تو چنین باشد:

ای فریاد رس گرفتاران، ای پاسخ دهنده دعای بیچارگان، اندوه و غم و ناراحتی مرا بزدا، آن گونه که از پیامبرت اندوه و غم و گرفتاری اش را زدودی و در این مکان از هراس دشمن او را کفایت کردی.

**32- عقبه بن خالد :** از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ما سراغ مساجد اطراف مدینه می رویم. از کدام یک آغاز کنیم؟ فرمود: از قبا آغاز کن، در آن نماز بخوان، زیاد هم بخوان، چرا که نخستین مسجدی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این پهنه در آن نماز خوانده است. سپس به مشربه ام ابراهیم برو و در آن نماز بخوان، آن جا محل سکونت و نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بوده است. سپس به مسجد فضیخ رفته در آن نماز می خوانی، که پیامبرت در آن نماز خوانده است، این طرف را که انجام دادی به سمت احد رفته از مسجدی که پایین حرّه [۲] است شروع می کنی و در آن نماز می خوانی. سپس به قبر حمزه بن عبدالمطلب گذشته بر او سلام می دهی، آنگاه بر قبور شهدا گذشته، کنار آن ها می ایستی و می گویی:

سلام بر شما ای اهل این دیار! شما پیشتاز مایید و یقیناً ما هم به شما خواهیم پیوست.  
آنگاه به مسجدی که در آن مکان باز، کنار کوه، سمت راست تو وقتی که وارد احد می شوی می آیی و در آن نماز می خوانی. پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار این مسجد به سمت احد بیرون آمد، وقتی که با مشرکان برخورد کرد، آن جا بودند تا آن که وقت نماز رسید و در آن نماز خواند. سپس دوباره بر می گردی کنار قبور شهدا، نماز واجب خود را می خوانی. آنگاه به طرف جلو و رو به روی خود برو تا به مسجد احزاب رسی در آن نماز خوانده و خدا را بخوانی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز جنگ احزاب، در آن دعا کرد و گفت: ای فریادرس گرفتاران، ای پاسخگوی دعای بیچارگان، ای پناه غمگینان! اندوه و رنج و غصه مرا بزدا، حال من و حال یاران مرا می بینی.

1 / 5

مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

الف - بنای آن

**33- امام صادق علیه السلام :** رسول خدا صلی الله علیه و آله مسجد خویش را با خشت های یک ردیفه ساخت. چون مسلمانان زیاد شدند، گفتند: یا رسول الله! کاش فرمان دهی بر مسجد بیفزایند فرمود: باشد. دستور داد بر آن افزودند و از یک خشت و نیم بنا کرد. باز هم مسلمانان زیاد شدند و گفتند: یا رسول الله! کاش دستور دهی مسجد را بزرگ کنند. فرمود: باشد. دستور داد آن را بزرگ کردند و دیوار آن را با دو ردیف خشت بنا کرد. سپس گرما بر آنان شدت یافت. گفتند: یا رسول الله! کاش دستور می دادی سایه بانی بر مسجد می زدند. دستور داد تا ستون هایی از تنه درخت خرما بر پا کردند، سپس چوب های پهن، شاخ و برگ خرما و [ذخر] [۳] بر آن افکندند و در آن به سر بردند، تا آن که باران ها به آنان رسید و از مسجد بر آنان می چکید. گفتند: یا رسول الله! کاش فرمان دهی مسجد را گل اندود کنند. فرمود، نه، بلکه سقف و سایه بانی همچون سایه بان موسی. چنان بود تا آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت. دیوار مسجد پیش از آن که



سایه بان بر آن بزنند، به اندازه قامت بود. هرگاه که سایه به اندازه یک ذراع - که به اندازه آغل بُز بود - می رسید، نماز ظهر را می خواند. سایه دو برابر آن که می شد، عصر را می خواند.

**34- انس:** پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و دستور ساختن مسجد داد و فرمود: ای بنی نجار! قیمت آن را بر من حساب کنید. گفتند: بهای آن را جز از خدا نمی خواهیم. پس دستور داد گور مشرکان را کنند، ویرانه ها و ناهمواری ها را هموار کردند، نخل ها را بریدند و آن ها را در سمت قبله مسجد چیدند.

### ب - حدود آن

**35- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** اگر این مسجد من تا صنعا ساخته می شد، باز مسجد من بود.

**36- عبدالاعلی غلام آل سام:** به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چه قدر بود؟ فرمود: ۳۶۰۰ ذراع شکسته [۴].

**37- ذریح محاربی:** از امام صادق علیه السلام درباره محدوده مسجد پرسیدم. فرمود: از ستون تا بالا سر قبر تا دو ستون پشت منبر در سمت راست قبله. و از پشت منبر راهی بود که گوسفند از آن می گذشت، یا کسی که کجکی بخواهد برود و پنداشت که محوطه مسجد تا سنگفرش جزء مسجد است.

**38- امام صادق علیه السلام:** محدوده روضه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله تا طرف سایه بانهاست و حدّ مسجد تا دو ستونی که سمت راست منبر به طرف راه است، نزدیک سوق اللیل (بازار شب).

### توضیحی درباره توسعه مسجد پیامبر

مسجد نبوی مانند مسجد الحرام توسعه های مکرری را شاهد بوده است. نخستین توسعه به دست مبارک سازنده آن، حضرت رسول اکرم در سال هفتم هجری صورت گرفته است. سپس عمر به سال ۱۷ هجری و عثمان به سال ۲۹ هجری، هر یک اندکی از سمت غرب و شمال به مسجد افزودند. عثمان از سمت قبله جنوب مسجد نیز چند ستون افزود و برای مسجد محراب ساخت.

در سال ۸۸ هجری عمر بن عبدالعزیز هنگام ولایتش بر مدینه از سوی ولید بن عبدالملک، شش ستون از شرق و غرب و چهارده ستون در شمال مسجد افزود. سپس مهدی عباسی در سال ۱۶۱ هجری ناحیه شمالی مسجد را توسعه داد.

از زمان سلاطین عثمانی، ترمیم و تعمیراتی انجام گرفت و سلطان عبدالمجید عثمانی بیشترین توسعه و تعمیر و تزئین را انجام داد.

اقدامات او از سال ۱۲۶۵ تا آخر دوره سلطنتش (۱۲۷۷ هجری) استمرار داشت.

در زمان معاصر و در سال های ۱۳۷۰ هجری و ۱۴۰۶ توسعه های پهناوری را از همه سوی مسجد به جز سمت قبله شاهد بوده ایم که مساحت مسجد را چند برابر کرده است و به علاوه مساحتی هم در بیرون مسجد برای نماز، تسطیح و سنگفرش شده است. جریان احکام فقهی ویژه مسجد نبوی در این زیادت ها مورد تردید فقها است.

گفتنی است مسجد النبی دو بار طعمه حریق شده است. نخست در سال ۶۵۴ هجری و در زمان خلافت المستعصم بالله بود که به تدریج تعمیر شد. سپس در سال ۸۸۶ هجری تمام مسجد به جز حجره شریف نبوی و گنبد سوخت که به دستور سلطان مصر ملک قایتبای، آن را از نو ساختند. این تجدید بنا در سال ۸۸۸ هجری پایان یافت و در ضمن آن اندکی در جهت مشرق مسجد توسعه دادند.

### ج - فضیلت آن

**39- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** بهترین مقصدی که مرکب ها را به سوی آن سوار شوند، این مسجد من و خانه خداست.

**40- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** تنها به سوی سه مسجد مسافرت می شود: مسجد کعبه، مسجد من و مسجد ایلیا (در شهر بیت المقدس).

**41- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** هر کس با طهارت بیرون شود و قصدی جز آمدن به این مسجد مرا نداشته باشد تا در آن نماز بخواند، مانند انجام حج است.

#### د - فضیلت نماز در آن

42- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یک نماز در مسجد من برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است، بجز مسجد الحرام.

43- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است، مگر مسجد الحرام.

44- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز در مسجد من برابر با ده هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام که نماز در آن با صد هزار نماز برابری می کند.

45- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز شخص در خانه اش، برابر همان یک نماز است ... نمازش در مسجد من برابر پنجاه هزار نماز است و نمازش در مسجد الحرام با صد هزار نماز برابر است.

46- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در مسجد من چهل نماز بخواند، بی آن که حتی یک نماز از او فوت شود، برای او برائت از دوزخ و نجات از عذاب نوشته می شود و از نفاق هم پاک می شود.

47- امام صادق علیه السلام : در این مسجد تا می توانید زیاد نماز بخوانید که برایتان بهتر است و بدانید که گاهی شخص، در کار دنیا زرنگ است و می گویند: فلانی چه قدر هوشمند است، پس چگونه خواهد بود کسی که در کار آخرتش زرنگ باشد!

48- ابوبکر حضرمی : امام صادق علیه السلام مرا دستور داد تا می توانم در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد نماز بخوانم و فرمود: چنین نیست که هر وقت بخوای بتوانی.

49- عمار بن موسی ساباطی : از امام صادق علیه السلام درباره نماز در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم که آیا مثل نماز در شهر مدینه است؟ فرمود: نه، چون که نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله برابر هزار نماز است و نماز در مدینه مثل نماز در شهرهای دیگر است.

#### ه - تمام خواندن نماز در آن

50- امام صادق علیه السلام : در چهار جا نماز تمام است: در مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله ، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام.

#### و - آداب آن

51- امام صادق علیه السلام : هرگاه وارد مسجد شدی، اگر بتوانی (در مدینه) سه روز بمانی: چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه، پس روز چهارشنبه بین قبر و منبر، کنار ستونی که نزدیک قبر است نماز بخوان و کنار آن دعا بخوان و از خداوند، هر حاجتی را که در کار آخرت یا دنیا می خواهی بطلب. روز دوم کنار ستون توبه و روز سوم کنار جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مقابل ستونی که خلوq [۵] آن زیاد است، پس نزد این ستون ها برای هر حاجتی خدا را می خوانی و این سه روز را روزه می گیری.

52- امام صادق علیه السلام : اگر سه روز مدینه ماندی، اولین روزش، چهارشنبه را روزه بگیر و شب چهارشنبه کنار ستون ابولبابه - یعنی ستون توبه، که ابولبابه خود را به آن بست تا آیه ای نازل شد و پذیرش عذر او را از سوی آسمان اعلام کرد - نماز می خوانی و روز چهارشنبه کنار آن می نشینی. سپس شب پنجشنبه نزد ستونی که نزدیک جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله است آمده، شب و روز خود را می گذرانی و روز پنجشنبه را روزه می گیری. اگر بتوانی در این سه روز با کسی حرف نزنی، چنین کن، مگر در حد ناچاری. و جز برای نیاز، از مسجد بیرون نروی و اگر بتوانی نه شب و نه روز نخوابی چنین کن، چرا که همه این ها فضیلت به شمار می آید. سپس روز جمعه خدا را حمد و ثنا کن، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و حاجت خویش را بطلب و از خواسته هایت این باشد:

خدایا هر حاجتی که به درگاہت داشتم، چه به طلب و خواستن آغاز کرده ام یا نه، از تو طلبیده ام یا نه، خدایا من در بر آمدن حاجت‌هایم، چه کوچک و چه بزرگ، به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، به تو روی می آورم.

پس یقیناً سزاوار آنی که به خواست خدا حاجتت برآورده شود.

**53- امام صادق علیه السلام :** هرگاه از دعا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله فارغ شدي، نزد منبر برو و به آن دست بکش و دو قبّه پایین را بگیر و چشم ها و صورتت را به آن بمال، که می گویند شفای چشم است و نزد آن بایست و خدا را حمد و ثنا بگو و حاجتت را بخواه، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میان منبر و خانه ام بوستانی از بوستان های بهشت است و منبر من روی دریچه ای از دریچه های بهشت قرار دارد - و ثرعه همان در کوچک است - سپس نزد جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آمده هر قدر که خواهی در آن جا نماز می خوانی. هرگاه وارد مسجد شدي بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرست و چون خارج شدي نیز چنین کن و در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد نماز بخوان.

**54- امام صادق علیه السلام :** بهترین جای مسجد پیامبر که در آن نماز خوانده شود، نزدیک قبر است. هرگاه وارد مدینه شدي غسل کن، به مسجد برو، به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کن، کنار آن بایست، بر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام بده و به رسالت او و ابلاغ رسالت گواهی بده و بر او زیاد صلوات بفرست و هر چه که خدا برایت گشایش دهد، در آن جا دعا بخوان.

### پانوشت ها

- (1) مَدُّ و صاع، پیمانه و واحد وزن در عربی است.
- (2) حرّه به تپه ها و منطقه های سنگلاخ گفته می شود.
- (3) نوعی گیاه خشک سبز، گورگیاه (فرهنگ لاروس).
- (4) مقصود از ذراع مکسّر، یا حاصلضرب طول و عرض است، یا مقصود آن است که ذراعی معمولی که شش مشت است که یک مشت کمتر از ذراع شاهی است.
- (5) از عطریاتی که از زعفران و جز آن می گیرند، اغلب زرد یا سرخ است.

۲/۱

### تشویق به زیارت آن حضرت

**1- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرکس حج به جا آورد و پس از مرگ من، مرا زیارت کند، همچون کسی است که در حال حیات من، مرا زیارت کرده است.

**2- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هرکس حج گزارد و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است.

**3- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** هر که مرا پس از مرگم زیارت کند، گویا در حال حیاتم مرا دیدار کرده است و هر کس پس از مرگم با من همسایه شود، گویا در حال حیاتم با من همسایه بوده است.

**4- امام علی علیه السلام :** هرگاه به زیارت خانه خدا رفتید، حجّ خود را با زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله تمام کنید، که ترک آن جفاست. به این دستور داده شده اید (و تمام کنید (با زیارت قبرهایی که خداوند، حق و زیارت آن ها را بر شما لازم کرده و نزد این قبرها از خداوند روزی بخواهید).

**5- یحیی بن یسار :** حج انجام دادیم و بر امام صادق گذر کردیم. فرمود: ای زائران خانه خدا و قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و پیروان آل محمد! گوارایتان باد!

**6- عبدالسلام بن صالح هروی :** به امام رضا علیه السلام عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! درباره حدیثی که اهل حدیث روایت می کنند که مؤمنان در بهشت، از خانه های خودشان پروردگارشان را دیدار می کنند چه می گویند؟ فرمود: ای اباصلت! خدای متعال، پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را بر همه آفریدگانش از پیامبران و فرشتگان برتری داد و طاعت او را طاعت خود، پیروی از او را پیروی از خود و زیارت او را در دنیا و آخرت، زیارت خود قرار داد. خداوند فرموده است: هرکس پیامبر را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. و فرمود: آنان که با تو بیعت می کنند، با خدا بیعت می کنند، دست خدا بالایی دست آنان است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس مرا در حال حیاتم یا پس از وفاتم زیارت کند، خدا را زیارت کرده است. رتبه پیامبر در بهشت بالاترین رتبه هاست. هر کس او را در رتبه اش در بهشت از خانه خود دیدار کند خدای متعال را زیارت کرده است.

2 / 2

سلام دادن بر او از نزدیک و دور

7- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس پس از مرگم قبر مرا زیارت کند، همچون کسی است که در حیات من به سوی من هجرت کرده است. پس اگر نتوانستید، به من سلام برسانید، که به من می رسد.

8- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال، برایم دو فرشته آفریده است که هر کس از شهرهای شرق و غرب به من سلام دهد، سلام را به من می رسانند؛ مگر کسی در خانه خودم بر من سلام دهد که خودم جواب سلام او را می دهم.

9- امام صادق علیه السلام : بر مدینه بگذرید و از نزدیک به رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام دهید، هر چند که صلوات، از دور هم به او می رسد.

10- امام صادق علیه السلام : کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صلوات بفرستید، هر چند که صلوات و درود مؤمنان هر جا که باشند به آن حضرت می رسد.

11- امام صادق علیه السلام : عامر بن عبدالله : به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به شتربانم دو یا سه دینار بیشتر دادم تا مرا از مدینه گذر دهد. فرمود: خوب کردی، چه کار آسانی! کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می روی و بر او سلام می دهی. آگاه باش که از نزدیک، سلام تو را می شنود و سلام تو از دور هم به او می رسد.

2 / 3

شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله برای زائرانش

12- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس به زیارت من آید، روز قیامت شفیع او خواهم بود.

13- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس به زیارت من آید و هیچ کاری جز زیارت من نداشته باشد، بر من حق است که روز قیامت شفیع او باشم.

14- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که قبر مرا دیدار کند، شفاعت او بر من رواست و هرکس مرا پس از مرگ زیارت کند، گویا مرا در حال حیات زیارت کرده است.

15- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس برای حجّ به مکه آید و مرا در مدینه زیارت نکند، من هم در روز قیامت بر او جفا می کنم و هر که به زیارت من آید، شفاعت او بر من واجب است و شفاعت هر که بر من واجب شود، بهشت برای او واجب است.

16- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس به خاطر خدا در مدینه مرا زیارت کند، روز قیامت گواه و شفیع او خواهم بود.

17- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که پس از مرگم مرا زیارت کند، چون کسی است که در حال حیاتم مرا زیارت کرده است و روز قیامت، گواه و شفیع او خواهم بود.

2 / 4

پاداش زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله

18- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس برای حجّ به مکه رود، سپس در مسجد من به دیدار من آید، برای او دو حجّ پذیرفته شده نوشته می شود.

19- امام باقر علیه السلام : زیارت قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برابر است با یک حجّ مقبول همراه پیامبر.

20- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس در حال حیات و پس از وفاتم مرا زیارت کند، روز قیامت

در همسایگی (و پناه) من خواهد بود.

**21- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** کسی که به خاطر خدا برای زیارت من به مدینه آید، روز قیامت در همسایگی (و پناه) من خواهد بود.

**22- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :** یا علی! هر کس مرا در حال حیات یا پس از مرگم زیارت کند، یا تو را در حال حیاتت یا پس از وفاتت زیارت کند، یا دو پسر را در حال حیاتشان یا پس از وفاتشان زیارت کند، ضمانت می‌کنم که روز قیامت او را از هول و هراسها و سختی‌های قیامت برهانم و در رتبه خودم و با خودم قرارش دهم.

**23- ابو شهاب :** امام حسین علیه السلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند چیست؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پسر من! هر کس مرا زنده یا مرده زیارت کند، یا پدرت، یا برادرت یا خودت را زیارت کند، بر من حق است که روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش برهانم.

**24- امام صادق علیه السلام :** روزی حسین علیه السلام در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که سر را بلند کرد و عرضه داشت: پدر! فرمود: بله فرزندان! گفت: هر کس پس از وفات تو به زیارتت آید و جز زیارت تو هدف دیگری نداشته باشد، پاداش او چیست؟ فرمود: پسر من! هر کس پس از وفاتم به زیارتت آید و جز زیارت من هدف دیگری نداشته باشد، برای او بهشت است.

**25- ابن ابی نجران :** به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! کسی که با قصد و اراده به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله رود، چه پاداشی دارد؟ فرمود: پاداش او بهشت است.

2 / 5

**ادب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله**

**26- امام باقر علیه السلام :** پدرم امام سجاد علیه السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ایستاد و بر او سلام می‌داد و به ابلاغ رسالت، شهادت می‌داد و هر چه در نظر داشت دعا می‌خواند. سپس پشت خود را به سنگ سبز کم عرضی که کنار قبر است تکیه می‌داد و خود را به قبر می‌چسباند و پشت خود را به قبر تکیه می‌داد و رو به قبله چنین می‌خواند:  
خدایا! پشتم را به سوی تو پناه دادم و پشت خود را به قبر محمد، بنده و فرستاده تو تکیه دادم و رو به قبله ای ایستادم که برای محمد صلی الله علیه و آله پسندیدی. خدایا! من چنین هستم که خیر را که آرزو دارم برای خود در اختیار ندارم و شری را که از آن گریزانم نمی‌توانم دفع کنم. همه کارها در دست توست، هیچ فقیری نیازمندتر از من نیست. من به خیر می‌کنم که بر من نازل کنی، نیازمندم. خدایا! از سوی خودت برای من خیر بازگردان، فضل تو را رد کننده ای نیست. خدایا! به تو پناه می‌برم از اینکه نامم را دگرگون کنی، جسمم را دگرگون سازی یا نعمتت را از من زایل گردانی. خدایا! مرا با تقوا بزرگ بدار و با نعمت‌ها بیاری و با عاقبت، عزم بخش و سپاس عاقبت را روزی ام کن.

**27- امام صادق علیه السلام :** آنگاه که وارد مدینه شدی، پیش از ورود یا هنگام ورود به آن غسل کن. سپس نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آیی، می‌ایستی و بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سلام می‌دهی. سپس کنار ستون جلو که سمت راست قبر است، بالای سر قبر کنار گوشه قبر رو به قبله می‌ایستی در حالی که شانه چپ تو طرف قبر و شانه راست تو به سمت منبر باشد، که آن جا محل سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، و می‌گویی:

گواهی می‌دهم که جز خداوند، معبودی نیست، یکتا و بی شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. شهادت می‌دهم که تو رسول خدایی، گواهی می‌دهم که تویی محمد بن عبدالله، گواهی می‌دهم که رسالت‌های پروردگارت را رساندی و برای امت خویش، خیر خواهی کردی و در راه خدا جهاد کردی و خدا را خالصانه تا لحظه فرا رسیدن یقین پرستی‌دی. با حکمت و موعظه نیکو، [خیر خواه امت بودی]، حقی را که بر عهده داشتی ادا کردی، به مؤمنان رأفت کردی و بر کافران خشونت داشتی، خداوند هم تو را به برترین شرافت جایگاه گرامیان رساند. خداوندی را سپاس که ما را بوسیله تو از شرک و گمراهی نجات داد.

خداوند! درودهایت را و درودهای فرشتگان مقرب و بندگان شایسته و پیامبران فرستاده ات و آسمانیان

و زمینیان و هر که تو را تسبیح گوید، از اولین و آخرین، ای پروردگار جهانیان، بر محمد، بنده و فرستاده و پیامبر و امین و همسخن و محبوب و برگزیده و ویژه و منتخب از بندگان بفرست. خداوندا! او را رتبه و وسیله از بهشت عطا کن و به مقامی پسندیده برانگیز، که مورد غبطه اولین و آخرین باشد. خداوندا! فرموده ای: اگر آنان وقتی بر خویش ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر نیز برای آنان آمرزش می طلبید، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. و من با حالت استغفار و توبه از گناهانم نزد پیامبرت آمده ام و به وسیله تو [ای پیامبر] روی به درگاه پروردگارم و پروردگارت آورده ام تا گناهان مرا ببخشاید.

و اگر حاجتی داشتی، قبر پیامبر را پشت دو شانه ات قرار ده، رو به قبله بایست، دستهایت را برآور و حاجتت را بخواه، که سزاوارتری که اگر خدا بخواهد، حاجتت برآورده شود.

**28- محمد بن مسعود:** امام صادق علیه السلام را دیدم که به قبر پیامبر رسید، دست بر آن نهاد و گفت: از خدایی که تو را برگزید و هدایت کرد و تو را وسیله هدایت قرار داد، می خواهم که بر تو درود فرستد. سپس خواند: خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای مؤمنان، شما هم بر او صلوات و سلام بسیار بفرستید.

**29- اسحاق بن عمار:** به امام صادق علیه السلام گفتم: سلامی کوتاه و سبک بر پیامبر، به من بیاموز. فرمود: بگو:

از خدایی که تو را برگزید و هدایت کرد و وسیله هدایت قرار داد، می خواهم که درودی فراوان و پاک بر تو فرستد.

**30- امام کاظم علیه السلام:** هرگاه به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رفتی و آنچه را بر تو بود انجام دادی، دو رکعت نماز بخوان، سپس نزد سر مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله بایست و بگو:

سلام بر تو ای پیامبر خدا، از سوی پدر و مادرم و همسر و فرزندانم و همه خویشاوندان و همشهریانم، آزدشان و برده شان، سفیدشان و سیاهشان، که اگر خواستی به کسی بگویی: من سلام تو را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رساندم، راست گفته باشی.

**31- احمد بن محمد بن ابی نصر:** به امام رضا علیه السلام عرض کردم: کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سلام بر او چگونه باشد؟ فرمود: بگو:

سلام بر پیامبر خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا. گواهی می دهم که تو برای امت خویش خیرخواهی کردی، در راه خدا جهاد کردی و تا لحظه فرا رسیدن یقین (مرگ) او را پرستیدی. خداوند، بهترین پاداشی را که به پیامبری از سوی امتش عطا می کند، تو را عطا کند. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست. برترین درودی را که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، همانا تو ستوده و شکوهمندی.

**32- ابراهیم بن ابی البلاد:** امام رضا علیه السلام به من فرمود: هنگام سلام دادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله چه می گویی؟ گفتم: آنچه را که می شناسیم و برای ما روایت شده است. فرمود: آیا چیزی بهتر از آن به تو نیاموزم؟ گفتم: چرا، فدایت شوم. آنگاه در حالی که من کنارش نشسته بودم، با خط خویش چنین نوشت و بر من خواند:

هرگاه کنار قبر آن حضرت ایستادی، بگو: گواهی می دهم که جز خدا معبودی نیست، یکتا و بی شریک است و گواهی می دهم که تو محمد بن عبدالله و فرستاده خدایی و شهادت می دهم که تو آخرین پیامبرانی. شهادت می دهم که تو رسالت پروردگارت را رساندی و برای امت خویش خیرخواهی کردی و در راه پروردگارت جهاد نمودی و تا رسیدن یقین، او را پرستیدی و حقی را که بر تو بود، ادا کردی. خدایا بر محمد، بنده و فرستاده و همراه و امین و برگزیده از خلقت، درود فرست؛ بهترین درودی را که بر هر یک از پیامبران و فرستادگانت فرستاده ای. پروردگارا! بر محمد و خاندان او سلام فرست. آن گونه که بر نوح در جهانیان سلام فرستادی و بر محمد و خاندان او منت گذار، آن سان که بر موسی و هارون منت نهادی و بر محمد و خاندان محمد برکت فرست، آنچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم خجستگی بخشیدی، همانا تو ستوده و شکوهمندی. خدایا بر محمد و دودمانش صلوات فرست و بر محمد و خاندان محمد رحمت آور. خدایا! ای پروردگار کعبه و مسجد الحرام و پروردگار رکن و مقام و پروردگار شهر حرام و پروردگار حلّ و حرم و پروردگار مشعر الحرام، از سوی من به روح پیامبرت، محمد، سلام برسان.

33- سید بن طاووس - در شرح زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسی که به تربت با شرافت آن حضرت برسد و اعمال مسجد و الامرته او را انجام دهد - : پس چون وارد مدینه شدی، مستحب است که برای ورود به آن و ورود به مسجد پیامبر و زیارت آن حضرت، غسل کرده باشی. سپس وارد می شوی و به سمت در مسجد که می روی، می گویی:

خدایا! بر آستانه یکی از درهای پیامبرت ایستاده ام - که بر او و پیامبران درود باد - تو مردم را از این که بی اجازه پیامبر وارد خانه های پیامبر شوند، بازداشته ای و فرموده ای: ای کسانی که ایمان آورده اید، وارد خانه های پیامبر نشوید، مگر آن که به شما اجازه دهند. خدایا من به احترام پیامبرت در زمان غیبتش، مثل زمان حضورش اعتقاد دارم و می دانم که فرستادگان و جانشینان زنده اند و نزد تو روزی دارند. جایگاه مرا در این وقت و زمان می بینند و سخن مرا در این زمان و مکان می شنوند و سلام را پاسخ می دهند و تو گوش مرا از سخن آنان پوشانده ای و دریچه فهم مرا به روی مناجات لذت بخش با آنان گشوده ای. پروردگارا، اول از تو و سپس از فرستاده ات - که درود تو بر او باد - اذن می طلبم و از جانشین تو که اطاعتش بر من لازم است، برای ورود به خانه اش در این لحظه اجازه می خواهم و از فرستادگان که بر این حرم مبارک گماشته شده اند و مطیع و شنوای خدایند، اذن می خواهم. سلام و رحمت خدا و برکاتش بر شما، ای فرشتگان گماشته بر این جایگاه مبارک. به اذن خدا و رسول خدا و اذن جانشینانش و اذن شما - که درود خدا به همه شما باد - وارد این خانه می شوم و جویای تقرب به خدا و فرستاده اش محمد و دودمان پاک اویم. پس ای فرشتگان خدا، پشتیبان و یاور من باشید، تا وارد این خانه شوم و خدا را به گونه های مختلف، بخوانم و در پیشگاه خدا به بندگی و در آستان پیامبر به اطاعت، اقرار کنم.

سپس در حالی که پای راست را جلو می گذاری وارد شده، می گویی:  
به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر آیین پیامبر خدا. خدایا مرا به درون شدی راست وارد کن و با برون شدی راست، بیرون آور و از پیش خودت برایم نیرویی یاور قرار بده.  
و صد بار تکبیر می گویی و چون وارد شدی، دو رکعت نماز تحیت مسجد می خوانی. آنگاه به سوی بقعه می روی، چون به آن رسیدی، دست می کشی و می بوسی و می گویی:

سلام بر تو ای فرستاده خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبدالله، سلام بر تو ای آخرین پیامبران. گواهی می دهم، که تو رسالت را رساندی، نماز را بر پا داشتی، زکات را ادا کردی، به نیکی فرمان دادی و از بدی بازداشتی و خدا را تا رسیدن یقین (و مرگ) پرستیدی. پس صلوات و رحمت خدا بر تو و خاندان پاک تو باد.

سپس کنار ستون جلویی که در گوشه ضریح و سمت راست قبر است، رو به قبله بایست، در حالی که شانه چپ به طرف قبر و شانه راست به سمت منبر باشد، که این مکان جایگاه سر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و بگو:

شهادت می دهم، که معبودی جز خدا نیست، یکتا و بی شریک است و گواهی می دهم، که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. گواهی می دهم، که تو فرستاده خدا و محمد بن عبدالله هستی. شهادت می دهم، که رسالت های پروردگارت را رساندی و برای امت خویش خیرخواهی کردی و در راه خدا جهادی شایسته نمودی، در حالی که به طاعت او فرا می خواندی و از نافرمانی اش باز می داشتی و اینکه نسبت به مؤمنان پیوسته مهربان و بر کافران سخت گیر بودی، تا آن که یقین (مرگ) تو را آمد و خداوند تو را به والاترین جایگاه گرامی داشتگان رساند. خدا را سپاس که به وسیله تو ما را از شرک و گمراهی نجات بخشید. خدایا! دروهای خود و دروهای فرشتگان مقرب و بندگان شایسته و پیامبران فرستاده و آسمانیان و زمینیان را از همه تسبیح گویانانت از اولین و آخرین، بر بنده و فرستاده و پیامبرت محمد قرار بده، آن که امین و نجیب و محبوب و ویژه و برگزیده تو و انتخاب شده از میان آفریدگان توست. خدایا او را به جایگاهی ستوده برانگیز که اولین و آخرین بر آن رشک برند. خدایا به او برترین رتبه را ببخش و به بالاترین مرتبه و منزلت بالا ببر و به او وسیله و رتبه بالا و والا عطا کن، آن گونه که خیرخواهانه پیام رساند و در راه تو جهاد کرد و در راه تو بر سختی، شکیب و رزید و دین تو را روشن بیان کرد و حجت های تو را بر پا داشت و به طاعت تو راه نمود و به رضای تو راهنمایی کرد.

خدایا بر او و بر امامان نیک از نسل او و بر نیکان از خاندان او درود فرست، و به همه آنان سلامی فراوان برسان. خدایا، من جز آنان راهی به سوی تو نمی یابم و جز آنان، شفيعی که شفاعتشان پذیرفته باشد، نمی بینم. به وسیله آنان به رحمت تو تقرب می جویم و به ولایت آنان امید بهشت تو را دارم و با بیزاری از دشمنانشان، آرزومند رهایی از عذاب توام. خدایا در دنیا و آخرت، مرا به خاطر آنان آبرومند و از مقربان قرار بده.

سپس به طرف قبر روی گردانده، می گویی:

از خدایي که تو را برگزید و هدایت کرد و سبب هدایت قرار داد، می خواهم که بر تو و بر دودمان پاک تو درود فرستد.

آنگاه دستت را به دیوار ضریح چسبانده، می گویی:

ای پیامبر خدا! پیش تو آمدم و نزد تو هجرت کردم، تا ادا کننده حقی باشم که خدا بر من واجب ساخت که نزد تو آیم. اگر در حال حیات، تو را در نیافتم، پس از وفاتت نزد تو آمده ام، که می دانم احترام تو همچون احترامت در حال حیات است. پس بدین خاطر، نزد خدا گواه من باش.

سپس دست خود را بر چهره ات بکش و بگو:

خدایا! این را بیعتی پسندیده نزد خویش و عهده استوار نزد خود قرار بده، تا مرا زنده داشته ای بر آن زنده مدار و بر وفاداری به شرایط و حدود و حقوق و احکام و لوازم آن. و چون مرا میراندی، بر همین پیمان بمیران و چون برانگیختی، بر همین برانگیز.

آنگاه رو به چهره پیامبر می ایستی. در حالی که قبله را پشت سر و قبر را رو به روی خود قرار داده ای و می گویی:

سلام بر تو ای پیامبر و فرستاده خدا. سلام بر تو ای برگزیده خدا و انتخاب شده از میان آفریده های او. سلام بر تو ای امانت دار و حجت او. سلام بر تو ای واپسین پیامبران و سرور فرستادگان. سلام بر تو ای بشارت و بیم دهنده. سلام بر تو ای دعوتگر خدا به اذن او و ای چراغ فروزان. سلام بر تو و خاندانت؛

آنان که خداوند، پلیدی را از آنان زدود و پاکشان ساخت. ای پیامبر خدا! شهادت می دهم، که تو حق آوردی و راست گفتی. خدا را سپاس که مرا بر ایمان و پذیرش توفیق داد و با اطاعت تو و پیروی از راهت، بر من منت نهاد و مرا از امت تو و پذیرندگان دعوتت قرار داد و به شناخت تو و معرفت امامان از نسل تو رهنمون شد. به وسیله آنچه تو را خرسند سازد، به خدا تقرب می جویم و از آنچه خشم تو را برانگیزد بیزاری می جویم. با دوستانت دوستی و با دشمنانت، دشمنی می کنم.

ای پیامبر خدا! برای زیارت تو آمده و با علاقه آهنگ تو کرده ام، تو را وسیله در آستان خدا قرار می دهم، که تو صاحب وسیله و منزلت والا و شفاعت پذیرفته و دعوت مستجاب هستی. پس نزد خدا برایم شفیع باش، تا مرا ببخشاید و رحمت آورد و توفیق و مصونیت (از گناه) دهد. گناهان و عیبها فراگیر شده، کمر احساس سنگینی می کند و بار سنگین افزون شده است. به ما خبر داده ای و خبر تو راست است که خدای متعال - که سخنش حق است - فرمود: «و اگر آنان، وقتی که بر خویش ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خداوند آمرزش می خواستند و پیامبر نیز برای آنان استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند می یافتند. و اینک ای پیامبر: من آمده ام، از گناهانم آمرزش می خواهم، از نافرمانیها و بدیهایم توبه می کنم و به وسیله تو روی به پروردگارم و پروردگارت آورده ام تا گناهانم را ببخشاید. پس ای شفیع امت، شفیع من باش و ای پیامبر رحمت، پناهم ده. درود خدا بر تو و خاندان پاک تو.

و در حاجت خواستن زیاد می کوشی و سپس در همان جا که هستی، رو به قبله می کنی و قبر را در پشت خود می گیری و می گویی:

خدایا! کارم را در پناه تو نهادم و تکیه گاهم را قبر پیامبر و فرستاده تو قرار دادم و به سوی قبله ای که پسندیده ای روی کردم. خدایا، خیری را که امید دارم برای خودم مالک نیستم و آن بدی را که گریزانم، نمی توانم از نفسم دور کنم. کارها همه به دست توست، تو را به حق محمد و خاندانش و قبر پاک و خجسته و حرمش می خوانم، که بر پیامبر و خاندانش درود فرستی و گناهان گذشته ام را ببخشایی و در باقی مانده عمرم از نافرمانیها مصونم داری و دلم را بر ایمان استوار بداری، روزی مرا بیفزایی، نعمتها را بر من فراوان کنی، بیشترین بهره را از عاقبت، نصیبم گردانی، خانواده و ثروت و فرزندانم را برایم نگهداری و از گزند دشمنان نگهبانم باشی و عاقبت در دنیا و فرجام نیک در آخرت برایم نیکو بداری. خدایا! مرا بیامرز و پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن، زندگان و مردگانشان را بیامرز، همانا تو بر هر چیز توانایی.

و سوره انا انزلناه را یازده بار می خوانی.

سپس به سمت جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله - که بین قبر و منبر است - رفته، کنار ستون مقلقه که نزدیک منبر است می ایستی و آن را روبروی خود قرار می دهی. آن گاه چهار رکعت نماز بخوان و اگر نتوانستی دو رکعت نماز زیارت بخوان و پس از سلام و تسبیحات، بگو:

خدایا! اینجا جایگاه پیامبر است و برگزیده ات از میان آفریدگانت است. آن را بوستانی از بوستان های بهشت قرار داده ای و به وسیله پیامبر، بر هر بقعه دیگر از زمین، شرافت و فضیلت بخشیده ای و حرمش را بزرگ داشته، شکوهش را آشکار ساخته و بر بندگان واجب کرده ای که با نماز و دعا در آن، تبرک جویند و بی آن که من از خودم نیرو و توانایی داشته باشم با رحمت خود مرا در آن قرار داده ای. خدایا!

همچنانکه دوست تو (ابراهیم) در فضیلت بر محبوب تو (محمد) پیشی نمی گیرد، پس دعای مرا در جایگاه محبوبت مستجاب کن. خدایا! در این جایگاه پاک، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد،



درود فرستاي و مرا از دوزخ پناه دهی و با بهشت بر من منت نهي و بر موقعيت من رحمت آوري، لغزش مرا ببخشايد، عمل مرا پاک سازي، رزق را بيفزايد، تندرستي و رشد مرا استمرار بخشي، نعمت را بر من فراوان کنی و خانواده و مال و فرزندانم را برايم نگهداري و مرا از گزند هر تجاوز کار و ستمگر نسبت به من حفظ کنی و عمرم را در طاعت خویش، دراز کنی و به آنچه مایه رضاي تو از من است، توفيق دهی و از آنچه موجب خشم تو بر من است، مصونم داري.

خدایا، من به وسیله پیامبرت و خاندانش که حجت های تو بر بندگانت و امینان تو در زمینت می باشند، به سوي تو توسل می جویم و می خواهم که دعایم را اجابت کنی و در دین و دنیا مرا به آرزو و امید برسانی. ای سرور و مولایم! از تو خواستم، نا امیدم مکن. به فضل تو امید بستم، محرومم مکن، من به رحمتت نیازمندم و جز نیکی و فضل تو چیزی ندارم. از تو می خواهم که مو و پوستم را بر آتش حرام کنی و از خیر، آنچه می دانم و نمی دانم به من بدهی و از من و پدر و مادرم و برادران و خواهرانم هر شری را که می دانم و نمی دانم برگردانی. خدایا! مرا، پدر و مادرم را و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز. تو بر هر چیز توانا و به هر چیز دانایی.

### 34- یونس بن یعقوب: از امام صادق علیه السلام درباره وداع قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسیدم. فرمود: می گویی:

درود خدا بر تو، سلام بر تو. خداوند، این را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.

### 35- امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی از مدینه بیرون آبی، غسل کن، سپس کنار قبر پیامبر صلی

الله علیه و آله برو، پس از آن که از همه حاجتهایت فارغ شدي، آن چه که هنگام ورود می کردی انجام بده و بگو:

خدایا! این را آخرین دیدار و زیارت من از قبر پیامبرت قرار مده. اگر پیش از آن که به زیارت آیم مرا میراندی، من در حال مرگ به همان چیزی که در حال حیات شهادت می دادم، گواهی می دهم، اینکه: جز تو معبودی نیست و اینکه محمد، بنده و فرستاده توست.

۳/۱

### واب زیارت او

1- یزید بن عبدالملک از پدرش از جدش روایت کرده است: بر فاطمه علیها السلام وارد شدم. به من سلام داد و فرمود: چه چیزی سبب شده، اینجا بیایی؟ گفتم: طلب برکت. فرمود: پدرم - او همان است (که می شناسید) - به من خبر داد که هرکس بر او و بر من سه روز سلام دهد، خداوند بهشت را بر او واجب می کند. به او گفتم: در حیات او و حیات تو؟ فرمود: آری و پس از وفات ما.

3 / 2

### ادب زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

#### 2- ابراهیم بن محمد بن عیسی بن محمد عربی: امام باقر علیه السلام روزی با ما سخن گفت و فرمود:

هرگاه به زیارت قبر جدّه ات فاطمه علیها السلام رفتی، بگو:

ای آزمون شده! خدایی که تو را آفریده پیش از آفریندنت تو را آزمود، پس تو را برای آنچه امتحان کرد، شکیبیا یافت و پنداشتیم که ما هواداران تویم و بر آنچه که پدرت - درود خدا بر او - برای ما آورد و جانشین او - درود خدا بر او - برای ما آورد، پذیرنده و شکیباییم. ما اگر تو را تصدیق کردیم، از تو می خواهیم که با تصدیقمان نسبت به پیامبر و وصی او ما را به بشارت ملحق سازي، تا به خودمان مژده دهیم که به سبب ولایت تو، پاک شده ایم.

#### 3- شیخ صدوق: چون از زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فارغ شدم، به طرف خانه فاطمه علیها

السلام رفتم - که از کنار ستونی که نزدیک باب جبرئیل است وقتی وارد می شوي تا آخر بقعه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن است واقع شده است - پس کنار بقعه ایستادم، در حالی که سمت چپم به سوي آن بود و پشت به قبله و رو به بقعه ایستادم، در حالی که غسل کرده بودم و گفتم:

سلام بر تو ای دختر فرستاده خدا. سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو ای دختر حبیب خدا، سلام بر تو ای دختر خلیل خدا، سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا، سلام بر تو ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای دختر برترین پیامبران و فرستادگان و فرشتگان خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین مردم، سلام بر تو ای بانوی زنان جهان، از اولین و آخرین، سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین مردم پس از پیامبر خدا، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای صدیقه شهیده، سلام بر تو ای رضیه و مرضیه، سلام بر تو ای برتر و پاک، سلام

بر تو ای حوری انسی، سلام بر تو ای پروا پیشه پاکیزه، سلام بر تو ای محدثه دانا، سلام بر تو ای ستمدیده غصب شده، سلام بر تو ای شکنجه شده سرکوب شده، سلام بر تو ای فاطمه، دختر پیامبر خدا و رحمت خدا و برکات او بر تو. درود خدا بر تو، بر روح و پیکرت، گواهی می‌دهم، که تو بر اساس دلیل روشنی از پروردگارت گذشتی (و عمر به پایان بُردی) و اینکه هر که تو را خشنود سازد، پیامبر را خشنود کرده و هر که بر تو جفا کند، بر رسول خدا جفا کرده است. هر که تو را بیازارد، رسول خدا را آزرده و هر که با تو پیوند برقرار کند با پیامبر، پیوند برقرار کرده و هر که از تو ببرد از پیامبر بریده است، چرا که تو پاره ای از پیامبر و جان اوئی که در سینه اوست، همچنانکه خودش فرمود - برترین سلام و درود خدا بر او باد -.

خدا و فرستادگانش و فرشتگانش را گواه می‌گیرم، که من از کسی خشنود هستم که تو از او خشنودی، خشمگین از کسی هستم که تو بر او خشمگینی، بیزار از کسی هستم که تو از او بیزاری و دوستدار کسی هستم که تو با او دوستی می‌کنی، دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی، کینه دار از کسی هستم که تو از او کینه داری، دوست دارم کسی را که تو او را دوست داری و خدا برای گواهی و حسابگری و پاداش و ثواب، کافی است.

3 / 3

مدفن فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله

**4- امام صادق علیه السلام:** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میان قبر و منبر من باغی از باغ های بهشت است و منبر من بر دریچه ای از دریچه های بهشت است چرا که قبر فاطمه علیها السلام میان قبر و منبر اوست و قبر او بوستانی از بوستان های بهشت است و دریچه ای از دریچه های بهشت به سوی آن است.

**5- احمد بن محمد بن ابی نصر:** از امام رضا علیه السلام پرسیدم که فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله کجا دفن شد؟ فرمود: مردی همین سؤال را از امام صادق علیه السلام کرد و عیسی بن موسی هم حاضر بود. عیسی به او گفت: در بقیع به خاک سپرده شد. آن مرد به امام صادق علیه السلام گفت: چه می‌گویی؟ حضرت فرمود: این شخص به تو گفت. به آن حضرت عرض کردم: خدا خیرت دهد. من با عیسی بن موسی چه کار دارم؟ تو از پدرانت برای من خبر ده. امام فرمود: در خانه خودش دفن شد.

**6- احمد بن محمد بن ابی نصر:** از امام رضا علیه السلام از قبر حضرت فاطمه علیها السلام پرسیدم. فرمود: در خانه اش دفن شد. چون بنی امیه مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرار گرفت.

بیان

شیخ صدوق گفته است: در اینکه قبر حضرت فاطمه علیها السلام کجاست، روایات مختلف است. برخی روایت کرده اند که در بقیع دفن شد، برخی روایت کرده اند که میان قبر پیامبر و منبر مدفون گشت و از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: میان قبر و منبر من باغی از باغ های بهشت است، بعضی هم روایت کرده اند که در خانه اش دفن شد و چون بنی امیه مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرار گرفت. و این نزد من درست است.

3 / 4

باغی از باغ های بهشت

**7- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** میان خانه و منبر من، باغی از باغ های بهشت است و منبر من بر حوض من است.

**8- معاویه بن وهب:** به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: میان خانه و منبر من باغی از باغ های بهشت است؟ فرمود: آری. و فرمود: خانه علی و فاطمه علیهما السلام مابین خانه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن است، تا دربی که رو به روی کوچه ای است که به بقیع می‌خورد. فرمود: اگر از آن در وارد شوی و دیوار سرچایش باشد به شانه چپ تو می‌خورد. سپس خانه های دیگر را نام برد.

**9- ابوبکر حضرمی** از امام صادق علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میان خانه و منبر من باغی از باغ های بهشت است و منبر من دریچه ای از دریچه های بهشت است و

پایه های منبر من در بهشت روییده است.  
ابوبکر حضرمی گفت: امروز هم باغ است؟ امام صادق علیه السلام فرمود: آری، اگر پرده کنار رود، می بینید!

**10- جمیل بن درّاج:** شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بین منبر و خانه من باغی از باغ های بهشت است و منبر من بر دریچه ای از دریچه های بهشت است و یک نماز در مسجد من برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام.  
جمیل گوید: به آن حضرت گفتم: خانه های پیامبر و خانه علی علیه السلام از همان است؟ فرمود: آری و برتر.

**11- مرّازم:** از امام صادق علیه السلام درباره آنچه مردم نسبت به روضه (باغ) می گویند، پرسیدم. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بین خانه من و منبر من، باغی از باغ های بهشت است و منبر من بر دریچه ای از دریچه های بهشت است.  
گفتم: فدایت شوم، حدّ روضه چیست؟ فرمود: بعد از ستون چهارم از طرف منبر تا سایه ها. گفتم: فدایت شوم آیا از صحن مسجد هم چیزی جزء آن است؟ فرمود: نه.  
۴/۱

### ثواب زیارتشان

**1- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** هرکس مرا یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، روز قیامت او را زیارت کرده، از هراس های آن روز نجاتش می دهم.  
**2- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:** اما حسن... هر کس در بقیعش او را زیارت کند، در روزی که قدمها می لغزند، گام او بر صراط استوار می ماند.

**3- ابراهیم بن عبدالله:** حسن بن علی علیه السلام گفت: یا رسول الله، پاداش کسی که ما را زیارت کند، چیست؟ فرمود: هرکس که مرا زنده یا مرده زیارت کند، یا پدرت را زنده یا مرده زیارت کند، یا برادرت را زنده یا مرده زیارت کند، یا تو را زنده یا مرده زیارت کند، بر من است که او را روز قیامت نجات دهم.

**4- زید شحّام:** به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟ فرمود: مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد.

**5- ابو عبدالله حرّانی:** به امام صادق علیه السلام عرض کردم پاداش کسی که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند، چیست؟ فرمود: هر کس نزد او رود و زیارتش کند و نزد او دو رکعت نماز بخواند، برای او یک حجّ پذیرفته نوشته می شود پس اگر چهار رکعت نماز در آن جا بخواند، برای او یک حج و یک عمره نوشته می شود.  
گفتم: فدایت شوم، آیا برای هر کس که یک امام واجب الاطاعه را زیارت کند، نیز چنین است؟ فرمود: چنین است، برای هر کس که یک امام واجب الاطاعه را زیارت کند.

**6- امام صادق علیه السلام:** هرکس مرا زیارت کند، گناهانش بخشوده می شود و فقیر از دنیا نمی رود.

4 / 2

### ادب زیارت قبور امامان در بقیع

**7- امام باقر یا امام صادق علیهما السلام:** هرگاه به زیارت قبور امامان علیهم السلام در بقیع رفتی، کنار قبرشان بایست و قبله را پشت سر و قبر را رو به روی خود قرار بده، سپس بگو:  
سلام بر شما پیشوایان هدایت، سلام بر شما اهل نیکی و تقوا، سلام بر شما ای حجّتها (ی خدا) بر اهل دنیا، سلام بر شما ای بر پادارانندگان عدالت در میان مردم، سلام بر شما اهل گزینش و انتخاب. سلام بر شما ای خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، سلام بر شما اهل نجوا. گواهی می دهم، که شما رساندید، خیرخواهی کردید و در راه خدا صبر کردید. شما را تکذیب و به شما بدی کردند، شما بخشودید. شهادت می دهم، که شما امامان راه یافته و هدایت یافته اید و اینکه پیروی از شما واجب است و سختن راست است و اینکه شما دعوت کردید ولی پاسخ نگفتند، فرمان دادید ولی فرمان نبردند و اینکه شما پایه های

دین و ستون های زمینید. همواره در چشم عنایت خدایید، شما را در پشت و تیره هر پاک، جا به جا می کند و از رَحَم های پاک منتقل می سازد. جاهلیت تیره، شما را نیالوده و فتنه های هوس ها شریکتان نشده است. پاک شدید و خاستگاه شما پاکیزه شد. خداوند کیفر دهنده، بر ما بوسیله شما مُنت نهاد و شما را در خانه هایی که اجازه داده بالا رود و در آن خانه ها نام خدا یاد شود، قرار داده است و درودهای ما را بر شما، وسیله رحمت بر ما و مایه پوشاندن و آمرزش گناهانمان قرار داده است، چرا که شما را برای ما برگزید و پاکی آفرینش ما را با ولایت شما که بر ما مُنت نهاد، قرار داد و ما نزد خدا، نامزد علم شما و اقرار کنندگان به تصدیق ما نسبت به شما بودیم. اینجا، جایگاه کسی است که اسراف و خطا کرده، درهم شکسته و به جنایت خویش اعتراف کرده و با این جایگاه، امید رهایی دارد. و اینکه به سبب شما نجات یابد؛ نجات هلاک یافتگان از پستی و نابودی. پس شفیعان من باشید، چون من نزد شما آمده ام. چرا که اهل دنیا از شما روی گردان شده و آیات خدا را به سخره گرفته و متکبران از آن ها روی برتافتند. ای خدای پابرجایی که اشتباه نمی کند، ای آن که ابدی است و اهل بازیچه نیست و بر هر چیز احاطه دارد، (خدایا) بر من مُنت داری که توفیق دادی و پیشوایانم را به من شناساندی و به آنچه مرا بر آن استوار داشتی، آنگاه که بندگان از آن روی تافته و نسبت به شناخت آن جاهل شده و حق او را سبک شمرده و به دیگری گرویدند. بر من منت داری، با گروههایی که آنان را نیز مخصوص ساختی به آنچه مرا بدان ویژه ساختی. تو را سپاس، که نزد تو در این جایگاهم، یاد شده و نوشته شده ام. پس از آنچه امید دارم، نا امیدم مکن و در آنچه که در این جایگاه از تو خواستم، ناکامم مگردان. به حرمت محمد و دودمان پاک او. و هر چه دوست داری، برای خودت دعا کن.

1- **امام صادق علیه السلام**: از قبوری که در مدینه سزاوار است نزد آن رفته و دیده شود و آن جا نماز خوانده شود و عهد و پیمان بسته گردد ... قبر حمزه و قبور شهیدان است.

2- **امام صادق علیه السلام**: به ما چنین رسیده است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار قبور شهدا می رفت، می گفت:

سلام بر شما به خاطر شکیبایی شما، پس چه خانه خوش فرجامی!

3- **امام صادق علیه السلام**: حضرت فاطمه علیها السلام هر صبح شنبه به زیارت قبور شهدا می رفت، نزد قبر حمزه می رفت و برای او رحمت و آمرزش می طلبید.

4- **امام صادق علیه السلام**: حضرت فاطمه علیها السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز زیست، که هرگز خوشحال و خندان دیده نشد. در هر هفته دوبار به زیارت قبور شهدا می رفت، دوشنبه و پنج شنبه و می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله این جا بود و مشرکان آن جا بودند. کلینی گوید: در روایت دیگری ابان با واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فاطمه علیها السلام آن جا نماز و دعا می خواند، تا آن که وفات یافت.

5- **امام صادق علیه السلام**: هرگاه این قسمت را (زیارت مساجد مدینه) به پایان رساندی به سمت احد می روی و از مسجدی که پایین کوه است آغاز می کنی. آن جا نماز می خوانی، سپس بر قبر حمزه بن عبدالمطلب گذشته، بر او سلام می دهی، بر قبر شهدا گذشته و نزد آنان می ایستی و می گویی:

سلام بر شما، اهل این دیار. شما پیشتانز مایید، ما نیز به شما خواهیم پیوست.

سپس به مسجدی می روی که در آن جای وسیع نزدیک کوه در سمت راست تو می باشد، وقتی که وارد احد می شوی و در آن نماز می خوانی. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رویارویی با مشرکان به احد بیرون رفت، از آن جا بیرون رفت. آن جا بودند تا وقت نماز رسید و در آن جا نماز خواند. سپس ادامه بده تا برگردی و نزد قبور شهدا، نماز واجب خویش را بخوانی...

6- **سید بن طاووس** - در ذکر زیارت قبور شهدای احد - : کنار آنان می ایستی و می گویی:

سلام بر رسول خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محمد بن عبدالله، سلام بر دودمان پاک او. سلام بر شما ای شهیدان مؤمن. سلام بر شما ای خاندان ایمان و یکتاپرستی. سلام بر شما ای یاوران دین خدا و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان. پس چه خانه خوش فرجامی! سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان. پس چه خانه خوش فرجامی! گواهی می دهم، که خداوند شما را برای دین خود برگزید و برای (باری) رسولش انتخاب کرد و شهادت می دهم که شما در راه خدا با شایستگی جهاد کردید و از دین خدا و پیامبر او دفاع کردید و در راه او جان را بخشیدید. شهادت می دهم، که شما بر آیین و راه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

کشته شدید. خداوند از سوي پیامبرش و از سوي اسلام و مسلمانان بهترين پاداش را به شما بدهد و چهره هاي شما را در جايگاه رضوان و اکرامش (بهشت برين) به ما بشناساند، همراه با پیامبران ، صدیقان، شهيدان، صالحان و چه نيکو رفیقانند اينان. گواهي مي دهيم، که حزب خداييد و هر که با شما جنگيد، حزب شيطان است و اينکه شما از مقرّبان و رستگارانيد؛ آنان که زنده اند و نزد پروردگارشان روزي مي خورند. لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر قاتلان شما.

اي اهل توحيد! به زيارت شما آمده ام ، شناساي حق شمايم و با زيارت شما به خداوند تقرب مي جويم و به کارهاي شايسته گذشته و عمل هاي پسنديده، دانايم. سلام و برکات خدا بر شما و لعنت و خشم خدا بر کُشندگان شما. خدايا! با زيارتشان مرا بهره مند ساز و بر راهشان مرا استوار بدار و بر همان مرامي که آنان را ميراندي، مرا نيز بميران و در قرارگاه رحمتت، ميان من و آنان جمع کن. گواهي مي دهيم، که شما پيشتاز مايبید و ما به شما خواهيم پيوست.

و سوره انا انزلناه را مکرر، تا مي تواني مي خواني و به خواست خدا باز مي گردي.